تا ابد استوار

مؤلف: علی‌اکبر محمودی

سرشناسه	: محمودی، علی‌اکبر، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: تا ابد استوار/مؤلف علی‌اکبر محمودی
مشخصات نشر	: تهران: حریم دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص.: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۰۶-۹۸-۳
وضعیت‌فهرست‌نویسی	:فیپا
موضوع	: هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ - -- سرگذشتنامه
موضوع	: Hashemi Rafsanjani, Akbar -- Biography
موضوع	: سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	: ۲۰th century -- Biography -- Politicians, Iranian
شناسه افزوده	: سید ابراهیمی، مریم سادات، ۱۳۷۳ - ویراستار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۲ت۳م/DSR۱۷۱۰
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۶۲۸۶۱

عنوان کتاب: **تا ابد استوار**
مؤلف: **علی‌اکبر محمودی**
ویراستار: **فاطمه سپهریان بهاری‌نژاد** و **مریم‌سادات سیدابراهیمی**
طراح وگرافیست: **حمیدرضا منتظری**
ناشر: **حریم دانش با همکاری نشر برد (دکتر پورمومن** و **دکتر چلاجور)**
ناظر چاپ: **دکتر احمد مکری**
نوبت چاپ: **اول ۱۳۹۵**
تیراژ: **۱۰۰۰ جلد**
شابک: **۹۷۸-۹۶۴-۲۷۰۶-۹۸-۳**

کلیه حقوق چاپ و نشر برای انتشارات حریم دانش محفوظ می‌باشد.

مرکـز پخـش: میـدان انقـلاب، ضلـع جنـوب شرقـی میـدان انقـلاب، پـلاک ۱۱ جدیـد، کتاب‌فروشـی گلریـزان. **تلفـن:** ۶۶۹۷۶۲۳۰ - ۰۹۱۲۳۴۶۰۸۵۹
جهت خرید این کتاب می‌توانید به سایت انتشارات (**HarimeDanesh.ir**) نیز مراجعه نمایید.

تقدیم به روح بلند و آسمانی پدر بزرگوارم

منصور محمودی

هم او که از کودکی بذر محبّت آیت الله هاشمی رفسنجانی را با زمزمه هایش در قلبم کاشت، آنجایی که می‌گفت: «خداوند به واسطه صبر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این انقلاب را از گزند دشمنان و بدخواهان محفوظ و مصون خواهد داشت.»

سخن‌نخست

سخن گفتن از اکبر هاشمی رفسنجانی، امری سهل و ممتنع است:

سهل از آن رو که می توان درباره او بسیار گفت، از خلقیات و رفتارش، تا دانش و عملکردش، از خاطراتش تا آثارش، از اهدافش تا دستاوردهایش، بسیار گفته اند و بسا کم گفته شده است.

اما ممتنع و ناممکن از آن جهت که ادا کردن حق این بزرگمرد تاریخ پرافتخار ایران، اگر نگوییم محال، امری دشوار است، چگونه می‌توان در قالب واژگان و فرصتی محدود بیش از شصت سال مجاهدت خالصانه و مبتنی بر عقلانیت، صبر و امید را به نگارش درآورد.

با این وجود، وظیفه ما تلاش در جهت تبیین و ثبت این عمر پربرکت برای نسل‌های آینده وتاریخ معاصر است.

در مجموعه پیش رو جناب آقای علی‌اکبر محمودی، از نویسندگان خوش قلم و دلسوز کشور که یکی از دوستداران خالص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی محسوب می‌شود، تلاش کرده است که زندگانی این ابرمرد ایران معاصر را در حجمی محدود تلخیص و روایت کند.

این مرور کوتاه و گذارا شاید برای نسل جوان که به مطالعه نوشتارهای موجز و فشرده علاقه‌مندند از آثار تفصیلی و مشروحی که درباره ایشان به نگارش درآمده است، جذاب‌تر باشد.

به نوبه خود از زحمات و تلاشهای نویسنده در نگارش این مجموعه قدردانی کرده و امیداوارم همه ما بتوانیم با ایفای مسئولیت گرانسنگ خود در قبال جامعه و وطنمان، پای در مسیر طولانی بگذاریم که آیت الله هاشمی رفسنجانی از سابقون و پیشتازان آن بود.

یاسر هاشمی رفسنجانی

پیشگفتار

ولایتمداری و جدا نشدن از ملت دو مولفه مهم شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود که باعث شده بود تا ایشان به عنوان محور اعتدال ایران به حساب آید. ایشان با تکیه بر این دو عنصر توانسته بودند تا به این زمان و امروز با همه ناملایمات داخلی و خارجی بین‌المللی و عنادگران داخلی، منظم و مستحکم و استوار به پیش بروند. میلیون‌ها انسان دل در گرو اهداف برنامه‌ها و هدایت‌های آیت‌الله هاشمی دارند چرا که ایشان محوری برای تعادل و میانه‌روی در جامعه اسلامی است.

حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از جوانی تاکنون برای رسیدن به اهداف مردم‌سالارانه و استقرار و تثبیت و تقویت مردم‌سالاری دینی عزیز از هیچ اقدامی فروگذار نکرده بودند و آنچه در توان علمی و عملی و وجودی خود داشتند برای این مردم ادا و اجرا کرد.

آیت الله هاشمی در عالم سیاست، جامعه و میدان عمل، هیچ‌گاه فرد نبود، بلکه شخصیتی بزرگ، تاریخ ساز، ملت ساز، حکومت ساز، دولت‌ساز و رهبری معتدل و عادل بود. امروز نمی توان از همه خصائص حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت چراکه شخصیت ایشان در ابعاد مختلفی همچون اسلام شناسی، مبارزه، انقلابی‌گری، تفسیر قرآن، اخلاق مداری، رافت، همراهی با مردم، قابل تفسیر و تبیین است. می‌توان از خاطرات ایشان در ساخت و ایجاد لحظه لحظه این انقلاب نوشت و آن را منتشر کرد تا برای تاریخ بماند و درسی برای آیندگان باشد تا سال‌های سال ایشان را بشناسیم و در مکتب ایشان درس بگیریم و مسیر خویش را بیابیم.

خاطرات ماندگاری که ایشان به تحریر درآورده است لحظه لحظه این انقلاب را تفسیر می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا نابخردان، ناکسان و تندرویان و آنانی که همه خصلت‌های این ملت عظیم را برای اهداف زود گذر خود می‌خواهند با تندروی و با جسارت دستاوردهای بزرگ این انقلاب را تخطئه کنند.

آیت‌الله هاشمی هیچ گاه هدف را فراموش نکرد و در همه تلاطم‌ها، سختی‌ها و گرفتاری ها و شرایط بسیار سخت و سنگین که در مقاطع مختلف تاریخ انقلاب اسلامی بروز می‌کرد، هیچ گاه هدف را فراموش نکرد و دچار گرفتاری های روزمره نشد و مسائل روزانه و مسائل مبتدیانه ایشان را گرفتار نکرد تا از مسائل اصلی و اهداف بزرگ انقلاب

یک لحظه جدا شود و آن‌ها را نادیده بگیرد.

حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی علاوه بر خصایص انقلابی، اسلام‌شناس و مفسر بزرگ قرآن کریم بود.ایشان علاوه بر تفسیر با تالیف کتاب‌هایی، برای رهروان خویش مسیر راه را مشخص می‌کرد که از ابتدای انقلاب و قبل از انقلاب با نگارش کتاب‌هایی همچون امیرکبیر و فلسطین شاخه‌های اصلی این مسیر روشن شد که برای آبادانی کشور باید در مسیر سازندگی و ماندگاری حرکت کرد و برای مبارزه با استکبار و ستمگران نیز حرکت های انقلابی را تداوم بخشید.

حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی همچنین در مدیریت جامعه نیز نقش بسیار ارزنده ای را ایفا کردند، ایشان یک استراتژیست و راهبردگرای بزرگ با اتکا به هوش سرشار بود. حضرت آیت الله هاشمی انسانی است که هیچ گاه هدف‌های خرد را فدای هدف های اساسی و استراتژیک کشور و جامعه نکرد چرا که مدیری آینده نگر بود و این امر نه تنها در زبان بلکه در بیان، رفتار و منش ایشان قابل مشاهده بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یک فرد تصمیم ساز و تصمیم گیر بود و در شرایط بسیار سخت کشور هیچ گاه اسیر مسائل مرحله ای و جزیی زمان نشد هرچند در این بین صرفا در مسائل کلان هم غوطه‌ور نشد و به مسائل جزیی و به مسائلی که می‌توانست کوچک‌ترین تغییر و تفسیر غلطی از فعالیت ها و مسیر اصلی امام راحل(ره) و اسلام و انقلاب ایجاد کند، توجه می‌کرد.

حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی فردی ریسک پذیر، اثر گذار و پیش برنده امور بود که هیچ‌گاه صرفا به گذشته و به حال فکر نمی کند و حرکت جامعه را رو به سوی آینده و برای آینده ای روشن و هدفمند پیش می‌دانست. ایشان همچنین هیچ‌گاه در زمان متوقف نشده و هر روز و هر لحظه در حال حرکت و مسیریابی در جهت رفع مشکلات و مسائل بود. ایشان با این مسلك، کشور و ملت را همراه خویش به سمت و سوی اهداف عالی، بلند نظام و انقلاب اسلامی و ولایت هدایت می‌کرد.

حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی با همه فشارها و تهمت‌ها، با آن همه ناملایمات و سختی‌ها که بر ایشان گذشت همچون کوهی استوار با قلبی فراخ در مقابل همه

آنها ایستادگی کرد و در حالیکه دشمنان داخلی و خارجی ایشان انتظار شکستن ایشان را می‌کشیدند اما آیت الله هاشمی رفسنجانی هیچ‌گاه نشکست و سترگ و محکم در مقابل این نابخردان ایستادگی کرد و با منش و منطق خود آن ها را منفور کرد.

امروز برخی از سر نادانی یا عناد مسائلی را مطرح می‌کنند که این پیوند همان ناملایماتی است که دیگران برای اینکه تا ایشان را از خط ملت و رهبری و امام (ره) جدا کنند داشتند و اما حقانیت ایشان با سعه صدر برای جامعه بزرگ ایران اسلامی به وضوح، روشن شده است.

سعه صدر آیت‌الله هاشمی باعث شده بود تا آبی بر آتش سهمگین نابخردان بریزد و پاسخی محکم به همه عنادگران باشد چراکه ایشان هیچ گاه از خط مستحکم ملت و ولایت جدا نشد همواره در کنار آنان حرکت کرد.

ایشان در مقاطع مختلف و مسیرهای مختلف به ویژه در صحنه‌های مختلف انقلاب فردی گوشه‌نشین و منزوی نبود بلکه انسانی حاضر در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و همواره کارساز و مسیر گشا بود.

حضرت آیت‌الله هاشمی انسانی تحول گرا و تحول خواه بود و هیچ‌گاه از اهداف بلند تحولات و نیازهای جامعه دور نمی‌ماند به طوری که اگر اتفاقی برای امروز کشور و ملت نیاز بود آن را انجام می‌دهد و اگر با انجام اصلاحات نیازی برای سال های بود با جرات و جسارت در مسیر اصلاح آن حرکت می‌کرد.

افسوس که با وفات ایشان آنگونه که باید نتوانستیم تمامی ابعاد شخصیتی ایشان را به خوبی درك کنیم اما همین اندازه درمی‌یابیم که صبر و سکوت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی فریادی به بلندای آسمان و اسراری به وسعت دریاهاست. بی‌تردید سال‌ها خواهد گذشت و مطالبت بسیاری به تحریر درآورده خواهد شد تا بدانیم یاردیرین امام(ره) که بود، چه کرد و چه به یادگار گذاشت.

مرتضی بانک

عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه

مقدمه

یا مَن هُوَ یَبقَی وَ یَفنَی کُلّ شَیءٍ

نگارش برخی مطالب با داشتن اطلاعات پس‌زمینه‌ای گاه آسان به نظر می‌آید اما در این میان کنار هم چیدن واژه‌ها درباره برخی شخصیت‌ها آن‌چنان سخت و دشوار است که نگارنده را برای واژه‌ای تا دوردست‌ها رهنمون خواهد ساخت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مردی که تمامی افراد ایران و بسیاری از مردم و سیاستمداران جهان نام وی را شنیده و درباره‌اش مطالبی نگاشته و اطلاعاتی کسب کرده‌اند، اما شناخت این شخصیت از ابعاد مختلف نیازمند نگاهی دقیق‌تر و عمیق‌تر است.

نگاهی به زندگی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیانگر این حقیقت است که این شخصیت سیاسی تأثیرپذیری بسیاری از قرآن دارد. نگاهی به زندگی ایشان مبین چندین رویکرد مشخص است اما بی‌تردید مهم‌ترین شاخصه ایشان را می‌توان صبر این شخصیت دانست. صبری که نشان از درک صحیح آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از کلام خداوند دارد.

در این میان اکثریت قریب به اتفاق مردم کشور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به‌عنوان یک سیاست‌مدار برجسته می‌دانند، شناختی که می‌تواند ناشی از نگاه بیرونی باشد اما در حقیقت آنچه شاکله وجودی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را شکل و زینت داده انس ایشان با قرآن است که از دوران کودکی مسیر زندگی ایشان را ترسیم کرده است.

ایشان در مورد مبانی فکری و اعتقادی خود از جوانی تاکنون و نقش موثر حضرت امام در شکل‌گیری شخصیت اعتدالی ایشان می‌گوید: «تمام اصولی که از قرآن و روایات و مدرسین خود به‌ویژه امام راحل یاد گرفته‌ام شیوه اعتدال‌گرایی است. مطالعات دینی، تجربیات سیاسی و مدیریتی‌ام از دوران نوجوانی در روستا، طلبگی در قم، مبارزه و مسئولیت‌های مختلف در کشور نیز بر اعتدال در تمامی زمینه‌ها و مراحل زندگی بشر صحه می‌گذارد. امام راحل نیز در زندگی شخصی علاوه بر اینکه از زهد فروشی و ریا به‌شدت پرهیز داشتند و به‌طور کامل مشی اعتدال‌گرایانه را رعایت می‌کردند و همواره به شاگردان خود نیز به حفظ حالت اعتدال تأکید داشتند».

با این اوصاف به نظر می‌رسد تفکر عده‌ای تندرو در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب این بوده که جلوه و شخصیت قرآنی و تفاسیر ارزشمند ایشان از قرآن، برای مردم آشکار نشود.

آیت‌الله معرفت درباره نگاه قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌فرماید: «بهتر است مفسران قرآنی شیوه خود را عوض کنند و با الگوبرداری از تفسیر قرآن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به بیان پیام‌های درونی آیات برای مردم بپردازند». خود این پیام تا حدودی بیانگر شخصیت قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و لزوم شناخت این مشی است.

در کنار شاخصه قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، همان‌گونه که در پیام ایشان اشاره شد مهم‌ترین خصلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را مشی اعتدالی می‌توان برشمرد، مسیری که در طول زندگی مبارک ایشان به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی موردحمله و هجمه تندروهای افراطی قرار گرفت و البته با تقابلی صبورانه و اعتدال‌گرایانه همراه می‌شد تا جایی که حتی گاه اعتراض همراهان را مبنی بر پاسخ کوبنده به این هجمه‌ها را به همراه می‌داشت اما پاسخ ایشان تنها دعوت به صبر و اعتدال بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص برخوردهای گاه‌وبیگاه دوگانه اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در مقاطع مختلف زمانی با ایشان می‌گوید: «لفظ‌هایی چون محافظه‌کار، رادیکال و معتدل همیشه وجود داشته و به گروه و جناح خاصی تعلق ندارد. من در اصول و مبانی فکری اعتدالی خود همواره ثابت بوده‌ام و به همین دلیل هم در مقطعی از زمان برخی اصلاح‌طلبان افراطی و در مقطعی دیگر اصولگرایان افراطی به دلیل حب و بغض‌های افراط‌گرایانه‌شان رفتاری دوگانه با من داشتند».

مشی اعتدالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی باعث گردیده بود که در دوره ریاست مجلس ایشان، مجلس شورای اسلامی به کانونی برای حل اختلاف جناح‌های سیاسی تبدیل گردد و روزانه مراجعات بسیاری به ایشان برای حل اختلاف و حکمیت بین جریان‌های مختلف گردد. نکته جالب اینجاست که جناح‌های معترض و یا اقلیت نیز همواره به هاشمی رفسنجانی به‌عنوان تکیه‌گاه می‌نگریستند چراکه باور داشتند ایشان با مشی اعتدالی خود حقیقت را فدای مصلحت و سیاست نمی‌کند.

از همین روست که نهضت آزادی و در برهه‌ای جناح موسوم به چپ نیز در هنگام مشکلات خود به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مراجعه می‌کردند.

در این کتاب سعی شده تا در کمال تلاش و باوجود تمام کاستی‌ها، نمونه‌های بسیاری از مشی اعتدالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ذکر شود، از اعتراض به شعار مرگ بر بازرگان در نماز جمعه تا شفاعت قطب‌زاده و آیت‌الله شریعتمداری نزد امام در ماجرای کودتای نوژه یا سفارش جهت مواظبت بیشتر و تقبیح خشونت علیه آیت‌الله منتظری پس از استعفای ایشان از قائم‌مقامی رهبری و مواردی از این دست که در قالب واژه‌ها و صفحات بیان می‌شود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در طول ۸۲ سال عمر بابرکت خویش همواره با حرکت در مسیر اعتدال و میانه‌روی به الگو و اسوه‌ی صبر سیاستمدارانه تبدیل شد. ایشان که در طول سال‌های پس از انقلاب بارها از تفکر ناصواب معاندنشان مورد هجمه و تهمت و افترا قرار می‌گرفتند، همواره صبر و سکوتی پیشه می‌کردند که جای سوال و اعتراض اطرافیانشان را نیز به وجود می‌آورد. صبر و سکوتی که نتیجه آن را می توان در اشك و اندوه همین افراد ناشی از اقداماتشان در زمان درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی مشاهده کرد. فوج عظیم ملت در بدرقه آیت الله هاشمی رفسنجانی تا دیار باقی آنچنان تلخ و،بی‌تکرار و اندوهگین بود که قلم در وصف و بیان آن ناتوان است. خیابان‌های تهران، کوچه و دیوارها و حال و هوای شهرها و روستاهای ایران اسلامی در روزهای ۱۹ تا ۲۱ دی ماه ۱۳۹۵، تاثر و تالم مردم و ملت بزرگ این سرزمین را در غم از دست دادن یاور و سردار و پشتیبان بی‌ادعا و بی‌انتها را به یاد می آورد. روزهایی که چشم‌ها گریان از فراق و دل‌ها غمناك فقدان بود. اندوه و تالم خاطر وصف‌ناپذیر ملت و مسئولان که نمونه آن پس از درگذشت امام خمینی (ره) بی‌نظیر بود را الگو و مشی خویش در نگارش این کتاب دانستیم و در وصف مراد صبر و ایستادگی خویش که تا بی نهایتِ زمانِ تاریخ استوار خواهد ماند، این گونه قلم‌فرسایی کردیم؛ **تا ابد استوار**.

علی‌اکبر محمودی

فروردین ماه ۱۳۹۵

- سخن نخست ۷
- پیشگفتار ۸
- مقدمه ۱۱

فصل اول

- دوران کودکی..... ۲۲
- ورود به حوزه و تأثیرپذیری از شخصیت امام(ره)..... ۲۳
- پیوستن به نهضت امام..... ۲۵
- سال‌های سخت مبارزه و زندان..... ۲۷
- پیروزی انقلاب اسلامی..... ۳۶

فصل دوم

- نقش هاشمی در تشکیل حزب جمهوری اسلامی ۴۰
- برگزاری اولین انتخابات پس از انقلاب، جمهوری اسلامی آری ۴۱
- شعله‌ور شدن آتش فتنه تجزیه‌طلبی در کشور با حمایت بیگانگان ۴۱
- تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان..... ۴۲
- ترور هاشمی و پیام محبت‌آمیز حضرت امام (ره) ۴۳
- ملاقات مرحوم بازرگان با هیات آمریکایی و بالا گرفتن اعتراضات ضدآمریکایی در کشور..... ۴۴
- تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و استعفای دولت موقت..... ۴۵
- ماموریت مهم امام خمینی به شورای انقلاب ۴۶
- برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۴۸
- حضور در مجلس شورای اسلامی ۴۹

فصل سوم

- تحرکات دشمنان در مرزهای کشور و غفلت بنی صدر..... ۵۴
- روز ۳۱ شهریور؛ آغاز جنگ تحمیلی ۵۴
- غائله بنی‌صدر..... ۵۶
- طرح عدم کفایت و عزل بنی صدر ۵۹
- انفجار حزب جمهوری ـ شهادت جمعی از یاران امام و انقلاب..... ۶۰
- برگزاری دومین دوره ریاست جمهوری ـ انفجار دفتر نخست وزیری و شهادت دکتر رجایی و یاران با وفایش..... ۶۱
- انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری ـ انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور ـ آغاز عصر طلایی در همکاری دولت و مجلس..... ۶۲
- آغاز پیروزی‌های درخشان در جبهه‌ها در سایه وفاق ملّی..... ۶۳
- اهمیت به ارتقای سطح دانش جوانان ـ تاسیس دانشگاه آزاد ۶۶
- نقش مشی اعتدالی هاشمی در ایجاد وفاق ملّی در کشور..... ۶۷
- بررسی عملکرد مجلس اوّل ـ رئیس مجلس مقتدر..... ۷۰
- انتخابات نخستین دوره مجلس خبرگان رهبری..... ۷۱
- انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی ـ انحلال حزب جمهوری اسلامی ـ انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز..... ۷۲
- تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۷۴
- انتخاب مجدد آیت الله خامنه‌ای

به‌عنوان رئیس جمهور ۷۵
- تشکیل هیأت حل اختلاف در ماجرای تعیین اعضای کابینه..... ۸۰
- مجلس سوم ۸۰
- مذاکرات و رایزنی‌های جهانی با ایران در مورد پایان جنگ _ جنگ نقت‌کش‌ها ۸۱
- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران _ نقش پررنگ هاشمی در پایان جنگ ۸۳
- حمله تندروها به هاشمی جهت خاتمه دادن به جنگ..... ۸۶
- تهاجم ارتش عراق به ایران پس از پذیرش قطعنامه _ شکست تاریخی منافقان کوردل در تنگه مرصاد..... ۹۰

فصل چهارم

- برکناری قائم مقام رهبری _ بازنگری قانون اساسی ۹۴
- تشدید بیماری امام خمینی _ برگزاری جلسه اضطراری شبانه سران نظام ۹۴
- رحلت امام _ جلسه سرنوشت ساز مجلس خبرگان جهت انتخاب رهبر..... ۹۵
- خاطرات گره‌گشای هاشمی در جلسه تعیین رهبری ۹۷

فصل پنجم

- انتخابات ریاست جمهوری پنجم ۱۰۰
- بازتاب انتخاب آیت الله هاشمی به عنوان رئیس جمهور در رسانه‌های بیگانه..... ۱۰۰
- بررسی شرایط کشور در آغاز ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۰۱
- رونق سازندگی در کشور ۱۰۲
- رعایت اعتدال در چینش کابینه _ هاشمی سرمنشاء وفاق ملّی بین احزاب سیاسی کشور ۱۰۴
- تشکیل شورای عالی جوانان..... ۱۰۵
- توجه به مناطق محروم..... ۱۰۶
- بهبود روابط خارجی ایران ۱۰۶
- آغاز عصر طلایی رابطه میان ایران و عربستان ۱۰۷
- محبوبیت و جایگاه ویژه هاشمی رفسنجانی نزد سران و شخصیتهای سیاسی جهان ۱۱۰
- عصر طلایی در روابط ایران با کشورهای تازه استقلال یافته ۱۱۲
- دادگاه میکونوس و تنش با کشورهای اروپایی..... ۱۱۳
- توجه به امور زنان ۱۱۴
- انتخابات ریاست جمهوری ششم _ روی گردانی چپ‌ها از هاشمی.... ۱۱۴
- نگاهی به عملکرد هشت ساله دولت سازندگی _ دوران طلایی شکوفایی کشور.... ۱۱۶
- تعامل با مطبوعات..... ۱۲۲

فصل ششم

- دوران پس از ریاست جمهوری _ مخالفت با تمدید یک دوره دیگر ریاست جمهوری ۱۲۴
- هاشمی در دوران اصلاحات _ تلاش تندروهای چپ برای تخریب وجهه ایشان..... ۱۲۵
- حملات رسانه‌ای سازماندهی شده به هاشمی در آستانه انتخابات مجلس ششم..... ۱۲۷
- انتخابات مجلس ششم _ شبهه افکنی در آرای هاشمی _ بازشماری آرا ۱۲۸
- انصراف از حضور در مجلس..... ۱۲۹

- سرانجام بی‌فرجام مجلس ششم _ انحلال حزب مشارکت **۱۳۰**

فصل هفتم

- سردرگمی احزاب برای معرفی کاندیدای واحد در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم **۱۳۴**
- حضور در عرصه انتخابات _ تبلیغات منفی سازمان یافته علیه هاشمی **۱۳۹**
- برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم _ حمایت دیرهنگام منتقدان دیروز از هاشمی در دور دوّم انتخابات.... **۱۴۲**
- برگزاری مرحله دوّم انتخابات ریاست جمهوری _ محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران شد..... **۱۴۴**
- هشدار نسبت به انحراف از اهداف انقلاب **۱۴۵**
- تقابل دولت با هاشمی در آستانه انتخابات خبرگان رهبری _ تلاش دولت برای تصاحب دانشگاه آزاد..... **۱۴۶**
- بروز ناکارآمدی دولت _ شعارگرایی حربه‌ای برای انحراف اذهان عمومی **۱۴۸**
- ادامه جریان‌سازی‌های جعلی علیه خانواده هاشمی این بار با پدیده‌ای به نام پالیزدار **۱۴۹**
- القای وجود اختلاف میان مقام معظم رهبری و هاشمی توسط حامیان دولت..... **۱۵۱**

فصل هشتم

- دعوت هاشمی به حضور حداکثری مردم پای صندوق‌های رأی **۱۵۴**
- آغاز ثبت نام کاندیداها _ انصراف خاتمی از حضور در انتخابات..... **۱۵۷**
- بیانیه استادان دانشگاه شریف _ انتقاد از عملکرد دولت نهم..... **۱۵۸**
- اعتراض به تلاش دولت برای بهره برداری سیاسی از افتتاح پروژه‌ها **۱۵۹**
- مناظرات جنجالی کاندیداها _ ایراد اتهامات بی‌اساس رئیس دولت نهم به بزرگان نظام از رسانه ملّی..... **۱۶۰**
- حرمت شکنی حامیان دولت در حرم امام _ واکنش مقام معظم رهبری به اظهارات سخیف رئیس دولت در مناظرات..... **۱۶۱**
- عدم توجه صدا و سیما به درخواست هاشمی - نامه هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب **۱۶۳**
- جنجال حامیان دولت علیه هاشمی _ دیدار مقام معظم رهبری با هاشمی..... **۱۶۸**
- عذرخواهی پالیزدار از آیت الله هاشمی رفسنجانی..... **۱۶۹**
- برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم _ دعوت هاشمی به حضور مردم در صحنه انتخابات..... **۱۷۰**
- پیروزی احمدی نژاد در انتخابات _ اعتراض کاندیداها به نتایج **۱۷۱**
- دیدار میرحسین موسوی با مقام معظم رهبری _ تاکید رهبری بر حفظ آرامش و حرکت در سایه قانون **۱۷۱**
- بالا گرفتن اعتراضات پس

از توهین احمدی نژاد به طرفداران رقیب ۱۷۲
■ اولین نماز جمعه پس از انتخابات به امامت مقام معظم رهبری ۱۷۲
■ آخرین نماز جمعه آیت الله هاشمی رفسنجانی _ همه آمده بودند _ ارائه راهکار برای برون رفت از بن‌بست..... ۱۷۴
■ تبلیغات منفی جریان انحرافی علیه هاشمی _خاطره ناطق نوری از ولایتمداری هاشمی ۱۷۹
■ مراسم تنفیذ رئیس جمهور _ غیبت چهره‌های شاخص ۱۸۱
■ بیم تندروها از حضور مجدد هاشمی در نماز جمعه _ وداع هاشمی با تربیون نماز جمعه ۱۸۱
■ دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات _ اعتراض مقام معظم رهبری به پخش اعترافات متهمان ۱۸۲
■ بازتاب اعترافات متهمین حوادث پس از انتخابات در رسانه‌های بیگانه _ هشدار هاشمی به هزینه کردن رهبری توسط رئیس جمهور..... ۱۸۴
■ موج اتهام زنی به چهره‌های خدوم انقلاب _ نوبت به یادگار امام رسید _ هشدار هاشمی به معترضین به یادگار امام ۱۸۵
■ هشدار هاشمی نسبت به خطر حذف روحانیت توسط جریان انحرافی _ تاکید بر حفظ جایگاه رهبری..... ۱۸۵
■ دعوت هاشمی به رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط- اعتراض هاشمی به توهین به تمثال حضرت امام در روز دانشجو..... ۱۸۸
■ اتهامات واهی به پسر برای تخریب وجهه پدر ۱۹۱
■ تقدیر رهبری از عملکرد هوشمندانه آیت الله هاشمی رفسنجانی در خنثی کردن نقشه دشمن ۱۹۴
■ تحقق پیش‌بینی هاشمی در مورد دولت دهم _ یازده روز خانه نشینی رئیس جمهور در اعتراض به تصمیم رهبری _ افتادن نقاب ولایتمداری از چهره مدعیان..... ۱۹۵
■ اشاره هاشمی به چالش‌های پیش روی دولت آینده _ ارائه راهکار به رئیس جمهور آینده برای برون رفت از مشکلات..... ۱۹۷

فصل نهم

■ سیل تقاضای احزاب و مردم از هاشمی برای حضور در عرصه انتخابات _ همه هاشمی را ناجی کشور می‌دانند ۲۰۲
■ هاشمی به دعوت مردم لبیک گفت _ شور و هیجان شگفت انگیز مردم از حضور هاشمی ۲۰۳
■ رد صلاحیت یار دیرین امام و رهبری از سوی شورای نگهبان _ رد پای حلقه نزدیک دولت در رد صلاحیت هاشمی ۲۰۴
■ تدبیر هاشمی ۲۰۶
■ تاکید هاشمی بر اهمیت نقش پر رنگ مردم در تصمیم حضور ایشان در عرصه انتخابات ۲۰۷
■ تدبیر هاشمی زمینه‌ساز شکست اصولگرایان _ پیام تشکر هاشمی

به مردم بابت خلق حماسه تاریخی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم **۲۰۹**
- آغاز عصر تدبیر در مدیریت کشور _ آغاز مذاکرات بین المللی جهت رفه مسئله هسته‌ای _ حمایت رهبری از تیم مذاکره کننده ایران با غرب **۲۱۲**
- توافق تاریخی ایران و ۵+۱ در مسئله هسته‌ای..... **۲۱۳**
- پیچ تاریخی در زندگی آیت الله هاشمی..... **۲۱۶**
- ثبت نام کاندیداهای مجلس و خبرگان رهبری _ رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان _ اعتراض هاشمی به رد صلاحیت یادگار امام..... **۲۱۸**
- تکرار اتهامات واهی به هاشمی در آستانه انتخابات _ انگلیسی خواندن لیست امید توسط افراطیون _ تاکید هاشمی به حضور مردم در انتخابات جهت پایان دادن به تندروی‌ها..... **۲۱۹**
- پیروزی یاران هاشمی در انتخابات سرنوشت‌ساز **۲۲۱**
- رفتار معقولانه اصولگرایان و پذیرش شکست در انتخابات **۲۲۵**
- تاکید جناح پیروز در انتخابات بر همدلی و همزبانی آحاد ملّت..... **۲۲۶**
- اصلاح طلبان مسرور از پیروزی _ تاکید عارف بر نقش سرنوست ساز آیت الله هاشمی در ثبت پیروزی تاریخی..... **۲۲۸**
- آخرین پیام سال ۱۳۹۴ ..... **۲۳۰**
- پیام نوروزی آیت الله هاشمی رفسنجانی..... **۲۳۱**

فصل دهم

- آغاز هجمه رسانه‌ای جریان شکست خورده انتخابات به آیت الله، به بهانه سفر به کیش..... **۲۳۴**
- دنیای گفتمان‌ها، بهانه‌ای برای تلافی عقده‌های شکست..... **۲۳۵**
- انصراف آیت الله از نامزدی ریاست مجلس خبرگان، تندروها بار دیگر در برابر شطرنج باز قهار عالم سیاست کیش و مات شدند..... **۲۳۶**
- تاکید بر حفظ و رعایت حقوق شهروندی..... **۲۳۷**
- تکرار سناریوری نخ نمای شکست خوردگان انتخابات، دستاویز قرار دادن سخنان آیت الله در مورد بودجه نظامی کشور **۲۳۹**
- انتقاد آیت الله از برخوردهای سلبی با منتقدان..... **۲۴۱**
- آخرین دیدار آیت الله با اصحاب رسانه، تاکید مجدد بر رعایت اعتدال و پرهیز از تندروی **۲۴۳**
- واکنش آیت الله به اسناد جدید ویکی‌لیکس درباره انقلاب ایران..... **۲۴۴**
- آخرین دیدار آیت الله با اصحاب رسانه، تاکید مجدد بر رعایت اعتدال و پرهیز از تندروی **۲۴۵**
- اشک‌های سردار سازندگی در سوگ امیرکبیر..... **۲۴۶**
- آخرین سفر آیت الله به بوشهر، تاکید بر تکیه به اقیانوس مردم **۲۴۸**
- آیت‌الله در اربعین یار دیرین..... **۲۴۹**
- لحظه تلخ پرواز، پرواز آن پرنده غمگین..... **۲۵۰**

فصل یازدهم

- پس از تحمل سال‌ها رنج فراق، سرانجام «مرید امام» به مراد خویش پیوست. **۲۵۶**
- ایجاد شبهات در مورد علت فوت آیت‌الله..... **۲۵۷**
- روایت بستگان از هنگام شنیدن خبر ارتحال آیت‌الله **۲۵۹**
- حسینیه جماران، محفلی برای وداع با شناسنامه انقلاب..... **۲۶۲**
- پیام تسلیت رهبر انقلاب در سوگ یار دیرین **۲۶۴**
- پیام تسلیت دکتر روحانی در فراق فرمانده دوران جنگ **۲۶۶**
- اعلام سه روز عزای عمومی به مناسبت درگذشت یار دیرین انقلاب **۲۶۸**
- غم‌نامه یاگار امام در سوگ فرزند معنوی روح الله **۲۶۹**
- پیام تسلیت رییس مجلس شورای اسلامی **۲۷۰**
- پیام تسلیت رییس قوه قضاییه **۲۷۱**
- پیام تسلیت مراجع و علما در سوگ آیت‌الله **۲۷۲**
- اشک تلخ و اعتراف دیر هنگام مخالفان آیت‌الله **۲۷۵**
- همه جناح ها به هاشمی بد کرند. **۲۸۲**
- سیل پیام تسلیت مقامات سیاسی جهان... تجلیل از مردی که مظهر اعتدال بود. **۲۸۵**
- بازتاب گسترده درگذشت «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» در رسانه‌های جهان. **۲۹۲**
- بازتاب خبر درگذشت یار دیرین انقلاب در روزنامه های کشور... **۲۹۴**
- تغییر چند باره محل دفن پیکر آیت‌الله **۲۹۷**
- بازهم آیت‌الله مظهر همبستگی شد **۲۹۸**
- قرائت نماز توسط رهبر انقلاب بر پیکر همرزم و همسنگر دیرین..... **۲۹۹**
- سیل خروشان مردم در تشییع آیت‌الله، همه آمدند برای قدردانی از بزرگمردی که سنگ صبورشان بود. **۳۰۰**
- اعتراض مردم به رفتار دوگانه صدا و سیما در حاشیه مراسم تشییع آیت‌الله **۳۰۲**
- «یار دیرین امام» در کنار امام آرام گرفت **۳۰۴**
- رسانه های بین المللی شگفت زده از حضور حماسی مردم **۳۰۵**
- روایت روزنامه‌های کشور از مراسم تشییع با شکوه یار دیرین انقلاب **۳۱۰**
- برگزاری مراسم یادبود یار و همرزم و همسنگر دیرین رهبری توسط رهبر انقلاب..... **۳۱۲**
- دانشگاه آزاد میزبان مراسم سومین روز ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... **۳۱۲**
- پلمپ دفتر آیت‌الله و مشاورانش در مجمع تشخیص... اعتراض فاطمه هاشمی به سرنوشت مبهم وصیت‌نامه پدرش **۳۱۴**
- سخنان تاریخی ناطق نوری در فراق یار دیرینش در مراسم هفت **۳۱۶**
- برگزاری مراسم یادبود آیت‌الله در شهرهای مختلف ایران و جهان **۳۱۹**
- اربعین آیت‌الله در حرم امام(ره) روایت چهل روز تلخ **۳۲۰**

فصل دوازدهم

- جمع‌بندی ۳۲۲

فصل اول
هاشمی، از کودکی تا دوران سخت مبارزه

در این فصل می‌خوانیم:

- دوران کودکی
- ورود به حوزه و تأثیرپذیری از شخصیت امام (ره)
- پیوستن به نهضت امام (قدس ره)
- سال‌های سخت مبارزه و زندان
- عضویت در شورای انقلاب
- پیروزی انقلاب اسلامی

دوران کودکی

در سوم شهریورماه ۱۳۱۳ در روستای بهرمان از توابع شهرستان رفسنجان در خانواده‌ای مذهبی، فرزندی زاده شد که در آن هنگام کمتر کسی تصور می‌کرد که تا چه اندازه‌ای تاریخ معاصر ایران متأثر از اندیشه‌ها و سیاست‌های مدبرانه او خواهد بود. نام کودک را اکبر گذاشتند. پدرش میرزاعلی از ملاکان و متدینین منطقه بود که به‌واسطه شهرت خوب خانوادگی‌اش؛ امین مردم منطقه بود و مادرش ماه بی‌بی، علاوه بر خانه‌داری در امور زندگی پابه‌پای همسرش تلاش می‌کرد.

خانواده میرزاعلی متشکل از پنج پسر و چهار دختر بود. با توجه به فشارهایی که در دوره پهلوی اول به متدینین وارد می‌شد؛ میرزاعلی عمیقاً مورد اعتماد مردم بوده و به‌نوعی پاسخگوی امور مذهبی و اجتماعی مردم بود.

به دلیل فقر بی‌سابقه مردم که به‌واسطه عدم شایستگی شاهان قاجار به وجود آمده و گریبان گیر مردم شده بود و با توجه به ظهور پهلوی اول که بنای توسعه اقتصادی در کشور را نهاده بود؛ منزل میرزاعلی به دلیل تمکن مالی مناسب که از نسل ملاکان منطقه بود، ملجأ و مأوایی برای فقرا و مستمندان بوده و مرهمی بر زخم‌های آنان شده بود.

اکبر در چنین خانواده‌ای و تحت تعالیم پدر و مادرش راه و رسم مردم‌داری و همراه مردم بودن را آموخت. تعالیمی که بعدها در وادی سیاست به‌عنوان رمز ماندگاری و محبوبیت بالای ایشان شد. پنج‌ساله بود که به همراه برادرش حاج قاسم تحصیل در مکتب‌خانه را آغاز نمود.

در مکتب علاوه بر دروس رسمی، گلستان سعدی و قرآن را آموخت؛ اما برای کودکی که قرار بود تاریخ سیاسی آینده ایران را متحول کند این تحصیلات کافی نبود.

در همین هنگام اتفاقی بزرگ به وقوع پیوست که در به وجود آمدن بینش سیاسی ایشان تأثیر عمیقی داشت. در نهم شهریور ۱۳۱۸ (سپتامبر ۱۹۳۹) درحالی‌که اکبر پنج‌ساله بود و مشغول کسب علوم؛ جنگ جهانی دوم آغاز شد. جنگی که دامنه آن علیرغم اعلام بی‌طرفی ایران؛ خسارات زیادی به کشورمان وارد کرد.

در سالروز تولد ۷ سالگی‌اش کشور عزیزمان توسط نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از شمال و شرق و نیروهای بریتانیای کبیر از جنوب و غرب مورد تاخت‌وتاز و حملات زمینی و دریایی قرار گرفت. نیروهای مهاجم علت این مداخله را وجود کارشناسان آلمانی

در ایران در جریان جنگ جهانی دوم ذکر کردند.
در این روز پهلوی اول با دریافت خبرهای مربوط به متلاشی شدن ارتش خود و پیش روی قوای متفقین، با ارسال تلگرافی به روزولت رئیس‌جمهور وقت آمریکا خواستار جلوگیری از پیشروی قوای مهاجم به کشور شد؛ اما دولت آمریکا به‌صراحت این درخواست را رد کرد.
درنتیجه گفتگوها و رایزنی‌های انجام‌شده برای ترک تخاصم؛ فروغی نخست‌وزیر کهنه‌کار که به‌تازگی بر مسند نشسته بود، سفرای بریتانیا و شوروی را متقاعد کرد با استعفا و خروج پهلوی اول و حمایت از جانشینی پهلوی دوم به‌جای پدر؛ دست از تخاصم بردارند. اگرچه این تهاجم با استعفا و تبعید رضاشاه به جزیره موریس پایان یافت ولی تبعات و آثار منفی آن سال‌ها در اقتصاد کشور بر جا ماند.
فقر و گرسنگی مردم، قحطی و ویرانی‌های به‌جامانده باعث شد تا تصویر کودکی اکبر با سیاست و تحولات سیاسی نقش ببندد. مشاهدات آن روزها و دیدن صحنه‌های تلخ زندگی مردم و نقش مهم روحانیت در اتحاد و یکپارچگی کشور باعث گردید تا او مسیر جدیدی برای زندگی خویش در پیش گیرد. از همین رو در ۱۴ سالگی به تشویق پسرعمویش جهت تحصیل علوم دینی به قم سفر کرد. سفر به قم برگ جدیدی در زندگی این نابغه سیاسی قرن گشود.

ورود به حوزه و تأثیرپذیری از شخصیت امام(ره)

در قم در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه همچون آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد، محمدرضا گلپایگانی، سید محمدکاظم شریعتمداری، عبدالکریم حائری یزدی، شهاب‌الدین نجفی مرعشی، علامه محمدحسین طباطبایی، حسین‌علی منتظری و زاهدی کسب علم نمود. در محضر آیت‌الله خمینی به سیاست علاقه‌مند شد و به مخالفت با حکومت محمدرضا شاه پهلوی پرداخت.
در پاییز سال ۱۳۳۷ با عفت مرعشی، از یک خانواده مذهبی و سادات؛ که نسب آنها به امام سجاد (ع) می‌رسید، ازدواج کرد و زندگی طلبگی خود را در شهر قم آغاز نمود.
در ۱۸ مرداد ۱۳۳۸ خداوند به این زوج جوان دختری اهدا کرد که نامش را فاطمه گذاشتند.
فروردین سال ۱۳۴۰ آیت‌الله‌العظمی بروجردی مرجع بزرگ جهان تشیع رخت از جهان

فانی بست و مردم دین‌دار و عاشق اهل‌بیت ایران را در سوگ فروبرد. در همین ایام؛ هاشمی جوان مشغول تحصیل و همچنین انتشار مجله مکتب تشیع بود.

ارادت و علاقه بی‌حد و حصر ایشان به امام خمینی باعث گردیده بود تا در این ایام برای مرجعیت امام خمینی تبلیغ و تلاش بسیار نماید. چیزی که جایگاه هاشمی را بعدها نزد امام بی‌بدیل نموده بود، همین عشق، ارادت و همراهی‌ها با امام بود.

دوم آبان ۱۳۴۰ مصادف با ایام فاطمیه (س) خداوند پسری به ایشان عطا کرد که نامش را محسن گذاشتند. چهل‌روزگی محسن با فوت پدر بزرگوار آیت هاشمی مصادف شد. فوت آمیرزاعلی برای هاشمی جوان بسیار سخت آمد؛ ولی چیزی که او را تسکین می‌داد، شر کت کردن استاد بزرگش حضرت امام خمینی و نماز گزاردن ایشان بر جنازه پدر بود. همین امر نشان‌دهنده میزان علاقه استاد نسبت به شاگردش بود.

تبلیغات هاشمی جوان برای مرجعیت استاد محبوبش امام خمینی ادامه داشت و از آنجا که پس از ارتحال آیت‌الله بروجردی انتخاب مرجعیت یکی از کارهای اساسی حوزه بود، هاشمی جوان در پیوند آشنایی مردم و روحانیت مبارز با اندیشه‌های امام خمینی تلاش شبانه‌روزی می‌کرد. بارها با منبر رفتن، مردم را نسبت به سجایای اخلاقی استادش آشنا می‌کرد.

در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۴۱ خداوند دختری به او عطا کرد که نامش را فائزه گذاشتند.

این ایام مصادف بود با مبارزات امام با مصوبه دولت در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی که با عقب‌نشینی حاکمیت، پیروزمندانه به نفع امام پایان یافت. چندی بعد با مطرح کردن انقلاب سفید، توسط شاه، بار دیگر مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی ادامه یافت. در این مدت نمی‌توان از نقش هاشمی جوان در همراهی و همنوایی با استاد خویش به‌سادگی گذشت. در این اثنا طلبه جوان آن روزها تحت تعالیم استاد بزرگش به مرز پختگی و بلوغ سیاسی رسیده بود.

با اعلام امام خمینی عید سال ۱۳۴۲ عزای عمومی شد. در روز دوم فروردین ۱۳۴۲ رژیم پهلوی با حمله به مدرسه فیضیه و برهم زدن مجلس سوگواری امام صادق (ع) فاجعه‌ای عظیم به بار آورد. رژیم پهلوی فکر می‌کرد با اعمال زور و ترساندن مردم و روحانیت می‌تواند مانع نهضت اسلامی که توسط حضرت امام خمینی در حال شکل‌گیری بود؛ شود. خبر حمله به مدرسه فیضیه، در تهران و اکثر شهرهای کشور بازتاب بسیار زیادی داشت و نه‌تنها باعث رعب و وحشت هواداران نهضت امام خمینی

نگردید بلکه باعث گردآمدن مردم به دور این مرجع عالی‌قدر شد. نهضت در حال پیشروی و شکل‌گیری بود و هیچ مانعی نمی‌توانست از میل و اراده مردم نسبت به مرجعیت شیعه و علاقه به ایجاد تحول بکاهد.

رژیم پهلوی با درک حرکات آزادی‌خواهانه حضرت امام و پی بردن به نقش شاگردان امام در این مهم، به لغو معافیت سربازی روحانیون تلاش کرد تا حلقه گردآمده دور حضرت امام را متفرق کنند. این امر بهانه‌ای شد تا بسیاری از طلاب مبارز بالأخص هاشمی رفسنجانی به خدمت اجباری سربازی بروند.

در ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ امام خمینی فضای امنیتی قم را شکسته و در میان انبوهی از جمعیت روحانیون و انقلابیون و اقشار مختلف مردم در میان تبلیغات تهدیدآمیز و شایعات مختلف حمله، به مدرسه فیضیه رفته و سخنرانی معروف خویش را انجام دادند. این روز را هاشمی جوان به دلیل خدمت سربازی و حضور در پادگان در محضر امام نبودند ولی بسیار نگران حال استاد خویش بود.

با دستگیری شبانه حضرت امام و انتقال ایشان به پادگان حشمتیه و اطلاع مردم از دستگیری ایشان موجی از تظاهرات و اعتراضات سراسر کشور را فراگرفت و این شروعی بود برای به ثمر نشستن نهال انقلاب در پانزده سال بعد.

پیوستن به نهضت امام

هاشمی جوان در دوران خدمت سربازی فرصت را مغتنم شمرده و با کار کردن روی مسائل اعتقادی سربازانی که از سراسر کشور گرد هم آمده بودند و آشنا نمودن آنان با مسیر در پیش‌گرفته شده توسط امام خمینی، فصل جدیدی از تربیت نیروهای مسلمان و متدین و معتقد به اسلام را رقم زدند. بدین‌جهت هاشمی جوان جزو اولین شاگردان حضرت امام بودند که به ترویج اندیشه‌های ایشان پرداختند.

همسر ایشان در کتاب "پابه‌پای سرو" به گوشه‌ای از خاطرات آن دوران اشاره کرده و می‌گوید: «من در مرخصی‌هایی که می‌آمد به ایشان می‌گفتم: این‌که کار نشد؛ تو که سرباز نیستی؛ معافی داری؛ حتی زن و بچه هم داری به‌طور عادی از سربازی بخشیده هستی. آنها برای اینکه ضربه‌ای به روحانیت بزنند شماها را به سربازخانه بردند؛ و زور می‌گویند. باید جلوی زور ایستاد؛ زمانی که مرخصی می‌آیی باید برنگردی.» ایشان این حرف را قبول داشت ولی می‌گفت: «زمانی که موقعش شود این کار را خواهم کرد؛

من حالا دارم روی سربازها کار می‌کنم و آنها را برای مبارزه آماده می‌کنم. وقتی آنها از کار ما اطلاع پیدا کردند ما فرار می‌کنیم. هیچ جایی بهتر از سربازخانه برای پرورش دادن نیرو برای مبارزه نیست. آنها از نقاط مختلف آمده‌اند. مسلمان متدین و معتقد به اسلام هستند. آنها دوستان خوبی برای دوران مبارزه خواهند بود».

بااین‌حال چندی نگذشت که رژیم از فعالیت‌های ایشان در پرورش نیروهای انقلابی و ترویج اندیشه‌های امام در داخل پادگان مطلع گشتند. به همین دلیل هاشمی جوان به مرخصی آمد و دیگر به پادگان برنگشت.

با خروج از پادگان هاشمی رفسنجانی در کنار دیگر شاگردان حضرت امام همچون آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مطهری تلاش گسترده‌ای در جهت تثبیت مرجعیت امام خمینی و خلاصی ایشان از حکم اعدام احتمالی داشتند، چراکه رژیم پهلوی به علت تظاهرات گسترده مردمی پس از سخنرانی‌های افشاگرایانه حضرت امام خمینی سعی در آن داشت که با محاکمه امام و اعدام ایشان؛ بزرگ‌ترین مخالف خود را از صحنه خارج سازد. در همین ایام ایشان کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه استعمار سیاه را تألیف کردند.

با افزایش تنش میان حکومت پهلوی و فقهای قم در سال ۴۲ که با وقایع خرداد ۴۲ به اوج رسید؛ تلاش‌های شبانه‌روزی هاشمی و شاگردان وفادار امام خمینی (ره) در متقاعد ساختن مراجع بزرگ تشیع، کارساز واقع گردید به‌نحوی‌که علمای قم با تمسک به قانون اساسی مشروطه، جان امام خمینی را از خطر اعدام نجات دادند.

در بیانیه‌ای که توسط آیت‌الله میلانی مرجع تقلید اصلی قم در پنجم مرداد ۱۳۴۲ امضا و منتشر شد، با استناد به قانون اساسی مشروطه چنین استدلال شده بود: مطابق مفهوم اصل دوم متمم قانون اساسی، علمای طراز اول از قوانینی که از مجلس بگذرد ازنظر موافقت و مخالفت شرع حق رد و قبول دارند؛ بنابراین در مقامی فوق مجلسین قرارگرفته و حاکم بر هیئت قانون‌گذاران می‌باشند. آیا ممکن است حکام شرع که قانوناً حاکم بر مجلسین هستند مصون نباشند.

با خلاصی از اعدام، حضرت امام به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف تبعید گردید. در این هجرت ۱۵ ساله و دوری امام از کشور نقش هاشمی جوان و دیگر شاگردان مبارز امام در تثبیت اندیشه‌های آن امام همام و به ثمر نشستن نهال انقلاب پررنگ‌تر از هر زمان دیگر بود.

سال‌های سخت مبارزه و زندان

رژیم پهلوی با پی بردن به جایگاه هاشمی در اتصال حلقه بین مردم و طلاب جوان جهت آشنایی با مکتب امام و بیداری مردم در مبارزه با خودکامگی رژیم پهلوی، ایشان را تحت تعقیب قرار داد و سرانجام در صبح ۱۱ اسفند ۱۳۴۳ ایشان را درحالی‌که نوار کاست سخنرانی امام خمینی و طومار ضد رژیم به همراه داشت، دستگیر کرده و به زندان قزل‌قلعه بردند.

به گفته بانو عفت مرعشی: «آشیخ اکبر از دو حال خارج نبود. یکی ترجمه و انتشار کتاب سرگذشت فلسطین و دیگری سخنرانی به طرفداری امام؛ چون ایشان آرام نداشت و تمام وقتش را در مبارزه بر ضد رژیم می‌گذشت.

سخنرانی‌ها و جلساتی که داشت همه در ارتباط با دفاع از مبارزات امام بود. ساواک مرتب او را زیر نظر داشت. آنها می‌دانستند که آشیخ اکبر مبارزه را رها نخواهد کرد. او روحانی فعال و تیزهوشی بود و ساواک می‌دانست که آزاد بودنش به ضرر رژیم است.

او را اول به سربازی بردند و سپس به زندان انداختند؛ با این امید که دست از مبارزه بردارد؛ اما با این برخوردهای خشن نمی‌دانستند که مبارزان نزد مردم محبوب‌تر شده و رژیم منفورتر می‌شود.

آنها که مبارزه را برای خدا شروع کرده‌اند؛ از هیچ‌کسی نمی‌ترسند و تا سرنگونی رژیم دست‌بردار ماجرا نیستند. آنها از زندان و شکنجه و حتی مرگ ابایی ندارند. در زندان شکنجه‌های بس دشوار و طاقت‌فرسا برای ایشان در نظر گرفته بودند».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره آن دوران می‌گوید: «شلاق و شکنجه همراه بود با فحاشی و اهانت. گاهی ما را به دیوار می‌چسباندند و چاقو را می‌گذاشتند زیر گلو و می‌گفتند سر می‌بریم. یک‌بار برای اهانت مرا لخت کردند. برای خواندن نماز اجازه گرفتم و به‌زحمت توانستم نماز بخوانم. تا حدود ساعت چهار بعد از نصف شب این وضعیت ادامه داشت. شلاق گوشت‌ها را بریده و به استخوان رسیده بود. چند روز بعد از بازجویی مرا با چشمان بسته و لباس مبدل به بیمارستانی در چهارراه حسن‌آباد بردند و دوباره مرا به سلول آوردند. قرآنی گرفتم و مقداری از آیات جهاد را خواندم. پیام این آیات برایم مفهومی زیبا داشت و حالت روحی خوبی به من دست داد. همه

دردها، غصه‌ها، اهانت‌ها و فحاشی‌ها را فراموش کردم».

دوران سخت زندان بر خانواده ایشان به‌خصوص همسر و فرزندان بسیار سخت و دشوار گذشت. بهانه‌گیری فرزندان در فراق پدر که دل‌بستگی بسیاری به او داشتند و ممنوع‌الملاقات بودن ایشان باعث گردیده بود تا فرزندان در دوری پدر، بیمار و رنجور شوند و این شرایط بسیار سختی را بر همسر مکرم ایشان تحمیل می‌کرد.

شکنجه‌گران نمی‌دانستند آنها از زندانی و شکنجه و حتی مرگ ابایی ندارند. عوامل رژیم تشخیص نمی‌دادند که این حرکات خشن و آزار و اذیت زندانیان و بی‌توجهی و بی‌احترامی عمدی به خانواده‌های آنان باعث می‌شود نیروهای مبارزی از بین آنها به وجود آیند که به ضرر رژیم استبدادی تمام خواهد شد.

سرانجام پس از چهار ماه در تاریخ ۱۳۴۴/۴/۱۴ هاشمی جوان از زندان آزاد شد. این بار نه‌تنها دست از فعالیت سیاسی خود و همراهی با نهضت امام خمینی نکشید، بلکه با همراهی آیت‌الله منتظری که از شاگردان برجسته امام خمینی و نماینده تام‌الاختیار ایشان در ایران بود به ترویج اندیشه‌های امام خمینی و روشنگری مردم پرداخت و در پیوند مردم با امام خمینی نقش به سزا و اساسی داشتند.

در این دوره تا بهمن ۵۷ نقش مبارزاتی و همراهی‌های هاشمی رفسنجانی با نهضت امام و در ثمر نشستن نهال انقلاب بسیار اساسی بود، به‌نحوی‌که با پخش اعلامیه‌ها و نوار سخنرانی‌های امام راحل نقشی مؤثر در روشنگری مردم از ظلم ستم‌شاهی و تقویت حس آزادی‌خواهی و انقلابی‌گری مردم داشت. نقش افشاگری‌های هاشمی جوان و حلقه متصله ایشان با مردم به نحوی بود که در همان ایام، توسط ساواک ممنوع‌المنبر شد.

با کشف یک گروه مبارز ایشان به زندگی مخفیانه روی آورد و این مسئله باعث گردید هاشمی جوان با خیالی آسوده از راحتی فرزندان به مبارزات ادامه دهد و خانواده ایشان هم پس از سال‌ها لذت در کنار پدر خانواده بودن را تجربه می‌کردند و از تنهایی خلاصی یافته بودند.

اما این خوشی چندی بیش دوام نیاورد و هاشمی در تاریخ ۱۳۴۶/۸/۱۲ مجدداً دستگیر شد. در زندان با مبارزین و دوستانی همچون شهید حاج مهدی عراقی، آقایان بهشتی، دکتر عباس شیبانی، محمدجواد حجتی، خاقانی، محمد باقری، احمد شهاب، محمد منتظری و ... از هر فرصتی برای تبیین اندیشه‌های انقلاب و امام

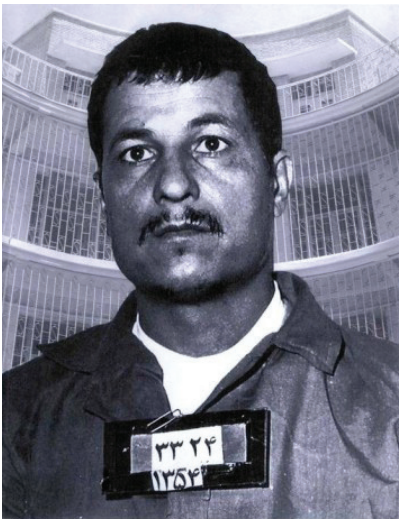

خمینی استفاده می‌کردند.

این دوره از زندان سه ماه طول کشید و سرانجام در تاریخ ۱۳۴۶/۱۱/۱۷ از زندان آزاد شد. در سال ۴۶ هاشمی به تألیف کتاب امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار پرداخت. این کتاب در آن فضای بسته سیاسی به‌نوعی به تشویق افراد انقلابی برای مبارزه علیه ستم‌شاهی می‌پرداخت.

تألیف این کتاب یکی از مهم‌ترین اقدامات هاشمی جوان جهت گسترش حس انقلابی جوانان بود. اواخر شهریورماه سال ۱۳۴۸ خدا فرزند پسری به ایشان عنایت نمود که نامش را مهدی گذاشتند. در همین ایام آقای هاشمی به‌اتفاق آقای باهنر و آقای رجایی مدرسه رفاه را بنا نهادند تا مأمنی برای پرورش نیروهای انقلابی آینده و پوششی برای جمع شدن مبارزین در کنار یکدیگر برای تدارک مبارزه باشد.

در این مدرسه فرصت مناسبی به وجود آمده بود تا خانواده‌های مبارز و انقلابی فرزندان خود را به محیطی که در آن اندیشه‌های انقلاب و حکومت اسلامی تدریس می‌شود، بسپارند.

اوایل سال ۱۳۵۰ مدرسه رفاه به یکی از پایگاه‌های ضد رژیم تبدیل شده بود که در آن نسبت به مفاسد دوره پهلوی روشنگری می‌شد و با تشکیل جلسات منظم نسبت به وقایع و اتفاقات روز صحبت می‌شد. این ایام شروع مجدد اسارت انقلابیون بود.

در تابستان ۱۳۵۰ خداوند فرزند دیگری به نام یاسر به ایشان عنایت فرمود. هنوز چند ماهی از تولد فرزند کوچک و دل‌بستگی‌های پدر به کودک تازه متولدشده نگذشته بود که تاریخ ۱۳۵۰/۷/۱۳ بار دیگر آقای هاشمی توسط ساواک دستگیر و به زندان قزل‌قلعه منتقل شد.

با اعدام مبارزین و لو رفتن آنها، گروه‌های مسلحانه بین مبارزین و مأمورین در اقصی نقاط کشور شکل می‌گرفت. مبارزات مسلحانه شرایط را برای روحانیت

و مبارزین مسلمان سخت و حاد کرده بود. مطالعه کتاب‌های اسلامی و آشنایی با تعالیم اسلامی و اندیشه‌های انقلابی امام خمینی در میان نسل جوان رونق گرفته و پایگاه‌هایی در منازل و مساجد و بعضاً دانشگاه‌ها جهت تربیت افراد مبارز انقلابی شکل گرفته بود. دیگر نهال اندیشه‌های امام بارور شده بود و درخت انقلاب در میان تمام اقشار جامعه ریشه دوانده بود.

در ایام زندان، هاشمی رفسنجانی در کنار مرحوم آیت‌الله طالقانی نقش اساسی در تشکیل جلسات پخش اعلامیه و تکثیر نوار سخنرانی‌های امام خمینی داشتند تا به این صورت اندیشه‌های ایشان را در سطح جامعه ترویج دهند.

زندان‌های کشور دیگر فقط شاهد روحانیون نبود بلکه گروه‌های فدایی، مجاهد، نهضتی، دانش آموزان، تجار، استاد دانشگاه، کشاورزان و معلمان، همه و همه در پیش برد اهداف انقلاب نقش داشته و بعضاً پس از دستگیری با جرم سیاسی زندانی می‌شدند.

بالاخره پس از ماه‌ها بلاتکلیفی دادگاه هاشمی رفسنجانی تشکیل و در این دادگاه به هفت ماه زندان محکوم شدند و سرانجام در تاریخ ۱۳۵۱/۲/۵ با اتمام دوره محکومیت از زندان آزاد شدند. اما این آزادی نیز زیاد دوام نیاورد.

در تاریخ ۱۳۵۱/۶/۶ آقای هاشمی در رفسنجان توسط ساواک دستگیر و به تهران منتقل شد. در آن ایام اگرچه گستره گروه‌های سیاسی دربرگیرنده اقشار مختلف مردم بود و هر گروهی برای خود تبلیغ کرده و انگیزه و دید متفاوتی را دنبال می‌کرد ولی درنهایت، هدف همه گروه‌ها سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود.

مذهبی‌ها تحت دستورات امام خمینی اهداف خویش را در مبارزه پیگیری می‌کردند و مقبولیت بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها داشتند و طیف عظیمی از روحانیون، معلمین، دانشگاهیان و بازاریان را در برمی‌گرفتند. کم‌کم انقلاب فراگیر شده بود. مذهبی‌ها که نقش فراگیرتری با توجه به بافت مذهبی اکثر خانواده‌های ایران داشتند در مساجد و مدارس و دانشگاه‌ها اقدامات خویش را پیش می‌بردند.

سرانجام هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳۵۱/۷/۱۹ بار دیگر از زندان آزاد شد. روحانیون مبارز همچون آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری، اکبر هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله خامنه‌ای در زمان زندان با تشکیل جلسات سخنرانی به روشنگری می‌پرداختند و زمان آزادی از زندان نیز در مساجد نسبت به خط فکری امام سخنرانی داشتند و این

حرکات خوب و منظم شاگردان امام در سراسر کشور طرفدار داشته و تبدیل به خط اول مبارزه با رژیم پهلوی گردیده بود.

انقلابیون و مذهبی‌ها بیشتر فعالیت خود را در پوشش مراسم مذهبی، امور خیریه، مجالس ختم و سوگواری، امور حج و هجرت روحانیت به شهرستان‌ها، انجام می‌دادند. کم‌کم جلسات سخنرانی شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی به یکی از پرطرفدارترین جلسات علیه رژیم تبدیل گردید و همین مسئله باعث شده بود تا ساواک با بخشنامه‌ای در کل کشور او را ممنوع‌المنبر کند.

اکبر هاشمی در این ایام تصمیم گرفت برای ادامه مبارزه و حل مشکلات و اختلافات مبارزان ایرانی در خارج از کشور و ایجاد انسجام و هماهنگی بین گروه‌های مبارز خارج از کشور، از ایران خارج شود. این اقدام شروعی بر مسافرت‌های ایشان به آلمان، فرانسه، هلند، سوئد، انگلستان، سوریه، ایتالیا، ترکیه، لبنان، بلژیک، آمریکا و عراق شد.

در این سفرها ایشان ملاقاتی با مبارزین مستقر در خارج از کشور داشتند. در این ملاقات‌ها جلسات هماهنگی منسجمی در جهت هماهنگی بیشتر بین مبارزین خارج از کشور با داخل کشور و همچنین هماهنگی این دو گروه با مرجعیت بزرگ شیعه، امام خمینی (ره) جهت پیش برد اهداف انقلاب داشتند.

در فرانسه با آقایان ابوالحسن بنی‌صدر، حسن حبیبی و صادق قطب‌زاده که در رأس مبارزین ساکن اروپا بودند ملاقات کرده و اختلافات بین بنی‌صدر و قطب‌زاده را حکمیت کرده و با تشریح وضعیت نیروهای مبارز داخل کشور و اتحاد بی‌سابقه آنها درراه رسیدن به هدف، آنها را با یکدیگر آشتی داده و متحد کرد.

در آلمان با آقای صادق طباطبایی و حسین طارمی و در لندن با حسین باقرزاده جلساتی برگزار کردند و آنها را در جریان برنامه‌های مبارزه علیه شاه قرار داده و به بررسی اندیشه‌های حضرت امام خمینی پرداختند.

در سوریه و لبنان با آقایان موسی صدر، دکتر مصطفی چمران و جمعی از طلاب مبارز ایرانی ملاقات کرده و برنامه‌ریزی‌هایی در جهت سازمان‌دهی و هماهنگی بین نیروهای مبارز خارج و داخل کشور انجام دادند.

در انگلیس برای دانشجویان و افراد ضد رژیم جلسات مختلفی تشکیل داده و ضمن بررسی اندیشه‌های حضرت امام بابت هماهنگی و دنبال کردن یک هدف واحد توسط این گروه‌ها برنامه‌ریزی وسیعی انجام دادند.

سفر بعدی آقای هاشمی به آمریکا بود. در آنجا ایشان همراه با دانشجویان ایرانی، علیه شاه اعتراضاتی انجام دادند که افکار عمومی دنیا را متوجه منفور بودن شاه نزد ایرانیان کرد و بازتاب وسیعی در رسانه‌های دنیا داشت.

اهدافی که هاشمی از مسافرت به کشورهای مختلف دنیا و دیدار با فعالان دانشجویی دنبال می‌کرد، آشنایی با اهداف و نهضت امام و تعیین استراتژی مشخص و واحد جهت مبارزه با رژیم و هماهنگی حرکت دانشجویان خارج از کشور با مبارزان داخلی و ایجاد پایگاه برای روحانیت در انجمن‌های اسلامی خارج از کشور بود. این مهم به‌خوبی توسط ایشان صورت گرفت و درنتیجه انسجام بی‌سابقه‌ای بین فعالان مبارز خارج از کشور به وجود آمد.

در پایان این سفرها اکبر هاشمی پس از سال‌ها موفق به دیدار با استاد عزیزش شد. در سفر به عراق به محضر امام خمینی (ره) شرفیاب شد. در این جلسه ایشان با تشریح اطلاعات به‌دست آمده از وضعیت مبارزان خارج از کشور علیه شاه و ارائه اطلاعات ارزشمند مبارزان داخل کشور خدمت امام، در جریان آخرین رهنمودهای امام خمینی مبنی بر لزوم هماهنگی و هم‌افزایی بیشتر نیروها در جهت حرکت علیه رژیم قرار گرفتند. در مدت اقامت در نجف علاوه بر دیدار با اشخاص مختلف؛ با تشکیل جلساتی به حل اختلاف نیروهای مبارز خارج از کشور و ایجاد اتحاد بین آنها پرداختند.

در این ایام همچنین جلساتی با آقای دعایی داشتند. ایشان با توجه به ایجاد یک برنامه رادیویی فارسی زبان به نام نهضت روحانیت در ایران؛ توانست اطلاعات مؤثری در مورد وضع نیروهای مبارز، جریان‌های ضد مبارزه و مشکلات مبارزان، در اختیار آقای هاشمی قرار دهد. پس از اتمام مأموریت و بازگشت به کشور؛ ساواک که در جریان تمام جلسات و ساماندهی مبارزان خارج از کشور توسط ایشان قرار داشت، در تاریخ ۱۳۵۴/۹/۱ مجدداً ایشان را دستگیر و به زندان انتقال داد.

در این سال، مبارزه به بالاترین حد خود رسیده بود و ساماندهی خیلی منسجمی بین برنامه‌ها و اهداف گروه‌های مختلف سیاسی با یک هدف واحد یعنی سرنگونی رژیم پهلوی صورت گرفته بود و سخت‌گیری رژیم پهلوی نه‌تنها نتیجه‌ای دربر نداشت؛ بلکه روزبه‌روز به تعداد کتاب‌ها و مقالات و اطلاعیه‌ها و شعرهای انقلابی افزوده می‌شد و مردم مبارزه را یک اصل و مبارزین را به چشم قهرمان ملی نگاه می‌کردند.

در این ایام با مطلع شدن رژیم حاکم از فعالیت‌های انقلابی هاشمی رفسنجانی، در

مدرسه راهنمایی و دبیرستان رفاه، که متأثر از اندیشه‌های امام بود، او را دستگیر کردند.

بار دیگر هاشمی دادگاهی شد و در دادگاه به شش سال زندان محکوم شد ولی پس از درخواست تجدیدنظر به سه سال کاهش یافت. چیزی که این شرایط دشوار و دوری پی‌درپی از خانه و فرزندان را برای هاشمی آسان می‌کرد، اعتقاد به این مسئله بود که این کارها را برای رضای خدا انجام می‌دهند و خداوند، خود تمام این کارها را اصلاح خواهد کرد. البته مسائلی هم بود که بسیار برای ایشان گران می‌آمد و آن این مسئله بود که بسیاری از دوستان این کار ایشان را بی‌فایده و مبارزه با شاه را حرام می‌دانستند.

در زندان هاشمی فرصتی یافت تا به تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) بپردازند و برای اینکه رسالت خود را در آنجا نیز انجام داده و بی‌کار ننشیند، به‌اتفاق آقایان طالقانی، منتظری، مهدوی کنی، لاهوتی، کروبی و ... جلسات مباحثه و کار عملی به راه می‌انداختند و سهم بسزایی در تنویر افکار عمومی مبارزین کمونیست و مجاهدین خلق داشتند.

اول آبان ۱۳۵۶ اتفاقی افتاد که به تسریع پیروزی اندیشه‌های امام مبنی بر تشکیل یک حکومت اسلامی و پایان یافتن بساط شاهنشاهی از کشور کمک شایانی کرد. در این روز حاج‌آقا مصطفی پسر بزرگ حضرت آقای خمینی در نجف به‌طور مشکوک درگذشت. به خاطر درگذشت ایشان مجالس سوگواری و عزاداری و ختم در قم، تهران و اکثر شهرستان‌های کشور برگزار گردید. در بعضی شهرستان‌ها این جلسات به تظاهرات علیه شاه تبدیل شده بود.

در روز ۱۷ دی‌ماه سال ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای بسیار توهین‌آمیز و به سفارش ساواک علیه حضرت امام خمینی منتشر شد. با آگاهی از این مطلب روحانیون و طلبه‌های قم در منزل آقای شریعتمداری متحصن شدند، که با درگیری با پلیس خاتمه یافت. دیگر سدی نمی‌توانست جلودار مردم باشد و دامنه تظاهرات به اکثر شهرهای کشور رسیده بود. مردم کشور تحت آموزه‌های دینی و اسلامی خود و با گردن نهادن به تصمیمات مرجعیت عالی شیعه، امام خمینی، علیه ظلم و ستم خاندان شاهنشاهی بپا خواسته و خواهان تشکیل حکومت اسلامی شده بودند و به چیزی غیرازاین رضایت نمی‌دادند.

صبح جمعه ۱۳۵۷/۶/۱۷ مردم در راهپیمایی عظیمی علیه رژیم ستم‌شاهی در میدان ژاله شرکت کردند. با به گلوله بستن تظاهرکنندگان توسط مأموران شاه حادثه‌ای

بس غم‌بار در تاریخ مبارزات شکل گرفت که امام خمینی از آن به‌عنوان جمعه سیاه یادکردند. در شهرهای بزرگ کشور حکومت نظامی اعلام شد. با اعلام حکومت‌نظامی و بیم قرار گرفتن سربازان در مقابل مردم و به وجود آمدن کشتار بیشتر، امام اعلامیه دادند که سربازان از پادگان‌ها فرار کنند.

با فرار سربازان و افسران از پادگان‌ها و پیوستن آنها به جمع انقلابیون هسته‌های نظامی انقلاب قدرتمندتر گردید. با فشار شاه و ساواک به دولت عراق امام تصمیم به ترک عراق گرفتند و پس از نپذیرفتن دولت کویت از حضور ایشان در این کشور؛ امام به فرانسه رفته و در دهکده نوفل‌لوشاتو ساکن شد.

با ورود امام به فرانسه دانشجویان ایرانی از سراسر اروپا به ایشان پیوستند و به‌نوعی نوفل‌لوشاتو کانون فرماندهی مبارزات علیه رژیم گردید. حضور در نوفل‌لوشاتو این فرصت را برای امام فراهم کرده بود تا با مصاحبه‌های فراوان با خبرنگاران رسانه‌های سراسر دنیا، ذهن جهانیان را نسبت به ظلم و ستم روا داشته به مردم توسط رژیم پهلوی و اهداف و پیام انقلاب روشن سازد.

شاه برای خروج از بن‌بست، امیرعباس هویدا که سال‌ها نخست‌وزیر ایران و از نزدیکان ایشان بود و تیمسار نصیری رئیس سابق ساواک و سفیر وقت ایران در پاکستان را زندانی کرد. رژیم برای فریب افکار عمومی بخش اعظمی از زندانیان سیاسی را آزاد نمود و یکی از افرادی که مورد بخشش رژیم قرار گرفت، اکبر هاشمی رفسنجانی بود ولی ایشان این بخشش را نپذیرفت و اعلام کردند: «که چند روز دیگر محکومیت من تمام می‌شود و نیازی به بخشش ندارم».

سرانجام در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۴ ایشان از زندان آزاد شدند.

چیزی که دیگر کاملاً قابل‌درک بود این بود که انقلاب به‌زودی پیروز خواهد شد. خیل مشتاقان به انقلاب روزبه‌روز بیشتر می‌شد تا سرانجام شاه را مجبور کرد که به تلویزیون آمده و خطاب به مردم بگوید: «من صدای انقلاب شما را شنیده‌ام» و مجبور به عذرخواهی شود. اعتصابات کارگری در حمایت از انقلاب سراسر کشو را فراگرفته بود. یکی از این اعتصابات، اعتصاب کارکنان شرکت نفت در آستانه فصل سرما بود که نابسامانی‌هایی برای مردم به وجود آورده بود.

در این میان امام به‌منظور رعایت حال مردم هیأتی را به ریاست مهندس مهدی بازرگان و به عضویت دکتر سحابی و آقای هاشمی و مهندس کتیرایی و مهندس حبیبی

جهت تأمین نیازهای مردم تعیین کردند. این هیأت با سفر به خوزستان، بوشهر و فارس به‌خوبی مشکل به وجود آمده را مدیریت کرد. نقش روحانیت مبارز در این برهه از زمان بسیار تاریخی و تعیین‌کننده بود.

آقایان طالقانی، مطهری و منتظری به‌عنوان محوریت پایگاه انقلابیون داخل کشور بودند. آقای هاشمی هم به‌اتفاق آقایان بهشتی، باهنر، موسوی اردبیلی و دیگران به سازمان‌دهی تظاهرات و تبیین هر چه بیشتر اندیشه‌های امام و انقلاب می‌پرداختند.

عضویت در شورای انقلاب

امام به شهید مطهری دستور تشکیل شورای انقلاب را دادند. امام در دستور خود به شهید مطهری پنج نفر از مبارزین و معتمدین را به عضویت این شورا منصوب کردند که شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر، آقای موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی با دستور امام به عضویت در شورای انقلاب درآمدند. همچنین طبق دستور حضرت امام افراد جدید باید به پیشنهاد جمع و اتفاق آرا و تصویب ایشان اضافه شود. این مسئله به‌خوبی مؤید اعتماد بسیار امام به هاشمی رفسنجانی بود اعتمادی که تا دوران حیات ایشان پابرجا بود و به‌نوعی هیچ شخصی را در نهضت امام نمی‌توان یافت که تا این حد مورد اعتماد ایشان واقع‌شده باشند.

در اولین قدم، آقای هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله طالقانی را به امام پیشنهاد دادند که مورد تأیید امام قرار گرفت. در مرحله بعدی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دوست و یار قدیمی خویش آیت‌الله خامنه‌ای را برای عضویت در شورا پیشنهاد دادند.

خود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد نحوه عضویت آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب خویش (دوران مبارزه) این مسئله را بدین نحو توضیح داده است: «در مورد آیت‌الله خامنه‌ای بحثی شد که ایشان برای هدایت مبارزات در مشهد باشند، زیرا در این روزها علاوه بر تهران و قم روی مشهد نیز خیلی حساب می‌شد. بعضی‌ها موافق نبودند که ایشان برای هدایت مبارزات در مشهد باشند. ولی وقتی بررسی کردیم دیدیم وجودشان در تهران ضروری‌تر است و ایشان دیگر نمی‌توانند از مرکز مبارزه غایب باشند؛ بنابراین جمع تصمیم گرفت که ایشان بیاید و ایشان اضافه شدند.

در مرحله بعد به ترتیب آقایان بازرگان، دکتر سحابی، احمد صدر حاج سید جوادی

و مهندس کتیرایی نیز با پیشنهاد شورا و نظر نهایی امام به شورای انقلاب پیوستند.»

ذکر این خاطره به‌خوبی روشنگر این مسئله است که رفاقت و صمیمیت آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دیرباز برقرار بوده است.

در این ایام منزل هاشمی پایگاهی جهت اجتماع مردم انقلابی و از طرفی محل برگزاری جلسات خاص انقلابیون شده بود. دیگر صدای انقلاب به‌وضوح در تمام کشور شنیده می‌شد.

در این میان خطری که انقلاب پیش‌رو را تهدید می‌کرد خطر انحراف انقلاب از مبانی اصلی آن و مخالفت‌های مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها و دیگر احزاب بود که رهبری یک مرجع دینی را نپذیرفتند. این اقدام در حالی صورت می‌گرفت که مردم خواهان برچیده شدن بساط پادشاهی و تثبیت حاکمیت دین و اسلام در کشور بودند.

یکی از افرادی که در مصادره نشدن انقلاب مردمی توسط این جریانات نقش بسیار اساسی و تعیین‌کننده داشت هاشمی رفسنجانی بود که با بینش و تجربه بالای مبارزاتی و انقلابی خود و با شناخت بسیار مؤثر از روحیات مردم انقلابی که به‌واسطه همراهی چندین ساله ایشان با مردم به وجود آمده بود، توانست این مهم را به‌خوبی مدیریت نماید.

پیروزی انقلاب اسلامی

سرانجام روز ۲۶ دی‌ماه شاه از کشور خارج شد و انقلاب به پیروزی نزدیک‌تر گردید. با خروج شاه از کشور، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تهران که حالا به‌عنوان مکانی برای مراجعه مردم و انقلابیون تبدیل گردیده بود و جلسات متعدد و مختلفی در آن صورت گرفته و تصمیم‌گیری‌هایی در آنجا انجام می‌شد، می‌رفت و به سخنرانی می‌پرداخت.

سرانجام ۱۲ بهمن ۵۷، امام پس از پانزده سال در میان استقبال میلیونی مردم مشتاق به کشور بازگشت و در بدو ورود به بهشت‌زهرا رفته و سخنان مهم و تاریخی را ایراد نمود.

مردم دسته‌دسته از سراسر کشور به مدرسه علوی که محل اقامت ایشان بود مراجعه می‌کردند و امام برایشان سخنرانی می‌کرد. سرانجام روز دیدار بین مردم و امام فرارسید و هاشمی رفسنجانی بعد از مدت‌ها موفق به زیارت امام گشت. امام

وقتی ایشان را دیدند با یک لحن گله‌آمیز و درعین‌حال محبت‌آمیز فرمودند: «ما دو روز است که اینجا هستیم، شما کجایید؟»

هاشمی در جواب گفت: «کارهای فوری‌تر داشتم و نشد خدمت برسم.»

امام نیز عذرشان را پذیرفتند و جویای حالشان شدند. این مسئله به‌خوبی نشانگر علاقه قلبی و عاطفی امام نسبت به هاشمی بود.

در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۶ با حکم امام، دولت موقت تشکیل شد. حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان در حضور حضرت امام توسط آقای هاشمی قرائت گردید. درنهایت در تاریخ ۲۲ بهمن‌ماه رادیو و تلویزیون به دست مردم انقلابی افتاد و پیام پیروزی انقلاب و به ثمر نشستن اندیشه‌های امام و پایان ۲۵۰۰ سال پادشاهی در ایران به گوش جهانیان رسید.

مسئولیت هاشمی در این روزها بسیار سنگین‌تر شده بود. روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی(ره)، ایشان و شهید مطهری را مأمور کردند که به صداوسیما رفته و با کمک صادق قطب‌زاده که روز قبل حکم ریاست صداوسیما را دریافت کرده بود به اصلاح وضعیت موجود بپردازند. این‌گونه شد که هاشمی رفسنجانی در همین روز سخنرانی با موضوع (دو چهره از انسان) یعنی حالت شیطانی و حالت انسانی را انجام دادند.

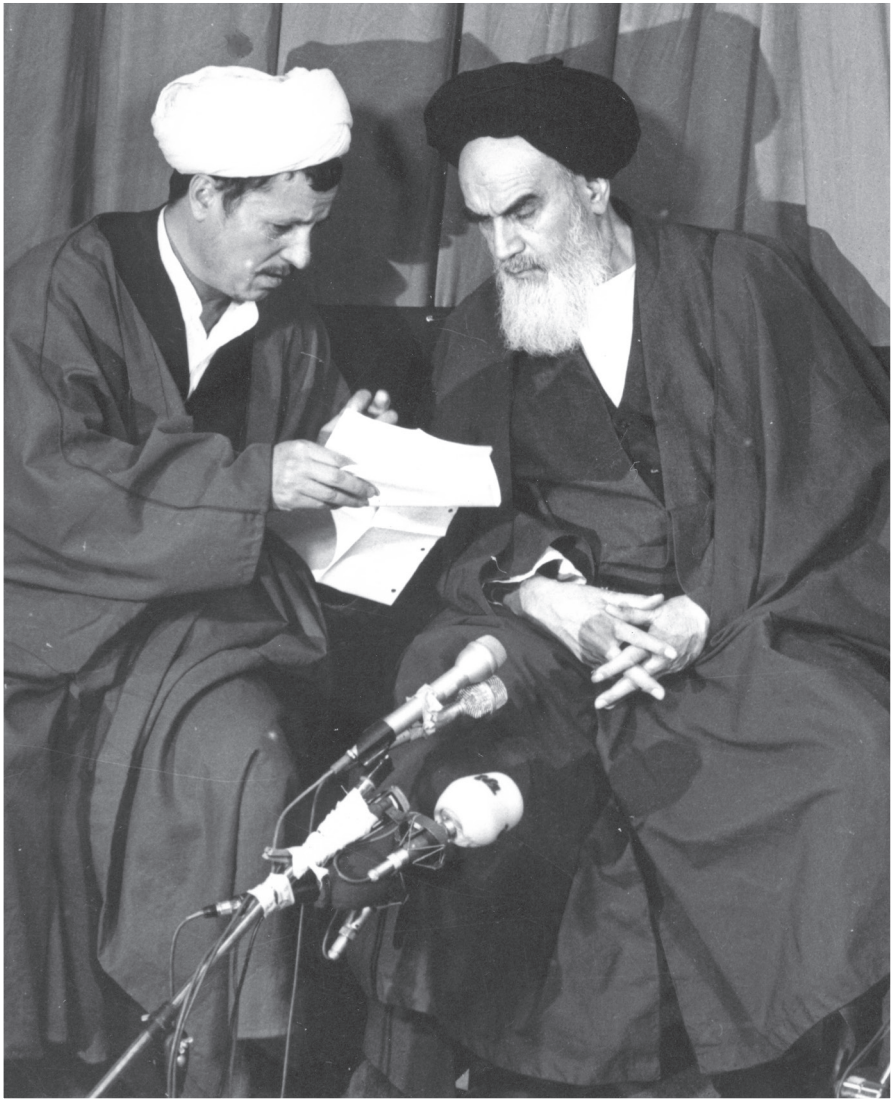

فصل دوم
نقش هاشمی
بعد از پیروزی انقلاب

در این فصل می‌خوانیم:

- نقش هاشمی در تشکیل حزب جمهوری اسلامی
- برگزاری اولین انتخابات پس از انقلاب، جمهوری اسلامی آری
- شعله‌ور شدن آتش فتنه تجزیه طلبی در کشور با حمایت بیگانگان
- تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان
- ترور هاشمی و پیام محبت آمیز حضرت امام (ره)
- ملاقات مرحوم بازرگان با هیات آمریکایی و بالا گرفتن اعتراضات ضد آمریکایی در کشور
- تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و استعفای دولت موقت
- ماموریت مهّم امام خمینی به شورای انقلاب
- اقدامات اساسی هاشمی در کسوت وزارت کشور
- آغاز دوران سازندگی
- برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری
- حضور در مجلس شورای اسلامی
- رئیس مجلس مقتدر

نقش هاشمی در تشکیل حزب جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب و باز شدن فضای سیاسی کشور در اثر اوج‌گیری نهضت اسلامی، ضرورت تشکیل یک حزب بیش‌ازپیش احساس می‌شد. برای طرح این مسئله و گرفتن موافقت امام خمینی، هاشمی رفسنجانی مأمور گشت تا نزد ایشان رفته و نظر ایشان را در این خصوص جویا شود. اگرچه در این میان بنا به برخی ملاحظات، حضرت امام چندان موافق وجود حزب نبودند؛ اما هاشمی رفسنجانی با بیان این مسئله که: «بناست حزب، مجموعه‌ای از افکار مختلف نیروهای اسلامی طرفدار انقلاب اسلامی باشد و نه جناح فکری محدود؛ که در این صورت حزب می‌تواند حالت پدری خودش را در جامعه حفظ نماید.» امام را متقاعد به تشکیل حزب نموده و موافقت ایشان را کسب نمودند.

بعد از کسب موافقت امام خمینی، در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۸ حزب جمهوری اسلامی رسماً اعلام موجودیت کرد. لازم به ذکر است در این حزب آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، دکتر باهنر و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اعضای مؤسس بودند. نگاهی به تحولات و ذکر این خاطرات به‌خوبی مؤید جایگاه ویژه هاشمی رفسنجانی در نزد امام خمینی می‌باشد. ذکر خاطره‌ای از آیت‌الله وحید خراسانی نیز بیش از پیش جایگاه ویژه هاشمی و معنویت بالای ایشان را نزد امام نشان می‌دهد.

آیت‌الله وحید خراسانی با ذکر خاطره‌ای از دیدار خود با حضرت امام در ابتدای پیروزی انقلاب می‌فرماید: «وقتی امام خمینی آمدند من وقت خواستم که به خدمت ایشان برسم. فوری وقت دادند و من به ملاقات ایشان رفتم. با آقای اشراقی داماد امام، در محضر حضرت امام خمینی نشسته بودیم. دیدم که شیخ جوانی آمد و فردی را مطرح کرد و گفت: «این آقا مناسب است استاندار اصفهان باشد.» و امام خمینی قبول کردند. چند دقیقه بعد آمد و فرد دیگری را به امام خمینی معرفی کرد و گفت: «این آقا مناسب است استاندار فلان استان باشد.» امام بازهم تأیید فرمودند. دوباره آمد خدمت امام خمینی و گفت: «آقای امامی کاشانی مناسب است مسئول مدرسه سپهسالار باشد.» بازهم امام خمینی بی‌درنگ قبول کردند.

برای من عجیب بود. پیش خودم گفتم که این شیخ کیست که رهبر انقلاب این‌همه

به او اعتماد دارد و حرفش را می‌پذیرد؟ از آقای اشراقی پرسیدم این شیخ کیست؟ ایشان جواب دادند: «ایشان آشیخ اکبر هاشمی رفسنجانی است.».

برگـزاری اولیـن انتخابات پـس از انقـلاب، جمهوری اسلامی آری

روزهای پس از پیروزی انقلاب روزهای پرالتهاب و پرمخاطره‌ای بود. حرکت مخالفان داخلی ضدانقلاب با برپایی همایش‌های سیاسی، راهپیمایی‌های اعتراضی، انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های اعتراضی و ضدانقلابی فضای جامعه را ملتهب می‌کرد.

هدف مخالفان پذیرفتن جمهوری دموکراتیک اسلامی به‌جای جمهوری اسلامی توسط امام بود.

امام در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ با انتقاد از عملکرد دولت موقت پیشنهاد برگزاری یک رفراندوم جهت تعیین نظام آینده کشور و رأی مردم به اینکه آیا خواهان جمهوری اسلامی بی یک کلمه کم‌وبیش هستند یا خیر شد.

سرانجام لحظه سرنوشت‌ساز تاریخ انقلاب اسلامی فرا رسید و در میان خوابهای مخالفان نظام که در سر رویای تشکیل جمهوری دموکراتیک را می‌پروراند، با رأی ۹۸/۲ درصدی مردم به جمهوری اسلامی (آری) در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۲ این توطئه نیز خنثی شد.

شـعله‌ور شـدن آتـش فتنـه تجزیه‌طلبـی در کشـور بـا حمایـت بیگانگان

در این ایام ضدانقلاب از هر فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب نوپای اسلامی استفاده می‌کردند. مسئله بعدی که ضدانقلاب در کشور رواج یافت، ایجاد منازعات قومی و منطقه‌ای و ترویج خواسته‌های تجزیه‌طلبانه بود. در همین جهت با حمایت وابستگان و قدرت‌های خارجی آتش فتنه تجزیه‌طلبی در کشور یکی پس از دیگری روشن شد. ابتدا در کردستان و به بهانه‌ی ایجاد خودمختاری خلق کُرد، سپس در خوزستان با راه‌اندازی قائله خلق عرب، در ترکمن‌صحرا خلق ترکمن، در بلوچستان خلق بلوچ و در آذربایجان خلق تُرک را به راه انداختند. با سیاست شورای انقلاب و دولت موقت مبنی بر پرهیز از اقدامات نظامی و حل بحران به‌واسطه روشن گری افکار

عمومی و گفت‌وگو، این قائله‌ها به‌خوبی پایان یافت. سیاست امام خمینی در حل این قائله‌ها اعزام هیئت‌هایی به مناطق مسئله‌دار برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مشکلات و قرار گرفتن در جریان مشکلات مردم از نزدیک بود.

به همین منظور امام دستور رفتن مهندس بازرگان به تبریز و خوزستان، آیت‌الله خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله طالقانی، آقای دکتر بهشتی و آقای بنی‌صدر به کردستان جهت بررسی مسائل و مشکلات را صادر کردند.

خوشبختانه این اقدام آثار بسیار مقبولی به همراه داشت. سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مسجد جامع سنندج باعث گردید تا مردم با درک صحیح از توطئه‌ها و برنامه‌های ضدانقلاب مسیر خود را از استقلال‌طلبان جدا نمایند.

تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان

با تأیید و تثبیت نظام جمهوری اسلامی آنچه بیش‌ازپیش ضرورت ایجاد آن به چشم می‌آمد داشتن یک قانون اساسی در کشور بود. به همین دلیل در جلسات مختلف شورای انقلاب و دولت موقت لزوم اجرائی شدن هرچه سریع‌تر پیش‌نویس قانون اساسی مطرح گردید. به همین منظور اعضای شورای انقلاب و دولت بابت طرح نظرها و پیشنهادهای خود در این زمینه به محضر امام خمینی رفتند. پس از بحث و بررسی‌های طولانی‌مدت، امام خمینی پیشنهاد آیت‌الله طالقانی نسبت به تشکیل مجلس برای بررسی و تدوین قانون اساسی را پذیرفت و شورای انقلاب و دولت موقت را موظف به برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس جهت تدوین نهایی قانون اساسی کردند.

این مجلس که با تأکید امام در جهت استفاده از نخبگان و صاحب‌نظران در سراسر کشور و هم‌چنین نمایندگان اقلیت‌های مذهبی جهت تنظیم و بررسی قانون اساسی که در آن کلیه حقوق و آزادی‌ها و فرصت‌های رشد و تعالی و استقلال کشور بر مبنای موازین اسلامی در حال تشکیل بود، مجلس خبرگان نام گرفت.

نهایتاً متن پیشنهادی قانون اساسی در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۴ به اطلاع عموم مردم رسید. در این اثنا اتفاقی بسیار غیرمنتظره به تیتر اول رسانه‌های داخلی و بین‌المللی تبدیل شد.

ترور هاشمی و پیام محبت‌آمیز حضرت امام (ره)

شامگاه جمعه ۱۳۵۸/۳/۴ هاشمی رفسنجانی در منزل خویش توسط دو عضو گروه فرقان ترور شد. هرچند با مداخله به‌موقع همسر آقای هاشمی و درگیری با مهاجمان خوشبختانه این ترور نافرجام ماند لیکن آقای هاشمی از ناحیه کبد و ریه آسیب دید و در بیمارستان شهدای تجریش بستری شد. با اعلام خبر ترور نافرجام آقای هاشمی، حضرت امام خمینی (ره) برای سلامتی ایشان نذر کرده و پیام تاریخی برای ایشان ارسال فرمودند که بیش از پیش نشان از دل‌بستگی حضرت امام خمینی (ره) نسبت به ایشان بود. این پیام که توسط سید احمد خمینی در بیمارستان به آقای هاشمی ابلاغ شد در ادامه آمده است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم»

جناب حجت‌الاسلام مجاهد متعهد آقای هاشمی عزیز:

مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد از بیمارستان پیام داد: «به رضاخان بگویید من زنده هستم.» مدرس حالا هم زنده است. مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بد خواهان باید بدانند هاشمی زنده است؛ چون نهضت زنده است.

آمریکا و دیگر ابرقدرت‌ها بدانند، ملت ما زنده است. اجتماعات عظیم این دو سه روز شاهد زنده‌بودن انقلاب است. اینان با این تلاش‌های احمقانه نمی‌توانند انقلاب

اسلامی ما را ترور کنند.

نمی‌توانند شخصیت انسانی - اسلامی مطهری و هاشمی را ترور کنند. هرچند ترورها حساب‌شده و سازمان‌یافته باشد؛ و از لابه‌لای آنها جای پای ابرقدرت‌ها و جنایتکاران بین‌المللی به چشم می‌خورد. ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه‌ها مقاومت کنند و توطئه‌ها را بشکنند. باکمال مراقبت انقلابی، این جنایتکاران را شناسایی کنند و به دادگاه‌های انقلابی معرفی کنند.

پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظف‌اند از این شخصیت‌های ارزنده انقلابی حفاظت کنند و رفت‌وآمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند، اگرچه خود آنان راضی نباشند. ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد و اجازه دخالت خیانت‌کاران را در کشور خود ندهد.

ما ملت‌های بزرگ اسلامی را به همکاری در نهضت اسلامی ایران دعوت می‌کنیم. باید دست جنایتکاران از ممالک اسلامی و از عموم مستضعفین قطع شود و وعده الهی به همت اقشار ملت‌های اسلامی تحقق یابد.

من به آقای هاشمی فرزند برومند اسلام تبریک می‌گویم که درراه هدف تا نزدیک شهادت به‌پیش رفت. سلامت و ادامه خدمت ایشان را از خدای تعالی خواستارم.

والسلام علیه و علی عبدالله الصالحین

روح‌الله الموسوی الخمینی

ملاقات مرحوم بازرگان با هیات آمریکایی و بالا گرفتن اعتراضات ضدآمریکایی در کشور

در تیرماه ۱۳۵۸ و با بالا گرفتن نارضایتی از دولت بازرگان که ناراحتی‌های مکرر ایشان و اعضای دولت را در پی داشت؛ جلسه مشترک شورای انقلاب و دولت موقت در حضور حضرت امام (قدس سره) برگزار گردید؛ و در بین راه‌حل‌ها و پیشنهادهای مختلف، قرار بر آن شد که شورای انقلاب در دولت موقت با حفظ جایگاه در یکدیگر ادغام شوند و به‌نحوی‌که برخی از اعضای شورای انقلاب در دولت مسئولیت اجرایی بگیرند و عده‌ای از اعضای دولت موقت نیز وارد شورای انقلاب شده و در تصمیم‌گیری‌های آن سهیم باشند. به‌این‌ترتیب با آشنایی هر دو نهاد با وظایف و

مشکلات یکدیگر زمینه حل مشکلات و سرعت بخشیدن به امور به وجود بیاید.

در همین رابطه آیت‌الله خامنه‌ای معاونت وزارت دفاع در دولت موقت را بر عهده گرفت؛ و آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سمت معاونت وزارت کشور و آقایان محمدجواد باهنر و ابوالحسن بنی‌صدر در معاونت وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش و امور اقتصاد دارائی قرار گرفتند. همچنین از جمع اعضای دولت موقت نیز آقایان فروهر، کتیرایی، صباغیان، میناچی و صادق طباطبائی وارد شورای انقلاب شدند.

مسائل و اتفاقات این سال در تاریخ جمهوری اسلامی بی‌سابقه است. روزی نبود که به‌واسطه عدم درک صحیح دولت موقت از انقلاب در کشور مشکلی به وجود نیاید. یکی از این اتفاقات مهم و تأثیرگذار ملاقات بازرگان با برژینسکی مشاور امنیتی رئیس‌جمهور آمریکا در حاشیه‌ی جشن استقلال الجزایر و بدون توجه به سخنان امام و جو ضدآمریکایی داخل کشور بود.

در این ایام که هاشمی رفسنجانی به‌اتفاق آیت‌الله خامنه‌ای و اعضای خانواده به‌منظور شرکت در مراسم معنوی حج تمتع در مکه حضور داشتند، با نگرانی اخبار و وقایع داخل کشور را دنبال می‌نمودند. یک روز پس از ملاقات بازرگان با هیئت آمریکایی، احزاب و جمعیت‌های سیاسی کشور راه‌پیمایی گسترده ضدآمریکایی را بعد از اقامه نماز عید قربان در تاریخ ۵۸/۸/۱۰ انجام دادند. جو ضدآمریکایی در کشور به راه افتاده بود و مردم کشور با توجه به حضور شاه در آمریکا و با نارضایتی از سیاست‌های چند دهه گذشته این کشور در ایران، درصدد کوتاه کردن دست این کشور در مسائل و اتفاقات سیاسی ایران بودند. مردم ایران هنوز واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که با دخالت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) منجر به برکناری دولت مصدق گردیده بود را فراموش نکرده بودند.

تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و استعفای دولت موقت

سرانجام در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در پی برگزاری راهپیمایی به مناسبت سالگرد تبعید امام خمینی در سال ۱۳۴۲ و حمله رژیم شاه به دانش آموزان و دانشجویان در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوسته بود، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اقدام به اشغال

سفارت آمریکا در تهران کردند.

این اقدام که با مخالفت و بدون هماهنگی با شورای انقلاب و دولت موقت بود منجر به دستگیری ۶۶ دیپلمات آمریکایی به جرم جاسوسی علیه کشورمان گردید. این خبر خیلی زود در رأس اخبار تمام روزنامه‌ها و رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت. این اتفاق باعث شد که دولت موقت بازرگان در همان روز و در مخالفت با این اقدام استعفای خود را تقدیم امام خمینی کند. سرانجام در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۵۸ امام خمینی با استعفای دولت موقت موافقت کردند. واقعه اشغال سفارت آمریکا که امام خمینی از آن به‌عنوان انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول یادکردند، درنهایت منجر به قطع رابطه ایران و آمریکا گردید.

همان‌طور که اشاره شد در همین ایام آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای شرکت در مراسم حج در مکه سر می‌بردند؛ و با آگاهی از تحولات داخل کشور به‌سرعت به ایران بازگشتند. در این ایام اخبار ایران در رأس اخبار بین‌المللی قرار داشت.

امام خمینی با رد تلاش نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور وقت آمریکا، شورای انقلاب را از برگزاری جلسه با آمریکایی‌ها منع کرده و استرداد شاه و دست کشیدن آمریکا از جاسوسی و مخالفت با انقلاب اسلامی را به‌عنوان دو شرط اصلی برای پایان یافتن این مسئله و آغاز مذاکرات نام بردند.

ماموریت مهم امام خمینی به شورای انقلاب

پس از پذیرفتن استعفای بازرگان، امام خمینی در نامه‌ای به شورای انقلاب این شورا را مأمور رسیدگی و اداره امور کشور و اجرای تهیه مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی، تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای اسلامی، تهیه مقدمات تعیین رئیس‌جمهور و رسیدگی به وضع رفاه حال طبقات مستضعف کردند. در همین ایام مشخص بود که تا تشکیل مجلس شورای ملی، کشور بدون نخست‌وزیر اداره می‌شود و اعضای انقلاب تصمیم‌گیرندگان تراز اول کشور خواهند بود. از همین رو تغییراتی در ترکیب دولت به وجود آمد. ازجمله این تغییرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دستور و نظر صریح امام به وزارت کشور رفته و به‌عنوان سرپرست آن وزارتخانه منصوب گردید.

هاشمی رفسنجانی با درک صحیح از نیاز مردم کشور به داشتن آسایش، امنیت و

رفاه اجتماعی و در جهت رفع بیکاری با سرعت بخشیدن به طرح‌های اجرائی کشور در تحقیق این مسائل اقدامی جدی و عملی را ایجاد کرد. از مهم‌ترین مسائل سیاسی که وزارت کشور با آن درگیر بود، منازعات قومی در اکثر نقاط کشور بود. از مسائل مهم دیگری که پیش روی وزارت کشور در آن ایّام قرار داشت، بحث برگزاری رفراندوم قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان بود.

البته قطع رابطه با آمریکا و بلوکه کردن ذخایر ارزی و دارائی‌های کشورمان و مطرح‌شدن اقدام نظامی توسط آمریکا علیه ایران، باعث سنگین‌تر شدن مسئولیت وزارت کشور شد.

انتشار متن نهایی قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان راه را برای برگزاری رفراندوم قانون اساسی هموار کرد. سرانجام با حضور یکپارچه مردم در پای صندوق‌های رأی در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ تأیید و تثبیت قانون اساسی به تأیید ۹۹/۵ درصدی مردم کشور رسید.

با تشدید بحران بیکاری در کشور و ضرورت اجرای طرحی جامع که بتواند دربرگیرنده نیازهای جامعه باشد در دوران تصدی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در وزارت کشور این برنامه در رأس برنامه‌های آن وزارتخانه قرار گرفت. با تصویب

طرح اشتغال بیکاران کشور که توسط هاشمی رفسنجانی پیگیری می‌شد، در شورای انقلاب مقرر گردید به‌طور ضربتی واحدهایی در مناطق مختلف کشور احداث گردد؛ که در این واحدها تحت عنوان واحدهای تولیدی تعاونی با به‌کارگیری افراد بیکار و دادن آموزش‌های لازم و حمایت مالی از آنها جهت احیای کشاورزی، دام‌پروری و قطع وابستگی به صنایع خارجی اقدام شود.

با اجرای دقیق این طرح می‌شد امیدوار بود که همه صنایع و واحدهای کوچک صنعتی در آینده‌ای نزدیک، کشور را از واردات قطعات صنعتی بی‌نیاز کنند.

طرح ضربتی شورای انقلاب برای جلوگیری از ترور و اغتشاش، طرح شورایی شدن استان‌ها، طرح جلوگیری از تصرف اموال و املاک مردم، طرح اصلاح مدیریت استان‌ها و برکناری عناصر ناصالح و به کار گرفتن مدیران صالح و انقلابی، لایحه انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی و فراهم آمدن امکانات اجرای این انتخابات از اقدامات مؤثر دوران تصدی وزارت کشور توسط ایشان بود.

بازگشت امام به تهران در پی کسالت قلبی ایشان و نیاز به مراقبت‌های پزشکی و درمانی مستمر که منجر به اقامت حضرت امام در جماران گردیده بود؛ باعث گردید تا هاشمی رفسنجانی با اقامت در منزلی در مجاورت حضرت امام در جماران بیش‌ازپیش به ایشان نزدیک گردد.

برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری

در دوره تصدی وزارت کشور ایشان با برگزاری یک انتخابات سالم و بی‌طرفانه ابوالحسن بنی‌صدر با اکثریتی قابل‌توجه پیروز انتخاب شد. در این پیروزی نقش نیروهای مذهبی و روحانی و مبارز ازجمله جامعه روحانیت مبارز تهران بی‌تأثیر نبود.

به‌هرحال با توجه به تقارن این ایام با بستری بودن حضرت امام خمینی (ره) در بیمارستان قلب تهران، مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۵ در بیمارستان قلب تهران برگزار گردید. پس از انجام مراسم و با توجه به شرایط آن روزهای کشور و با توجه به خالی بودن جای مجلس در کشور، مقرر گردید تا تشکیل مجلس، شورای انقلاب وظایف قوه‌ی مقننه و نظارت بر عملکرد دولت را بر عهده بگیرد.

بنی‌صدر بدون توجه به حسن نیت شورای انقلاب که در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۶ او را به ریاست شورای انقلاب که در حقیقت ریاست قوه مجریه و مقننه به‌صورت یکجا بود

و بدون در نظر گرفتن این مسئله که به پیشنهاد این شورا به امام، او به فرماندهی کل قوا منصوب گردیده بود، مخالفت‌هایی با شورای انقلاب انجام داد و در عمل مسیر خود را از این شورا جدا نمود.

حضرت امام با توجه به شرایط جسمانی خود از آقایان هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله خامنه‌ای خواستند که با معرفی شخصی جهت واگذاری مسئولیت فرماندهی کل نیروهای مسلح را که ازجمله وظایف رهبری در قانون اساسی بود انجام دهند.

در جلسه‌ای با حضور دکتر بهشتی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، دکتر باهنر، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مقرر گردید که با توجه به نیاز تمرکز بیشتر در اداره امور کشور و ازآنجاکه آقای بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور از سوی مردم انتخاب شده بودند، بنا بر مصلحت نظام این مقام به ایشان تنفیذ شود. با اعلام نتیجه جلسه به حضور امام، ایشان در تاریخ ۵۸/۱۱/۳۰ آقای بنی‌صدر را به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح برگزیدند.

بنی‌صدر با اتکا به قدرت تازه‌ای که به دست آورده بود نه‌تنها از این ظرفیت جهت همدلی و همبستگی با روحانیت استفاده نکرد، بلکه با اقداماتی از قبیل مصاحبه و نوشتن مقالات، حملات شدیدی را متوجه سایر رقبا که آنها را مانع اصلی قدرت سیاسی آینده خود می‌دانست انجام داد.

با اوج‌گیری مخالفت و تبلیغات گمراه‌کننده بنی‌صدر علیه روحانیت و اظهارات صریح او مبنی بر اینکه اگر مجلس با من هماهنگ نباشد ایران منفجر خواهد شد، یا تهدید ایشان مبنی بر کناره‌گیری از ریاست جمهوری در صورت تابع نبودن مجلس از ایشان، آقایان هاشمی رفسنجانی، دکتر باهنر، دکتر بهشتی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله خامنه‌ای نامه‌ای خدمت حضرت امام خمینی نوشتند و در آن نامه خطر متجددهای شرق و غرب‌زده در مخالفت با انقلاب و احتمال تکرار تاریخ مشروطه را هشدار داده و از امام کسب تکلیف کردند.

حضور در مجلس شورای اسلامی

با نزدیک شدن به زمان انتخابات اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی و با اعلام کاندیداتوری ایشان در انتخابات پیش رو، بنی‌صدر و طرفدارانش با پخش شایعات و اتهامات می‌کوشیدند تا بی‌طرفی وزارت کشور را زیر سؤال ببرند. در این ایام آیت‌الله

هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله خامنه‌ای به ترتیب استعفا از مناصبشان در سرپرستی وزارت کشور و سرپرستی سپاه پاسداران اسلامی و معاونت وزارت دفاع را اعلام داشتند.

پس‌ازاین استعفا که در جلسه ۵۸/۱۲/۸ در شورای انقلاب مورد موافقت قرار گرفت، آقای مهدوی کنی به‌عنوان سرپرست وزارت کشور منصوب گردید.

سرانجام انتخابات اولین دوره مجلس با مشارکت بیش از ۵۲ درصدی مردم در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۴ در میان هجمه‌های تبلیغاتی طرفداران بنی‌صدر نسبت به روحانیت که حضور چشم‌گیری در انتخابات داشته و مورد اقبال مردم قرار داشتند، انجام پذیرفت. با مشخص شدن نتایج انتخابات که حاکی از پیروزی قاطع کاندیداهای نیروهای اسلامی و انقلابی داشت، این بار حاشیه‌ای دیگر از جانب طرفداران بنی‌صدر در کشور مطرح گردید و آن ایجاد شبهات در نتایج انتخابات و ادعای تقلب و تخلف در آن بود. ناتوانی مدعیان تخلف و نداشتن دلایل و مدارک مستند موجب طولانی شدن مسئله بررسی صحت انتخابات و تشکیل کمیسیونی دراین‌ارتباط گردید.

سرانجام در تاریخ ۵۹/۱/۱۴ نتایج قطعی انتخابات اعلام گردید. دراین‌بین آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در میان کاندیداهای دیگر که اکثریت آنها از فهرست حزب جمهوری اسلامی و جامعیت روحانیت مبارز بودند به مجلس راه یافتند. با انتخاب هیئت‌رئیسه مجلس آقای هاشمی رفسنجانی با کسب ۱۴۶ رأی از ۱۹۶ رأی موجود به‌عنوان اولین رئیس مجلس شورای اسلامی پس از انقلاب انتخاب گردید. با رسمیت یافتن جلسات مجلس شورای ملی، شورای انقلاب پس از حدود ۱۸ ماه فعالیت رسمی در تاریخ ۵۹/۴/۲۶ به کار خود پایان داد.

با توجه به اصل ۱۲۱ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۳۱ مراسم تحلیف رئیس‌جمهور در مجلس انجام شد و به‌این‌ترتیب ابوالحسن بنی‌صدر رسماً و قانوناً رئیس‌جمهور ایران شد.

یکی از اقدامات بسیار مؤثر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این دوران حمایت از اجرای طرح مترو تهران بود. این طرح که انجام مطالعات آن قبل از انقلاب به پایان رسیده بود و عملاً پس از انقلاب هیچ‌گونه پیشرفتی نداشت در شورای انقلاب بررسی گردید.

یکی از دلایل مخالفت با این طرح، هزینه سنگین اجرای شدن آن بود. از سویی نیاز به حمل‌ونقل عمومی سریع‌تر با توجه به رشد جمعیت دلیل اصلی موافقان برای اجرای این طرح بود. سرانجام لایحه‌ی قانون تأسیس شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه در تاریخ ۵۹/۴/۱۵ با هدف سرعت بخشیدن به روند اجرای آن با حمایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به تصویب رسید.

هاشمی با قرار گرفتن در مسند ریاست مجلس حل مسئله مسکن، گرانی و بیکاری را به‌عنوان اولویت‌های کاری مجلس قرار داد.

در این فصل می‌خوانیم:

- تحرکات دشمنان در مرزهای کشور و غفلت بنی‌صدر
- آغاز جنگ تحمیلی
- سقوط خرمشهر
- غائله بنی‌صدر
- طرح عدم کفایت و عزل بنی‌صدر
- انفجار حزب جمهوری
- شهادت جمعی از یاران امام و انقلاب
- برگزاری دومین دوره ریاست جمهوری
- انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور
- آغاز عصری طلایی در همکاری دولت و مجلس
- آغاز پیروزی‌های درخشان در جبهه‌ها در سایه وفاق ملّی
- اهمیت به ارتقاء سطح دانش جوانان
- تاسیس دانشگاه آزاد
- نقش مشی اعتدالی هاشمی در ایجاد وفاق ملّی در کشور
- بررسی عملکرد مجلس اول
- رئیس محلس مقتدر
- انتخابات نخستین دوره مجلس خبرگان رهبری

فصل سوم
آغاز جنگ تحمیلی و شروع هشت سال دفاع مقدس

- انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی
- انحلال حزب جمهوری اسلامی
- انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز
- تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام
- انتخاب مجدد آیت الله خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور
- تشکیل هیات حل اختلاف در ماجرای تعیین اعضای کابینه
- انتخابات مجلس سوم
- مذاکرات و رایزنی‌های جهانی با ایران در مورد پایان جنگ
- جنگ نفت‌کش‌ها
- ورود رسمی آمریکا به جنگ مستقیم با ایران در خلیج فارس
- حمله ناجوانمردانه به هواپیمای مسافربری ایران
- پذیرش قطعنامه ۵۹۸
- نقش پررنگ هاشمی در پایان جنگ
- انتخاب عراق به عنوان متجاوز
- حمله تندروها به هاشمی جهت خاتمه دادن به جنگ
- تهاجم ارتش عراق به ایران پس از پذیرش قطعنامه
- شکست تاریخی منافقان کور دل در تنگه مرصاد

تحرکات دشمنان در مرزهای کشور و غفلت بنی صدر

اصرار مسئولان ایران برای تحویل و محاکمه شاه که با عدم همراهی آمریکایی‌ها موجب طولانی شدن مسئله گروگان‌ها شده بود باعث گردید که در تاریخ ۵۹/۱/۱۹ عملاً رابطه سیاسی ایران با آمریکا قطع گردید. ماحصل این اقدام گسترش تحریم‌های اقتصادی، بلوکه کردن دارائی‌های ایران در آمریکا، اخراج دیپلمات‌های ایرانی، جلوگیری از صادرات نفت ایران و هم‌چنین فشار به کشورهای اروپایی برای همراهی با آمریکا علیه ایران را در پی داشت.

با تحریک آمریکا رژیم بعث عراق تحرکات و تجاوزاتی در برخی از نقاط مرزی ایران انجام داد. دولت عراق در یک اقدام بی‌سابقه حدود ۱۵ هزار ایرانی ساکن عراق را از آن کشور اخراج کرد و با حمله به بیوت مراجع، بسیاری را دستگیر و برخی را نیز به شهادت رساند. درصحنه بین‌المللی نیز کوشید تا به ادعای مطالبه جزایر سه‌گانه ایرانی، حمایت کشورها و دولت‌های عربی را برای مقابله با ایران جلب کند.

متأسفانه در این زمان نیروهای مسلح که شخص بنی‌صدر به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا را بالای سر خود می‌دید، هیچ‌گونه اقدام مهمی در جهت تنبیه حکومت عراق و پیش‌گیری از تجاوزات آنها انجام نداد. در همین اثنا و با توجه به ضعف بنی‌صدر در تجزیه‌وتحلیل مسائل در نیمه‌شب پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ نیروهای ضربتی ارتش آمریکا با شش فروند هواپیمایی غول‌پیکر وارد صحرای طبس شدند. در همین حال ۸ فروند بالگرد نظامی آمریکا نیز با پرواز از عرشه ناوهای هواپیمابر از خلیج‌فارس به آنها پیوستند. این عملیات که «عملیات دلتا» نام گرفته بود در جهت رهایی جاسوسان و گروگان‌های آمریکائی صورت گرفته بود ولی وجود طوفان شن این عملیات را خنثی کرده و باعث شکست و سرافکندگی آمریکا گردید. این عملیات ناموفق موجی از اعتراضات و مخالفت‌های جهانی علیه آمریکا را به همراه داشت.

روز ۳۱ شهریور؛ آغاز جنگ تحمیلی

روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعثی عراق با حمایت آمریکا حملات خود را علیه ایران آغاز نمود و این آغازی بود بر شروع یک جنگ هشت‌ساله میان دو کشور. رژیم بعثی عراق در روز اول جنگ تعداد زیادی از فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی کشور، در

شهرهای تهران، همدان، تبریز، دزفول و دیگر شهرهای کشور را موردحمله هوایی قرار داد. حمله عراق به ایران که در جهت سرکوب انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ آن به کشورهای جهان بود؛ با حمایت اکثر کشورهای عربی منطقه و با تحریک آمریکا و هم‌پیمانانش صورت گرفت.

آمریکا، در طول هشت سال جنگ تحمیلی نقش کارگردان و طراح را بازی می‌کرد و به‌نوعی عراق سیاست‌های آمریکا را در قبال جمهوری اسلامی اجرا می‌کرد. در آغاز جنگ تحمیلی، ارتش ایران متأثر از انقلاب اسلامی به یک تجدید ساختار و پاک‌سازی در درون خود دست زده بود.

اگرچه سپاه پاسداران یک سال قبل از جنگ به‌فرمان امام خمینی تشکیل گردیده بود ولی بسیار جوان و فاقد امکانات و تجربه لازم در امور نظامی بود.

رئیس‌جمهور نیز به‌عنوان فرماندهی کل قوا عملاً هیچ توجهی به جنگ نداشت و بیشتر درگیر بازی‌های حزبی و ایجاد اغتشاش در کشور جهت بیرون راندن مخالفان و رقبای خویش از میدان سیاست بود.

رژیم بعث عراق نیز با سوءاستفاده از شرایط درون کشور و با توجه به استقلال‌طلبی خلق عرب در خوزستان و با دادن شعارهای قومیتی - عربی از این خلأ به‌خوبی استفاده کرده و در روزهای ابتدایی حمله به ایران توانست موافقت برخی از سران عرب قبایل خوزستان را نیز به دست آورد. ارتش بعثی عراق در ماه‌های اولیه جنگ از خلأ موجود به‌خوبی استفاده کرد و توانست بخش عظیمی از شهرهای مرزی کشور ما با عراق را به تصرف دربیاورد.

اگرچه ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در چندین مرحله با انجام عملیات گسترده زمینی و هوایی توانست ضربه‌های مهلکی به ارتش بعث عرق وارد نماید ولیکن به دلیل نبود فرماندهی مقتدر در جنگ و پراکنده بودن حملات نتایج دلخواه به دست نمی‌آمد. یکی از دلایل عمده این پراکندگی را می‌توان در روحیه بنی‌صدر مبنی بر خوداتکا بودن و عدم پذیرش نظر جمعی و عدم مشورت در تصمیم‌گیری‌ها جُست. درحالی‌که بخش وسیعی از ایران در اشغال عراقی‌ها بود، یاسر عرفات برای میانجیگری صلح در تاریخ ۵۹/۷/۴ وارد کشور شد. پس‌ازآن ضیاءالحق رئیس‌جمهور پاکستان به همراه دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی وارد تهران شدند و ملاقاتی طولانی جهت پذیرش آتش‌بس با مقامات ایرانی داشتند.

امام رفع تجاوز و تنبیه متجاوز را به‌عنوان شرط پذیرش صلح مطرح فرمودند و عنوان داشتند: «صدام حسین دستش را دراز کرده برای اینکه با ما مصالحه کند، ما با او مصالحه نداریم.» به همین دلیل هیئت فوق بدون به دست آوردن هیچ دستاورد روشنی از کشور خارج شد.

اگرچه در روزهای نخست جنگ، ارتش عراق خیلی زود در بسیاری از مناطق پیشرفت وسیعی داشت؛ اما به‌فرمان امام و با به میدان آمدن مردم و فداکاری‌های ارتش، خیلی زود در بسیاری از مناطق زمین‌گیر شدند. سازمان ملل متحد نیز در روزهای نخستین جنگ با صدور قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت، دو کشور را به پرهیز از جنگ و پذیرش آتش‌بس توصیه کرد، ولی از محکومیت متجاوز و خروج اشتغال گران از خاک ایران هیچ‌گونه سخنی به میان نیاورد.

در همین ایام حضرت امام خمینی با فرمانی در تاریخ ۵۹/۷/۲۰ و در جهت به انسجام رسیدن سیاست‌های جنگی و عملیاتی، دستور تشکیل شورای عالی دفاع را صادر فرمودند. با فرمان امام، آقایان هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، رجایی، بنی‌صدر، پرورش، محمد منتظری، جواد فکوری و محسن رضایی در این شورا عضو شدند اما استبداد فردی بنی‌صدر به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا و رئیس شورای عالی دفاع مانع از اتخاذ تصمیمات مشخص می‌شد. این استبداد رأی باعث گردید تا متأسفانه شهرهای زیادی ازجمله خرمشهر به دست نیروهای بعثی عراق افتاده و بخش وسیعی از کشور زیر آتش ارتش دشمن قرار گیرد که متأسفانه عده زیادی از هم‌وطنان به شهادت رسیدند.

غائله بنی‌صدر

در این میان برخی از شهرهای کشور به تحریک لیبرال‌ها و مخالفان انقلاب که از دفتر رئیس جمهور حمایت می‌شدند، تحرکاتی در مشهد، قم و تهران برای تضعیف روحانیت صورت گرفت.

در این میان جامعه روحانیت مبارز با دعوت از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌عنوان رئیس مجلس جلسه‌ای در جهت حل اختلافات برگزار گردید.

در این جلسه مقرر شد مسائل مورد اختلاف در اسرع وقت در این هیئت طرح و

بررسی‌شده و طرفین متعهد شدند که بعدازاین از طرح مسائل اختلاف انگیز خودداری کنند؛ و از طرفداران و روزنامه‌های مرتبط به خویش هم بخواهند که ازاین‌گونه کارها حذر کنند. با بالا گرفتن جنگ، بنی‌صدر به بهانه بی‌تجربه بودن سپاه از همکاری با آن و تأمین نیازهای سپاه در جبهه سر باز می‌زد. در همین ایام به دنبال مصوبه مجلس برای حل‌وفصل گروگان‌های آمریکایی هیئتی از ایران در جلساتی که به میزبانی الجزایر جهت میانجیگری در این مسئله شرکت کردند.

در بیانیه الجزایر بر عدم‌مداخله آمریکا در امور ایران، استرداد دارائی‌های ایران که در اختیار بانک‌های آمریکایی بود، لغو تحریم‌های تجاری و برگشت دارائی‌های خانواده شاه سابق تأکید شده بود. سرانجام پس از امضا این بیانیه توسط دولت‌های ایرانی و آمریکا بیش از ۵۰ نفر گروگان آمریکایی در تاریخ ۵۹/۱۱/۳۰ و بعد از ۴۴۲ روز آزاد گشته و این مسئله پایان یافت.

درحالی‌که مقاومت مردمی در اکثر نقاط کشور باعث زمین‌گیر شدن نیروهای متجاوز به کشور شده بود، بنی‌صدر با بی‌توجهی به نیروهای بسیج و سپاه پاسداران و تحریک هواداران خود زمینه‌ساز وقوع یکی از اختلافات داخلی شدید در کشور شده بود. اوج این اختلافات در غائله ۵۹/۱۲/۱۴ در هنگام سخنرانی رئیس‌جمهور در دانشگاه تهران به وجود آمد.

در جریان این سخنرانی درگیری لفظی بین طرفداران رئیس‌جمهور که عمدتاً ملی‌گرا و مجاهدین خلق بودند با جمعی از نیروهای هوادار انقلاب شروع گردید. در این میان، سخنرانی تند رئیس‌جمهور علیه نیروهای انقلابی بر شدت ماجرا افزود. طرفداران رئیس‌جمهور با تحریک ایشان به ضرب و شتم نیروهای هوادار انقلاب پرداختند. بلافاصله پس‌ازاین واقعه امام خمینی عکس‌العمل نشان داده و از دستگاه قضائی تعقیب و محاکمه مجرمین و محرکین را خواستار شدند.

در جلسه ۵۹/۱۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی اعتراضات گسترده نمایندگان بسیار بالا گرفت و اکثر نمایندگان طرح احتمالی استیضاح رئیس‌جمهور را نیز مطرح کردند.

با اوج‌گیری مخالفت‌های مردمی و اعلام نارضایتی از رفتارهای تفرقه‌افکنانه بنی‌صدر، وی با انتشار بیانه‌ای در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۸ خود را از مسائل پیش‌آمده مُبرّا دانست و مردم را به همراهی از خود در جهت مقابله با مخالفین فراخواند و به طبع آن در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۳ شهید بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، دکتر رجایی رئیس

دولت و هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس را دعوت به مناظره کرد. با پذیرفته شدن برگزاری مناظره از جانب نامبردگان، بنی‌صدر از مواضع خود عقب‌نشینی کرد. در پی این اختلافات امام خمینی به مسئله ورود کرده و جلسه‌ای با حضور ایشان و آقایان بنی‌صدر، رجایی، خامنه‌ای، بهشتی، موسوی اردبیلی، بازرگان و هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۵ اسفند ۵۹ در جماران برگزار شد.

در این جلسه طرفین به بیان اختلافات فی‌مابین خود پرداختند ولی موضع هاشمی رفسنجانی بسیار صریح‌تر و روشن‌تر بود. ایشان دلایل اختلاف خود را با بنی‌صدر بر سر آرمان‌ها و اهداف اسلامی و ملی انقلاب دانستند و از امام خواستند که در این اختلاف داوری کنند.

در پایان همان روز امام خمینی در بیانیه‌ای بسیار مهم با تأیید ارگان‌های رسمی و مشروع کشور و تعیین حدود مسئولیت‌ها و حوزه اختیارات هرکدام، طرفین را به رعایت قانون فراخواند و از طرفین خواست که تا پایان جنگ اعتراضی نکرده و به‌جای آن با یکدیگر برادرانه همکاری کرده و با کمک یکدیگر مشکلات کشور را حل نمایند. هم‌چنین از جانب امام هیئتی در جهت رسیدگی به شکایات و حل اختلافات تشکیل گردید. اعضای این هیئت یک نفر از طرف رئیس‌جمهور، یک نفر از طرف دیگر و یک نماینده نیز از جانب امام خمینی بود که رأی اکثریت هیئت مذکور معتبر و قابل‌اجرا باشد. اعضای این گروه آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله محمد یزدی و آیت‌الله اشراقی بودند.

سال ۱۳۶۰ با بحران‌های شدید در زمینه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی برای کشور آغاز شد. این سال که به تعبیر کارشناسان به‌عنوان بحرانی‌ترین سال تاریخ انقلاب از آن یاد می‌کنند دارای حوادث تلخ و دردناک بود که منجر به شهادت عده بی‌شماری از یاران انقلاب گردید.

عملکرد نامناسب بنی‌صدر که باعث به وجود آمدن تشنج در فضای سیاسی کشور و اختلاف میان ارتش و سپاه گردیده بود باعث تحکیم موانع ارتش عراق گردیده بود.

بنی‌صدر با حمایت نیروهای ضدانقلاب باعث گردیده بود امنیت کشور به مخاطره بیفتد و همچنین روزبه‌روز بر طبل اختلاف خود با مجلس می‌کوبید. روابط بنی‌صدر با سازمان مجاهدین خلق روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شد تا آنکه در ۱۳۶۰/۳/۱۸ این سازمان حمایت کامل و یکپارچه خود را از بنی‌صدر اعلام نموده و به نهادهای انقلابی و مسئولان حمله کرد.

طرح عدم کفایت و عزل بنی صدر

در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۰ بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا عزل می‌گردد. سازمان مجاهدین خلق طی اطلاعیه‌ای با حمایت کامل از بنی‌صدر خواستار حراست از جان رئیس‌جمهور شد. همزمان با تصویب دو فوریت طرح عدم‌کفایت رئیس‌جمهور در مجلس کلید خورد. در روز شنبه ۱۳۶۰/۳/۲۳ هاشمی رفسنجانی برای جویا شدن نظر امام دراین‌باره به ملاقات ایشان می‌رود.

امام در این جلسه نظرشان را خیلی صریح بیان نمودند. ایشان فرمودند: «ترجیح داشتم بنی‌صدر تابع قانون شود و رئیس‌جمهور بماند؛ اما به ظن قوی ایشان تسلیم قانون نخواهد شد. لذا ما باید اتمام‌حجت کنیم و حتی ایشان را دعوت به مذاکره کنیم اگر تسلیم نشد، چاره‌ای نیست باید به قانون عمل کرد.»

در همین ایام سازمان مجاهدین خلق یک‌بار دیگر با اعلام حمایت از بنی‌صدر و طی اعلامیه‌ای تهدیدآمیز نمایندگان مجلس را از شرکت در جلسه بررسی عدم صلاحیت رئیس‌جمهور بر حذر داشت. در روز سه‌شنبه ۶۰/۳/۲۶ با تصویب طرح دوفوریتی عدم‌کفایت سیاسی رئیس‌جمهور ناگهان بنی‌صدر از انظار عمومی ناپدید می‌گردد.

در روز جمعه ۶۰/۳/۲۹ میلیون‌ها انقلابی که در نماز جمعه شرکت کرده بودند با برپایی تظاهرات خواستار محاکمه و عزل بنی‌صدر شدند. در روز شنبه ۶۰/۳/۳۰ بررسی طرح عدم‌کفایت رئیس‌جمهور در مجلس آغاز شد. در همین روز سازمان مجاهدین خلق از هوادارانش دعوت کرده بود تا در جهت حمایت از بنی‌صدر به خیابان‌ها بیایند. طی درگیری‌های وسیعی که در چندین نقطه تهران اتفاق افتاد، اعضای سازمان مجاهدین به مبارزه مسلحانه علیه نظام پرداختند.

این درگیری‌ها تا پاسی از شب با تخریب و قتل و غارت و آشوب در تهران و بسیاری از شهرستان‌ها همراه بود و با مداخله نیروهای سپاه و کمیته به پایان رسید.

سرانجام در جلسه علنی روز یکشنبه ۶۰/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس با ۱۷۷ رأی از ۱۹۰ رأی بر عدم‌کفایت سیاسی رئیس‌جمهور رأی دادند و بنی‌صدر نیز به‌صورت مخفیانه از کشور خارج شد.

بی‌شک هاشمی رفسنجانی باذکاوت استثنایی خود که حاصل سال‌ها تجربه مبارزاتی‌اش بود در شناسایی توطئه بنی‌صدر نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. با بصیرت ایشان، کشور از

یک خطر بزرگ رهایی یافت. هم‌چنین با تلاش‌های هاشمی رفسنجانی، عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و سپس تصویب طرح عدم‌کفایت سیاسی به سرانجام رسید.

انفجار حزب جمهوری ـ شهادت جمعی از یاران امام و انقلاب

متأسفانه در همین روز خبر رسید که دکتر مصطفی چمران به شهادت رسیدند. پس از شهادت شهید چمران، امام خمینی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به عضویت در شورای عالی دفاع، منصوب کردند. فضای کشور به‌واسطه اقدامات طرفداران بنی‌صدر که عمده آن را اعضای سازمان مجاهدین خلق تشکیل می‌دادند، پرتنش شده بود.

در روز شنبه ۶۰/۴/۶ در مسجد اباذر تهران سوءقصدی به جان آیت‌الله خامنه‌ای صورت گرفت. هاشمی رفسنجانی که در همین هنگام در شهر زرند کرمان به سر می‌برد در خاطرات خود در تشریح آن روز چنین می‌گوید: «سروان سجادی فرمانده ژاندارمری، خبر سوءقصد به جان آقای خامنه‌ای را همراه با بشارت نجات ایشان داد، گفت: بمبی در ضبط‌صوت کار گذاشته و در مسجد اباذر روی میز خطابه ایشان گذاشته‌اند.» یک‌لحظه دنیا در نظرم تاریک شد. همراهان متوجه از دست رفتن تعادل من شدند. فوراً به شهر آمدم حدود ساعت ۶ بعدازظهر به فرودگاه رسیدیم. ساعت ۸:۳۰ شب به تهران رسیدیم و مستقیماً به بیمارستان قلب رفتم و از آقای خامنه‌ای عیادت کردم. دکترها گفتند: هفتاد درصد خطر رفع شده، خونریزی زیاد شده؛ دست راست ایشان با قطع عصب از کار افتاده است، بعداً باید پیوند شود. عروق و اعصاب ناحیه راست سینه قطع‌شده، برای قطع خونریزی، ایشان را به اتاق عمل بردند و من به خانه آمدم. در اثر اندوه و غم و نگرانی از حال آقای خامنه‌ای مدت طولانی بیدار بودم و سعی می‌کردم نگرانی‌ام را مخفی کنم».

ذکر این خاطره به‌خوبی نشانگر ایجاد رابطه عاطفی بسیار شدید بین این دو یار همیشگی هست. اقدامات و هنجارشکنی‌های گروهک مجاهدین خلق به اینجا خاتمه نیافت. در جلسه حزب جمهوری اسلامی که در دفتر مرکزی آن واقع در خیابان سرچشمه برگزار می‌شد انفجار مهیبی باعث شهید شدن ۷۵ نفر از اعضا این حزب که همگی از افراد مؤثر نظام بودند شد. در میان کشته‌شدگان نام شهید بهشتی به

چشم می‌خورد. هاشمی رفسنجانی با یادآوری خاطره آن روز می‌گوید: «با اعلام خبر شهادت آقای دکتر بهشتی کمرم شکست».

پس از انفجار حزب جمهوری، فخرالدین حجازی نماینده مجلس در مورد ضرورت حفظ سرمایه‌های نظام و جلوگیری از خطر احتمالی سران انقلاب سخنرانی بسیار زیبایی داشت که در آن به نقش هاشمی در خروج کشور از بحران پس از انفجار حزب جمهوری اشاره دارد.

فخرالدین حجازی در بخشی از سخنان خویش گفت: «تا این بحران هست ما از شما نمی‌خواهیم نماز جمعه بیایید. من به آقای هاشمی ارادت دارم؛ ممکن است از لحاظ شخصی از ایشان دلخور باشم اما به حضرت عباس(ع) قسم، هاشمی رفسنجانی مغز متفکر این انقلاب است. آن روز که جریان انفجار حزب جمهوری اتفاق افتاد اگر رفسنجانی نبود در آن انفجار حزب و نخست‌وزیری مملکت رفته بود. رهبری و هدایت امام بود اما حسن تدبیر و اداره رفسنجانی هم بود. ما به این مغز متفکر نیاز داریم بنابراین از ایشان خواهش می‌کنم کمتر به نماز جمعه بیاید».

برگزاری دومین دوره ریاست جمهوری ـ انفجار دفتر نخست وزیری و شهادت دکتر رجایی و یاران با وفایش

پس از عزل بنی‌صدر، در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۶۰ دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید که دکتر محمدعلی رجائی با کسب دوازده میلیون و هفتصد و هفتاد هزار و پنجاه رأی یعنی در حدود نود درصد آراء به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد و در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۰ همزمان با عید فطر مراسم تنفیذ ریاست جمهوری ایشان در حسینیه جماران برگزار گردید.

متاسفانه عمر این دولت انقلابی زیاد نبود و فقط پس از ۲۸ روز، در روز یکشنبه ۱۳۶۰/۶/۸ با انفجار دفتر نخست‌وزیری توسط مجاهدین خلق، ایشان به همراه یار دیرین خود دکتر باهنر و جمعی از یارانش شهید شدند.

انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری ـ انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور ـ آغاز عصر طلایی در همکاری دولت و مجلس

پس از این حادثه به فاصله بسیار کم انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری برگزار گردید.

در تاریخ ۶۰/۷/۱۰ این انتخابات در حالی برگزار می‌شد که بحران‌های شدید سیاسی و امنیتی همچون ترور شخصیت‌های عالی‌رتبه نظام که باعث از دست رفتن چهره‌های شاخص نظام گردیده بود، امام را مجاب کرد تا به روحانیت اجازه حضور در عرصه انتخابات ریاست جمهوری و به دست گرفتن سکان اجرایی کشور را دهد. در این دوره آیت‌الله خامنه‌ای با کسب نودوپنج درصد آراء رئیس‌جمهور ایران شد.

حضور بیش از هفتادوچهار درصدی مردم در پای صندوق‌های رأی در میان تبلیغات وسیع ضدانقلاب مبنی بر تحریم انتخابات و به آشوب کشیدن آن، نقشه دشمنان نظام را نقش بر آب کرده و حمایت مردم از دولت و امام را بار دیگر یادآور شد. در جریان رأی‌گیری هاشمی رفسنجانی در هنگام انداختن رأی خود به صندوق گفت: «این رأی امام، روحانیت و مجلس است.» بدین نحو بار دیگر بر رفاقت و حمایت همه‌جانبه خود از یار دیرینش تأکید کرد.

با انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به ریاست جمهوری، نظم و اتحاد جدید و بی‌سابقه‌ای میان مسئولان نظام به وجود آمد. ماحصل آن حمایت همه‌جانبه از جبهه‌های جنگ، سامان بخشیدن به مسائل نیروهای مسلح و توجه ویژه به جنگ و جبهه‌ها و به‌تبع آن آغاز پیروزی‌های پی‌درپی و سرنوشت‌ساز در جبهه‌ها گردید.

یکی از ثمرات انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس جمهور، بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های نظام در جهت پیشبرد اهداف انقلاب بود. پس از پیروزی انقلاب تا انتخاب ایشان به‌عنوان ریاست جمهوری همواره تضاد و تعارض در میان مسئولان تصمیم‌گیرنده در کشور مانع دستیابی به اهداف انقلاب گردیده بود. نمونه عینی آن اختلاف بنی‌صدر با دیگر ارکان نظام بود که باعث تثبیت موقعیت جنایت‌کاران بعثی در جبهه‌های جنگ گردیده بود.

این انتخاب با توجه به رفاقت دیرینه آیت‌الله خامنه‌ای در مقام ریاست قوه مجریه

و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مقام ریاست قوه مقننه و هماهنگی بین این دو باعث به وجود آمدن عصری طلایی در همکاری مشترک دولت و مجلس گردید که منجر به شتاب بیشتر در دستیابی به اهداف انقلاب و پیروزی در جبهه‌های جنگ و کمک به بهبود وضع معیشتی محرومین و مستضعفان گردید.

سال ۱۳۶۱، سال برقراری آرامش نسبی در کشور و هماهنگی بیشتر بین مسئولان نظام بود. فضای عقلانیت و همدلی بین ارکان نظام باعث گردیده بود تا با فراموشی حواشی گذشته دولت و مجلس به جبران کاستی‌ها در جهت تحقق اهداف انقلاب بپردازند. متأسفانه اختلافات و حواشی گذشته که حاصل تفکر خودرأی و استبداد دولت بنی‌صدر بود ضربه‌ای اساسی به همدلی و وحدت، کلمه موردنظر امام خمینی وارد کرده بود.

اتفاقات و حواشی باعث گردیده بود که بخش اعظمی از انرژی امام خمینی و مسئولان عالی‌رتبه نظام صرف حل‌وفصل اختلافات بین دولت و نیروهای انقلاب گردد.

با انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور که ازقضا خود یکی از یاران و نزدیکان دوران مبارزه و نهضت امام خمینی بود، این فرصت به وجود آمد تا کشور به‌واسطه درک صحیح مسئولان عالی‌رتبه نظام از مسائل، اتفاقات خوبی در عرصه‌های مختلف شاهد باشد و فرصت بیشتری برای اخذ تصمیم‌گیری‌های کلان به وجود آید.

آغاز پیروزی‌های درخشان در جبهه‌ها در سایه وفاق ملّی

یکی از مهم‌ترین اتفاقات این سال را می‌توان به آزادسازی خرمشهر اشاره نمود. در این سال و در سایه وفاق ملی و همدلی بین مسئولین ارشد نظام و مردم باعث گردید تا رزمندگان اسلام به پیروزی‌های درخشانی در جبهه‌های جنگ دست یابند.

خرمشهر، شهری که آزادسازی آن به هدف مشترک تمام مردم کشور تبدیل گردیده بود. در روز سوم خرداد و پس از ۵۷۸ روز اشغال توسط رژیم بعثی عراق در جریان عملیات بیت‌المقدس آزاد شد و اعلام خبر آزادسازی آن ایران را غرق در شادی و سرور کرد. پس از فتح خرمشهر جلسه شورای عالی دفاع در دفتر امام جهت اتخاذ تصمیمات آینده جنگ برگزار شد.

امام در این جلسه اعلام نمودند که در مورد ادامه جنگ بسیار قاطع و مصمم‌اند. یکی از دلایل مصمم بودن امام نگرانی خانواده شهدا و ایثارگران از پذیرش آتش‌بس بود. آنها معتقد بودند که با این عمل خون عزیزانشان پایمال می‌شود.

فضای جنگی کشور و انتظارات بالای مردم و به‌خصوص رزمندگان به‌گونه‌ای بود که این‌گونه پیشنهادات با مخالفت جدی افکار عمومی مواجه می‌شد.

امام با توجه به مطالبات و انتظارات مردم از ایشان به ادامه جنگ و ورود به خاک عراق موافقت می‌کند و در بحث‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کند که جای هیچ‌گونه تردید برای افراد حاضر در جلسه نمی‌گذارد. در این جلسه امام به هاشمی رفسنجانی مأموریت می‌دهد تا با توجه به نفوذ کلام خود با مردم در جهت اولویت مسئله جنگ صحبت نماید.

در این سال بازار رفت‌وآمدهای هیئت‌های میانجی از کشورهای اسلامی جهت پایان دادن به جنگ داغ بود. این رفت‌وآمدها باعث گردید تا نمایندگان مجلس نیز با برپایی جلسات متعدد با فرماندهان نظامی مخالفت خود را با مذاکرات صلح اعلام کرده و به ادامه جنگ تا سقوط صدام و ایجاد حکومت اسلامی در عراق تأکید کنند.

البته این عده امروز پس از سی‌وچند سال از این واقعه و به تصور ضعف حافظه تاریخی ملت به تحریف واقعیت‌های جنگ می‌پردازند و در کمال تعجب در نوشته‌ها و گفته‌های خود ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را زیر سؤال برده و به‌نوعی قصد دارند مسئولیت ادامه جنگ را بر عهده هاشمی رفسنجانی بیندازند تا بدین‌وسیله با تحریف واقعیات جنگ به اهداف موردنظر حزبی و سیاسی خویش دست یابند. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد مطالبات مردم از مسئولان جهت ادامه جنگ تا پیروزی کامل، نقش اساسی در تعیین سیاست ادامه جنگ توسط ایران داشت.

در همین زمینه در جلسه‌ای که با حضور تمامی سفرای خارجی مقیم ایران در مجلس شورای اسلامی برگزار شد؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ارائه پیام کتبی خطاب به‌تمامی دولت‌های کشورهای جهان به تشریح موضع ایران مبنی بر پایان دادن به جنگ پرداخت. در بخشی از این پیام‌ها آمده است: «کشورهای جهان باید عراق را به‌عنوان متجاوز اعلام کرده و دادگاهی برای کیفر متجاوز تشکیل دهند. شرایطی را که ما برای خاتمه جنگ مطرح می‌کنیم نه‌تنها عادلانه است بلکه مقداری گذشت و اغماض در آن وجود دارد. اگر مردم مایل به ادامه جنگ نبودند ما به هر قیمتی جنگ

را تمام می‌کردیم.» این مسئله به‌خوبی بیانگر نقش مطالبات مردم و پیگیری آن توسط دولتمردان جهت ادامه جنگ است.

به‌هرحال آزادسازی خرمشهر در میان بهت و حیرت رژیم بعث عراق و حامیانش در سایه رهبری هوشمندانه امام خمینی و اتحاد و همدلی مسئولان نظام انجام گرفت.

دراین‌بین نقش هاشمی رفسنجانی که پس از شهادت دکتر مصطفی چمران به‌عنوان عضو و رئیس شورای عالی دفاع انتخاب شده بود بسیار مهم و اساسی بود؛ اما مردم یک‌صدا ادامه جنگ تا تنبیه متجاوزان را خواستار بودند. دشمن بعثی با متحمل شدن خسارات فراوان به عقب‌نشینی از خاک ایران پرداخت.

عراق که قافیه را باخته می‌دید در میان سکوت مدعیان حقوق بشر با استفاده از سلاح‌های ممنوعه و حمله به هواپیماهای غیرنظامی، حمله به شهرهای کشور و شهید کردن افراد بی‌گناه و هدف قرار دادن زیرساخت‌های نفتی و اقتصاد کشور، عملاً تمام قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشت. اگرچه در داخل کشور تحریم‌های ناجوانمردانه غرب علیه ایران مشکلات و معضلاتی را برای کشور به وجود آورده بود و لیکن مردم کشور یک‌صدا و همدل با امام و انقلاب بر این مشکلات غلبه می‌کردند.

در اواسط جنگ و پس از عملیات رمضان و والفجر مقدماتی اختلافات بین سپاه و ارتش بسیار جدی شد و فرماندهان این دو نیرو نمی‌توانستند با یکدیگر توافق کنند؛ زیرا استراتژی جنگ سپاه و ارتش با یکدیگر فرق داشت.

با بالا گرفتن دامنه اختلافات، فرماندهان سپاه و ارتش خدمت امام می‌رسند و پیشنهاد می‌کنند که با توجه به غیرقابل‌حل بودن اختلافات، شخصی که طرفین حرفش را قبول دارند به‌عنوان فرمانده جنگ منصوب شود. در همین زمینه امام خمینی، آیت الله هاشمی رفسنجانی را که مورد قبول دو طرف بود را به‌عنوان رئیس شورای عالی دفاع منصوب کردند. در پی این انتصاب و انسجام حاصله بین مسئولان و جبهه‌های کشور شاهد پیشرفت بسیار خوبی در زمینه جنگ تحمیلی شدیم. هاشمی با به‌کارگیری توان بالای مدیریتی خویش توانست نیازهای جبهه‌ها را به بهترین نحو ممکن تهیه‌کرده و در جهت اتحاد بین ارتش و سپاه تلاش مضاعفی نماید. کم‌کم اثرات و ثمرات اقدامات مدیریتی مطلوب هاشمی نتیجه داد.

نیروهای سرافراز اسلام شکست‌های سختی را به ارتش رژیم بعث متحمل نموده و ضمن کسب غنائم جنگی فراوان، بسیاری از اراضی اشغال‌شده را آزاد نموده و آسیب

جدی به یگان‌های ارتش عراق وارد کردند. در داخل کشور به‌واسطه هماهنگی بین دولت و مجلس و قوه قضاییه، اوضاع امنیتی و اجتماعی کشور بسیار بهبود یافت که این امر منجر به مأیوس شدن ضدانقلابیون و استکبار جهانی و اثبات هرچه بیشتر نظام را در پی داشت. قطعاً نقش سران سه قوه و پرهیز آنها از نزاع و کشمکش‌های بیهوده در این امر بسیار پررنگ و اساسی بوده است.

روحیه اعتدال‌گرایی هاشمی حتی در مواجهه با دشمن بسیار موثر بود و ایشان در مصاحبه با شبکه‌های بین‌المللی و رسانه‌های خارجی و حتی از طریق تریبون نماز جمعه بارها به مسئله عدم خشونت‌طلبی توسط جمهوری اسلامی صحبت کرد. به‌عنوان‌مثال ایشان در بخشی از خطبه دوم نماز جمعه دوم فروردین ۱۳۶۴ خطاب به جهانیان گفتند: «ما نمی‌خواهیم از دریای خون عبور کنیم، ما می‌خواهیم با حداقل تلفات از دو طرف، ملت عراق را از شر این جنایتکاران نجات بدهیم.»

در مقابل تجاوزگری و ددمنشی رژیم بعثی که از هیچ اقدام وحشیانه‌ای علیه ایران دریغ نمی‌کرد قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تحت فرماندهی هاشمی رفسنجانی به خاطر تعهد اسلامی و انسانی ملاحظه حال مردم عراق را می‌کرد.

رژیم بعثی عراق که خود را در نبردهای مستقیم شکست‌خورده می‌دید روی به ارتکاب جنایاتی ازجمله بمباران و موشک‌باران شهرها، هدف قرار دادن یا ربودن هواپیماهای مسافربری، هدف قرار دادن کشتی‌های حامل نفت و کالا و تأسیسات نفتی ایران در خلیج‌فارس و استفاده از انواع سلاح‌های شیمیایی و میکروبی آورده بود.

اهمیت به ارتقای سطح دانش جوانان ـ تاسیس دانشگاه آزاد

یکی دیگر از اقدامات به‌یادماندنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که نشان از درک صحیح ایشان از نیازهای آینده کشور و بالا بردن سطح دانش علمی جوانان داشت، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی بوده است. در سال ۱۳۶۱ به پیشنهاد هاشمی رفسنجانی و با موافقت حضرت امام خمینی دانشگاه آزاد تأسیس شد. این دانشگاه که هم‌اکنون عنوان سومین دانشگاه جهان ازنظر تعداد دانشجو را یدک می‌کشد، اولین واحد دانشگاهی خود را در شهر تبریز تأسیس کرد.

این دانشگاه که محصول اندیشه خلاق و تلاش خستگی‌ناپذیر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود، ضمن کمک به اجرای عدالت آموزش و توزیع عادلانه امکانات فرهنگی و علمی در سراسر کشور و با افزایش کمی و کیفی سطح آگاهی، شناخت، شعور فردی و اجتماعی افراد جامعه و زایندگی تولید اندیشه و دانش و فرهنگ، به پرورش نیروهای فرهیخته و کارآمد اهتمام داشته است.

اعتماد حضرت امام خمینی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی باعث گردید تا ایشان ضمن تأیید طرح تأسیس دانشگاه آزاد با پرداخت مبلغ یک‌میلیون تومان، گامی اساسی در تسریع روند اجرایی این دانشگاه بردارند. این دانشگاه هم‌اکنون عضو اتحادیه دانشگاه‌های جهان اسلام و یکی از افتخارات و تجربه‌های موفق پس از انقلاب می‌باشد.

نقش مشی اعتدالی هاشمی در ایجاد وفاق ملّی در کشور

یکی از مهم‌ترین روش‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ایجاد وفاق ملی در کشور و همدل نمودن مسئولان با مردم، روحیه نقدپذیری و پرهیز ایشان از ورود به مناقشات بیهوده و رعایت روحیه و مشی اعتدال در همه امور می‌باشد. این روحیه اعتدال تا جایی پیش رفت که ایشان از تریبون نماز جمعه به شعارهایی چون «مرگ بر بی‌حجاب» و «مرگ بر بازرگان» اعتراض کرد.

ایشان درحالی‌که فضای سیاسی کشور مخالف بازرگان و اندیشه‌های او بود با برشماری خدمات طولانی بازرگان در به ثمر نشستن نهضت به دفاع از ایشان پرداخته و بازرگان را مستحق چنین نفرینی ندانست. همچنین ایشان نسبت به شعارهایی همچون «مرگ بر بی‌حجاب» در نماز جمعه در سال ۱۳۶۱ اعتراض کرده و با توجه به شرایط کشور این مسئله را مغرضانه و دشمن‌تراشی تلقی کرده و بیان آن را مانعی در جهت وفاق ملی دانستند. ایشان حتی روحیه و مشی اعتدال خود را درزمانی که ادارات و نهادها در حال پاک‌سازی مخالفان بودند نیز حفظ کردند.

ایشان در ملاقاتی با هیئت‌های عالی نظارت بر پاک‌سازی به مسئله عفو از گناهان کوچک و البته سخت‌گیری در مورد مأموران فاسد تأکید داشتند و با تشریح اهداف انقلاب و تفاوت آن با انقلاب‌های مارکسیستی خاطرنشان ساختند: «انقلاب

ما نمی‌خواهد مثل انقلاب‌های مارکسیستی کارکنان رژیم سابق را از کار برکنار کند و درعین‌حال، نمی‌خواهیم مثل کودتاها فقط به تغییر رأس حکومت اکتفا کنیم. انقلاب هدف، محتوا و رسالت دارد. باید روی شناسایی افراد صالح و ناصالح و گناهکار تحقیق کنیم و وقت و نیرو مصرف کنیم.»

یکی دیگر از موارد اعتدال‌گرایی ایشان در امور را می‌توان به حمایت ایشان از سید محمد خاتمی در جریان رأی اعتماد ایشان دانست، با توجه به این‌که سید محمد خاتمی در جناح مقابل آقای هاشمی قرار داشت، این حمایت باعث اعتراض گسترده جناح راست گردید. ایشان در بخشی از سخنرانی حمایتی خویش از آقای خاتمی؛ خطاب به مخالفین رأی اعتماد به ایشان گفت: «بنده آقای خاتمی را از سال ۱۳۴۳ می‌شناسم. دوستان ما اکثراً آنهایی که سابقه زیاد در حوزه دارند ایشان را می‌شناسند. از آن روزی که ما ایشان را در حوزه شناختیم و تا امروز همیشه به‌عنوان یک چهره زحمتکش، محصل و خوش‌فکر برای ما مطرح بوده است. همیشه این‌طوری بوده، یعنی من در تمام دوره‌ای که با ایشان آشنا هستم، یک نقطه‌ضعف مشخصی از ایشان ندارم. برای ما که در کارهای ظریف با اینها کار می‌کردیم، باید این مسائل روشن‌تر از دیگران باشد. ایشان در سال ۵۷ وقتی‌که بنا شد به آلمان بروند، با شهید بهشتی، مشورت کردیم به نظر ما ایشان از بهترین چهره‌هایی بود که لازم بود آنجا برود. من ایشان را این‌طوری می‌شناختم. شما کیهان پیش از رفتن ایشان و کیهان بعد از رفتن ایشان را در نظر بگیرید. آن‌جوری قضاوت نفرمایید».

این سخنان هاشمی رفسنجانی اگرچه باعث گرفتن رأی اعتماد سید محمد خاتمی و تصدی ایشان به‌عنوان وزیر ارشاد در دولت میرحسین موسوی گردید، اما با اعتراض گسترده جناح مخالف قرار گرفت و آنها نقش هاشمی رفسنجانی در رأی اعتماد به آقای خاتمی را بسیار پررنگ دانسته و به انتقاد از ایشان پرداختند.

یکی دیگر از رموز موفقیت ایشان اعتماد بیش‌ازحد امام خمینی نسبت به ایشان بود و این مسئله باعث گردیده بود دوران ریاست ایشان بر مجلس به یکی از طلایی‌ترین دوران مجلس تبدیل گردد. در این دوران هاشمی رفسنجانی با بهره‌گیری از تجربیات خود نقشی اساسی در حل اختلافات مسئولان بلندپایه نظام داشت. هاشمی مأمنی برای حل اختلاف بین نیروهای اجرایی کشور بود و همگان حکمیت ایشان را در اختلافات به وجود آمده قبول می‌کردند.

در این ایام دفتر هاشمی در مجلس، پایگاهی برای مراجعه مسئولین و طرح مشکلات و موارد مورد اختلاف بود. بعضاً روزانه چندین ملاقات در این زمینه صورت می‌گرفت. در بین مردم نیز ایشان به‌عنوان گوش شنوا و مرجع رسیدگی به مشکلاتشان شناخته می‌شد.

روحیه مردم‌داری و عمل‌گرایی هاشمی باعث شده بود که دفتر ایشان در مجلس بیشترین مراجعات مردمی را به خود اختصاص داده و ایشان با توجه به حجم بالای کاری خود روزانه چندین ملاقات مردمی در جهت رفع مشکلات داشته باشد.

یکی دیگر از مصادیق مهم اعتدال‌گرایی هاشمی رفسنجانی در ماجرای پس از «کودتای نوژه» است. آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری از مراجع تقلید شیعه بود که پس از رحلت آیت‌الله بروجردی به‌عنوان یکی از مراجع تقلید شیعه مشخص گردید. ایشان در سال ۱۳۴۴ شمسی با هدف تربیت مبلّغ دینی و مقابله با تبلیغات ضد دین و ضد شیعه مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی را در شهر مقدس قم بنا نهاد. ایشان پس از پیروزی انقلاب به‌عنوان یکی از شخصیت‌های طراز اول روحانیت مطرح گردید و مبادرت به تأسیس حزب خلق مسلمان در برابر حزب جمهوری اسلامی نمود. این حزب در تبریز تحرکاتی را موجب شدند که منجر به اشغال سه‌روزه صداوسیمای تبریز در سال ۱۳۵۹ شد و با افشای کودتای نوژه که در آن قرار بود بیت حضرت امام، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی‌عصر، پادگان امام حسین و چند نقطه دیگر توسط خلبانان هوادار شاپور بختیار بمباران شود، نام ایشان و صادق قطب‌زاده به‌عنوان افراد مطلع و حامی کودتاچیان به میان آمد. در پی افشای توطئه کودتا، وی در تلویزیون به اطلاع خود از کودتا اعتراف کرده ولی عنوان نمود که آن را تأیید نکرده است. در پس آن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ایشان را از مرجعیت خلع نمودند.

در این بین آیت‌الله شریعتمداری بارها به آقای هاشمی رفسنجانی تلگراف زده و از ایشان در مقابل تندروها استمداد طلب نمودند. آقای هاشمی نیز با پیگیری خود، خواهان حفاظت سپاه از خانه ایشان جهت جلوگیری از تعرض معترضین به ایشان شد و حتی در ملاقاتی با امام خمینی پیشنهاد عفو متهمان کودتا ازجمله صادق قطب‌زاده را می‌دهد. این مسئله اگرچه امروز به‌عنوان دستاویزی برای حمله مخالفین به ایشان گشته است؛ اما به‌خوبی مؤید روحیه اعتدال طلبی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌باشد.

بی‌شک یکی از رموز موفقیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و مقبولیت ایشان در نزد آحاد مردم و مسئولان، منش و مشی اعتدالی ایشان می‌باشد. همان‌طور که در قبل هم اشاره شد یکی از مسائلی که به خروج نیروهای نظامی کشور از بن‌بست به وجود آمده در دوران بنی‌صدر انجامید، مقبولیت بالای هاشمی رفسنجانی نزد مردم و رزمندگان اسلام بود. ایشان به‌خوبی توانسته بود ریشه اختلافات بین ارتش و سپاه را حل کند و با اتحاد این دونیروی نظامی، کار آیی رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ چند برابر شد.

ایشان در اهمیت همراهی مردم با مسئولان سخنان مهمی در جمع پرسنل شهربانی در سال ۱۳۶۴ ایراد کردند؛ که نشان از اعتقاد قلبی ایشان به خدمت‌گزاری به مردم است. در بخشی از صحبت‌های ایشان آمده است: «اگر ما و دیگر مسئولان با مردم نبودیم تا حالا بازنده شده بودیم به‌طورکلی کادر دولتی باید با مردم و دلسوزان باشد. اگر این‌طور شد مردم هم از آنها حمایت می‌کنند. این حمایت‌های مردمی را که می‌بینید به خاطر خدمت صادقانه به آنهاست و ان‌شاءالله بیشتر خواهد شد و شما به‌طرف هر چه بیشتر شدن روابط با مردم پیش بروید.» آقای هاشمی بعدها نیز این مشی خود را ادامه داد و بسیاری از کارشناسان سیاسی معتقدند رمز ماندگاری و محبوبیت روزافزون هاشمی همراهی با مردم است.

بررسی عملکرد مجلس اوّل ـ رئیس مجلس مقتدر

دوره اول مجلس شورای اسلامی را می‌توان متنوع‌ترین و سیاسی‌ترین مجلس در طول حیات جمهوری اسلامی خواند. البته همین مسئله زمینه‌ساز به وجود آمدن تنش‌ها و حتی درگیری‌های فیزیکی در مجلس بود. یکی از مشکلات که مجلس اول با آن دست‌به‌گریبان بود ناامنی کشور به‌واسطه اقدامات نیروهای مجاهدین خلق پس از انقلاب و بروز جنگ ایران و عراق بود.

اولین دوره مجلس شورای اسلامی را می‌توان یکی از پرکارترین مجلس‌های پس از انقلاب نامید. مدیریت مؤثر هاشمی رفسنجانی که فارغ از تعصب‌های حزبی و جناحی بود، باعث گردیده بود تا خیلی از افراد و گروه‌های دیگر در هنگام بروز مشکلات به ایشان مراجعه می‌کردند و اشتیاق بالای ایشان در پیگیری حل مشکلات و شنیدن نظرات و درد دل‌های متضاد و گوناگون جناح‌های سیاسی باعث گردیده بود، مجلس

به معنای واقعی در رأس امور به وجود بیاید.

نگاهی گذرا به عملکرد مدیریتی هاشمی رفسنجانی در مجلس نشان می‌دهد که ایشان فارغ از تعصبات حزبی و جناحی با هیچ‌یک از گروه‌های سیاسی کشور در تضاد نبود. حساسیت ایشان فقط در راه کسب آرامش برای به ثمر رساندن انقلاب و دستیابی به اهداف عظیم آن بود و به همین دلیل ایشان به تمام جناح‌های مختلف نظام احترام گذاشته و آنها نیز متقابلاً از ایشان به نیکی یاد می‌کنند.

هاشمی رفسنجانی سعی کرد در این دوره بالاترین تعامل را بین دولت و مجلس برقرار کند و از رابطه حسنه بین خود و رئیس‌جمهور به نحو احسن در جهت پیشبرد مصالح کشور بهره گیرد.

یکی از نکاتی که در دوران تصدی ریاست مجلس دوره اول ایشان به‌خوبی آسیب‌شناسی شده و به تصویب رسید، پیشنهاد «جهاد خانه‌سازی» توسط ایشان بود که موردتوجه قرار گرفت. با توجه به کمبود و نیاز به دو میلیون مسکن ایشان پیشنهاد کردند که در شهرستان‌ها زمین به مردم تحویل شود و اقدامات حمایتی جهت ساخت مسکن نیز از آن‌ها به عمل آید.

انتخابات نخستین دوره مجلس خبرگان رهبری

در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱۹ انتخابات نخستین دوره مجلس خبرگان رهبری برگزار شد. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که بیش از دو سال از تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران می‌گذشت. در آن ایام بخش عمده‌ای از توان کشور صرف مقاومت در مناطق جنگی می‌شد. مجلس خبرگان رهبری که متشکل از جمعی از فقهای واجد شرایط می‌باشد، بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی مسئولیت تعیین و نظارت بر رهبر جمهوری اسلامی را دارد و مدت هر دوره این مجلس که اعضای آن به‌وسیله انتخابات و توسط رأی مستقیم مردم انتخاب می‌گردد هشت سال می‌باشد.

در این دوره از انتخابات هاشمی رفسنجانی با کسب دو میلیون و شش‌صد و هفتادوپنج هزار و هشت نفر به‌عنوان نفر دوم پس از آیت‌الله خامنه‌ای به مجلس خبرگان راه یافتند.

در انتخابات هیئت‌رئیسه این مجلس آیت‌الله علی مشکینی به‌عنوان اولین رئیس مجلس خبرگان انتخاب گردید و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز به‌عنوان نایب‌رئیس

انتخاب گردید.

این دوره از مجلس خبرگان سه اجلاس فوق‌العاده برگزار کرد. اجلاس اول در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۱۹ بود که آیت‌الله منتظری به‌عنوان قائم‌مقام رهبری انتخاب شدند. هرچند بعدها حوادثی پیش آمد که منجر به استعفای ایشان و عزل وی از قائم‌مقام رهبری شد. دومین اجلاس در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ و در پی ارتحال حضرت امام خمینی (ره) برگزار گردید؛ که در این جلسه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد؛ و سومین جلسه فوق‌العاده مجلس خبرگان هم در مرداد ۱۳۶۸ بعد از تصویب بازنگری قانون اساسی که توسط مردم برگزار شد که در این اجلاس ازآنجاکه انتخاب رهبر جدید درزمانی انجام گرفت که قانون اساسی هنوز تغییر نکرده بود و در آن قانون مرجعیت از شرایط رهبری تعیین‌شده بود، بار دیگر رهبری آیت‌الله خامنه‌ای برای جلوگیری از شبهات احتمالی مورد تأیید قرار گرفت.

انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی ـ انحلال حزب جمهوری اسلامی ـ انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز

انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۳/۱/۲۶ برگزار شد. نکته مهم این انتخابات پیروزی قاطع کاندیداهای جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی ایران بود. در این دوره از مجلس با تشدید اختلافات بین نیروهای مذهبی که در مواجهه باسیاست‌ها و اقدامات اقتصادی دولت بروز نمود، باعث انحلال حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین جمهوری اسلامی و به وجود آمدن توده جریان فکری چپ و راست با انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز بود. این مجلس که در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۷ با قرائت پیام امام خمینی خطاب به نمایندگان که در آن نمایندگان را دعوت به انسجام و وحدت، تأکید بر همکاری با دولت، ساده زیستی، توجه به عدالت اسلامی و به‌ویژه توصیه جهت رسیدگی به وضع محرومان کرده بود، رسماً آغاز به کار کرد. در انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس، آقای هاشمی رفسنجانی بار دیگر به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شد.

نقش هاشمی رفسنجانی در این دوره از مجلس را می‌توان با توجه به ارتباط مؤثر

و حسنه ایشان با مقامات اجرایی و قضایی مثبت ارزیابی کرد. اگرچه در این دوره با توجه به ترکیب مجلس تصور می‌شد که مجلس در مقابل دولت قرار دارد ولی عملاً با درایت آقای هاشمی رفسنجانی به‌عنوان رئیس مجلس از تضاد بین مجلس و دولت جلوگیری شد و عملاً در طول دوره ۴ ساله مجلس دوم بالاترین تعامل بین مجلس و دولت صورت گرفت.

یکی از مشکلات نظام در این دوره اختلاف‌نظر شورای نگهبان با مصوبات مجلس و دولت در مسائل سیاسی اقتصادی و اجتماعی بود که چالش‌های بین مجلس و شورای نگهبان در مصوبات بروز می‌کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این دوره نامه مهم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خطاب به امام بود که از ایشان درخواست کرده بودند این مشکل نظام و کشور را به‌عنوان وظیفه رهبری و مرجعیت موردبررسی قرار دهند. نامه‌ای که سرآغازی شد بر تشکیل یکی از مهم‌ترین نهادهای نظام به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام.

یکی از ماندگارترین مصوبات مجلس دوم که با تلاش و پیگیری همه‌جانبه آقای هاشمی انجام شد، تصویب طرح احداث مترو در تهران بود. مطالعه طراحی و نظارت برساخت مترو تهران در رژیم سابق توسط یک شرکت فرانسوی انجام گرفته بود و کار اجرایی آن آغاز شده بود ولی با پیروزی انقلاب و مخالفت‌های صورت گرفته این طرح متوقف‌شده بود.

بعد از پیروزی انقلاب و در مجلس اول هاشمی رفسنجانی تلاش‌هایی برای احیای این طرح آغاز کرد اما به خاطر جنگ تحمیلی و کمبود بودجه این طرح پیشرفت نداشت. به‌هرحال هاشمی رفسنجانی ناامید نگشته و با پیگیری مضاعف در مجلس دوم توانست نمایندگان مجلس و هیئت دولت را متقاعد به تصویب این طرح کند.

با توجه به تبلیغات منفی توسط چهره‌های چپ‌گرا هاشمی مجبور شد برای تنویر افکار عمومی، اهمیت انجام این طرح و آثار و مزایای مهم اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، روانی و بهداشتی آن را از تریبون نماز جمعه مطرح کند. این اقدام مخالفان را وادار به عقب‌نشینی کرده و کار اجرایی آن را آغاز نمایند. امروز پس از گذشت چند دهه از تصویب این طرح به‌خوبی می‌توان به‌درستی تصمیم ایشان پی برد که نشان از آینده‌نگری ایشان دارد.

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

همان‌طور که گفته شد یکی از مهم‌ترین اقدامات مجلس دوم تصویب تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. طبق قانون اساسی روند تصویب قانون در کشور بدین‌صورت است که پس از تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی این مصوبات باید به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی برسد و این شورا وظیفه دارد که به بررسی قوانین پرداخته تا در صورت عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی قانونیت پیدا کند. در صورت عدم‌تأیید شورای نگهبان مصوبات به مجلس عودت داده می‌شود تا اصلاحات موردنظر شورای نگهبان انجام گیرد اما در پاره‌ای از مسائل مجلس شورای اسلامی به دلیل ضرورتی که در اجرای قانون مصوب احساس می‌کرد بر مواضع خود اصرار می‌ورزید. در سال‌های اولیه انقلاب در برخی موارد این مسئله‌ای پیش می‌آمد که طرح‌های برگشتی از شورای نگهبان با اصرار مجلس برای تصویب آن مواجه شوند. لذا در سال ۱۳۶۰ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعتراض مجلس بابت رد یکی از مصوباتش توسط شورای نگهبان را طی نامه‌ای به امام خمینی اطلاع داده و خواستار اعمال تنفیذ مقام رهبری در رابطه با قانون کار که مورد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان بود شد.

امام در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲۹ طی جوابیه‌ای به ایشان اعلام کردند که: «پس از تشخیص موضوع به‌وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خودبه‌خود لغو می‌شود؛ مجازند در تصویب و اجرای آن»، اما در سال ۱۳۶۶ در جریان مجلس دوم بار دیگر این بحث به‌طورجدی مطرح شد و طی نامه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور میرحسین موسوی (نخست‌وزیر) خدمت حضرت امام نوشتند خواستار تعیین مرجعی برای حل عملی مسائل و تشخیص ضرورت و مصلحت شدند.

امام خمینی در جوابیه خود در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ دستور تشکیل مجمعی مرکب از فقهای شورای نگهبان، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله توسلی، آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها و آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام را صادر کردند.

امام در بخشی از این نامه مرقوم فرمودند: «آقایان توجه داشته باشند که مصلحت

نظام از امور مهمی است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌عیار معضلات خویش می‌نامند».

مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از اصلاح قانون اسلامی در سال ۱۳۶۸ در قانون گنجانده شد و بدین ترتیب از ۱۳۶۸/۱۱/۱۷ تاکنون آقای هاشمی رفسنجانی ریاست این مجمع را به عهده دارد.

انتخاب مجدد آیت الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس جمهور

انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۶۴/۰۵/۲۵ برگزار شد. مشارکت مردم در این انتخابات با توجه به تهدیدهای رژیم عراق مبنی بر بمباران شهرها در زمان برگزاری انتخابات، خوب و تعیین‌کننده بود. در این انتخابات آیت الله خامنه‌ای بار دیگر به‌عنوان رئیس جمهور ایران انتخاب شد. پس از این انتخابات پیشنهاداتی از سوی شخصیت‌ها و احزاب به آقای هاشمی رفسنجانی مبنی بر پذیرش پست نخست‌وزیری شد؛ که ایشان قاطعانه رد کردند.

روزنامه finational times (فاینشنال تایمز) در مقاله‌ای نوشت: «ناظران آگاه در تهران می‌گویند: اکنون به نظر می‌رسد حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی جای رئیس پارلمان ایران، در مقام نخست وزیر آینده ایران قرار گیرد.» در پی چاپ مقاله‌ای در روزنامه تهران تایمز که در آن از آقای رفسنجانی خواسته شد که از برخی از مسئولیت‌های کنونی خود کناره‌گیری کرده و پستی را بپذیرد که در مقام آن بتواند کنترل کامل کشور را در اختیار داشته باشد، این شایعات قوت گرفت که رفسنجانی در حال حاضر دومین مرد قدرتمند ایران بعد از امام خمینی محسوب می‌شود و دیدار اخیر وی از پایتخت‌های غربی و همچنین دو کشور شرق دور نیز بدون شک مقام و قدرت کنونی وی را فزونی بخشیده است.

پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور، ایشان درصدد انجام تغییر در پست حساس نخست‌وزیری بودند به همین منظور زمزمه‌هایی مبنی بر معرفی آقای علی‌اکبر ولایتی به‌جای آقای میرحسین موسوی به مجلس به گوش می‌رسید. با توجه به ترکیب مجلس که عمدتاً شکل گرفته از جریان راست موسوم به جامعه

روحانیت مبارز بود و از لحاظ فکری در تضاد با برنامه‌های دولت میرحسین موسوی قرار داشت، این زمزمه‌ها کم‌کم به‌صورت جدی‌تر به گوش می‌رسید. از طرفی امام خمینی نیز با توجه به شرایط کشور و شرایط جبهه‌های جنگ تغییر نخست‌وزیر را به مصلحت ندانست و نگرانی خود را بابت این مسئله در جلسه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای ابلاغ کردند.

امام خمینی در ابتدا با تغییر نخست‌وزیر موافق بود ولی گویا با زمزمه این تغییر محسن رضایی به‌عنوان فرمانده سپاه، خدمت امام رسیده و گفته بود که: «موقعیت آقای موسوی در جنگ و بین رزمندگان به‌گونه‌ای است که اگر ایشان نخست‌وزیر نشوند، جنگ لطمه می‌خورد.» طبیعی است که برای امام در آن برهه از زمان هیچ مسئله‌ای مهم‌تر از مسئله جنگ نبود. لذا بعد از گزارش محسن رضایی، امام خمینی احساس کردند که نباید جنگ لطمه بخورد و به همین دلیل با تغییر نخست وزیر مخالفت کردند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کتاب (امید و دلواپسی) که شامل خاطرات سال ۱۳۶۴ ایشان است می‌گوید: «احمد آقا هم آمد و به‌طور مفصل مذاکرات آقای خامنه‌ای و امام را درباره نخست‌وزیر آینده اعلام کرد و گفت: ((نظر امام این است که تعویض مهندس [میرحسین موسوی] مصلحت نیست و مایل‌اند که این نظرشان گفته شود.))

درست برخلاف نظر آیت‌الله خامنه‌ای و پس از مشاوره به این نتیجه رسیدیم که اگر نظر امام این باشد، باید بر همین روال عمل شود. ولی آقای خامنه‌ای اگر اختیار داشته باشد به‌هیچ‌وجه حاضر نیست که نخست‌وزیری ایشان را بپذیرند و می‌گویند فقط در صورت حکم امام حاضرند ایشان را معرفی نمایند و در این صورت در کارها دخالت نخواهند کرد و انتخاب وزرا را هم به میل آقای موسوی تصویب می‌کنند. به‌هرحال مشکل بزرگی در پیش داریم.»

سرانجام آیت‌الله خامنه‌ای با پذیرش خواست امام خمینی یک‌بار دیگر میرحسین موسوی را به‌عنوان نخست‌وزیر جهت اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌کنند.

البته هاشمی رفسنجانی در این زمان و با توجه به رفاقت و صمیمیت چندین ساله خویش با آیت‌الله خامنه‌ای خدمت امام رفته و در این زمینه رایزنی می‌کنند تا امام را متقاعد سازند که به آیت‌الله خامنه‌ای اجازه دهند تا باب سلیقه خویش نخست‌وزیر را انتخاب کنند ولی حضرت امام تغییر دولت را صلاح ندانسته و از آقای هاشمی

رفسنجانی می‌خواهد که با آقای خامنه‌ای صحبت کرده و ایشان را قانع کنند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تشریح اتفاقات آن دوران در کتاب خاطرات خود می‌گوید: «آیت‌الله خامنه‌ای تمایلی به نامزد شدن مجدد نداشتند و با اصرار ماها و نیز خواست امام پذیرفتند و همان وقت نظرشان را بابت کابینه گفته‌اند و اکنون حجت دارند و نمی‌خواهند از نظر امام تخلف کنند».

آقای هاشمی بعد از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور در خطبه‌های نماز جمعه در این‌باره این‌چنین به اظهارنظر پرداختند: «ما از ملتمان برای تشخیص خوبشان تشکر می‌کنیم برای اینکه رأی بالایی به رئیس‌جمهور صالح ما، امام‌جمعه تهران جناب آقای خامنه‌ای دادند. این شخصیتی که ما مثل ایشان در کشورمان یا نداریم، یا بسیار کم داریم. کسی که تقریباً تمام عمرش را از آن‌وقتی که به سن تکلیف رسیده تا امروز همیشه درصحنه مبارزه بوده و در زمان طاغوت دائماً در زندان‌ها و تبعیدها به سر برده و قلم و بیان و نوشته‌ها و عمل و فکرش، همیشه چراغ راه بوده و عملکردش در دوران چهارساله ریاست جمهوری برای ملت ما، بهترین سند بود که بازهم همه آن نقطه مطلوب را بشناسند. الحمدالله مردم با قدرشناسی از این عملی که در این چهار سال از ریاست جمهوری خودشان دیده بودند – که ما انتظاری غیرازاین هم نداشتیم - این شخصیت را برگزیدند و همین هم باعث خشم دشمنان ما شده است».

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۱۸ مراسم تحلیف آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این مراسم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با انجام یک نطق تاریخی بار دیگر ارادت و وفاداری همیشگی خود را نسبت به یار دیرینش ابراز داشت.

ایشان در این سخنرانی فرمودند: «من فکر می‌کنم بهترین کسی که می‌تواند امروز در مورد جناب آیت‌الله خامنه‌ای حرف بزند من هستم، نه مناسب‌تر ولی جزو مناسب‌ترین افرادی که ایشان را می‌شناسند. بیش از ۲۵ سال است که بنده افتخار آشنایی با ایشان را دارم و خدا می‌داند که در تمام این ۲۵ سال هیچ روزی بر من نگذشته است که ارادتم نسبت به ایشان از روز قبل کمتر باشد. همیشه مراحل شناسایی و آشنایی‌ام هرقدر بیشتر می‌شود ارادتم و مراتب اخلاصم را نسبت ایشان در وجودم بیشتر احساس می‌کنم. به خاطر اینکه می‌بینم در وجود ایشان جز از حق‌خواهی و حقیقت چیزی نیست و این افتخاری که خداوند به این ملت داده که ریاست جمهوری

از سلاله پیغمبر، مجتهد، عابد، کاردان، مبارز و مددکار و بدون کوچک‌ترین سابقه سوء در تمام دوران زندگی داشته باشد اگر ما توجه بکنیم چنین افتخاری نصیب هیچ کشوری نشده است یا لااقل ما نمی‌دانیم. ما امروز در پشت کره زمین، رئیس‌جمهور با مشخصات رئیس‌جمهور خودمان که ملتمان انتخاب کردند، سراغ نداریم.

من در دوران مبارزات، شخصاً به چند نفر ارادت زیادی داشتیم و بارانداز روحی من آنها بودند که بعضی‌هایشان در حال حاضر نیستند، نام می‌برم شهید بهشتی، شهید باهنر و بعضی دوستان دیگر. در میان همه آنها جناب آقای خامنه‌ای برای من و برای کسانی که باهم کار می‌کردیم از محبوب‌ترین و جدی‌ترین افراد درصحنه بودند و وقتی‌که ایشان در زندان یا در تبعید بودند و بین ما نبودند، همه ما احساس خلأ می‌کردیم؛ یعنی عدم حضور ایشان برای ما واقعاً خلأ جدی در کار مبارزه ایجاد می‌کرد.

ازلحاظ اطاعت از امام، خوب همه ما ارادت داشتیم ولی آقای خامنه‌ای در میان ما ازاین‌جهت هم یک ویژگی‌هایی داشت. ما در شخص امام امت که مرجع همه ما بود و ما در سایه افاضات ایشان روحیه داشتیم و کاری می‌کردیم و شخص حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری که استاد همه ما بود و هنوز مثل گذشته ایشان مراد ما هستند. بنده در دنیا، در محیط کار خودم در حوزه علمیه و در کل نظام مبارزه‌مان بدون اغراق عرض می‌کنم به هیچ‌کس به‌اندازه آقای خامنه‌ای ارادت و اعتماد نداشتم و این برداشت شخص من است که همان‌طور مانده و ان‌شاءالله تا ابد هم خواهد ماند.

سمبل جریان حمایت از مستضعفین در بین ما آقای خامنه‌ای و توجه خاص ایشان به مسائل طبقه جوان و مبارزات جوانان بخصوص در میان ما ایشان ویژگی خاص داشت و روی این مسئله بیشتر از همه ما تأکید می‌کردند. ما یک مدتی هردویمان فراری بودیم و از قم به تهران آمده بودیم و در یک‌خانه دوطبقه زندگی می‌کردیم. من زندگی داخلی ایشان را هم با همسایگی که داشتیم و با فقری که بر زندگی ایشان حاکم بود می‌دیدم و امروز هم که ایشان رئیس‌جمهور هستند و بعد از امام شخص اول مملکت هستند، من می‌بینم نه روحیه متفاوت دارد و نه زندگی و خداوند چنین نعمتی را به انسان‌های معدودی در تاریخ بشریت می‌دهد. بسیاری از همدرسان و دوستان ایشان که امروز همه‌شان به‌حق لقب آیت‌الله دارند، آقای خامنه‌ای را در زمان تحصیل و امروز می‌دانیم که سطح سوادشان از آنها یا بالاتر بوده یا مساوی بوده خاضعانه حاضر نیستند حتی در مسائل علمی ازاین‌گونه القاب استفاده کنند».

در همان روز رادیو بی‌بی‌سی در گزارشی از مراسم تحلیف آیت‌الله خامنه‌ای چنین گفت: «رئیس جمهور ایران امروز در مجلس سوگند وفاداری یاد کرده است. رئیس مجلس اسلامی، اکبر هاشمی رفسنجانی او را ستود و گفت که او بعد از آیت‌الله خمینی مهم‌ترین شخصیت جمهوری اسلامی است. مراسم ادای سوگند آغاز دوره دوم ریاست جمهوری سید علی خامنه‌ای، صبح امروز در مجلس شورا انجام گرفت. این مراسم در حضور اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس، هیئت‌وزیران، اعضای شورای عالی قضایی و بازماندگان شهدا که به‌عنوان مدعوین ویژه حضور یافته بودند، انجام گرفت و طی آن رئیس‌جمهور در مقابل آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و در برابر قرآن کریم سوگند یادکردند. پیش‌ازاین مراسم، رئیس مجلس به حدی بی‌سابقه آقای خامنه‌ای را موردستایش قرار داد و احتمالاً بدین‌وسیله خواست که به کلیه شایعات مربوط به اختلافات خود با رئیس‌جمهور پایان دهد.

آقای هاشمی رفسنجانی گفت: «سابقه دوستی و همکاری بیست‌وپنج‌ساله‌اش با سید علی خامنه‌ای وی را بهتر از هر کس دیگر در موقعیت اظهارنظر درباره او قرار می‌دهد.»

رئیس مجلس شورای اسلامی سپس گفت: «ذکر ویژگی‌های سید علی خامنه‌ای در دوران حیات او مقدور نیست و پس از شهادت اوست که اوج و منزلتش عیان خواهد شد.» هاشمی رفسنجانی در پایان قدردانی‌های مکرر خود از آقای خامنه‌ای گفت: «ریاست جمهوری او مایه مباهات ملت ایران است».

چند روز بعد، جلسه رأی اعتماد کابینه نخست‌وزیر در مجلس برگزار شد. قبل از رسمی شدن جلسه، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نمایندگان تذکر داد و اعلام کرد: «قلت آرای موافق نخست وزیر باعث رنجش امام از مجلس و خوشحالی دشمنان از نفوذ بین نمایندگان می‌شود. آقای منتظری هم خواسته‌اند که تعداد آرای موافق به خاطر امام کم نباشد. با اعلام صریح و کتبی امام درباره نخست‌وزیر آینده که توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعلام شد جو قالب در مجلس به نفع آقای موسوی تغییر پیدا کرد».

پس از سخنان موافق و مخالف توسط نمایندگان از مجموع ۲۶۱ رأی آقای موسوی با کسب ۱۶۲ رأی موافق و ۹۹ رأی مخالف توانست رأی اعتماد کسب کند. پس از مشخص شدن مخالفت ۹۹ نفر از نمایندگان -علی‌رغم اعلام نظر صریح امام خمینی- جناح در حال شکل‌گیری چپ که به‌شدت از نخست وزیری آقای موسوی حمایت کرده بود، جناح راست را به مخالفت با ولایت فقیه متهم ساخت و در انتخابات سومین دوره مجلس نیز از همین مسئله استفاده کرده و به

پیروزی قاطع دست یافت. به‌این‌ترتیب تقابل فکری دو جناح مجلس که درباره میزان دخالت دولت در اقتصاد باهم اختلاف داشتند ظهور بیشتری به خود گرفت.

تشکیل هیأت حل اختلاف در ماجرای تعیین اعضای کابینه

اگرچه مسئله نخست‌وزیری با ازخودگذشتگی و تبعیت مثال‌زدنی آیت‌الله خامنه‌ای از دستور حضرت امام ختم به خیر شد، اما اختلافات بر سر تعیین اعضای کابینه پابرجا بود. در همین زمینه آیت‌الله خامنه‌ای برای کسب تکلیف خدمت حضرت امام می‌روند و امام به ایشان می‌فرمایند که «اگر با آقای میرحسین موسوی بر سر وزرا به توافق نرسیدید رأی دو نفر از سه نفر هاشمی رفسنجانی، سید احمد خمینی و موسوی اردبیلی حاکم باشد».

البته به این جمع بعدها به درخواست آیت‌الله هاشمی، آیت‌الله منتظری نیز اضافه گشت. اگرچه با این تدبیر امام مسئله به‌خوبی حل‌وفصل گردید ولی بیان این مسئله به‌خوبی جایگاه بی‌بدیل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را در نزد امام مشخص می‌نماید. سرانجام با حمایت‌های ارزشمند هاشمی رفسنجانی دولت موسوی از مجلس عبور کرده و توانست رأی اعتماد کسب کند.

مجلس سوم

با برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی این مجلس رسماً از تاریخ ۷ خرداد ۱۳۶۷ آغاز به کار کرد. این مجلس که اکثریت آن را اعضای مجمع روحانیون مبارز تشکیل می‌دادند، به دلیل رهنمودهای مهم امام خمینی در زمان برگزاری انتخابات به سمت حمایت از دولت پیش رفت. در این دوره عملاً هیچ حزب رسمی در کشور وجود نداشت و تنها حزب رسمی کشور یعنی حزب جمهوری اسلامی ده ماه قبل از برگزاری مرحله اول انتخابات دوره سوم مجلس، به پیشنهاد و درخواست آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و با موافقت امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۱۱ تعطیل شده بود.

در آستانه مجلس سوم و هنگامی‌که جامعه روحانیت مبارز اقدام به تهیه لیستی

از کاندیداهای پیشنهادی برای مجلس نمود، اختلافات قبلی بین روحانیون طرفدار و مخالف دولت موسوی بالا گرفت که به تولد دو حزب روحانیت مبارز و روحانیون مبارز انجامید. این انشعاب به تأیید امام خمینی نیز رسید و ایشان انشعاب تشکیلاتی و اظهار عقیده مستقل را به معنای اختلاف ندانست و طی نامه‌ای اعلام کرد: «چون دو گروه مذکور در اصول باهم مشترکند، آنها را تأیید می‌کنم زیرا در اسلام باب اجتهاد باز است ولی انتقاد سازنده باعث رشد جامعه می‌شود.»

در آستانه انتخابات و از چند ماه قبل رژیم بعث عراق از تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۹ حمله به شهرها و مناطق مسکونی کشور را با بمباران هوایی و موشک‌باران آغاز کرد. حملات هوایی و موشکی عراق تا دو ساعت مانده به انتخابات ادامه داشت و حتی با حملات موشکی و هوایی به اکثر شهرهای کشور سعی در ایجاد جنگ روانی برای مردم ایران و عدم مشارکت آنها در انتخابات داشت. این مسئله باعث گشته بود تا برخی از مسئولان خدمت امام رسیده و تقاضای تأخیر در انتخابات را مطرح کنند. امام خمینی این نظر را با قاطعیت رد کرده و اعلام نمودند انتخابات باید در موعد مقرر انجام شود.

در این انتخابات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با کسب یک‌میلیون و دویست هزار و چهارصد و نوزده رأی به‌عنوان نفر اول از حوزه انتخابی تهران وارد مجلس گردید. البته خاطرنشان می‌شود در سال ۱۳۶۸ و با انتخاب ایشان به‌عنوان رئیس‌جمهور، آقای مهدی کروبی پس از ایشان به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب گردید.

مذاکرات و رایزنی‌های جهانی با ایران در مورد پایان جنگ ـ جنگ نقت‌کش‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اعلام شد با بالا گرفتن جنگ و کشیده شدن دامنه آن به شهرهای بی‌دفاع که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از مردم می‌گردید و استفاده نامتعارف صدام از سلاح‌های شیمیایی، خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل در ۲۲ دی‌ماه ۱۳۶۵ اعلام کرد که اعضای شورای امنیت برای پایان دادن به جنگ مصمم‌اند و نظریات و دیدگاه‌ها باید برای تحقق این هدف به هم نزدیک شوند و شکل اجرایی به خود بگیرند. بر همین مبنا مذاکرات برای تهیه پیش‌نویس قطعنامه ۵۹۸ به‌سرعت آغاز شد.

دبیر کل سازمان ملل با استناد به قطعنامه ۵۹۸ از ایران و عراق خواست تا برای

دستیابی به راه‌حل جامع و عادلانه دست از جنگ کشیده و وارد روند مذاکره شوند. همچنین دبیر کل سازمان ملل در راستای شناسایی متجاوز به یک هیئت بی‌طرف مأموریت داد تا پس از تحقیق درباره مسئول واقعی جنگ گزارش خود را در اسرع وقت به شورای امنیت ارائه کنند.

در تابستان ۱۳۶۶ به دنبال درخواست دولت کویت از آمریکا و شوروی برای تأمین حفاظت نفت‌کش‌ها در خلیج‌فارس، نیروی دریایی کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس وارد خلیج‌فارس می‌شوند. در این ایام رونالد ریگان در ۱۳۶۶/۶/۳۱ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایران را تهدید کرد که در صورت قبول نکردن قطعنامه ۵۹۸ چاره‌ای جز اقدام عملی علیه ایران ندارد. این تهدید در حالی صورت گرفت که دقیقاً یک روز قبل با حمله یک بالگرد جنگی آمریکا به کشتی کوچک ایرانی به نام ایران اجر آمریکا رسماً وارد جنگ با ایران شده بود.

در اواخر سال ۱۳۶۶ صدام و رژیم بعثی عراق در یک اقدام متوحشانه، شهر کردنشین حلبچه را به دلیل همکاری نیروهای کرد با نیروهای نظامی ایران بمباران شیمیایی کرد. در این فاجعه ۵۰۰ هزار غیرنظامی بی‌گناه کشته شدند. در روزهای ۲۸ و ۲۹ فروردین نیروهای عراقی که این بار آمریکا را به‌عنوان متحد رسمی در کنار خود می‌دیدند با حمایت بالگردهای آمریکایی و بمباران شیمیایی توانستند جزیره فاو را از دست ایران باز پس گیرند. بی‌شک سکوت بین‌المللی در فاجعه رخداده در شهر حلبچه و جزیره فاو بیش‌ازپیش ادعاهای توخالی مدعیان حقوق بشر را عیان ساخت.

حمایت آمریکا از رژیم بعث عراق به همین مورد خلاصه نشد چراکه یک روز بعد ایالات‌متحده به نفت‌کش‌ها و سکوهای نفتی غیرنظامی ایران در خلیج‌فارس حمله کرد. در این هنگام دو ناوچه نیروی دریایی ایران یعنی سهند و سبلان مورد هدف نیروی دریایی آمریکا قرار گرفتند.

نقطه اوج تلاش‌های خصمانه آمریکا بر ضد ایران فاجعه ۱۲ تیر ۱۳۶۷ بود. ناو آمریکایی یواس‌اس وینسنس درحالی‌که وارد آب‌های سرزمین ایران شده بود، هواپیمایی مسافربری ایرباس ایران را مورد حمله قرار داد. متأسفانه تمامی ۲۹۰ مسافر و خدمه هواپیما در جریان این تهاجم کشته شدند. سکوت جامعه بین‌المللی در قبال این فاجعه و همچنین استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی برگ سیاهی در کارنامه مدعیان حقوق بشر به وجود آورد.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران ـ نقش پررنگ هاشمی در پایان جنگ

بیان خاطره‌ای از پدر شهید محمد جهان آرا می‌تواند وضعیت جبهه‌ها و حال و هوای مردم در آن ایام را روشن‌تر نماید. پدر شهید جهان آرا می‌گفت: «وقتی خرمشهر در محاصره بود، شرایط به قدری سخت شده بود که رزمندگان حتی نان خشک هم برای خوردن نداشتند، آتش از زمین و آسمان می‌بارید و هیچ خودرویی جسارت ورود به محاصره را جهت کمک رسانی نداشت.

در میان دود و آتش و غبار، دیدم که کاروانی از کامیون‌های حاوی مواد غذایی و دارو از راه رسید و پیشاپیش کاروان یک تویوتای لندکروز وارد شهر شد که نخست وزیر (آقای مهندس موسوی) در آن ماشین کنار راننده نشسته بود، جلو رفتم گفتم آقای مهندس، جلو آمدن شما خیلی خطرناک است، چطور راننده‌های کامیون را راضی کردید زیر این آتش، وارد شهر شوند؟

مهندس گفت به راننده‌ها گفتم بچه‌های رزمنده گرسنه‌اند، مگر شما غیرت ندارید؟ مگر مرد نیستید؟ یکی از راننده‌ها با طعنه گفت اگر شما مردی بیفت جلو تا ما هم پشت شما حرکت کنیم، برای همین هم من جلوتر حرکت کردم تا کامیون‌ها وارد شهر شوند.»

در این ایام کاهش درآمد نفتی ایران از ۱۵ میلیارد دلار به کمتر از ۶ میلیارد دلار نیز باعث شده بود تا فشارهای اقتصادی بر دولت افزایش‌یافته و وضعیت اقتصادی کشور در بدترین شرایط خود قرار گیرد.

در همین زمان محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران طی نامه‌ای به امام خمینی فهرستی از نیازهای نیروهای نظامی برای ادامه جنگ در ۵ سال آینده را ارائه داد. با ارجاع نامه به نخست وزیر، میرحسین موسوی صریحاً اعلام کرد: «دولت ظرفیت اختصاص منابع مالی لازم برای تهیه چنین فهرستی را ندارد».

هاشمی رفسنجانی در تشریح آن روزها و شرایط دشوار ماه‌های پایانی جنگ تحمیلی می‌گوید: «در آن روزها، غربی‌ها و شوروی به صدام اجازه داده بودند که از سلاح‌های غیرمتعارف استفاده کند و همان کاری را که در حلبچه انجام داده بودند در شهرهای بزرگ ایران تکرار کند. این کار البته قبل از آن‌هم انجام شده بود اما نه به‌طور

وسیع. موشک‌های عراق به شهرهای ما می‌رسید. هواپیماهای پیشرفته‌ای هم که در اختیارشان قرار گرفته بود، می‌توانست شهرهای ما را بمباران کند. من فکر می‌کردم اگر شهرهای بزرگ مثل اصفهان و تهران بمباران شیمیایی شوند، عقبه دفاع ما سست خواهد شد و جنگیدن با مشکل روبرو می‌شود. اگر چنین حالتی پیش می‌آمد باید آتش‌بس را می‌پذیرفتیم».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره دوران دفاع مقدس ادامه داد: «دولت مهندس میرحسین موسوی در آن موقع اعلام کرد که دیگر قادر به تدارک مالی نیست. از لحاظ ابزار جنگ هم آقای محسن رضایی نامه‌ای به امام نوشت و تجهیزات متعددی از جمله چند صد هواپیما و تعداد زیادی توپ و تانک خواست. از طرفی صدام اجازه گرفته بود که بمباران شیمیایی شهرهای ما را مثل شلمچه شروع کند. آمریکا هم وارد جنگ شده بود. مجموعه این عوامل ما را به این نتیجه رساند که ادامه جنگ بیش از آن درست نیست. من از شلمچه به جلسه سران سه قوه آمدم. در آنجا به اجماع رسیدیم که جنگ را تمام کنیم. خدمت امام رسیدیم و بحث طولانی صورت گرفت. پذیرش پایان جنگ برای امام سخت بود».

هاشمی رفسنجانی گفت: «امام تعبیری را به کاربردند که ما را مأیوس کردند. من تعبیری را که امام به کاربردند نمی‌گویم. دیدم بحث به بن‌بست رسید. عرض کردم لازم نیست پایان جنگ را شما اعلام کنید. بنده به‌عنوان فرمانده جنگ مسئولیت پذیرش قطعنامه را بین مردم و رزمندگان بر عهده می‌گیریم و اگر مشکلی به وجود آمد بنده را محاکمه کنید».

پس از شنیدن این حرف آقای هاشمی، امام می‌فرماید: «این‌جانب با پذیرش قطعنامه موافقت کرده و خود مسئولیتش را بر عهده می‌گیرم.» بعد فرمودند: «بروید علما و شخصیت‌ها را جمع کنید و آنها را توجیه کنید و بحث‌هایی را که در این جلسه مطرح شد با آنها در میان بگذارید که اختلافی پیش نیاید.» بدین‌صورت با راه‌حل هاشمی جنگ به پایان رسید.

سرانجام پذیرش قطعنامه طی نامه‌ای با امضای رئیس جمهور ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ به دبیر کل سازمان ملل تسلیم گشت و در نشست غیررسمی اعضای شورای امنیت در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ تاریخ برقراری آتش‌بس اعلام می‌گردد.

امام خمینی در ۱۳۶۷/۴/۲۹ طی پیامی با تشبیه پذیرفتن قطعنامه به نوشیدن جام

زهر، این خبر را به اطلاع مردم می‌رساند. امام در قسمتی از نامه خود فرمود: «و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به‌واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد، و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم ... خداوندا این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوش به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام، جام زهره آلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم».

حضرت امام با درک صحیح از مشکلات کشور در نامه‌ای محرمانه که چند روز قبل از پذیرش قطعنامه خطاب به مسئولان لشکری و کشوری نوشتند نیز دلایل خود را از پذیرش قطعنامه چنین عنوان داشتند:

«حال که مسئولان نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می‌باشند، صریحاً اعتراف می‌کنند که ارتش اسلام به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به اینکه مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران از این پس جنگ را به‌هیچ‌وجه به صلاح کشور نمی‌دانند، با قاطعیت می‌گویند که یک‌دهم سلاح‌های را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده‌اند، به‌هیچ‌وجه و با هیچ قیمتی نمی‌شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده‌ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به این‌جانب رسیده و به اعتراف جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی معدود فرمانده‌هایی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می‌باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسایل خنثی‌کننده آن، این‌جانب با آتش‌بس موافقت می‌نمایم. برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم

تلخ به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۶۷/۴/۲۶ نگاشته شده است، اشاره شد.

شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی ایران اگر آبرویی داشته باشم خرج می‌کنم. خداوندا ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش‌بس را قبول می‌کنیم...

گفتم جلسه‌ای تشکیل گردد و آتش‌بس را به همه مردم تفهیم نمایند. مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را ازآنچه صلاح اسلام است، دور کنند. صریحاً می‌گوییم باید تمامی همتتان در توجیه این کار باشد. قدم انحرافی حرام است و موجب عکس‌العمل می‌شود. شما می‌دانید که مسئولان رده‌بالای نظام با چشمی خون‌بار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی‌مان چنین تصمیمی گرفته‌اند خدا را در نظر بگیرید و هرچه اتفاق می‌افتد از دوست بدانید ... ».

بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸، در جهت اجرای بند ۶ قطعنامه، یک هیئت بلژیکی انتخاب و مسئول شد که متجاوز جنگ را شناسایی و به دبیر کل سازمان ملل متحد معرفی نماید. ایران اصرار داشت زمان شروع به این کار این هیئت قبل از پذیرش قطعنامه از جانب ایران باشد که درنهایت این‌گونه عمل نشد. این هیئت درنهایت در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ مصادف با ۹ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی طی گزارشی به دبیر کل وقت سازمان ملل متحد عراق را به‌عنوان متجاوز جنگ معرفی کرد. دبیر کل وقت سازمان ملل متحد نیز این گزارش را طی یک جلسه رسمی به شورای امنیت تفهیم کرد.

حمله تندروها به هاشمی جهت خاتمه دادن به جنگ

با توجه به نقدهای بسیاری که درباره قبول کردن قطعنامه توسط امام خمینی بیان شده است عده‌ای با اهداف سیاسی و در جهت تخریب وجهه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و با نادیده گرفتن خدمات و زحمات ایشان در طول جنگ، ایشان را مسئول نوشاندن جام زهر به امام خمینی می‌دانند. این منتقدان درحالی‌که از شرایط کشور در آن برهه حساس آگاهی داشته و دارند، مدعی هستند که ایران از آمادگی لازم برای ادامه جنگ بعد از سال ۱۳۶۷ برخوردار بوده است و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و میرحسین موسوی را مسئول پذیرفتن آتش‌بس توسط امام خمینی دانستند. حال‌آنکه تأکید امام خمینی در نامه به مسئولان لشکری و کشوری به‌خوبی مؤید این نکته است

که حضرت امام با پیش‌بینی از وجود و طرح چنین مسائلی در آینده و با درک صحیح از مشکلات کشور با پذیرش قطعنامه موافقت کرده است.

البته قطعاً یکی از بهترین اسناد برای نشان دادن نگرش امام خمینی درباره پذیرش قطعنامه، پیام ایشان در سال ۱۳۶۷ و به مناسبت سالگرد کشتار مکه می‌باشد. حضرت امام در بخشی از این پیام می‌فرمایند: «و اما در موردقبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بوده است، این است که چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به‌واسطه حوادث ملی که فعلاً از ذکر آن خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد، دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت نظام و انقلاب می‌دانم».

امام خمینی همچنین در فرازی از پیام خود افرادی را که در آینده جنگ و قطعنامه را زیر سؤال خواهند برد را مورد خطاب قرار داده و می‌فرمایند: «در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها بکنند. هرچند این مسئله به‌خودی‌خود یک ارزش بسیار زیباست اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه‌بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی ظاهری دم می‌زنند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نماید و جیره‌خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند».

حضرت امام خمینی به‌خوبی با تحلیل شرایط انقلاب پس از خود مدعیان طرفدار ادامه جنگ را که امروز به خاطر اهداف سیاسی دست به هر اقدامی می‌زنند را مورد خطاب قرار داده بود.

این افراد در حالی امروز سعی در القای پذیرش قطعنامه و خوراندن جام زهر به امام توسط سران وقت کشور را دارند که گویا فراموش کرده‌اند که حضرت امام خمینی با استقلال رأی خود و بدون تأثیرپذیری از قدرت‌های بین‌المللی اقدام به قبول و پذیرش قطعنامه کردند.

امام خمینی در نامه فوق با اشاره به استقلال مسئولان نظام در پذیرش قطعنامه تأکید می‌کند: «من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از جام زهر کشنده‌تر است ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است».

همچنین بعدها آیت‌الله خامنه‌ای با رد ادعای این افراد در نماز جمعه ۵ مهر سال ۱۳۷۰ فرمودند: «این قطعنامه نتیجه تلاش‌های فراوانی بود که از همه طرف کشیده شد. تلاش‌هایی که درنهایت شورای امنیت وابسته به غرب را مجبور به صدور این قطعنامه کرد.

قطعنامه‌ای که به جنگ پایان می‌داد و شرط اجرایی شدنش قبول آن از سوی حضرت امام خمینی بود. امام خمینی بر اساس آنچه گزارش‌ها رسیده از مقامات وقت درباره جنگ و وضعیت کشور اعلام شد، زیر قطعنامه ۵۹۸ را امضاء کرد و به‌این‌ترتیب جنگ ایران و عراق بر اساس اسناد بین‌المللی پایان یافت».

بعدها آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با انتشار متن سخنرانی منتشرشده وی در سال ۱۳۶۹ به تشریح روند پذیرش قطعنامه و شرایط پس‌ازآن پرداخت. در این متن که در پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منتشر شده است ، آمده است: «قطعنامه ۵۹۸ هشتمین قطعنامه‌ای است که برای جنگ عراق علیه ما در سازمان ملل به تصویب رسید. پیش از قطعنامه ۵۹۸، شورای امنیت قطعنامه ۵۸۸ را در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۶ تصویب کرده بود که ایران آن را نپذیرفت و دبیر کل در گزارش خود به شورای امنیت، خلاصه‌ای از مواضع ایران و عراق را در قبال قطعنامه عنوان نمود و اعلام کرد که درحالی‌که عراق تمایل خود را برای پذیرش قطعنامه شورای امنیت اعلام داشته، ایران به دلایلی که ذکر کرده این قطعنامه را نپذیرفته است.

پس از قطعنامه ۵۸۸ ایران عملیات‌های موفقیت‌آمیز زنجیره‌ای را در خاک عراق انجام داد (سلسله عملیات‌های فتح، کربلا، والفجر و نصر). حاصل این عملیات‌ها نزدیک شدن رزمندگان اسلام به شهر بصره شد که عامل دقت و حساس شدن شورای امنیت به مسئله جنگ شد».

ایشان همچنین می‌افزایند: «بر این اساس، اعضای دائم به‌صورت یک گروه، کار مشترک و سازمان‌دهی شده‌ای را برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق آغاز

نمودند. کار این گروه مشترک به‌صورت محرمانه بود که حاصل بررسی‌های آنها در پنج ماه منجر به نوشتن پیش‌نویس قطعنامه ۵۹۸ شد. آنها قطعنامه را صادر کردند. با شرایطی که برای ما درست کرده بودند فکر می‌کردند ما می‌پذیریم. چند عقب‌نشینی نیروهای ما آنها را امیدوار کرده بود که ما می‌پذیریم».

هاشمی در ادامه سخنان خود ضمن تشریح وضعیت کشور در زمان پذیرش قطعنامه تأکید می‌کند که پذیرش قطعنامه به معنای اتمام جنگ نبود. ایشان می‌افزاید: «ما لازم دیدیم که بعد از پذیرش قطعنامه در شرایط مناسبی باید ضرب شستی به آنها بدهیم که آنها متوجه شوند که قدرت تهاجمی ما سر جای خود باقی است. وقتی‌که عراقی‌ها بعد از پذیرش قطعنامه دوباره حمله کردند و تا نزدیک اهواز هم رسیدند و از خرمشهر و جاهای مهم عبور کردند و معلوم شد ادعای صلح‌طلبی عراق دروغ است با یک دفاع جانانه ظرف یک روز آنها را سر جایشان برگردانیم. در طرف شمال جبهه‌ها هم که منافقین فعالیت می‌کردند، در عملیات مرصاد پاسخ خود را گرفتند و آن‌گونه زمین‌گیر و متلاشی شدند. در عملیات مرصاد فقط منافقین نبودند و نیروهای هوایی و لجستیک عراق با اینها بودند. لذا توانستیم هم منافقین و هم پشتیبانی آنها را از کار بیندازیم. آنها فهمیدند که تحلیل رفتن قدرت تهاجمی و دفاعی ما درست نیست و نیروهای ما می‌توانند مثل گذشته جنگ را ادامه دهند».

ایشان همچنین افزود: «قطعنامه‌ای که صادر شد اشکالاتی داشت و ما هم با یک استراتژی درست با آن برخورد کردیم یعنی خدمت امام رفتیم و پیشنهاد دادیم. قرار بر این شد که ما از یک‌جهت عملیات زمینی و جنگ را باقدرت ادامه دهیم و نیروها را هم تجهیز کنیم و ستاد کل را بر این اساس تشکیل دادیم. برای اینکه دولت بیشتر از گذشته برای پشتیبانی جنگ در میدان باشد، مردم هم دعوت شدند که برای جنگ آماده شوند. این یک فاز بود. فاز سیاسی را هم شروع کردیم و آن این بود که مذاکره کنیم تا مفاد قطعنامه مطلوب ما شود؛ یعنی قطعنامه‌ای باشد که با قبول آن به اهداف خود برسیم».

درحالی‌که شواهد و قرائن تاریخی محکم و مستند حکایت از پذیرش قطعنامه توسط امام و باانگیزه جلوگیری از وارد شدن هزینه‌های بیشتر دارد اما هنوز برخی افراد با هدف ضربه زدن به شخصیت و جایگاه والای هاشمی رفسنجانی در نزد مردم، پذیرش قطعنامه را زیر سؤال برده و با طرح ادعاهایی بی‌اساس اعلام می‌کنند که

امام خمینی بی‌خبر از تدوین قطعنامه و تحت تأثیر فشارهای سیاسی و نفوذ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به پذیرش قطعنامه تن داده است.

این افراد سعی در القای ناراحتی امام از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از پذیرش قطعنامه دارند. درحالی‌که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود از روزهای پایانی عمر مبارک حضرت امام خمینی می‌گوید: «بااینکه دیروقت بود به بیمارستان قلب جماران رفتم. امام با زحمت حرف می‌زدند. با صدای ضعیف به من فرمودند: "داروی زهری که قطعنامه را پذیرفتم برای من تلخ بود و تعبیر به جام زهر کردم اما امروز که می‌بینم بعد از مرگ من کشور مشکل جنگ ندارد، آن تلخی برایم شیرین است."».

این‌گونه بود که باتدبیر حضرت امام خمینی و اعتماد ایشان به تصمیم صحیح آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مبنی بر توقف جنگ و پذیرش قطعنامه، دو کشور ایران و عراق پس از هشت سال جنگ فرسایشی که باعث میلیاردها دلار خسارت به کشور و شهادت جمع کثیری از هم‌وطنان عزیز و تخریب زیرساخت‌های کشور و ویرانی‌های به‌جامانده از جنگ گردید، به صلح برسند.

تهاجـم ارتش عراق به ایـران پس از پذیرش قطعنامه ـ شکست تاریخی منافقان کوردل در تنگه مرصاد

همان‌طور که در خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به آن اشاره شد، پذیرش قطعنامه باعث اتمام تجاوز به خاک ایران توسط رژیم بعثی نشد. صدام با حمایت و پشتیبانی از منافقان کوردل از مرز غربی کشور تهاجماتی را به ایران انجام داد. این عملیات که منافقان کوردل آن را فروغ جاویدان نام نهادند در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۴ انجام شد. چند روز قبل از این نیز و تنها چهار روز پس از پذیرش قطعنامه ارتش بعث در ۱۳۶۷/۴/۳۱ در شرایطی که وزیر خارجه وقت ایران در حال مذاکره با دبیر کل سازمان ملل بود، تهاجم خود را از دو محور کوشک و شلمچه و در منطقه جنوب کشور آغاز کرده و تا ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر پیشروی داشتند. با فراخوان حضرت امام، مردم و نیروهای بسیجی با حضور در جبهه‌ها و دفاع از خاک میهن و همزمان پیام ایشان سپاه پاسداران برای دفع تهاجم و بیرون راندن مهاجمین جنگ گسترده‌ای آغاز گردید. قوای مسلح بار دیگر در مدت بسیار کوتاهی

متجاوزین را از خاک وطن بیرون راندند.

سرنوشت اما در مرزهای غربی به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. منافقین کوردل که توسط رژیم بعث عراق تا دندان مسلح شده بود و در تصورات باطل خویش فتح ۴۸ ساعته تهران را در سر می‌پروراندند، با کمین نیروهای مردمی سپاه پاسداران و ارتش ایران به فرماندهی شهید صیاد شیرازی در تنگه چهارزبر مواجه شدند. این تنگه بعدها به تنگه مرصاد معروف شد.

در این عملیات قریب به پنج هزار نفر از نیروهای فریب‌خورده مجاهدین خلق کشته یا زخمی شدند. هاشمی رفسنجانی در مورد جنگ مرصاد می‌گوید: «جنگ و صحنه به‌گونه‌ای درست شد که اینها توی کیسه آمدند و ما در کیسه را بستیم. تدارک منافقین خیلی وسیع بود و ضربه وارده بر آنها خیلی عمیق است».

همان‌طور که اشاره شد، با فراخوان مجدد حضرت امام انقلابی در انگیزه و روحیات مردم ایران به وجود آمد. با سرازیر شدن مردم به جبهه‌ها مشخص شد که تصور دشمن از ضعف کشور و ناتوانی نیروهای نظامی کشور تصوری باطل و بیهوده بوده است. دشمن که در جنگ جدید قصد داشت سرزمین‌های بیشتری از ایران را تصرف نماید خیلی زود به اشتباه خویش پی برد زیرا می‌دید مریدان امام خمینی تمام توان خویش را برای خلق حماسه‌ای دیگر به کار گرفته بودند. این موضوع باعث گردید تا دولت عراق نیز آتش‌بس را پذیرفته و با قطعنامه موافقت کند.

اگرچه رژیم بعثی عراق اعلام کرد که قطعنامه را پذیرفته ولی برای برقراری آتش‌بس تحویل اروندرود را شرط پذیرش قرار داد، البته ایران با این طرح مخالفت کرد. با پایان جنگ ایران و عراق این کشور تبدیل به یک کشور بدهکار شده بود و این مسئله برای صدام که مدعی بود به نمایندگی از جهان عرب با ایران جنگیده و به دنبال ملی‌گرایی عربی بود شرم‌آور به نظر می‌رسید. صدام از کویت خواست که بدهی‌های عراق به کویت را ببخشد که با مخالفت کویت مواجه شد به همین دلیل صدام به فکر حمله به کویت افتاد. تنها نگرانی صدام حل‌وفصل شدن مناقشات با همسایه شرقی خود یعنی جمهوری اسلامی ایران بود. او قبل از لشکرکشی به کویت تصمیم گرفت به‌منظور در امان ماندن از جانب ایران اختلافات خود با جمهوری اسلامی را حل و فصل کند. لذا نامه‌نگاری‌هایی با آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران انجام داد. این نامه‌نگاری‌ها در جریان بود که ناگهان در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ ارتش عراق با حمله به کویت این کشور را به اشغال درآورد.

صدام در نامه‌نگاری‌هایش پیشنهاد امضای پیمان صلح میان دو کشور داد و امیدوار بود تا بتواند ایران را متقاعد به نقض تحریم‌های تجاری علیه عراق کند. سرانجام پس از نامه‌نگاری‌های متعدد رئیس‌جمهور عراق در ششمین و آخرین نامه خود به رئیس‌جمهور ایران که در ۱۳۶۹/۵/۲۳ نوشته شد، شرایط ایران را که پذیرش معاهده ۱۹۷۵ اجرای قطعنامه و حل اختلاف در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸، عقب‌نشینی از اراضی اشغالی ایران و تبادل اسرا بود را پذیرفت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چهار روز بعد در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۷ در آخرین پاسخ خود به صدام نوشت: «اعلام پذیرش مجدد معاهده ۱۹۷۵ از سوی شما، راه اجرای قطعنامه و حل اختلافات در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ و تبدیل آتش‌بس موجود به صلح دائم و پایدار را هموار ساخت. شروع عقب‌نشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما درراه صلح با جمهوری اسلامی ایران به‌حساب می‌آوریم.»

بدین‌وسیله با پذیرش دوباره عهدنامه ۱۹۷۵ از سوی صدام، عراق پذیرفت تا به نشانه حسن نیت عقب‌نشینی از اراضی اشغالی ایران را از روز جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ آغاز کند.

در همین روز اولین کاروان آزادگان نیز به کشور بازگشتند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از این روز به‌عنوان یکی از بهترین روزهای عمر خویش یاد می‌کند.

فصل چهارم

دوران پس از امام (ره)

در این فصل می‌خوانیم:

- برکناری قائم مقام رهبری
- بازنگری قانون اساسی
- تشدید بیماری امام خمینی
- برگزاری جلسه اضطراری شبانه سران نظام
- رحلت امام
- جلسه سرنوشت‌ساز مجلس خبرگان جهت انتخاب رهبر
- خاطرات گره‌گشای هاشمی در جلسه تعیین رهبری

برکناری قائم مقام رهبری ـ بازنگری قانون اساسی

سال ۱۳۶۸ یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده است. در این سال اخبار ناخوشایندی مبنی بر تشدید بیماری امام خمینی به گوش می‌رسید.

امام خمینی در فروردین‌ماه ۱۳۶۸ با استعفای آیت‌الله حسین‌علی منتظری، قائم‌مقام رهبری موافقت فرمودند. در همین حال ایشان آیت‌الله خامنه‌ای را مأمور به تشکیل هیئت بازنگری قانون اساسی ایران نمودند. اعضای این هیئت که متشکل از چند نماینده مجلس و چند نماینده امام خمینی بودند به بازنگری قانون اساسی پرداختند. در این زمینه پست نخست‌وزیری حذف گردید و اختیارات ولی‌فقیه به قانون اساسی اضافه گردید. در این برهه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز یکی از اعضای این شورا بودند.

این هیئت به ریاست آیت‌الله مشکینی چند تغییر عمده در قانون اساسی انجام داد.

یکی از مهم‌ترین موارد اصلاح‌شده حذف شرط مرجعیت برای مقام رهبری بود.

یکی دیگر از تغییرات مهم در قانون اساسی حذف شورای رهبری و افزایش اختیارات رهبر بود.

همچنین افزایش اختیارات شورای نگهبان، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، حذف مقام نخست‌وزیری و تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی از دیگر مصوبات شورای بازنگری قانون اساسی بود.

تشدید بیماری امام خمینی ـ برگزاری جلسه اضطراری شبانه سران نظام

در این ایام حضرت امام خمینی به دلیل بیماری در بیمارستان جماران بستری شد و مورد چند عمل جراحی سخت و طولانی قرار گرفت.

این ایام برای دوست داران امام بسیار ناراحت‌کننده بود. دیدن آن مرد بزرگ و آسمانی بر روی تخت بیمارستان و خواندن قرآن و دعای نافله و نمازهای اول وقت آن‌هم با شرایط سخت بیماری و وصل بودن سرم و دستگاه‌های تنفسی به ایشان، اگرچه نشان از آرامش و طمأنینه امام داشت؛ اما مشتاقان ایشان را در غم و اندوه فروبرد.

پس از آنکه تیم پزشکی معالج امام خبرهای مأیوس‌کننده‌ای از روند درمان ایشان دادند و پیش‌بینی می‌کردند که حضرت امام تا ساعاتی دیگر دنیای فانی را ترک خواهد

گفت، جلسه‌ای اضطراری با حضور برخی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، روسا قوای سه‌گانه و برخی دیگر از شخصیت‌ها برگزار گردید.

این جلسه که دقیقاً ساعاتی قبل از ارتحال حضرت امام در بعدازظهر روز ۱۳ خرداد انجام گرفت، در آن آقایان خامنه‌ای، مشکینی، موسوی اردبیلی، امینی، هاشمی رفسنجانی، طاهری خرم‌آبادی، خلخالی و احمد خمینی حضور داشتند.

در این جلسه پیش از هر چیز اعضای جلسه بر تدوین برنامه‌ای منسجم برای رویارویی با رحلت امام و مسئله رهبری پس از امام تأکید و مشورت داشتند؛ و هر یک از اعضا دیدگاه خود را مطرح کرده و بعضاً نام افرادی را مطرح می‌کردند؛ اما سرانجام به این نتیجه رسیدند که با توجه به شخصیت کاریزماتیک امام در نزد مردم، همچون حضرت امام سراغ نداریم و باید از شورای رهبری استفاده کرد.

سرانجام جلسه بدون خروجی مشخصی پایان یافت ولی دغدغه اعضا از مسئله انتخاب رهبری پس از امام کماکان پابرجا بود.

این جلسه در حالی پایان می‌یافت که هیچ‌یک از اعضای آن نمی‌دانستند که تا ساعاتی دیگر پیرمراد و رهبر معنوی خویش را که سالیان سال در رکابش برای تثبیت حاکمیت اسلام در کشور کوشیده بودند، به‌سوی معبود خویش نقل‌مکان کرده و شاگردان پرورش‌یافته مکتبش را در آزمون سخت الهی پیش روی تنها خواهد گذاشت.

رحلت امام _ جلسه سرنوشت‌ساز مجلس خبرگان جهت انتخاب رهبر

سرانجام در ساعت ۲۲:۲۰ شنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۶۸ حضرت امام خمینی به وصال محبوب خویش می‌شتابد و دل میلیون‌ها علاقه‌مند و مشتاق به خویش را غرق اندوه می‌نماید.

ساعت هفت صبح روز چهارده خرداد مردم ایران با صدای گوینده خبر رادیو سراسری، اطلاع یافتند که پیرمرادشان به ملکوت علی پیوست.

در همان روز جلسه اضطراری مجلس خبرگان رهبری تشکیل گردید. در ابتدای جلسه وصیت‌نامه امام خمینی (قدس سره) در میان حزن و اندوه و گریه‌های مکرر اعضای مجلس خبرگان توسط آیت‌الله خامنه‌ای قرائت گردید. پس از آن بحث و تبادل‌نظر برای تعیین جانشینی امام راحل آغاز گردید.

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در دستور کار اجلاس فوق‌العاده خبرگان

رهبری قرار گرفت؛ بررسی مسئله استعفای آقای منتظری از سمت قائم‌مقامی رهبری بود. اگرچه امام راحل دراین‌باره نظر قطعی خود را اعلام کرده بودند، اما برای جلوگیری از هرگونه شبه پراکنی این موضوع به بحث گذاشته شد و اکثریت قریب‌به‌اتفاق اعضای حاضر در جلسه استعفانامه آقای منتظری را که در تاریخ ۶۸/۱/۷ به حضرت امام نوشته بودند را پذیرفتند.

پس از آن مذاکرات مفصلی درباره چگونگی تشکیل منصب رهبری و اینکه رهبری شورایی باشد یا فردی آغاز شد و حدود دوازده نفر انتخاب شدند و در موافقت با رهبری فردی یا شورایی سخنرانی کرده و به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. تقریباً ۶ نفر از اعضا از جمله حضرات آیات خامنه‌ای، هاشمی، موسوی اردبیلی و طاهری با بیان دلایلی از جمله شرایط حساس نظام نوپای اسلامی، عدم استحکام و ثبات کافی نظام، نبودن شخصیت کاریزماتیک و دارای قاطعیت در رهبری برخوردار از نفوذ کلمه همچون حضرت امام در بین رجال سیاسی پرداخته و موافق شورای رهبری بودند و اعتقاد داشتند که اگر منصب رهبری به‌صورت شورایی اداره شود این امر موجب رفع نواقص افراد خواهد شد. در مقابل کسانی که طرفدار رهبری فردی بودند با بیان اینکه ولایت‌فقیه ادامه ولایت رسول خدا و ائمه اطهار هست و در فقه شیعه نیز منصب ولایت به‌صورت شورایی تعریف نشده است، مخالفت خود را با رهبری شورایی بیان داشتند.

سرانجام پس از مذاکرات طولانی به پیشنهاد یکی از اعضا قرار بر این شد که اصل شورایی یا فردی بودن رهبری به رأی گذاشته شود که پس از رأی‌گیری رهبری فردی رأی آورد.

در بحث رهبری فردی آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله خامنه‌ای مطرح بودند. عده‌ای با استدلال اینکه قید مرجعیت در قانون اساسی برای رهبری ذکر شده است از آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی حمایت کردند و عده‌ای نیز با اشاره به ضعف جسمانی آیت‌الله گلپایگانی و اینکه ممکن است ایشان توانایی انجام این امر را نداشته باشند از آیت‌الله خامنه‌ای حمایت کردند.

خاطرات گره‌گشای هاشمی در جلسه تعیین رهبری

در حالی‌که پیش‌بینی می‌شد مذاکرات به نتیجه خاصی منجر نمی‌شود و به بن‌بست رسیده است، ذکر چند خاطره از امام توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این جلسه را از بن‌بست خارج نموده و به نتیجه رساند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفتند: «در جلسه‌ای که با حضور روسای سه قوه و برخی از آقایان خدمت امام رسیده بودیم و نگرانی خود را از خلأ رهبری بعد از عزل آقای منتظری توسط ایشان ابراز کردیم امام فرمودند: «خلأ رهبری پیش نمی‌آید شما آدم دارید».

گفتیم: «چه کسی؟»

ایشان فرمودند: «همین آقای خامنه‌ای.»

بعدها در جلسه‌ای که تنهایی خدمت امام رسیدم مطالب خود را با صراحت بیشتر بیان کرده و گفتم: «آقا با وضعیت به وجود آمده درباره رهبری چه کنیم؟ ما که کسی را نداریم.»

حضرت امام فرمودند: «باوجود آقای خامنه‌ای چرا این‌قدر تردید به خود راه می‌دهید؟»

هاشمی رفسنجانی در این جلسه ادامه دادند: «چندی پیش حاج سید احمد آقا فرزند امام برای این‌جانب نقل کردند که وقتی آیت‌الله خامنه‌ای در سفر کره شمالی بودند، امام گزارش‌های آن سفر را از تلویزیون می‌دیدند. منظره دیدار از کره، استقبال مردم، سخنرانی‌ها و مذاکرات آن سفر خیلی جالب بود. امام بعدازآنکه اینها را مشاهده کردند، فرمودند: «الحق ایشان – آیت‌الله خامنه‌ای - شایستگی رهبری را دارند.»

ذکر این چند خاطره کافی بود تا اعضای خبرگان رهبری با قاطعیت و رأی بالا ایشان را به‌عنوان رهبر انقلاب انتخاب نمایند. از مجموع ۷۴ عضو حاضر در جلسه ۶۰ نفر یعنی بیش از دوسوم اعضای جلسه در هنگام رأی‌گیری به ایشان رأی داده و ایشان را که از شاگردان امام خمینی و چهره‌های درخشان انقلاب اسلامی و از یاران امام در تمام دوران نهضت امام بود، برای این رسالت خطیر انتخاب کردند. این انتخاب بازتاب بسیار وسیع و گسترده‌ای در جوامع بین‌المللی داشت.

در این فصل می‌خوانیم:

- انتخابات ریاست جمهوری پنجم
- بازتاب انتخاب آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور در رسانه‌های بیگانه
- رونق سازندگی در کشور
- رعایت اعتدال در چینش کابینه
- هاشمی سرمنشاء وفاق ملّی بین احزاب سیاسی کشور
- تشکیل شورای عالی جوانان
- توجه به مناطق محروم
- بازسازی ویرانی‌های کشور
- بهبود روابط خارجی ایران
- اصالت دادن به جایگاه ایران در منطقه

تا ابد استوار

فصل پنجم

سردار سازندگی

- آغاز عصر طلایی رابطه میان ایران و عربستان
- محبوبیت و جایگاه ویژه هاشمی رفسنجانی نزد سران و شخصیتهای سیاسی جهان
- دادگاه میکونوس و تنش با کشورهای اروپایی
- توجه به امور زنان
- انتخابات ریاست جمهوری ششم
- رویگردانی چپ‌ها از هاشمی
- نگاهی به عملکرد هشت ساله دولت سازندگی
- دوران طلایی شکوفایی کشور
- تعامل با مطبوعات

انتخابات ریاست جمهوری پنجم

نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران پس از رحلت جان‌گداز امام خمینی (قدس سره) و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به سمت رهبری، یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۸ برگزار گردید. در این دوره که آقای هاشمی رفسنجانی و آقای دکتر عباس شیبانی به‌عنوان دو نامزد شرکت‌کننده در انتخابات بودند، آقای هاشمی با کسب پانزده میلیون و پانصد و پنجاه‌هزار و پانصد و بیست‌وهشت رأی از مجموع شانزده میلیون و چهارصد و پنجاه‌ودو هزار و شصت و هفتادوهفت رأی مأخوذه یعنی با کسب ۹۴ درصد آراء به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شدند.

بازتاب انتخاب آیت الله هاشمی به عنوان رئیس جمهور در رسانه‌های بیگانه

پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشور، در میان حجم تبلیغات وسیع رسانه‌های بین‌المللی و تلاش بی‌وقفه آنها برای مأیوس کردن مردم برگزار شد. ضد انقلابیون در تلاش بودند تا با برجسته کردن شعارهای دموکراسی خواهی و حقوق بشر و ادعای پیگیری مطالبات مردم، مسیر افکار عمومی را به‌سوی خواسته‌های نامشروع خویش روانه کرده و مردم همیشه درصحنه را از حضور در انتخابات و تعیین سرنوشت سیاسی خویش مأیوس سازد.

مردم فهیم ایران بار دیگر با حضور گسترده خود پای صندوق‌های رأی بذر امید از آینده روشن پیش روی سیاست کشور را در دل‌ها جوانه زدند و با همبستگی و اتحاد و با امید داشتن آینده‌ای روشن پای صندوق‌های رأی رفته و یار دیرین امام و رهبری را به‌عنوان رئیس‌جمهور آینده انتخاب کردند. رسانه‌های مطرح دنیا با ابراز شگفتی از این‌همه قدرشناسی مردم، به‌اشتباه خود در عدم شناخت مردم ایران اذعان داشتند.

رافائل گوموپارا، خبرنگار اسپانیایی: «برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی که به دنبال رحلت رهبر فقیه انقلاب در ایران صورت گرفته است، بیانگر اعتماد مسئولان جمهوری اسلامی به ملت و تکیه آنان بر آراء و نظرات مردم است. همین حمایت عمومی از دولت و نظام همواره باعث به بن‌بست رسیدن تحلیلگران شده است که اساس نگرش خود را بر معیارهای مادی قرار می‌دهند.» وی همچنین رکورد

حملات تبلیغاتی علیه ایران در رسانه‌های خبری غرب را ناشی از ثبات و استحکامی دانست که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) به جهان نشان داد.

شبکه تلویزیون آلمان: «مردم بسیار شاد و امیدوار به‌پای صندوق‌های آرا رفتند. می‌گفتند که از انتخاب آقای رفسنجانی، به‌عنوان رئیس‌جمهور بسیار خوشحال هستند. چون او را فردی لایق برای کشور می‌دانند».

شبکه دو تلویزیون آلمان: «مردم به انتخاب آقای رفسنجانی بسیار امیدوارند و می‌گویند مشکلات اجتماعی سیاسی در کشور به دست او حل خواهد شد».

بررسی شرایط کشور در آغاز ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی

آغاز ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی مصادف با وقایع بسیار حساسی بود که با مدیریت ایشان و درایت رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای، تمامی نقشه‌های دشمنان اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی شکست خورد و تاکنون انقلاب با صلابت و اقتدار به را خود ادامه می‌دهد. در ادامه برای روشن‌تر شدن وضعیت کشور، به مهمترین وقایع و اتفاقات آن دوره اشاره شده است:

- مهمترین واقعه در آن زمان، رحلت امام بود که دشمنان منتظر بودند بتوانند انقلاب را منحرف نموده و زمینه نابودی آن را فراهم سازند. رحلت امام شرایط ملتهبی را بوجود آورده بود و دشمنان به زعم اینکه بسیاری از انقلابات بعد از درگذشت رهبر نهضت شکست خورده‌اند، نقشه‌های شومی را در سر می‌پروراندند. این افراد در این دوره بیکار نبوده و بسیار پرتلاش بودند.
- شرایط بد اقتصادی با توجه به پشت سر گذاشتن ۸ سال جنگ تحمیلی فرسایشی.
- بدهی‌ها و استقراض‌های ناشی از جنگ برای تهیه اسلحه و مهمات و اداره جنگ.
- قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل بر ضد ایران.
- تعطیلی اغلب سفارتخانه‌ها و قطع رابطه با ایران.
- اعمال تحریم‌های مختلف از سوی اغلب کشورها و تحت فشار قرار دادن ایران به دلیل قبول نکردن قطعنامه‌های سازمان ملل.
- جنگ طلب نشان دادن ایران در اذهان مردم جهان به دلیل عدم قبول قطعنامه‌ها.

- کمبود ارزاق عمومی به واسطه تحریم‌ها.
- جیره‌بندی ارزاق موردنیاز مردم و مشکلات دولت برای تهیه این ارزاق.
- کاهش شدید درآمد دولت به واسطه حمله به نفت‌کش‌ها و محدود شدن صادرات نفت.
- خسارت‌های فراوان ناشی از جنگ و لزوم رسیدگی سریع به آنها.
- رشد سریع جمعیت در آن سال‌ها و توجه ویژه به نیازهای قشر جوان جامعه و خانواده‌ها.
- رانت‌های زیادی که در کشور به واسطه اختلاف زیاد دلار آزاد و دولتی بوجود آمده بود و باعث به هدر رفتن توان زیادی از دولت برای تهیه ارز موردنیاز مردم می‌شد.
- صدمه به تاسیسات زیربنایی از جمله نیروگاه‌های تولید برق، باعث قطع مکرر و طولانی برق در طول شبانه روز شده بود و برنامه قطع برق در مناطق مختلف از طریق تلویزیون به مردم اطلاع رسانی می‌شد.
- عدم انجام پروژه‌های عمرانی در طول هشت سال دفاع مقدس به دلیل اولویت جنگ
- کمبود شدید در فضای آموزشی دانشگاهی که در شرایط جنگ به آن پرداخته نشده بود.
- مشکلات و کمبودهای شدید امکانات شهری در تهران که منجر به معضلات زیادی گردیده بود و به دلیل گستردگی مسایل و به ظاهر غیرقابل حل بودن آنها تصمیم به تغییر پایتخت داشتند.
- ناراحتی بعضی افراد از قبول قطعنامه و نگرانی از واکنش آزادگان به رحلت امام
- پیگیری وضعیت اسرا
-رسیدگی به وضعیت خانواده شهدا، اسرا و جانبازان
- پایین بودن قیمت جهانی نفت صادراتی
- انتظارات مردم برای بهبود شرایط اقتصادی بعد از پایان جنگ

رونق سازندگی در کشور

دوران ریاست جمهوری ایشان با توجه به دوران پس از جنگ، از مهم‌ترین دوران پس از انقلاب محسوب می‌شود. از مهم‌ترین دغدغه‌های پیش روی دولت، بازسازی ویرانه‌های به‌جامانده متأثر از هشت سال جنگ تحمیلی بود.

به همین دلیل دوران ریاست جمهوری ایشان به دوران سازندگی معروف است و خود ایشان نیز به خاطر خدمت گسترده در این دوران به سردار سازندگی شهرت یافتند.

ایجاد تعادل بین دوران جنگ و پس‌ازآن، یکی از مهم‌ترین مسائل کشور بود و مسائلی همچون توجه به زیرساخت‌ها، نجات اسرای جنگ، رسیدگی به آسیب دیدگان جنگ و پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ از دیگر وظایف مهمی بود که این دولت با آن درگیر بود.

به‌طورکلی در تمام جوامع بشری دنیا، سازندگی مأموریت ویژه و اول هر دولتی است که بلافاصله بعد از جنگ روی کار می‌آید. دولت هاشمی در حالی روی کار آمد که بزرگ‌ترین دغدغه مردم پس از هشت سال جنگ تحمیلی، دغدغه سازندگی کشور و مبارزه با رشوه‌خواری‌ها و همچنین توسعه عدالت محور در مناطق محروم بود.

طبیعتاً یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوره سازندگی می‌بایست در اولویت قرار گیرد، بازسازی زیرساخت‌های نابودشده اقتصادی و عمرانی کشور درنتیجه جنگ تحمیلی است. به همین منظور هاشمی در چینش کابینه خود در وزارتخانه‌های اقتصادی دولت از وزیران با گرایش تکنو کرات بهره جست. به‌هرحال هاشمی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و بازسازی کشور، تفکر اقتصادی دولت خود را بر مبنای حضور افراد فنی و مسلط در حوزه اقتصاد پیش برد. همچنین هاشمی تصمیم گرفت سهم بودجه پروژه‌های عمرانی کشور را به‌طور چشم‌گیری افزایش داده و به‌عنوان اولویت اول نسبت به سایر فعالیت‌های دولت در نظر بگیرد.

یکی دیگر از دغدغه‌های مهم هاشمی در آن زمان را می‌توان کسری بودجه پنجاه‌درصدی دولت دانست. دولت اول هاشمی توانست شرایط بودجه را که تا قبل از آن (در طول دوران هشت سال دفاع مقدس) با شرایط کسری بودجه شدید مواجه بود، به توازن تبدیل کرد. از سوی دیگر اولویت دولت اختصاص بودجه برای راه‌اندازی و افتتاح طرح‌های بزرگ عمرانی و ملی بود.

مردم در سراسر کشور از نزدیک شاهد ثمرات ناشی از افتتاح طرح‌های بزرگ عمرانی بودند. رشد تولید در این دوره در بهترین شرایط قرار داشت و حمایت رئیس‌جمهور از بنگاه‌های اقتصادی و رفع موانع تولید نیز در این میان بی‌تأثیر نبود. بیکاری که یکی از معضلات و مشکلات بزرگ مردم بود به‌خوبی در حال برطرف شدن بود.

در این دوران با توجه به اینکه ایران به‌تازگی از جنگی خانمان‌برانداز رهایی یافته بود برای بازسازی کشور چاره‌ای جز جذب سرمایه‌های خارجی نبود. راه وارد شدن این سرمایه‌ها به کشور چیزی نبود به‌جز بهبود روابط با جهانیان و ترمیم چهره‌ای که به‌واسطه تبلیغات وسیع علیه کشور مخدوش گردیده بود.

باید در نظر داشت که اولویت اول دوران سازندگی، نوسازی و توسعه اقتصادی بود و این موضوع بیش از هر موضوعی ذهن مسئولان ارشد نظام را مشغول خود کرده بود. طبیعی است که برای تحول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوران باید به گفتمان واقع‌گرایانه روی آورد. این در حالی بود که هنوز عده‌ای در کشور به دنبال پیگیری زمینه‌های آرمان‌گرایانه مانند صدور انقلاب بودند.

رعایت اعتدال در چینش کابینه _ هاشمی سرمنشاء وفاق ملّی بین احزاب سیاسی کشور

هاشمی در کابینه خود از تمام سلایق و جناح‌های سیاسی کشور در جهت حفظ وفاق ملی بهره جست تا بتواند با کم کردن اختلافات سیاسی و حزبی مرسوم، به تثبیت شرایط کشور پس از جنگ کمک کند.

با توجه به همزمان بودن این دوره با فعالیت مجلس سوم که ریاست آن تا قبل از انتخاب هاشمی به‌عنوان رئیس‌جمهور، به عهده خود او بود، می‌دانست که اکثریت این مجلس از نیروهای موسوم به خط امام و مجمع روحانیون مبارز تشکیل شده است، لذا باوجود تمایل شخصی هاشمی به انتخاب اعضای کابینه خود از نیروهای چپ، با تیزهوشی خاص خود این چینش را به نحوی مدیریت نمود که ازنظر سیاسی دربرگیرنده تمام جناح‌ها بود.

در پایان دوره مجلس سوم به دلیل رد صلاحیت گسترده کاندیداهای جناح چپ برای مجلس چهارم، مجمع روحانیون مبارز که در چهارساله اول به نفع هاشمی بود، در انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری، موضع سکوت در پیش‌گرفته و حتی در رسانه‌های خود انتقادات تندی نسبت به عملکرد دولت هاشمی مطرح می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین و بارزترین خصوصیات دولت سازندگی در پیش گرفتن مشی اعتدال و پرهیز از دعواهای جناحی و حزبی و هم‌گرایی و همراهی کامل دولت با رهبری بود. این امر باعث به وجود آمدن رشد چشم‌گیر اقتصادی و بازسازی کامل ویرانی‌های به‌جای مانده از جنگ گردید. همچنین تثبیت موقعیت ایران در منطقه به همراه زندگی مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه و ایجاد امنیت متوازن در داخل کشور در سایه همین مشی اعتدال‌گرایی بود.

هاشمی رفسنجانی به‌خوبی توانسته بود سرمنشأ یک وفاق ملی بی‌سابقه بین کلیه

احزاب کشور گردد و با همدلی به وجود آمده در سایه این اتحاد به‌خوبی بر مشکلات به‌جای مانده از گذشته فائق آید. اگرچه در این میان مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌هایی در جهت ایجاد مانع بر سر راه سازندگی وجود داشت، اما تدبیر و شخصیت کاریزماتیک ایشان به‌خوبی مسائل را حل‌وفصل می‌کرد. در دوره سازندگی فضای سیاسی کشور آرام و بی حاشیه بود.

تشکیل شورای عالی جوانان

یکی از مهم‌ترین مسائل کشور لزوم توجه به جوانان است، لذا ایشان در سال ۱۳۷۱ طرح شورای عالی جوانان را به شورای عالی انقلاب فرهنگی برده و تصویب کرد. این کار یکی از خدمات شایسته و ماندگار هاشمی می‌باشد. این شورا موظف بود تا به‌طور تخصصی موضوعات جوانان را برنامه‌ریزی و اجرا نماید. توجه فوق‌العاده هاشمی به جوانان نشان از عزم ایشان برای حل مشکلات جوانان داشت که همواره با توجه به جمعیت جوان کشور جزو دغدغه‌های اصلی مسئولان نظام بوده است.

یکی از اقدامات مؤثر هاشمی توجه به بالا بردن ظرفیت علمی کشور بوده است. این مسئله را در گذشته نیز با تأسیس دانشگاه آزاد به اثبات رسانیده بود.

به همین منظور یکی دیگر از اقدامات شایسته هاشمی رفسنجانی تصویب دانشگاه علمی کاربردی بود تا در کنار مراکز صنعتی، دانشگاه‌هایی تشکیل شود که کارکنان بتوانند در کنار اشتغال در کارخانه‌ها، سطح علمی و آموزشی خود را نیز بالا ببرند.

یکی دیگر اقدامات مؤثر ایشان در جهت ارتقای سطح تحصیل جوانان، بالا بردن ظرفیت تحصیل در مقاطع کارشناسی در کشور بود که متناسب با رشد جمعیت، افراد تحصیل‌کرده‌ی کشور رشد نکرده بودند. لذا به همین منظور در سال ۱۳۷۱ تعداد زیادی رشته دکتری و کارشناسی ارشد مصوب شده و اساتید موردنیاز جذب گردیده و آزمایشگاه‌ها نیز تقویت گردید که این کمک شایانی به ارتقای رشد علمی کشور در آن برهه از زمان کرد.

توجه به مناطق محروم

یکی دیگر از اصولی‌ترین سیاست موردتوجه دولت سازندگی توجه به طبقات محروم و زجرکشیده کشور بود. با توجه رشد نامتوازن در کشور و تقسیم ثروت در رژیم سابق که منجر به محرومیت بیشتر مردم در مناطق دور افتاده شده بود و افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها را در پی داشت. مسئله مهّم دیگری که وجود داشت هشت سال جنگ تحمیلی بود که نه‌تنها ویرانی‌های زیادی در کشور ایجاد کرد بلکه فرصت خدمت شایسته به محرومان را در طول این هشت سال از نظام مقدس جمهوری اسلامی گرفته بود. لذا در این دوره تلاش بسیاری در جهت محرومیت‌زدایی صورت گرفت. متأسفانه به این مسائل زلزله بسیار ویران‌کننده رودبار در سال ۱۳۶۹ را هم باید اضافه کرد. زلزله‌ای که منجر به از دست دادن ۳۵ هزار نفر از هم‌وطنان عزیزمان گردید و تخریب بیش از ۲۰۰ هزار واحد مسکونی را به دنبال داشت و منجر به بی‌خانمان شدن پانصد هزار نفر در کشور و تخریب تأسیسات زیربنایی و اماکن عمومی در استان‌های گیلان، قزوین و زنجان گردید. این زلزله با توجه به وسعت آن در لیست مرگبارترین ده زلزله جدید در صدسال اخیر قرار گرفت. البته مهم‌ترین دستاورد این زلزله برای جامعه علمی و فنی کشور، تشکیل نخستین مراکز تحقیقاتی و پژوهشی مرتبط با زلزله و تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات ملی ساختمان و استانداردها در جهت جلوگیری از فجایع و وقایع مشابه شد.

یکی دیگر از اقدامات درخشان هاشمی رفسنجانی که در جهت رفع محرومیت انجام گرفت و ایشان تحقق آن را آرزوی دیرینه خود می‌دانستند، مسئله بیمه‌های درمانی عمومی بود. با توجه به همه محدودیت‌ها و مشکلات اقدامات مؤثری در این زمینه انجام گرفت.

بهبود روابط خارجی ایران

یکی از اتفاقات مهم دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی این بود که جهان در آستانه تحولات عمیق قرار داشت. پایان جنگ سرد و آغاز دوران جدیدی در سیاست جهانی که در آن عصرهای ایدئولوژیک به پایان رسیده بود. این موضوع اصلی‌ترین مبانی عملی تحول در سیاست خارجی ایران بود. دنیای پس از جنگ سرد بیش از هر چیز دنبال ایجاد

همکاری‌های متقابل بود.

ازاین‌رو هاشمی رفسنجانی با تیزهوشی و استفاده از فرصت به وجود آمده توانست به‌خوبی با بهبود روابط ایران با دیگر کشورهای جهان، از این فرصت در جهت بازسازی کشور به‌عنوان اصلی‌ترین دغدغه نظام بهره ببرد. تجلی این موضوع را می‌توان در سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی سابق دید.

در دوران سازندگی تعامل با جهان به‌خصوص با کشورهای همسایه در اولویت قرار گرفت. ازاین‌رو هاشمی رفسنجانی به‌عنوان رئیس‌جمهور با سفرهای متعددی که در طول هشت سال ریاست‌جمهوری‌اش داشت، نقش فعالی در بهبود روابط خارجی به عهده گرفت. ازاین‌رو می‌توان این دوران را به یکی از فعال‌ترین دوران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعبیر کرد.

در جریان این سفرها هاشمی رفسنجانی به دنبال این بود که سیاست در راستای واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران ایجاد شود، چراکه نوسازی و توسعه اقتصادی در وسعتی که مدنظر مسئولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی بود باید با اعتمادسازی صورت می‌گرفت.

هاشمی رفسنجانی با استفاده از موقعیت استثنایی ژئوپلیتیک ایران در منطقه خاورمیانه، الگویی ایدئولوژیکی برای کشور متصور بود. الگویی که به‌راستی به جایگاه ممتاز منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی ایران تأکید نموده و به دنیا فهماند که معادلات کشورهای منطقه خاورمیانه جز با مشارکت و وجود ایران صورت درستی نخواهد داشت. ازاین‌رو نگاه ایران در سیاست خارجی‌اش در این دوران بیش از هر چیز نگاهی منطقه‌ای و اصالت دادن به جایگاه منطقه‌ای ایران در کشورهای خاورمیانه و به‌خصوص خلیج‌فارس بود. پیاده کردن الگوی این‌چنینی توسط ایران، کشورهای دنیا را به سمت هم‌گرایی و منافع متقابل نسبت به ایران ترغیب کرده و ایران نیز خود را با تحولات سیاسی جدید جهان همراه کرد.

آغاز عصر طلایی رابطه میان ایران و عربستان

یکی از مسائل مهم و معضلات پیش رو سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مسئله رابطه با عربستان سعودی بود که همواره در طی سالیان بعد از انقلاب دچار تنش و بی‌اعتمادی بین طرفین بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را می‌توان معمار روابط ایران و عربستان دانست. ایشان مشکل بر سر راه روابط ایران و عربستان را تزاحم ایدئولوژی

می‌داند. بعد از ایشان معتقد هستند: « ممکن است تحجّر و دگماتیسم در بعضی ایدئولوژی‌ها وجود داشته باشد ولی اسلامی را که من می-شناسم و به آن معتقدم و بسیاری هم مثل من فکر می‌کنند، دگم نیست؛ زیرا اسلام دستور نداده است که با کسانی که مخالف عقیده ما هستند قطع رابطه شود یا صحبت نکنیم. مگر پیامبر مأمور نشد که به همه اهل کتابی که اطرافش بودند دستور دهد که مشترکات را بگیرند و بقیه اختلافات را سر جای خود باشد. (آیه ۶۴ سوره آل‌عمران)»

بعد از کشتار حجاج ایرانی در عربستان روابط تهران و ریاض قطع شده بود. با آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی ایشان بار دیگر با استفاده از مشی اعتدال خود تلاش‌های بسیاری کرد تا روابط این دو کشور بزرگ اسلامی را اصلاح کند. به همین منظور در اجلاس سران کنفرانس اسلامی که در سِنگال برگزار شده بود، هاشمی و امیر عبدالله ولیعهد عربستان با یکدیگر ملاقات می‌کنند. نکته جالب این ملاقات برخورد اعتدال‌گرایانه و هوشمندانه هاشمی رفسنجانی بود که به ترمیم وجه ایران در نزد افکار مقامات سعودی کمک شایانی کرد.

خود هاشمی دراین‌باره می‌گوید: «آقای امیر عبدالله از طرف عربستان به آنجا آمده بود. من رئیس‌جمهور ایران بودم و ایشان ولیعهد عربستان بود. طبیعتش این بود که بر مبنای عرف دیپلماتیک اگر ملاقاتی انجام می‌شود ایشان پیش من بیاید. از طرفی کشور ما هم بزرگ‌تر بود. وقتی بحث ملاقات شد ایشان گفته بودند که فلانی بیاید. درحالی‌که دوستان مخالفت می‌کردند بنده گفتم: «چه عیبی دارد ما می‌رویم. دو کشور مسلمان که باهم این حرف‌ها را ندارند.» این کار اولین تأثیرش را در نفس آنها گذاشت که ما آن‌گونه که فکر می‌کنند مغرور نیستیم».

همان‌طور که در خاطرات ایشان نقل شد به‌خوبی متوجه می‌شویم که ایشان با بهره‌گیری از هوش ذاتی و تجربه بالای سیاسی خود در جهت ایجاد روابط بین دو کشور به‌خوبی بهره جست.

دومین دیدار هاشمی و امیر عبدالله به اواخر دوران ریاست جمهوری وی بازمی‌گردد. هاشمی با هیئت همراه عازم سفر به پاکستان برای شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی می‌شود. در این سفر وی با امیر عبدالله دیدار کرده و قرار می‌شود که بنا به دیدار قبلی این بار امیر عبدالله به دیدار هاشمی برود.

هاشمی دراین‌باره خاطره‌ای جالب نقل می‌کند: «در اجلاس سران در پاکستان

قرارمان این شد که با توجه اینکه بنده در سنگال به ملاقات ایشان رفته بودم، این بار ایشان به اتاق بنده بیاید. من در مجلسی نشسته بودم که دیدم یک‌دفعه آمدند و گفتند: «امیر منتظر شماست.» آقای ولایتی گفتند: «قرارمان این بود که ایشان بیایند. الان چه‌کار کنیم؟» گفتم: «برویم ما نباید تکبر کنیم و اصل بر حرف زدن است.» بلند شدیم و به‌طرف اتاقشان رفتیم. یک‌دفعه دیدیم که ملک عبدالله و همراهانش از اتاق برای استقبال ما بیرون آمدند و گفتند که ما آماده‌ایم به اتاق شما بریم. اصلاً یک‌دفعه شرایط زیرورو شد؛ یعنی همان حالت تواضعی که نشان دادیم ایشان را به آنجا آورد».

هاشمی سفرهای متعددی به عربستان انجام داد و در ترمیم روابط ایران و عربستان نقش اساسی ایفا کرد. این رابطه به حدی خوب شد که در دوره دولت سازندگی هیچ‌گونه تنشی میان دو کشور بزرگ اسلامی به وجود نیامد. هاشمی به‌خوبی توانست با ذره‌ای تدبیر و ازخودگذشتگی و به‌دوراز شعارگرایی بیهوده، از روابط دو کشور به نحو احسن برای تثبیت برنامه‌های کشور بهره ببرد. این ارتباط تا حدی خوب بود که پس از دوران ریاست جمهوری ایشان و در هنگام برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران، امیر عبدالله که در این جلسه شرکت داشت شبی را به‌عنوان مهمان در خانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سپری کرد یا اینکه در ۲۰ خرداد ۱۳۸۷ از وی که سمت رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت به‌عنوان مهمان ویژه کنفرانس بین‌المللی گفتگوی اسلامی دعوت به عمل آمد تا در این کنفرانس شرکت کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر اجازه مقامات سعودی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جهت بازدید از قبرستان بقیع و باغ فدک بود. از دوران ریاست جمهوری

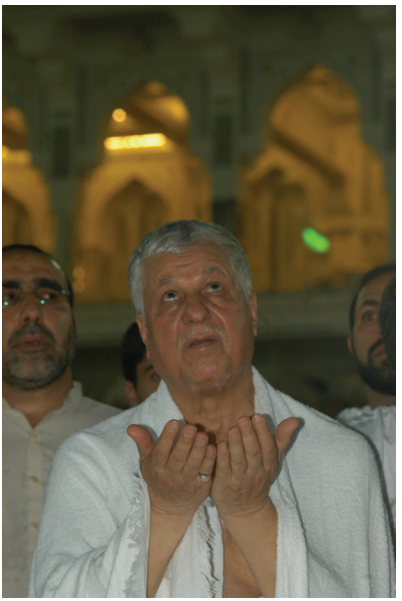

هاشمی به‌عنوان دوران طلایی روابط ایران و کشورهای عربی یاد می‌شود.

یکی دیگر از موارد اهمیت جایگاه هاشمی در نزد سران و مسئولان کشورهای جهان را می‌توان به‌شرط وزیر امور خارجه وقت عربستان در سال ۱۳۶۴ برای سفر به ایران دانست. سعودالفصیل وزیر امور خارجه عربستان شرط آمدن به ایران و انجام مذاکرات با ایران در آن مقطع را امکان ملاقات و دیدار با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دانست.

محبوبیت و جایگاه ویژه هاشمی رفسنجانی نزد سران و شخصیتهای سیاسی جهان

یکی دیگر از نمونه‌های میزان محبوبیت هاشمی و جایگاه ویژه آن در نزد سران و شخصیت‌های کشورهای جهان را در سفر ایشان به لیبی در سال ۱۳۶۴ می‌توان یافت. در پایان این سفر از طرف رهبر لیبی یک قبضه شمشیر به‌عنوان سمبل مبارزات رهایی‌بخش به آقای هاشمی اهدا شد. ایشان پس از دریافت آن هدیه گفت: «امیدوارم این شمشیر هیچ‌وقت به نیام نرود تا اینکه سرزمین مقدس قدس شریف را آزاد کنیم».

یکی دیگر از نمونه‌های مقبولیت آقای هاشمی در نزد سیاستمداران دنیا و تأثیر گفتمان خردانديشانه ایشان را می‌توان در سفر ایشان به آفریقای جنوبی و دیدار با رهبر آزادی خواهان آفریقا مشاهده کرد. صادق کیایی سفیر سابق ایران در آفریقای جنوبی می‌گوید: «در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۶ بود آقای نلسون ماندلا رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی درحالی‌که درد زانو داشت برای استقبال از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به فرودگاه آمده بود و با توجه به اینکه آقای هاشمی در سفر به زیمباوه بودند و پس‌ازآن برنامه سفر به آفریقای جنوبی داشتند از زیمباوه خبر رسید که آقای هاشمی با دو ساعت تأخیر خواهد رسید. من به آقای نلسون ماندلا خبر را دادم و خواهش کردم که با توجه به درد زانو تشریف ببرند و منتظر نمانند.»

آقای نلسون ماندلا در پاسخ جواب دادند که: «آقای هاشمی غیر از ریاست جمهوری ایران، دوست و همراه من و آزادیخواهان آفریقای جنوبی بوده و من منتظر ایشان می‌مانم.» آن روز آقای ماندلا بیش از دو ساعت منتظر آقای هاشمی شدند و پس از به زمین نشستن هواپیمای ایشان، استقبال بسیار شایسته و کم‌نظیری را از ایشان به عمل آوردند.

این رابطه تا حدی خوب و صمیمی بود که در این سفر نلسون ماندلا از آقای هاشمی

رفسنجانی می‌خواهد که برای ایشان خواستگاری نماید. هاشمی رفسنجانی با ذکر این خاطره از صمیمیت و احترام بیش‌ازحد معمول نلسون ماندلا نسبت به خود پرده برمی‌دارد. در بخشی از این خاطرات آمده است: «آقای ماندلا و جمعی از اعضای کابینه به استقبال آمده بودند. نود درصد گارد احترام، خانم‌های سفیدپوست بودند و فرمانده آنها هم خانم سفید بود. در صحبت‌های خصوصی سر میز شام از مشکلات پیش‌آمده با همسرش؛ و قصد خودش برای ازدواج با بیوه رئیس‌جمهور سابق موزامبیک و متحد کنگره ملی آفریقایی را گفت؛ که فکر می‌کنم به دلیل روحانی بودن من، درد و دل می‌کرد. از من خواست که نامه‌ای به بیوه ساموراماشل بنویسم و از او بخواهم که با ازدواج ایشان موافقت کند. به حجت‌الاسلام مهدوی سفیر ایران در آفریقای جنوبی گفتم که اگر واقعاً جدی است خواستگاری رسمی کنند.»

ذکر این دو خاطره، به‌خوبی مؤید جایگاه ویژه و مقبولیت بالای هاشمی رفسنجانی در نزد آزادیخواهان جهان می‌باشد. این ارتباط خوب باعث گردید تا در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی، نلسون ماندلا به دعوت آقای هاشمی سفری به ایران داشته باشند.

یکی دیگر از موارد محبوبیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نزد سران کشورهای دنیا را می‌توان در سفر رئیس‌جمهور ویتنام به ایران و ملاقات ایشان با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دانست. آقای ترونگ‌تان‌سانگ رئیس‌جمهور ویتنام در این دیدار با اشاره به محبوبیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کشورش گفت: «مردم ویتنام هاشمی رفسنجانی را معمار روابط دو کشور می‌دانند. مردم کشور ما سفر حضرت‌عالی که به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران به ویتنام آمدید را فراموش نمی‌کنند و مسئولین کشور ما در تمام این سال‌ها هنوز بر اساس برنامه و توافقات سفر شما برنامه‌هایشان با ایران را دنبال می‌کنند».

همچنین در سفر شهریورماه ۱۳۷۱ به اندونزی جهت شرکت در کنفرانس غیرمتعهدها، استقبال بی‌نظیری از سوی رئیس‌جمهور اندونزی و مقامات و مسئولان این کشور در مدت اقامت صورت گرفت. در این سفر بسیار بیشتر از سایر سران کشورهای دعوت‌شده به این اجلاس به آقای هاشمی توجه گردید. این نشان از جایگاه ویژه ایشان در نزد سران کشورهای دنیا به‌خصوص کشورهای اسلامی دارد. نتایج ملاقات‌ها و مذاکرات خارجی در دولت سازندگی باعث گردید تا عصری طلایی در سیاست خارجی فعال این دولت به وجود بیاید.

یکی دیگر از کشورهای عربی که برای جمهوری اسلامی دارای جایگاه ویژه و استراتژیک

بوده است سوریه می‌باشد. این ارتباط تا حدی خوب بوده است که بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه در آخرین دیدارش با آقای هاشمی گفته بود: «پدرم به من وصیت نمود که اگر روزی در اداره کشور یا زندگی شخصی‌ات به مشکلی برخورد کردی، حتماً با آقای هاشمی مشورت کن و از ایشان راه‌حل بخواه». این مسئله به‌خوبی مؤید آن است که هاشمی رفسنجانی تا چه میزان در بین سران کشورهای منطقه مقبول و مورداطمینان بوده است.

عصر طلایی در روابط ایران با کشورهای تازه استقلال یافته

همان‌طور که اشاره شد مقبولیت بالای هاشمی باعث گردیده بود که برخی از سران کشورهای دنیا و سیاستمداران به نام دنیا در مسائل خانوادگی و خصوصی خود نیز از نظریات ایشان بهره بگیرند.

یکی از اتفاقاتی که در منطقه با میانجیگری هاشمی رفسنجانی پایان یافت، حل مُنازعه بین دولت و مردم تاجیکستان بود که بسیار بحرانی شده و تا آستانه سقوط دولت تاجیکستان پیش رفته بود. اسلام‌کریم‌اوف رئیس‌جمهور ازبکستان با آقای هاشمی تماس گرفته و با تشریح بحران تاجیکستان که می‌توانست به کشورهای همسایه نیز سرایت کند، تقاضا کرد که با توجه به محبوبیت بالای ایران و به‌خصوص شخص هاشمی رفسنجانی با طرفین درگیر وارد مذاکره شده و این مسئله را حل نماید.

آقای هاشمی با تماس با رحمان‌نبی‌اوف رئیس‌جمهور وقت تاجیکستان، آمادگی خود را برای میانجیگری اعلام نموده و پس از برگزاری یک اجلاس بین دولت و مخالفین با امضای اسناد همکاری این قائله را ختم به خیر کرد.

رئیس آکادمی علوم ترکمنستان در این مراسم با قدردانی از نقش هاشمی از پایان یافتن جنگی داخلی که می‌توانست دامن کشورهای همسایه را نیز در بربگیرد گفت: «امروز برای ما روز شیرینی است چراکه یکی از نامی‌ترین دانشمندان ایران و یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های جهان، مهمان عزیز ماست».

در دوره دولت سازندگی عصری طلایی در روابط ایران با کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی سابق به وجود آمد. این کشورها با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین با توجه به اینکه اکثر مراکز مهم موشکی و فضایی شوروی سابق در

این کشورها وجود دارد از اهمیت بالایی برخوردار هستند. هاشمی رفسنجانی با درک و تحلیل درست از مسائل بین‌المللی سعی در گسترش نفوذ ایران در کشورهای منطقه داشت. این ارتباط تا حدی خوب و مناسب بود که اکثر رؤسای کشورهای مشترک‌المنافع از ارتباط بسیار خوب و نزدیکی با هاشمی رفسنجانی برخوردار بودند. به‌نوعی دولت جمهوری اسلامی ایران را بزرگ‌ترین حامی خود پس از استقلال از شوروی سابق می‌دانستند. این ارتباط به حدی خوب و صمیمی بود که آقای حیدرعلی‌اوف رئیس‌جمهور سابق آذربایجان در هنگام جنگ کشورش با ارمنستان از آقای هاشمی رفسنجانی تقاضای کمک و مشورت کرده و عبارت تاریخی: «هفده شهر ما متعلق به شماست و باید اینها را حفظ کنید. ما با شما هستیم.» را بر زبان جاری ساخت. یا آقای نیازوف رئیس‌جمهور ترکمنستان که کشورش یکی از مراکز مهم گاز منطقه است به ایشان می‌گفت: «اختیار گاز ترکمنستان در دست شماست، هر آن‌گونه که صلاح می‌دانید آن را معامله کنید».

دادگاه میکونوس و تنش با کشورهای اروپایی

در انتهای دولت سازندگی به خاطر تحریک‌های رژیم صهیونیستی سیاست‌های موفق خارجی هاشمی دچار حاشیه‌هایی نیز گردید. پس از واقعه میکونوس و شیطنت لابی‌های صهیونیستی و فشار آنان به دولت آلمان، این کشور با برگزاری جلسات دادگاه، اتهاماتی را متوجه سران جمهوری اسلامی کرد. این مسئله باعث گردید در ماه‌های پایانی دولت سازندگی ارتباط ایران و کشورهای اروپایی دچار تنش شود.

پس‌ازاین حکم ایران و آلمان سفرای خود را در دو کشور فراخواندند و به‌تبع آن، تحت‌فشار و شیطنت‌های لابی صهیونیست، تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز سفرای خود را از ایران فراخواندند و روابط ایران با اتحادیه اروپا دچار بحران شد. سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی حفظ و گسترش روابط خوب با کشورهای منطقه و آب‌کردن یخ‌های روابط بود چراکه اعتقاد داشت قدرت واقعی ایران در منطقه حفظ می‌شود؛ یعنی مرکز اقتدار ایران در منطقه است. هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری خود سعی بسیار داشت که فضای دولت را از بیان اظهارات تند و نسنجیده در سیاست خارجی به دور دارد. ایشان مذاکره را بهترین راه‌حل برطرف کردن اختلاف می‌دانست.

توجه به امور زنان

وی در دوران سازندگی بالاترین توجه را به مسئله زنان داشت که این مسئله چندان مورد رضایت و استقبال تندروهای افراطی قرار نداشت. یکی از اقدامات سازنده و راه گشا در دولت سازندگی برای حل مشکلات و معضلات زنان در جامعه راه‌اندازی دفتر امور زنان ریاست جمهوری بود.

بدین نحو زنان برای اولین بار پس از انقلاب دارای جایگاهی در هیئت دولت می‌شدند. مسئله دیگری که پس از انقلاب به‌طورکلی فراموش گردیده بود، مسئله ورزش زنان بود. هاشمی رفسنجانی با درک صحیح از این موضوع و نیازها و مطالبات بانوان کشور این مسئله را نیز حل کرده و با تشکیل فدراسیون اسلامی ورزش زنان و سپردن امور به دست فرزند خود یعنی فائزه هاشمی از نزدیک در جریان روند رو به رشد مدنظر در جهت اعتلای ورزش بانوان و ارتقاء سلامتی در این حوزه قرار گرفت.

قطعاً تلاش‌ها و زحمات شبانه‌روزی فائزه هاشمی، منجر به ارتقاء سطح ورزش زنان در منطقه و جهان گردید و امروزه کشور عزیز ما و بانوان ارزنده کشور ما سهم بسزایی در موفقیت‌های ورزشی کشور در عرصه‌های بین‌المللی دارند. یکی دیگر از مسائل مهم توجه شده در دولت توجه به اقلیت‌های دینی و یا قومیتی در کشور بود.

انتخابات ریاست جمهوری ششم ـ روی گردانی چپ‌ها از هاشمی

با فاصله گرفتن گروه‌های چپ از هاشمی، راست‌گرایان سنتی و جامعه روحانیت مبارز که ازقضا هاشمی یکی از اعضای شورای مرکزی آن شناخته می‌شد و همچنین جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با پیش‌شرط ترمیم کابینه از هاشمی در انتخابات ششم ریاست جمهوری حمایت کردند.

انتخابات دوره ششم در ۲۱ خرداد ۱۳۷۲ در حالی انجام شد که احمد توکلی، عبدالله جاسبی و رجبعلی طاهری به‌عنوان سه رقیب هاشمی در میدان حاضر بودند که با توجه به گرایش عبدالله جاسبی و رجبعلی طاهری به سمت هاشمی تنها دکتر

احمد توکلی رقیب واقعی وی محسوب می‌شد.

توکلی در تبلیغات انتخاباتی خود رشد بی‌عدالتی اقتصادی و رفاه‌طلبی دولت را عامل بسیاری از مشکلات کشور می‌دانست. در این راستا انتقادی به عملکرد هاشمی رفسنجانی به پا کرد.

درنهایت در ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی با کسب ده میلیون و پانصد و شصت‌وشش هزار و چهارصد و نودونه رأی از مجموع ۱۶ میلیون و ۷۶۹ هزار و ۷۸۷ رأی برای دومین بار به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب انتخاب گردید.

هاشمی رفسنجانی کابینه خود را با تغییر ۹ وزیر از ۲۲ وزیر کابینه اول تشکیل داد و اکثر وزرای چپ کابینه اول ایشان تغییر کردند. درمجموع در دولت دوم هاشمی، سیاست توازن در کابینه و استفاده از همه جناح‌های سیاسی در کابینه را در پیش نگرفت و عمده دلیل آن فعالیت مجلس چهارم با اکثریت متمایل به جناح راست سنتی است.

در این دوره از انتخابات و پس از اجرای موفق طرح‌های عمرانی و اقتصادی در کشور که باعث معروف گشتن دولت پنجم به دولت سازندگی و همچنین اعطای لقب سردار سازندگی به رئیس جمهور شده بود به‌درستی نشان از تأیید عملکرد شبانه‌روزی رئیس‌جمهور توسط مردم گردیده بود. به‌واسطه تدابیر و اقدامات مثمر ثمر دولت نظام خود را در وضعیت تثبیت‌شده‌تری می‌دید و فضای سیاسی کشور به‌کلی تغییر کرده بود.

انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری با تلاش تبلیغاتی فراوان کشورها و رسانه‌های غربی همراه بود که سعی در ایجاد تفرقه و نابسامان جلوه دادن اوضاع کشور و تیره‌وتار نشان دادن آینده پیش روی کشور جهت دلسرد کردن مردم از حضور در پای صندوق‌های رأی داشتند.

حضور پرشور مردم بار دیگر خط بطلانی بر تمام اندیشه‌های دشمنان انقلاب و نظام کشید و رسانه‌های غربی با شگفتی از حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، انعکاس وسیعی از این انتخابات داشتند.

رادیو آمریکا اعلام کرد: «رئیس‌جمهوری ایران پیروزی خود در انتخابات را دال بر رأی اعتماد مردم به اصلاحات اقتصادی خود می‌داند».

روزنامه نیویورک تایمز نیز نوشت: «هاشمی رفسنجانی پیروزی خود را نشانه حمایت مردم از سیاست اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بازار توصیف کرد».

خبرگزاری ایسنا اعلام کرد: «آقای هاشمی نسبت به پیروزی در انتخابات اعلام خرسندی کرده و اعلام کرده است که دولت مجوز کار خود را از مردم گرفته است. این برای رفسنجانی به معنای حفظ اصول انقلاب، خروج از انزوای بین‌المللی و حرکت به‌سوی اقتصاد آزاد است».

نگاهی به عملکرد هشت ساله دولت سازندگی ـ دوران طلایی شکوفایی کشور

یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت هشت‌ساله هاشمی در حوزه اقتصاد، آغاز تهیه و تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بود.

در دولت سازندگی در شرایط دشوار پس از جنگ هشت‌ساله تحمیلی، شاخص‌های اقتصادی کشور مثبت شد. به‌کارگیری سیاست‌های تثبیت سبب شد نرخ تورم از ۴۹/۴ به ۳۲/۲ درصد از سال ۷۵ کاهش یابد و درعین‌حال رشد تولید ناخالص داخلی از ۴/۵ درصد به ۵/۲ درصد، رشد سرمایه‌گذاری از ۳/۲ درصد به ۸/۳ درصد بالغ شد و نرخ بیکاری از ۱۰/۶ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۹ درصد در سال ۱۳۷۵ تقلیل یافت. افزایش تراز بازرگانی خارجی به ۷/۴ میلیارد دلار، کاهش کل بدهی‌های خارجی و بهبود ساختار سررسید بدهی‌ها، از دیگر موفقیت‌های سال ۱۳۷۵ بوده است. هم‌چنین بیش از ۶۰ سد مخزنی ساخته‌شده و توسعه شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی و سایر اقدامات بخش کشاورزی سبب شد که محصولاتی نظیر گندم و محصولات زراعی رشدی حدود سالانه ۶۰ درصد را تجربه کنند.

یکی از اقدامات بسیار مؤثر و ماندگار دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توجه به پروژه‌های عمرانی و تبدیل چهره شهرهای کشور از بافت فرسوده به شهرسازی مدرن بود.

به همین منظور در دوران ریاست جمهوری ایشان شهرهای جدید اندیشه، هشتگرد، پردیس و پرند در چهار نقطه جغرافیایی اطراف تهران برای جلوگیری از روند بی‌رویه مهاجرت به تهران ساخته شد. با احداث شهرهای جدید سعی شد از جمعیت ساکنین تهران کاسته شده و به‌نوعی مشکل مسکن افراد شاغل و مهاجر در تهران حل شود.

از اقدامات دیگر در جهت نوسازی بافت فرسوده و ترمیم چهره شهر تهران طرح نواب بود. در سال ۱۳۶۹ پس از تأیید کمیسیون شورای عالی معماری و شهرسازی و با حمایت

مستقیم دولت طراحی و اجرای این بزرگراه در دستور کار قرار گرفت. اجرای این طرح در کاهش مشکلات ترافیک تهران و ایمن‌سازی و نوسازی بافت فرسوده مرکز شهر و همچنین دسترسی آسان شمال به جنوب تهران بسیار مؤثر بود. با توجه به تراکم جمعیت در جنوب تهران و کمبود فضای سبز و امکانات تفریحی، کشتارگاه قدیم تهران که عامل آلودگی شدید آن منطقه بود، تبدیل به یک فرهنگسرای مدرن و زیبا و پارک زیبای حاشیه آن گردید.

همان‌طور که در فصل‌های گذشته گفته شد یکی از طرح‌های ماندگار که با پیگیری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به تصویب رسید پروژه احداث مترو تهران بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ریاست وقت مجلس، لزوم احداث مترو را در خطبه‌های نماز جمعه مطرح کرده و پس‌ازآن اجرای این طرح با پیگیری‌های ایشان در سال ۱۳۶۴ در هیئت‌وزیران تصویب شد.

اگرچه اجرای این طرح از سال ۱۳۶۶ به‌صورت جسته‌وگریخته آغاز شد. لیکن در دوره دولت سازندگی این طرح با شتاب بسیار زیادی پیگیری شده و منابع مالی جهت خرید تجهیزات مترو فراهم گردید.

یکی دیگر از اقدامات بسیار مهم دوران سازندگی که کلنگ احداث آن در دولت سازندگی به زمین خورد، احداث فرودگاه امام خمینی (ره) بود. این طرح که در رژیم سابق مقدمات آن به تصویب دولت وقت رسیده بود و با پیروزی انقلاب متوقف شده بود در سال ۱۳۷۴ و با امضای قرارداد بین چند شرکت ایرانی

و فرانسوی وارد عملیات اجرایی شد. احداث این فرودگاه جهت استفاده از توان ترانزیتی ایران بین اروپا و آسیا بود و هم‌اکنون یکی از فرودگاه‌های مهم منطقه در زمینه حمل بار و مسافر می‌باشد.

یکی دیگر از اقدامات مؤثر دولت آقای هاشمی رفسنجانی ساخت بیمارستان و مراکز بهداشت و خانه بهداشت و مراکز درمانی در مناطق محروم و نقاط دورافتاده جهت بهره‌مندی افراد بی‌بضاعت از خدمات بهداشتی می‌باشد.

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در این زمینه می‌گوید: «ما حدود پانزده بیمارستان در سراسر کشور در دست‌ساخت داریم. این آینده را روشن می‌کند که ما به‌سرعت به‌طرف تأمین نیازهای کمّی مراکز بهداشت و درمان پیش می‌رویم. نکاتی که من می‌خواهم تکیه کنم که ان‌شاءالله دست‌اندرکاران توجه بکنند، یکی این است که ما باید به این‌طرف برویم که مردم محروم و نقاط دورافتاده کشور، از حق طبیعی بهداشت و درمان بهره گیرند و محروم نمانند.

پولدارها و متمکنین هیچ‌وقت مشکلی در این کار نداشتند، همیشه مشکل کمبودها را طبقات محروم و نقاط دورافتاده تحمل می‌کنند. توسعه خانه‌های بهداشت، مراکز درمانی، بومی کردن تحصیلات، همه اینها در این جهت دارد کار می‌کنند. یک مسئله مهم در زمینه بهداشت و درمان، بیمه است. ما بیمه را تا امروز در کشورمان جدی نگرفتیم و شاید جزو مهم‌ترین کارهای این نظام باشد که با بیمه درمانی برخورد واقعی بکنیم، نه شعاری. ما باید این بیمه را کاملاً جدی بگیریم تا اینکه هرکسی از هر خانواده‌ای، هرقدر فقیر و محروم، مطمئن باشد، در روز نیاز به درمان، دستش خالی نیست و به هر دکتری که تمایل دارد مراجعه بکند و هر دارویی که نیاز دارد، دریافت بکند و جایی هم خرج او را بدهد».

از دیگر اقدامات بسیار مفید دوران سازندگی خارج کردن صنایع آلاینده از تهران به شهرک‌های صنعتی اطراف تهران بود. در این طرح مسئله تولید، اشتغال، اصلاح ساختار شهری و تأمین نیازهای بخش تولید کشور در آن لحاظ شده بود. در همین راستا شهرک سیصد هکتاری علی‌آباد در جاده گرمسار برای صنایع و گاوداری‌های مزاحم، چرم شهر با مساحت هفت‌صد هکتار برای صنایع چرم و صابون ازاین‌دست طرح‌ها بودند که با واگذاری زمین به‌صورت اقساط و به قیمت مناسب در اختیار مشاغل و صاحبان صنایع قرار گرفت.

از اقدامات مهم دولت سازندگی در زمینه پیشرفت صنعتی کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- احداث سردخانه عظیم بیست هزار تنی در کنار بندر شهید رجایی جهت کم کردن نیازها و امورات کشتی‌ها و تسهیل در امر واردات و صادرات.
- احداث مجتمع آلومینیوم المهدی.
- احداث آزادراه‌های بی‌شمار در کشور جهت تسهیل دسترسی به نقاط مختلف کشور و کم کردن میزان تصادفات جاده‌ای و خسارات.
- احداث کارخانه‌های متعدد سیمان.
- احداث مجتمع‌های پتروشیمی فراوان در کشور جهت جلوگیری از خام فروشی و به دست آوردن ارزش‌افزوده در صنعت نفت.
- تولید برق به میزان بیشتر از نیاز کشور که بخش مازاد آن صادر می‌گردید.
- گسترش دامنه برخورداری مردم کشور از تلفن.
- ورود تلفن همراه (موبایل) به کشور.
- افزایش میزان صادرات نفت.
- بالا بردن درآمدهای دولت از طریق مالیات.
- قیمت واقعی ارز جهت بالا بردن بهبود زندگی اقتصادی مردم.
- فعال نمودن بخش معادن و استخراج مواد معدنی.
- توسعه سردخانه‌ها و تصفیه خانه‌ها.
- توسعه تولید و توزیع گاز و پالایشگاه و پتروشیمی.
- توسعه صنایع خودروسازی و واگن سازی.
- توسعه صنایع نظامی.
- توسعه صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی.
- احداث مجتمع صنعتی برای روستاها.
- تقویت صنایع هوایی و دریایی و کشتی‌سازی.
- توسعه صنایع نیمه‌هادی و مخابراتی و فضایی.

در بخش کشاورزی نیز تلاش بسیار گردید تا تحول بزرگی در زمینه تغییر الگوی کشاورزی، از کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن صورت بگیرد. به همین منظور با اصلاح سیستم آبیاری و مهار آب‌ها، آبیاری تحت‌فشار در کشور آغاز گردید. توسعه

تعاونی‌های کشاورزی، توسعه صنایع جانبی کشاورزی و همچنین کویرزدایی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت در این زمینه بود.

در بخش اداری و اجتماعی تأسیس شورای عالی اداری تأثیر بسیاری بر روان کردن بروکراسی ادرای داشت.

برنامه جدی دولت، تحول و اصلاح نظام آموزشی عمومی و عالی کشور بود. یکی دیگر از اقدامات بسیار ارزنده دولت سازندگی در این زمینه، گسترش توسعه فضای آموزشی در کشور بود. آموزش‌وپرورش در آن دوران با محدودیت‌هایی ازنظر توسعه فضای آموزشی روبه‌رو بود. لذا دکتر عبدالله جاسبی رئیس وقت دانشگاه آزاد اسلامی و از نزدیکان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طرح جامعی برای ایجاد و توسعه مدارس غیرانتفاعی در کشور ارائه داد که با حمایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روبه‌رو گردید. دولت سازندگی برای حل مشکلات مدارس غیرانتفاعی زمین به نرخ منطقه‌ای و وام تبصره سه و مصالح ساختمانی در اختیار متقاضیان این مدارس قرار می‌داد تا آنها را ترغیب به مشارکت در این بخش کند.

سیاست دولت در آموزش عالی افزایش کمیت و گسترش ظرفیت پذیری و سرمایه‌گذاری عمده برای افزایش توان کیفی و کارایی مفید رشته‌های مختلف

بود. سیاست دولت در آموزش نظام متوسطه نیز گسترش واحدهای آموزش فنی و حرفه‌ای جهت کسب ایجاد مهارت‌های مناسب جهت تربیت افراد تحصیل‌کرده و آموزش‌دیده جهت ورود به بازار کار بود.

با توجه به اینکه دانشگاه‌ها تا آن زمان حالت تئوریک داشتند و بعضاً دانشجویان پس از فارغ التحصیلی به دلیل عدم برخورداری از فن و حرفه بخصوصی بیکار می‌ماندند، دولت تأسیس دانشگاه‌های علمی و کاربردی در کنار شهرک‌های صنعتی را در دستور کار خود قرار داد و تصویب کرد. این دانشگاه‌ها با استفاده از امکانات مراکز صنعتی و ارتباط با مراکز علمی توانستند گامی بزرگ در جهت تربیت نیروهای متخصص و کارآزموده بردارند.

خود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد دوران ریاست جمهوری خود گفته بود: «اولین دوره ریاست جمهوری من یعنی از سال ۶۸ الی ۷۲ در بین همه ادوار ریاست جمهوری، چون فارغ از جنگ شده بودیم و به سازندگی روی آورده بودیم، بهتر است. البته به دو دلیل: اول اینکه خودم رئیس‌جمهور بودم و به‌کرات از عملکردم دفاع مستند می‌کردم و دوم جدای از این، در سال ۶۸ در حالی ریاست جمهوری را قبول کردم که بودجه کشور به‌طور رسمی ۵۱ درصد کسری داشت.

زیرساخت‌های کشور مثل راه، بندر، پالایشگاه و سد یا وجود نداشت یا بسیار قدیمی بود یا اینکه در معرض حملات دشمن قرار گرفته بود. مهم‌تر از همه، مردم پس از هشت سال دفاع مقدس و تحمل رنج‌ها و کمبودها به‌حق از نظام انتظار داشتند که برای رفاه آنها کاری بشود.

هنر دولت هشت سال سازندگی در آن شرایط این بود که اولاً بین روحیه دوران جنگ و پس‌ازآن تعادل برقرار کند و ثانیاً به زیرساخت‌ها توجه کند. همچنین نجات اسرای جنگ و پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ و رسیدگی به آسیب دیدگان جنگ، ازجمله موارد فوریتی و اولویت‌دار بود».

در مجموع دولت آقای هاشمی سیاستی را که برای اداره کشور دنبال می‌کرد تشکیل یک دولت کار بود. دولت سازندگی دولتی بود که به مسائل سیاسی و فاقد ارزش توجهی نداشته و تمام همت و تلاششان را در جهت کار کردن و سازندگی کشور به کار گرفته و آمده بودند تا زیرساخت‌های کشور را بسازند و باوجود کمبودهای اقتصادی، یک فعالیت اقتصادی ایجاد کنند تا رونقی به کسب‌وکار بازار داده شود.

تعامل با مطبوعات

یکی از اقدامات مثبت دولت سازندگی تحمل شنیدن صدای مخالف بود. به‌عنوان‌مثال روزنامه سلام که در دهه ۷۰ به مدیریت سید محمد موسوی‌خوئینی‌ها و سردبیری عباس عبدی منتشر شد مشی بسیار انتقادی نسبت به دولت داشت. مدیران ارشد این روزنامه علی‌رغم شاغل بودن در بخش تحقیقات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری انتقادات تند و گزنده‌ای نسبت به عملکرد دولت داشتند. علی‌رغم این انتقادات دولت سازندگی هیچ‌گاه از این روزنامه شکایت نکرد و هیچ اقدامی برای محدودسازی آن انجام نداد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در زمینه تحمل برخورد اندیشه در مطبوعات می‌گوید: «این مقداری که الان در ایران برخورد اندیشه و مطبوعات هست، برخورد به نظر من سالم و سازنده است. اگر ما این مقدار حوصله و تحمل برخورد اندیشه را نداشته باشیم، نمی‌توانیم یک جامعه آزادی را هدایت بکنیم. باید از متفکران، از باسوادهایمان و متخصص‌هایمان استفاده بکنیم. ما نمی‌توانیم کسی که بیست، سی سال درس‌خوانده و تخصص بالایی دارد، بگوییم تو کلیشه‌ای مثل من فکر نکن! بالاخره او هم توقعاتی دارد او هم باید به عواطفش برسد. یک مقدار باید زمینه را برای آنها هم باز بگذاریم. توهین نکنیم، اینها را تحقیر نکنیم و به خاطر عیبی که در آنها هست، شخصیتشان را خرد نکنیم، فراری‌شان ندهیم، نگهشان داریم».

فصل ششم
هاشمی در دوران اصلاحات

در این فصل می‌خوانیم:

- دوران پس از ریاست جمهوری
- مخالفت با تمدید یک دوره دیگر ریاست جمهوری
- هاشمی در دوران اصلاحات
- تلاش تندروهای چپ برای تخریب وجهه ایشان
- حملات رسانه‌ای سازماندهی شده به هاشمی در آستانه انتخابات مجلس ششم
- انتخابات مجلس ششم
- شبهه افکنی در آرای هاشمی
- بازشماری آرا
- انصراف از حضور در مجلس
- سرانجام بی‌فرجام مجلس ششم
- انحلال حزب مشارکت

دوران پس از ریاست جمهوری ـ مخالفت با تمدید یک دوره دیگر ریاست جمهوری

با نزدیک شدن به پایان دوران ریاست جمهوری هاشمی، تلاش‌هایی در مجلس در جهت تصویب قانونی مبنی بر حضور مجدد ایشان در انتخابات صورت گرفت که به نتیجه نرسید.

دراین‌بین عبدالله نوری نماینده مجلس که در دولت اول هاشمی وزیر کشور بود، گفت: «مصلحت نظام اسلامی و منافع کشور ایجاب می‌کند تا دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی برای بار سوم تمدید شود. بنده معتقدم نباید با استناد منع قانون اساسی در مورد تمدید ریاست جمهوری آقای رفسنجانی دست‌های خود را ببندید. از مردم می‌خواهم که به‌عنوان وظیفه و برای قدردانی از ایشان به استمرار برنامه‌های سازندگی و توسعه کشور نگذارند که وی کنار برود».

وی ادامه داد: «البته شنیده‌ام که ایشان با تمدید ریاست جمهوری مخالف هستند و می‌گویند نباید کشور به فرد خاصی وابسته باشد. ولی مردم ایران به‌عنوان قدرشناسی و استمرار برنامه‌های سازندگی وظیفه‌دارند نگذارند ایشان کنار برود».

سیل طرفداران ریاست جمهوری مجدد ایشان، به راه افتاده بود و در مدت کوتاهی آقایان طاهری اصفهانی امام‌جمعه اصفهان، عطاءالله مهاجرانی، حسین مرعشی و حسن روحانی نیز سخنرانی‌هایی در حمایت از تمدید دوره ریاست جمهوری انجام دادند. در این میان مخالفان نیز که عمدتاً از جناح راست سنتی و روحانیت مبارز بودند نیز به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند.

تا اینکه سرانجام مقام معظم رهبری در این زمینه موضع‌گیری کردند و فرمودند: «رئیس‌جمهور محترم، حقاً و انصافاً عمر وزندگی خود را چه پیش از انقلاب و چه بعدازآن وقف اسلام کرده و در تمامی مسئولیت‌های سنگینی که تاکنون بر عهده داشته، منشأ خدمات بزرگ و ارزنده‌ای بوده‌اند و بی‌تردید بعد از پایان دوره ریاست جمهوری نیز در مسئولیت‌های بزرگ دیگری که بر عهده می‌گیرند وجود ایشان برای نظام اسلامی و انقلاب و کشور بسیار نافع و ارزشمند خواهد بود.»

درهرصورت پس از مخالفت صریح مقام معظم رهبری و اکثریت جریان سیاسی کشور و مغایرت این طرح با قانون اساسی هیچ‌گاه این طرح به نتیجه نرسید. البته طبق گفته عبدالله نوری، خود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز از ابتدا مخالف این جریان بود.

هاشمی در دوران اصلاحات ـ تلاش تندروهای چپ برای تخریب وجهه ایشان

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اواخر دوران ریاست جمهوری خود در مهرماه ۱۳۷۵ نیز در پاسخ به این پرسش که: «اکنون‌که اکثریت مردم می‌خواهند حضرت‌عالی در دوره‌ی آینده هم رئیس‌جمهور باشید آیا شما خواسته‌ی مردم را خواهید پذیرفت؟» گفت: «اولاً چنین اکثریتی به نظرم ادعاست و اگر هم باشد من مصلحت نمی‌دانم بپذیرم. با توجه به مجموعه شرایطی که در کشور هست من مصلحت می‌دانم که به قانون اساسی دست نزنیم و میدان را برای بروز چهره‌های جدید باز بگذاریم. ما حتماً در بین شخصیت‌هایمان آدم‌های قادر صالح مدیر و مدبر زیاد داریم. بالاخره افرادی می‌آیند و اطمینان مردم را جلب می‌کنند. بالاخره روزی باید این تحول پیدا شود و جابه‌جایی مدیریت پیش بیاید. بهتر این است که همین موقع باشد که من هنوز امکان کمک دارم و می‌توانم کمک بکنم و برای این‌که مدیر بعدی موفق بشود این کار را خواهم کرد. مردم خیالشان راحت خواهد شد که دیگر انقلاب و ایران با تکیه‌بر یک نفر و دو نفر و پنج نفر نیست. این دریای انسان‌ها از خودش شخصیت‌های مناسبی را حتماً تحویل می‌دهند و بنده هیچ نگرانی ندارم و لازم نمی‌دانم و موافق هم نیستم که این تغییر قانون اساسی اتفاق بیفتد و ان‌شاءالله که نخواهد بود. من تازنده‌ام و نفس می‌کشم برای انقلاب نفس می‌کشم و تا می‌توانم یک حرکتی بکنم برای اسلام و انقلاب حرکت می‌کنم. شکی نداشته باشید، من حاضرم در هر سمتی به انقلاب خدمت بکنم؛ یعنی اگر فردا لازم باشد که مثلاً من استاندارد یک استان هم بشوم می‌آیم تا مشکلات آنجا را حل بکنم و این مشکل نخواهد بود».

با روی کار آمدن دولت اصلاحات، اگرچه رابطه رئیس دولت اصلاحات با آقای هاشمی خوب بود ولی ایجاد یک سری تندروی‌ها در بدنه حزب مشارکت که به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین احزاب اصلاحات فعالیت می‌کرد، باعث به وجود آمدن فاصله بین هاشمی و اصلاحات گردید. علی‌رغم حمایت هاشمی رفسنجانی از سید محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ رفتار اعضای حزب مشارکت علیه ایشان و راه انداختن موجی از تخریب و تهمت علیه شخصیت ایشان تعجب کارشناسان مسائل سیاسی را برانگیخت.

پس از دوران ریاست جمهوری ایشان به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفتند. آقای هاشمی به‌عنوان رئیس این مجمع مسئول رسیدگی و حل‌وفصل بین اختلافات مجلس و شورای نگهبان در مصوبات بودند. پس از گذشت دو سال و در آستانه انتخابات مجلس ششم و همزمان با ثبت‌نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات مجلس، اقدامات بسیار سازمان‌یافته‌ای در جهت تخریب وجهه این سیاستمدار کهنه‌کار از جانب تندروهای حزب مشارکت در جهت ممانعت از راه‌یابی ایشان به مجلس صورت گرفت.

تندروهای مشارکت به سرکردگی اکبر گنجی و عباس عبدی با طرح ادعاهای بی‌اساس و خلاف واقع سعی داشتند که پرونده سیاسی هاشمی رفسنجانی را برای همیشه ببندند تا مبادا روزی بر سر راه اصلاح‌طلبان قرار گیرد. اکبر گنجی و عباس عبدی همزمان و به‌موازات یکدیگر از هیچ اقدامی در جهت مخدوش ساختن چهره‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دریغ نمی‌کردند. این دو در حالی با طرح ادعاهایی واهی مبنی بر وقوع قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان نظام در دوره هاشمی و نوشتن مقالات متعدد در روزنامه‌های زنجیره‌ای خود و با نوشتن کتاب جهت نیل به اهداف شوم خود اقدام می‌کردند که هیچ‌گاه نه‌تنها برخی از این ادعاها به اثبات نرسید، بلکه آنها هیچ‌گاه اسمی از مقتولان خیالی خود نیز نمی‌بردند و فقط به ترور شخصیتی ایشان در اذهان عمومی موج‌سواری از اقبال بالای مردم نسبت به اصلاحات می‌پرداختند.

سناریوی بعدی مشارکتی‌ها برای حذف سیاسی هاشمی رفسنجانی، دامن زدن به مسئله جنگ تحمیلی بود. آنها با مسئول دانستن هاشمی رفسنجانی در ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مدعی بودند که امام راحل پایان جنگ را در آن زمان خواستار بود ولی به اصرار هاشمی به ادامه جنگ راضی گردیده است. هاشمی رفسنجانی ضمن رد این اتهام در دفاع از خود عنوان داشت: «بعد از فتح خرمشهر، من مسئول جنگ نبودم، نماینده امام در شورای عالی دفاع بودم. تنها مسئله‌ای که آن موقع پیش آمد این بود که امام فرمودند که ما موافق نیستیم نیروهای ما وارد خاک عراق شوند ولی اصل جنگ را امام اجازه نمی‌دادند کسی با ایشان بحث کند که جنگ متوقف شود یا آتش‌بس شود.

خوب شما یا حرف‌های امام را فراموش کرده‌اید. یا این‌که بعضی آقایان آن را ندیده می‌گیرند. امام حتی یک‌لحظه به کسی اجازه ندادند که با ایشان بحث کند

که جنگ متوقف شود ... بالاخره امام پذیرفتند که: "اگر وارد خاک عراق شدید؛ به آنجاهایی وارد شوید که مردم نباشند و یا کم باشند."»

حملات رسانه‌ای سازماندهی شده به هاشمی در آستانه انتخابات مجلس ششم

هرچه زمان انتخابات نزدیک‌تر می‌شد موج تخریب‌ها و طرح اتهامات بی‌اساس بیشتر از بیش می‌گشت. گام بعدی این تیم ترور شخصیتی، ایجاد شبهه در عملکرد درخشان هاشمی رفسنجانی در دوران سازندگی بود. طبق بررسی مطبوعات در طی یک هفته زمان تبلیغات مجلس ششم، هر تهرانی به‌طور متوسط روزانه ۳ مقاله و ۵ شایعه تازه و اتهام جدید در مورد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خانواده‌اش شنیده است.

روزنامه‌های زنجیره‌ای در این میان بیش از همه فعال بودند. بازار همایش‌ها و جلسات نقد عملکرد دوران سازندگی بسیار رواج داشت و مخالفین با انتقاد از سیاست‌های دولت سازندگی هر چیزی حتی مسئله سازندگی ویرانه‌های کشور را که جزء افتخارات دولت سازندگی بودند به‌نقد و بررسی گذاشته، نسبت به آن انتقادات بی‌پایه و اساسی در جهت تخریب وجه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روا می‌داشتند.

یکی دیگر از منتقدین این ایام سعید حجاریان تئوریسین اصلاح‌طلبان بود. حجاریان با انتقاد از مقبولیت بالای هاشمی که منجر به پذیرش ایشان در دو لیست موسوم به چپ و راست شده بود، نسبت به حضور ایشان در لیست جناح موسوم به چپ واکنش شدیدی نشان داد.

ایشان با انتقاد از مشی اعتدال‌گرایانه هاشمی که باعث مقبولیت ایشان نزد دو جناح شده بود گفت: «ما نمی‌خواهیم حتی یک کاندیدای مشترک با جناح راست داشته باشیم، حتی اگر او هاشمی رفسنجانی باشد. آقای هاشمی باید جای خود را در لیست راست قرار دهد یا در جبهه دوم خرداد».

این انتقادات با نزدیک شدن زمان انتخابات روزبه‌روز افزایش‌یافته و با طراحی ایجاد موج توسط رسانه‌ها شدت می‌یافت.

انتخابات مجلس ششم ـ شبهه افکنی در آرای هاشمی ـ بازشماری آرا

سرانجام انتخابات پرحرف و حدیث مجلس ششم آغاز شد. در این انتخابات که با پیروزی قاطع جریان حامی اصلاحات به پایان رسید، گزارش‌هایی مبنی بر تخلفات وسیع در زمان انتخابات به وجود آمد.

درحالی‌که حزب مشارکت سرمست و مسرور از پیروزی در انتخابات بود، یک مسئله ذهن تندروهای جناح پیروز را به خود مشغول کرده بود و آن اینکه علی‌رغم تمام تخریب‌های صورت گرفته با اعلام شمارش آراء، هاشمی رفسنجانی توانسته بود بار دیگر به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یابد. همان‌طور که اشاره شد با اعلام نتایج انتخابات هاشمی رفسنجانی با کسب ۲۵/۵۸ درصد آراء به‌عنوان نفر سی‌ام به مجلس راه یافت.

تندروها که خود را در اجرای برنامه‌های از پیش تعیین‌شده شکست‌خورده می‌دیدند و از اینکه نتوانسته بودند مانع راه‌یابی هاشمی رفسنجانی به مجلس گردند، با پیگیری سناریوی شبه افکنی در آراء هاشمی رفسنجانی و اتهام تقلب در انتخابات به نفع وی جنجال جدیدی را آغاز کردند.

در این ایام هاشمی رفسنجانی بامتانت و برای از بین بردن هرگونه شبه و خنثی کردن هر توطئه جدید با نوشتن نامه به شورای نگهبان خواستار بررسی دقیق موارد مطروحه گردید.

پس از رسیدگی شورای نگهبان، گزارش‌های مبنی بر تخلفات وسیع در جریان انتخابات و بررسی این گزارش‌ها، شورای نگهبان وجود تخلفات گسترده در انتخابات را تأیید و خواستار ابطال انتخابات بودند. در این میان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب نوشت: «با توجه به نتایج کنونی، در ۸۶۷ صندوق بازشماری‌شده اشکال و تخلفاتی دیده شده است».

مقام معظم رهبری در جواب، دستورالعمل چهار ماده‌ای برای تأیید آراء حوزه‌ی انتخابیه تهران ارائه دادند. طبق این دستورالعمل، آراء صندوق‌های مخدوش باطل و بازشماری آراء متوقف و نتیجه انتخابات بر اساس صندوق‌های سالم اعلام شود. می‌بایست متخلفین در جریان انتخابات شناسایی و مجازات شوند.

بلافاصله پس از حکم رهبری ۵۳۴ صندوق آراء باطل گردید و با تأیید بقیه آراء آقای هاشمی رفسنجانی با کسب رتبه ۲۰ به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. پس از انتخابات تهران، سید مصطفی تاج‌زاده رئیس ستاد انتخابات کشور و آیت‌الله آذرمن فرماندار تهران به جرم تخلف در انتخابات به دادگاه فراخوانده شدند که درنتیجه مصطفی تاج‌زاده از خدمات دولتی منفصل گردیده و فرماندار تهران نیز به چند ماه زندان محکوم شد.

انصراف از حضور در مجلس

با اعلام نتایج انتخابات تندروهای مشارکت که هاشمی را سدی درراه اهداف خود در مجلس می‌دیدند با رواج شایعات تقلب به اتهام زنی خود ادامه دادند. دراین‌بین هاشمی رفسنجانی برای پایان بخشیدن به منازعات سیاسی خسته‌کننده در نامه‌ای تاریخی انصراف خویش را از حضور در مجلس اعلام داشت. متن نامه ایشان به شرح زیر می‌باشد:

«مردم شریف و بزرگوار تهران، همان‌طور که مطلع هستید این‌جانب برخلاف تصمیم قبلی و تمایل شخصی و قلبی‌ام، حسب وظیفه‌ی شرعی و رسالتی انقلابی و میهنی و در پی اصرار و تأکید چهره‌های محترم و شخصیت‌های صاحب‌نظر نظام، در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نمودم؛ اما حجم سنگینی از تبلیغات منفی و خلاف پیش از برگزاری انتخابات و در دوره‌ی تبلیغات و به هنگام رأی‌گیری و شمارش آراء بر صحنه‌ی میدان رقابت‌های انتخاباتی عارض گشت و حتی دشمنان خارجی و داخل انقلاب سم‌پاشی‌هایی علیه اصل نظام و دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس و سازندگی نمودند. در جریان انتخابات و حتی پس از اعلام نتایج، فضای شبهه‌ناک و ابهام‌آلودی به وجود آمد.

خوشبختانه تدبیر مقام معظم رهبری مانع بروز مشکلات سیاسی و اجتماعی شد. به‌رغم اصرار و درخواست این‌جانب از مسئولان اجرایی و نظارتی مبنی بر رفع هرگونه ابهام و کشف تمام حقیقت و تلاش‌ها شورای نگهبان و وزارت کشور هنوز ابهامات و شبهاتی در نتایج انتخابات تهران باقی است که می‌تواند دستاویز دشمنان ملت و مخدوش‌کننده وحدت نیروهای معتقد به‌نظام اسلامی گردد.

اکنون با توجه به شرایط جاری، انجام‌وظیفه به‌صورت مطلوب و تلاش برای وفاق

ملی و تقویت سازندگی که از اهداف مهم و عمدی حضورم و عذرخواهی از مردم شریف و موکلان عزیز تهرانی از پست نمایندگی مجلس شورای اسلامی اعلام انصراف می‌نمایم.

وظیفه‌ی خود می‌دانم نسبت به اعتماد همه‌کسانی که به‌رغم تبلیغات فراوان ناروا به این‌جانب رأی داده‌اند، ابراز تشکر نمایم و به آرای کسانی که به هر دلیل منتخبشان من نبوده‌ام، به دیده احترام بنگرم.

هم‌چنین نسبت به افراد و گروه‌های معنوی که به‌اشتباه یا خدای ناخواسته کینه‌توزی و عداوت به‌ناحق مرتکب تهمت، غیبت یا انتقاد ناسالمی در مورد این‌جانب شده‌اند گذشت نموده و از درگاه خداوند متعال برای خود و همگان طلب بخشش و تنبه نمایم.

امیدوارم با تلاش و هوشیاری همه نمایندگان محترم، نهاد قانون‌گذاری مجلس ششم، سنگر عزت، اقتدار و همدلی نیروهای وفادار به‌نظام و انقلاب و تقویت هم کاری قوای سه‌گانه و نهادها و ارگان‌های کشور باشد؛ و این‌جانب در هر عرصه‌ای که مصالح و منافع نظام اسلامی حکم نماید به انجام‌وظیفه خواهم پرداخت».

اکبر هاشمی رفسنجانی

سرانجام بی‌فرجام مجلس ششم ـ انحلال حزب مشارکت

با انصراف هاشمی رفسنجانی از مجلس عملاً مجلس ششم شاهد تندروی‌های بی‌سابقه حزب مشارکت بود. در فضای خالی از عقلای سیاسی متأسفانه شاهد بروز مسائل بی‌سابقه‌ای در این مجلس بودیم که عملاً منجر به انحلال حزب مشارکت و خروج و انزوای رسمی این حزب از معادلات سیاسی کشور شد. چه‌بسا اگر این حزب بر عدم ورود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مجلس تأکید نمی‌کرد، باوجود ایشان در مجلس هیچ‌گاه آن اتفاقات صورت نمی‌گرفت. اکنون ما شاهد عدم به‌کارگیری جمعی از مدیران شایسته و لایق نظام به بهانه‌ی عضویت در حزب مشارکت نمی‌شدیم و نظام می‌توانست تا سال‌های سال از خدمات و تجربیات این‌گونه مدیران استفاده کند. به تعبیری حزب مشارکت درون چاهی افتاد که خود آن را کنده بود.

هاشمی رفسنجانی در تشریح آن روزها و روی کار آمدن دولت اصلاحات می‌گوید:

«مردم با وضعی که بعد از دولت سازندگی دیدند آقای خاتمی را انتخاب کردند که رأی خوبی هم آورد ولی کم‌کم بعضی از افراد کارها را به‌افراط کشیدند؛ یعنی گروهی از آدم‌های تندرو، خیلی‌ها را رنجاندند و مدتی هم امتیازات را از دست دادند.»

مجلس ششم یک مقدار از اعتدال خارج شده بود و واقعیت کشور را در نظر نگرفت و شاید به‌زعم خودشان کارهایشان با سوءنیت نبود ولی با روحیه کلی جامعه سازگار نبود و نوعی تندروی بود. همین‌ها باعث شدند که در مقابلشان گروه‌هایی تندرو شکل گرفتند و افرادی که افکار آن‌گونه داشتند با برنامه‌ریزی آمدند. هاشمی هم‌چنین با انتقاد از تندرویی‌های جریان چپ گفت: «بهترین نسخه برای نهادینه کردن اعتدال، عقلانیت است؛ یعنی نیروهایی که باسواد هستند و عقلانیت دارند و مرجع تشخیص هستند کارشناسی کنند».

بعد از مدت کوتاهی که جناح چپ با توسل به بدترین شیوه‌ها و مجبور کردن هاشمی به ترک صحنه سیاسی شد با تحمل شکست سنگین اصلاح‌طلبان در مجلس هفتم و انتخابات دومین دوره شورای شهر تهران، بار دیگر اقبال اصلاح‌طلبان به سمت هاشمی گرایش پیداکرده و آن در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۸۴ بود.

زائرين
قطان

فصل هفتم
اتحاد استراتژیک دیر هنگام منتقدان دیروز با هاشمی و ظهور پدیده هزاره سوم

در این فصل می‌خوانیم:

- سردرگمی احزاب برای معرفی کاندیدای واحد در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم
- حضور در عرصه انتخابات
- تبلیغات منفی سازمان یافته علیه هاشمی
- برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم
- حمایت دیرهنگام منتقدان دیروز از هاشمی در دور دوّم انتخابات
- برگزاری مرجله دوّم انتخابات ریاست جمهوری
- محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران شد
- هشدار نسبت به انحراف از اهداف انقلاب
- تقابل دولت هاشمی در آستانه انتخابات خبرگان رهبری
- تلاش دولت برای تصاحب دانشگاه آزاد
- بروز ناکارآمدی دولت
- شعارگرایی حربه‌ای برای انحراف اذهان عمومی
- ادامه جریان‌سازی‌های جعلی علیه خانواده هاشمی، این‌بار با پدیده‌ای به نام پالیزدار
- القای وجود اختلاف میان مقام معظم رهبری و هاشمی توسط حامیان دولت

سردرگمی احزاب برای معرفی کاندیدای واحد در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم

سال ۸۳ در حالی آغاز شد که اصولگرایان با پیروزی در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی توانسته بودند با تکیه بر شعارهایی چون عدالت ورزی و کارآمدی، فضای سیاسی کشور را مشغول گفتمان خویش کنند. با توجه به انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری که در سال ۸۴ انجام می‌گرفت، گمانه‌زنی‌های بسیاری برای حضور چهره‌های مختلف در انتخابات صورت گرفت.

در جناح چپ یا همان طیف موسوم به دوم خرداد، صحبت از کاندیداتوری میرحسین موسوی بود. چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب که در هفتمین دوره ریاست جمهوری نیز از او دعوت کرده بودند ولی با بی‌میلی مواجه شده و به تقاضایشان دست رد زده شده بود، بار دیگر از ایشان دعوت به حضور در عرصه انتخابات کردند. از سوی دیگر مهدی کروبی، رئیس مجلس ششم نیز زمزمه‌هایی مبنی بر حضور خود در انتخابات مطرح می‌کرد.

در جبهه اصولگرایان شورایی موسوم به شورای هماهنگی نیروهای انقلاب که پس از شکست اصول‌گرایان در انتخابات دوم خرداد ۷۶ و مجلس ششم به ریاست علی‌اکبر ناطق نوری تشکیل شده بود، مسئولیت گزینش کاندیداهای اصول‌گرایان را بر عهده گرفت. در این گروه پنج‌نفره، علی‌اکبر ناطق نوری، حبیب‌الله عسگراولادی، محمدرضا باهنر، حسین فدائی و محمدرضا جمشیدی (عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)؛ عضو بودند.

از طرفی ضلع سومی در انتخابات در حال شکل‌گیری بود.

کارگزاران سازندگی و حزب اعتدال و توسعه که متشکل از طرفداران چپ و راست آیت الله هاشمی رفسنجانی بودند از ایشان دعوت به حضور در انتخابات کردند. در این گروه که نام‌های مطرحی همچون دکتر حسن حبیبی، غلامحسین کرباسچی، دکتر حسن روحانی، حسین کمالی و محمدباقر نوبخت حضور داشتند و از جانب برخی از علمای صاحب نفوذ حوزه علمیه نیز حمایت می‌شدند. درخواست‌های مکرّری مبنی بر حضور هاشمی صورت گرفت ولیکن ایشان، در جواب این درخواست‌ها گفتند: «مایل به آمدن نیستم؛ اما اگر ببینم کاندیدایی که بتواند آراء گسترده مردمی و توان اداره

کشور را داشته باشد، درصحنه حاضر نیست، خواهم آمد».

پس از زمزمه حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب (اصول‌گرایان) اعلام آمادگی کردند تا در صورت ورود ایشان به عرصه انتخابات، از ایشان حمایت کنند. لیکن تردید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای ورود به عرصه و نزدیک شدن به زمان انتخابات باعث گردید تا این شورا سراغ گزینه‌های دیگری همچون محسن رضایی، محمدباقر قالیباف، علی لاریجانی، احمد توکلی، علی‌اکبر ولایتی و شهردار نه‌چندان مطرح آن روزهای تهران محمود احمدی‌نژاد برود.

در آوردگاه اصلاح‌طلبان میرحسین موسوی با انتشار بیانیه‌ای عدم رغبت خود برای حضور در انتخابات را به اطلاع رساند. همین مسئله باعث گردید تا از اردوگاه اصلاح‌طلبان نیز چندصدایی و عدم توافق بر روی کاندیدای واحدی به گوش برسد. بر همین اساس مهندس محسن مهرعلیزاده و دکتر معین نیز آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات پیش رو اعلام داشتند.

با بررسی کاندیداهای مطرح در جبهه اصول‌گرائی اختلاف‌نظر بر روی معرفی کاندیدای واحد، بیش‌ازپیش نمایان بود. بر همین اساس محمود احمدی‌نژاد که در نظرسنجی‌های صورت گرفته از هیچ بخت و اقبالی برای پیروزی در انتخابات برخوردار نبود، با ارسال نامه‌ای انصراف خویش را از حضور در این شورا اعلام کرد و از قصد خود به‌عنوان ورود به انتخابات به‌عنوان کاندیدای مستقل خبر داد.

در همین زمینه حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری که به‌عنوان رهبر جریان اصول‌گرایان مطرح بود، خاطره جالبی را نقل می‌کند. ایشان با مطرح کردن چهاراصل اساسی اعتقاد به اسلام، انقلاب، امام و رهبری- در گزینش افراد اعلام کرد: «در قصه ریاست جمهوری سال ۸۴ ماجرا این‌گونه بود که از جبهه اصولگرایان ۵-۶ کاندیدا وجود داشت و کاری ما باید می‌کردیم این بود که بنشینیم با اینها صحبت کنیم که یا آنها را قانع کنیم که کنار بروند یا مکانیسمی پیش بیاوریم تا یکی از آنها در عرصه باقی بماند. آمدیم و آقایان هم قبول کردند که شورای مرکزی نیروهای انقلاب به هر تصمیمی رسیدند، آنها قبول کنند، خوب با همین آهنگ جلو آمدیم. تک‌تک کاندیداها را در همین اتاق خواستیم. با این هدف که از برنامه‌ها، اهداف و انگیزه‌های آنها باخبر شویم و کاندیداها هم آمدند و توضیحاتی دادند. یک جلسه هم به‌صورت خصوصی با آقایان داشتیم که به‌صورت شفاف و راحت، اشکالات در مدیریت‌های قبلی و سؤال‌هایمان

را با آنها مطرح می‌کردیم. آقای احمدی‌نژاد هم جزء همین کاندیداها بود. ایشان می‌گفت: «من طرح برای اداره کشور دارم و بقیه نامزدها ندارند. شما هم اجازه نمی‌دهید من طرحم را بدهم.» ما با کاندیداهای دیگر دو جلسه داشتیم با ایشان اما سه جلسه برگزار کردیم.

یک روز به آقای باهنر گفتم یک‌وقتی به آقای احمدی‌نژاد بدهید چون می‌گویند من برای اداره کشور یک طرح ویژه دارم. جلسه زمانش هماهنگ شد و ایشان به همین دفتر بنده آمد. مرحوم آقای عسگراولادی، آقای باهنر و برخی دیگر از دوستان بودند. ایشان در آن جلسه دو ساعت طرحش را توضیح داد. بنا هم بود تا پایان طرح ایشان حرفی نزنم. ایشان وقتی حرفش را تمام کرد، من رئیس جلسه بودم و اگرچه منشی جلسه شخص دیگری بود ولی برای اینکه مطالب یادم بماند چیزهایی را نوشتم که خود آن چیزها چهار صفحه شد. قبل از اینکه من حرفی بزنم آقای عسگر اولادی رو کردند به بنده و حرفی را زدند که شاید تا الان هم نشنیده باشید. آقای عسگراولادی گفت: «این برادر ما احساس می‌کند که اسلام را فقط او می‌شناسد.» بنده هم خطاب به آقای احمدی‌نژاد گفتم: «آقای احمدی‌نژاد! بنده حرف‌های شما را خیلی دقیق گوش دادم حقیقتاً هر چه دقت کردم هیچ نفهمیدم، یا سطح معلومات شما خیلی بالا است و ما نمی‌فهمیم شما چه می‌گویید یا اینکه حرف‌های بالای ابری می‌زنید.» جایی از من سؤال شد که شما ایشان را چگونه می‌بینند؟ من عرض کردم: «ایشان فضایی فکر می‌کند.» به‌هرحال بعد از آن جلسه آقای احمدی‌نژاد قهر کرد و رفت و فردایش هم نامه نوشت که من دیگر با جمع شما نیستم».

درحالی‌که هنوز بحث‌ها بر سر رسیدن به کاندیدای اصلح در شورای هماهنگی اصولگرایان ادامه داشت، علی‌اکبر ولایتی به علت تأخیر شورای عالی هماهنگی در تصمیم‌گیری از حضور در این جمع کناره‌گیری کرده و اعلام کرده مستقل خواهد آمد. بالاخره در اوایل اسفند ۱۳۸۳ شورای هماهنگی اصول‌گرایان، علی لاریجانی را به‌عنوان کاندیدای خود معرفی نمود.

در آوردگاه اصلاح‌طلبان نیز وضعیت مشابه اصولگرایان بود. کاندیداهای اصلاح‌طلبان به حکمیت بزرگان خود تن نداده و هر یک اعلام حضور در انتخابات کردند. بسیاری این اقدام اصلاح‌طلبان را به منزله خودکشی سیاسی تلقی کردند. اگرچه طیف عظیمی از جریان‌های دوم خرداد، مصطفی معین را به‌عنوان کاندیدای خود

مطرح کردند ولیکن حجت‌الاسلام مهدی کروبی و مهندس مهرعلیزاده نیز از عزم خود برای حضور در انتخابات خبر دادند.

هر چه به زمان انتخابات بیشتر نزدیک می‌شد؛ بازار گمانه‌زنی‌ها در مورد حضور یا عدم حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات پیش رو داغ‌تر می‌شد. با نزدیکی به زمان مهلت ثبت‌نام کاندیداهای ریاست جمهوری، موجی از تقاضاها از ایشان جهت حضور در انتخابات شکل گرفت.

در همین حال هاشمی رفسنجانی اعتقاد داشت: «اگر با آمدن من مشارکت اضافه شود و آرای رئیس‌جمهور بیشتر و تشنج کمتر شود، در آن صورت احساس وظیفه می‌کنم و می‌آیم».

درحالی‌که تردیدها در مورد حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ادامه داشت، ایشان در اردیبهشت ۱۳۸۴ در جمع عده‌ای از کارشناسان کشاورزی گفت: «فکر می‌کنم باید داروی تلخی را مصرف کنم، اتفاقی که مایل نبودم بیفتد ظاهراً در حال وقوع است.» سرانجام هاشمی رفسنجانی با ثبت‌نام در انتخابات عملاً به درخواست طرفدارانش پاسخ گفت و وارد کارزار انتخابات شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد چگونگی نهایی شدن تصمیمش برای کاندیداتوری در انتخابات نهم ریاست جمهوری می‌گوید: «قبل از ثبت‌نام در انتخابات چند بار خدمت مقام معظم رهبری رسیدم و به‌صراحت به ایشان گفتم بنده بنا ندارم وارد صحنه انتخابات شوم و شما هم روی آمدن من حساب نکنید و به فکر شخص مناسبی باشید. پس‌ازآنکه شخص مناسبی ثبت‌نام نکرد، خدمت آقا رسیدم و گفتم برای آمدن احساس ضرورت می‌کنم. ایشان فرمودند: «ضرورت چیست؟»

در پاسخ گفتم من سه ضرورت را برای آمدنم احساس کردم: یکی اینکه معتقدم باید کسی بیاید که دوگانگی فعلی را از بین ببرد تا کشور به یک نقطه متکی بشود. دوم ممکن است کوتوله‌هایی بیایند که شأن نظام را پائین بیاورند و سوم آنکه احساس کردم کسانی که قبولشان هم داریم ممکن است بیایند و کوتوله هم نباشند، اما با رأی کم رئیس‌جمهور شوند. دراین‌باره مثال زدم و گفتم مثلاً ممکن است ۶ نفر در انتخابات شرکت کنند و مجموعاً ۷ تا ۸ میلیون رأی بیاورند که در این صورت انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شود و این امر برای نظام مشکل‌ساز خواهد بود؛ بنابراین احساس کردم اگر قرار است چنین اتفاقی بیفتد، حتماً باید بیایم».

ازآنجاکه معلوم بود چند کاندیدای اصولگرا به اجماع نمی‌رسند و همگی فکر می‌کردند که امام زمان آنها را مأمور کرده که بیایند و آقا هم از تَشَتُّت نگران بودند و درعین‌حال می‌گفتند: «من نمی‌خواهم دخالت کنم.» به من فرمودند: «تو دخالت کن.» من گفتم: «اینها به حرف من گوش نمی‌دهند و خود را رقیب من می‌دانند. درعین‌حال من برای اتحاد آنها تلاش بسیاری کردم.»

رئیس تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد که آقا پس از سخنان من فرمودند: «پس شما از این به بعد بگویید اگر اختلاف میان نامزدها ادامه یافت، من می‌آیم و تلاش می‌کنم که اختلاف رفع شود.» این را گفتند تا جهت حرکت مشخص باشد. دوهفته‌ای این را گفتیم و آخرین بار آقای حداد و باهنر که وساطت می‌کردند، پیش من آمدند و گفتند: «که ما نمی‌توانیم نظر شما را تأمین کنیم. فعلاً بگذارید اینها به صحنه بیایند و بعد ببینیم چه می‌شود.» من هم گفتم: «یا بروید متحد شوید یا من می‌آیم.» و عصر سه‌شنبه همه مشورت‌ها را کردم و نتیجه این شد که من بیایم.

آمریکایی‌ها در این انتخابات سه هدف را پیگیری می‌کردند. یک مشارکت حداقلی، دوم کمی آرای رئیس‌جمهور منتخب و سوم تنش بعد از انتخابات که استراتژی آمریکائی‌ها بود. من گفتم: «ضد این را باید انجام داد» و این سه را بحث کردیم و ناچار شدیم همین را عمل کنیم. عصر سه‌شنبه خود را پیش خداوند محاکمه کردم و با توکل به خدا آمدم.

در آن روز پس از نماز استخاره کردم ازاین‌جهت که در آن زمان آقا از سفر کرمان برگشته بودند. ما معمولاً سه‌شنبه به دیدن آقا می‌رویم، اما آن سه‌شنبه دعوت نکردند. گفتم شاید معذوریت دارند یا خسته‌اند. گفتم اگر پیش آقا بروم و مسئله انتخاباتم را مطرح کنم یا می‌گویند نیایید که من هم نمی‌آیم و بعد اگر در جامعه مشکلی پیش آمد به عهده رهبری می‌افتد که صحیح نیست. یا می‌گویند بیایید که این اصل ایشان که نباید از کاندیدایی خاص حمایت کنند، دور می‌شود. یا هیچ نمی‌گویند و می‌گویند خودت می‌دانی که این هم زیبنده ارتباط ما دو نفر نیست. بعدازآن، همه مسائل را به خدا واگذار کردم که هرچه صلاح نظام انقلاب است پیش آید و بعدازاین هم هر چه پیش آید برای من تفاوتی نمی‌کند».

بعدها هاشمی به ذکر خاطره‌ای دیگر پرداخت و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل حضور خود در انتخابات ۸۴ نام برد. ایشان با ذکر خاطره‌ای از ملاقات خود

با همسر مکرمه حضرت امام خمینی و درخواست ایشان از وی برای حضور وی در انتخابات گفت: «در آن سال واقعاً راضی نبودم که برای انتخابات ریاست جمهوری حاضر شوم. مقامات مختلفی می‌آمدند و سخنرانی‌های متعددی انجام می‌شد؛ اما من زیر بار نمی‌رفتم. یک روز همسر امام صدایم کرد. خدمت ایشان رسیدم. ایشان فرمودند: «امام این انقلاب را به شما سپرده است. شما می‌خواهید آن را به چه کسی بسپارید؟ چقدر کسانی که آمده‌اند را می‌شناسید؟» من از این حرف تکان خوردم و حاضر شدم در انتخابات شرکت کنم».

حضـور در عرصه انتخابات _ تبلیغات منفی سـازمان یافته علیه هاشـمی

سرانجام در روز ۱۳۸۴/۲/۲۰ هاشمی رفسنجانی به میدان آمد و با حضور در وزارت کشور، رسماً برای حضور در انتخابات ثبت‌نام کرد. با حضور هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر ولایتی که پیش‌تر هم اعلام کرده بود در صورت حضورت هاشمی رفسنجانی از انتخابات کنار خواهد رفت، انصراف خود را اعلام کرد. در روزهای منتهی به انتخابات و درحالی‌که مشخص‌شده بود آقای لاریجانی کاندیدای شورا هماهنگی اصول‌گرایان رأی نمی‌آورد، به تقاضای ناطق نوری جهت اعلام انصراف به نفع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پاسخ منفی داده و از عزم خود برای شرکت در انتخابات سخن گفت.

با شروع تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری موجی از تخریب‌های بی‌سابقه علیه ایشان صورت گرفت. در همین ایام هاشمی رفسنجانی در جمع روحانیون از دغدغه خویش صحبت کرده و پیش‌بینی کرد: «هر دولتی که سر کار بیاید اگر با روحانیت ناسازگار باشد بدترین روزگار را برای مردم رقم می‌زند و مشکلات زیادی به بار می‌آورد».

هر چه زمان انتخابات نزدیک‌تر می‌شد، موجب تخریب‌ها و تبلیغات منفی سازمان‌یافته علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیشتر از پیش می‌شد. ایشان با اعتراض به تخریب‌های صورت گرفته آن را اشکال اساسی این انتخابات عنوان کرد و گفت: «کارهای ضد اخلاقی برخلاف خواست مقام معظم رهبری و تصریح و تحریم ایشان به‌طورجدی رواج یافته است.» هاشمی رفسنجانی پخش شب‌نامه‌ها در سراسر کشور

علیه خود را از این نوع تخریب‌ها عنوان کرد و گفت: «مطلعیم هزینه این‌گونه تخریب‌ها از چه محلی تأمین و چه کسانی آن را توزیع می‌کنند. جریان‌های مرموز، بدترین تهمت‌ها به‌ویژه در زمینه مسائل مالی را بدون اینکه اساسی داشته باشد، خلق می‌کنند. در این قضیه دفاع از خود را مهم نمی‌دانم. دفاع من از انقلاب است تا مردم فکر نکنند که شخصی که همیشه همراه انقلاب بوده است، این اشکالات را دارد. این مطلب را برای اولین و شاید آخرین بار اعلام می‌کنم، قبل از پیروزی انقلاب خانواده ما از تمکن مالی خوبی برخوردار بودند. بعد از انقلاب ثروت خود را برای انقلاب هزینه کردم یا به نیازمندان دادم و مقداری از آن را برای اداره‌ی زندگی فرزندانم بخشیدم. به‌عنوان‌مثال خانه‌ای که در آن زندگی می‌کردیم هزار متر (مربع) مساحت داشت که آن را بین بچه‌های خود تقسیم کردم و آنها با ساخت آپارتمان در آن زندگی می‌کنند. از همین‌جا به مدعیان این‌گونه شایعات وکالت می‌دهم هر آنچه ادعا می‌کنند که من یا خانواده‌ام به‌غیراز آنچه اعلام کرده‌ایم، دارا هستیم، پس از اثبات آن را تملک کنند».

هاشمی با اعلام اینکه در زمان مسئولیت اجرائی خود میزان ثروت شخصی خودش و خانواده‌اش را دومرتبه به قوه قضائیه اعلام کرده است، گفت: «آیت‌الله یزدی رئیس وقت قوه قضائیه پس از بررسی این قوه اعلام کرد ثروت من و خانواده‌ام در زمان مسئولیتم کمتر شده است. این افتخاری برای نظام است که شخصی از اول تا الان در مسئولیت‌های بالا بوده میزان ثروتش نسبت به زمان پیروزی انقلاب کمتر شده است. ضد انقلابیون در ساخت این شایعات مؤثر بودند و در این انتخابات نیز برخی افراد از این شایعات سوءاستفاده می‌کنند. این‌گونه عوام‌فریبی‌ها و تخریب واقعیت‌ها، ظلم به نظام است و امیدوارم مسببان آنها ازاین‌گونه کارها توبه کنند».

هر چه پایان تبلیغات و موعد انتخابات نزدیک‌تر می‌شد، موج تخریب‌ها و هجمه‌ها علیه هاشمی رفسنجانی بیشتر و سازمان‌یافته‌تر می‌شد. این مسئله که با سازمان‌دهی عجیبی در سطح کشور در حال انجام بود سرانجام واکنش هاشمی رفسنجانی را در پی داشت. تا جایی که ایشان در روز آخر تبلیغات با صدور رنج‌نامه‌ای از بی‌اخلاقی‌های صورت گرفته اظهار ناراحتی کرد و خطاب به مردم نوشت: «قدرت در پیش من جذابیت ندارد. گفته بودم تمایلی برای حضور درصحنه‌ی انتخابات ندارم. گفته بودم که دوست دارم جلوه‌ی اتحاد را در سیمای نیروهای جدید انقلاب ببینم. گفته بودم که سینه‌ام از ۲۶ سال رازداری انقلاب زخم دار است و گفته بودم که این داروی تلخ را در

این سال‌های کهن‌سالی مجبور به نوشیدن هستم. مردم عزیز ایران! ۲۶ سال است که با یکدیگر در عرصه‌های مختلف برای رسیدن به ایرانی بزرگ و آزاد مقاومت کرده و می‌کنیم. ۲۶ سال است که هر جا شما ایستادید ما نیز به عزت و آبروی شما ایستادیم. شاهد این مدعا آن روزی است که در سال‌های سخت جنگ و در شرایطی که همه‌ی قدرت‌های آن روز جهان، کمر به بستن شاهرگ حیاتی ایران عزیز بسته بودند؛ باعزت و افتخار از طرف شما ملت عزیز، تهدید بربستن تنگه‌ی هرمز نمودم. شاهد این مدعا ۲۶ سال خطابه‌ها و گفتگوهایی است که همه در برابر دیگران به رساترین وجهی و به پشت‌گرمی شما عزیزان سرافرازانه بیان شده است؛ اما همه‌ی اینها نفی‌کننده‌ی انتقادات و مباحثات درونی من نیست. در این‌طرف مدعا نیز شاهد من، تلاش برای پایان جنگی بود که در آن مقطع ادامه‌ی آن متضمن خدشه‌های جدی بر چهره‌ی ایران بزرگ بود و یا نوشته‌های بعضی مطبوعات و گفته‌های بعضی از شخصیت‌های ایران است که در برابر آنچه در سال ۶۸ از سوی این‌جانب در جهت رشد و گسترش آزادی‌های مدنی شهروندان مطرح شده بود، گفتند. آنچه گفتند و رفتند به راهی که جواب آن را در سال ۷۶ گرفتند. آن روز نیز با شما پیمان بستم که به رأی شما احترام می‌گذارم و خیانت را در آن به‌هیچ‌وجه جایز نمی‌دانم و امروز نگرانم. نگران آنچه در طول این سال‌ها، کوچک یا بزرگ، درست یا نادرست، کم یا زیاد به‌دست‌آمده و در بر ماست. در ایران عزیز، در آستانه‌ی دنیای نو صداهایی شنیده می‌شود که به‌واقع دل همه‌ی دردمندان و دلسوزان این کهن بوم و بر را به درد می‌آورد. صدای ملت ایران، صدایی آشناست و در هراسم که این صدای آشنا در بحبوحه‌ی احساسات گرم شما به پژواکی غریب برای جهانیان بدل شود. امروز آمده‌ام و خود را در معرض رأی فرد فرد شما ملت ایران قرار می‌دهم. آرامش و رونق، آسایش و نشاط و آزادی و رفاه حق شما ملت پیروز و استوار است. آن را ارزان به دست کسانی که بر طبل خشونت می‌کوبند، ندهیم. ملت عزیز! نگاهی به سوابق و مناصب این‌جانب در سال‌های مختلف، گویای رنگ باختن جنبه‌های جذاب قدرت در نگاه من است؛ اما به یاد داشته باشید روزی کسی به شما گفت که حق خود را ارزان از کف ندهید. مواظب باشید تا تصویر آرامش و نشاط و رونق واقعی خود را در سیمای آینده ببینید و این انتخاب شما، انتخابی دقیق و سرنوشت‌ساز خواهد بود. در راه رسیدن به عزت اسلامی، تداوم سازندگی و آبادانی ایران، امید و اتحاد بزرگ‌ترین پشتوانه‌ی ماست».

به‌جز حمایت بیشتر احزاب و چهره‌های سیاسی از هاشمی چند روز مانده به انتخابات جامعه روحانیت مبارز تهران طی بیانیه‌ای حمایت خویش را از آقای هاشمی اعلام کرد. جمع کثیری از علما و مدرسین حوزه علمیه قم نیز در بیانیه‌ای از هاشمی رفسنجانی حمایت کردند و اما یکی از جالب‌ترین حمایت‌ها از طرف دکتر حسن غفوری‌فرد، عضو شورای مرکزی موتلفه اسلامی رخ داد. وی در یک میتینگ انتخاباتی گفت: «بزرگ‌ترین گناه هاشمی رفسنجانی این است که آدم بزرگی است و افراد کوچک نمی‌توانند آدم‌های بزرگ را ببینند. از روزی که قطعیت کاندیداتوری هاشمی مطرح شد، سیل سرمایه‌گذاری به‌سوی ایران جریان یافت و بازار راکد بورس شروع به رشد کرد. هاشمی تنها به خاطر احساس مسئولیت قدم جلو گذاشت و اگر کاندیدا نمی‌شد کشور دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شد. عده‌ای که امروز به فرمانده سپاه بودن خود افتخار می‌کنند، نباید از یاد برده باشند که هاشمی نیز از سوی امام (ره) فرماندهی کل قوا را به عهده داشت. تخریب هاشمی تخریب نظام است؛ و متأسفانه برخی نامزدها برای مطرح کردن خود، همه‌ی دستاوردهای نظام را زیر سؤال می‌برند».

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم ـ حمایت دیرهنگام منتقدان دیروز از هاشمی در دور دوّم انتخابات

در نهایت نهمین دوره انتخاب ریاست جمهوری در تاریخ ۸۴/۳/۲۷ با حضور هفت کاندیدا و با مشارکت پرشور مردم برگزار گردید. این انتخابات تنها انتخابات ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی بود که به دور دوم کشیده شد. در دور اول هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد حائز اکثریت آراء شده و به مرحله دوم راه یافتند.

پس از کشیده شدن انتخابات به مرحله دوم، برخی از مشاوران ایشان با اشاره به اعتراض برخی از کاندیداها به آرای محمود احمدی‌نژاد که باعث به وجود آمدن اعتراضاتی از جانب برخی کاندیداها شده بود، خواستار انصراف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از حضور در مرحله دوم انتخابات شدند.

اما ایشان با صدور اطلاعیه‌ای در روز ۱۳۸۴/۳/۲۹ از حضورش در مرحله دوم انتخابات خبر داد. حضور هاشمی رفسنجانی در دور دوم انتخابات با حمایت کاندیداهای

شکست‌خورده مرحله اول از ایشان، فصل جدیدی از روابط ایشان و اصلاح‌طلبان را رقم زد. اصلاح‌طلبان که با اشتباه استراتژیک خود در انتخابات توفیقی کسب نکرده بودند، در مرحله دوم به اتحاد استراتژیک با چهره‌ای دست یافتند که در طول هشت سال گذشته ایشان را آماج حملات خود قرار داده بودند.

مفسران سیاسی بسیاری بر این باور بودند که اگر اصلاح‌طلبان با یک کاندیدای واحد در انتخابات حضور می‌یافتند، امید بسیاری برای حضور کاندیدایشان در مرحله دوم وجود داشت ولیکن حضور سه کاندیدای اصلاح‌طلب باعث تشتت آراء در اردوگاه اصلاح‌طلبی شده بود. عدم مدیریت و رهبری در اردوگاه اصلاحات مسئله مهم دیگری بود که منجر به شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات ۸۴ شد. باوجود اختلافات شدید بین اصلاح‌طلبان و هاشمی رفسنجانی در دور دوم انتخابات اصلاح‌طلبان مجبور به حمایت از ایشان شدند. با نگاهی به رفتار هشت سال دولت اصلاحات و تندرویی‌های صورت گرفته توسط برخی عناصر اصلاح‌طلب علیه هاشمی می‌توان دریافت که در آن زمان اصلاح‌طلبان چنان مست قدرت بودند که هر چه خواستند درباره هاشمی گفتند و نوشتند. این تندروی‌ها تا جایی ادامه داشت که حتی حاضر به ورود ایشان به مجلس ششم هم نبودند و اتفاقاتی را به وجود آوردند که در نهایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را مجبور به انصراف از حضور در مجلس ششم کردند.

اما به‌یک‌باره ورق برگشت و اصلاح‌طلبان برای جلوگیری از خروج کامل خود از دایره قدرت دست دوستی به سمت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دراز کردند. موج حمایت‌ها از هاشمی رفسنجانی به خانواده حضرت امام (ره) رسید و مرضیه دباغ دبیر کل جمعیت زنان جمهوری اسلامی، خبر از حمایت قاطع خانواده حضرت امام خمینی از هاشمی رفسنجانی داد.

مصطفی معین کاندیدای اصلاح‌طلب شکست‌خورده نیز با صدور پیامی از طرفداران خویش خواست که به ایشان رأی بدهند.

محسن مهرعلیزاده کاندیدای دیگر اصلاح‌طلبان نیز در بیانیه‌ای اظهار داشت که به ائتلاف ملی هاشمی رفسنجانی می‌پیوندد.

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم نیز با فراخوان مردم جهت شرکت در مرحله دوم انتخابات، حمایت خویش را از هاشمی رفسنجانی اعلام کردند.

در ادامه میرحسین موسوی و مهدی کروبی نیز با اعلام حمایت از هاشمی، از طرفداران خویش خواستند که به ایشان رأی بدهند. یکی از افرادی که در این ایام با نوشتن نامه‌ای از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حمایت کرد، همسر شهید رجائی بود. با توجه به شعار طرفداران محمود احمدی‌نژاد که او را با شهید رجائی مقایسه می‌کردند، ایشان نسبت به این مسئله اعتراض کرده و طی نامه‌ای نوشت: «آقای احمدی‌نژاد سنخیت و نسبتی با شهید رجائی ندارد. خانواده شهید رجائی او را نمی‌شناسند و با احمدی‌نژاد هیچ ارتباطی ندارند».

برگزاری مرحله دوّم انتخابات ریاست جمهوری ـ محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران شد

سرانجام انتخابات مرحله دوم در روز ۸۴/۴/۳ برگزار شد و محمود احمدی‌نژاد توانست حائز اکثریت آراء شود و به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب گردد. روز بعد از انتخابات دست‌اندرکاران ستاد انتخاباتی هاشمی با وی دیدار کردند.

در این جلسه کرباسچی اشاره‌ای جالب به حمایت اصلاح‌طلبان از آقای هاشمی داشت. وی گفت: «یکی از دستاوردهای این انتخابات دفاع و حمایت کسانی از آقای هاشمی بود که خود در گذشته، بیشترین نقش را در تخریب ایشان داشتند و این خود دستاوردی مهم و بسیار ارزنده است و باید آن را اساس یک حرکت عظیم در آینده ساخت».

ساعاتی پس از این دیدار، هاشمی رفسنجانی با صدور بیانیه‌ای ضمن تشکر از حضور مردم در پای صندوق‌های رأی که باعث استحکام نظام اسلامی و پاسخ مناسب به تبلیغات مسموم و دلسردکننده دشمنان ایران اسلامی شد، ابراز امیدواری کرد که رئیس‌جمهور منتخب به‌خوبی از عهده این مسئولیت خطیر برآمده و بتواند به وعده‌ها عمل کند. ایشان همچنین از آحاد ملت خواستند که ایشان را در راه خدمت به مردم یاری دهند.

در بخش دیگری از این نامه ایشان با اشاره به شبهات در مورد تخلفات انتخاباتی صورت گرفته اعلام کردند: «بنا ندارم که در مورد انتخابات شکایت به داورانی که نشان دادند نمی‌خواهند یا نمی‌توانند کاری بکنند، ببرم و شکایت خود را فقط همانند مورد قبل در دادگاه عدل الهی مطرح می‌کنم. خدایی که با توکل به او و برای جلب

رضایتش به صحنه آمدم و با او معامله کردم و می‌دانم در انتقام الهی اگر کسی معاقب شود، قطعاً مردم، انقلاب اسلامی و ایران نخواهند بود و فقط مجرمان واقعی مجازات می‌شوند».

رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری نهم در حالی با پیروزی محمود احمدی‌نژاد به پایان رسید که سه نامزد مطرح انتخابات یعنی مهدی کروبی، مصطفی معین و آیت‌الله هاشمی، شبهاتی در نحوه برگزاری انتخابات داشتند اما ترجیح دادند با توجه به فضای پیش روی کشور سکوت کرده و اعتراض خود را با صدور یک بیانیه به پایان برسانند.

هشدار نسبت به انحراف از اهداف انقلاب

پس از پایان انتخابات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر مبنای درخواست رهبری سیاست سکوت و حمایت از دولت را در پیش گرفت. در همین سال هاشمی رفسنجانی با مشاهده برخی سیاست‌های اشتباه در پیش گرفته شده توسط دولت نهم و احساس خطر نسبت به آینده کشور و انقلاب ملاقاتی را با مراجع تقلید و علمای قم برگزار کرد. هاشمی رفسنجانی در دیدارهایی با آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله صانعی به بررسی و تشریح سیاست‌های دولت و تأثیر آن بر انزوای ایران از سوی کشورهای جهان پرداخت.

ایشان در این جلسات ادامه این روند را منجر به بحرانی شدن اوضاع کشور و قرار گرفتن ایران در مشکلات شدید و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه دانستند.

یک سال پس از انتخابات نهم، دولت و طرفداران آن موج بی‌سابقه‌ای علیه روشنگری‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به راه انداختند. این افراد به‌واسطه برخورداری از سیستم رسانه‌ای بی‌شمار خود موج حملات بی‌سابقه‌ای را علیه ایشان به راه انداختند و با ایراد تهمت‌ها و اتهامات بی‌پایه و اساس سعی در به حاشیه راندن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را داشتند. در همین ارتباط دریکی از موارد در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱۵، سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حرم حضرت معصومه به تشنج کشیده شد. یک روز پس‌ازاین ماجرا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه به شورای عالی حوزه، مدیریت حوزه علمیه قم، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم ضمن محکوم

کردن تنش‌های ایجادشده در سخنرانی آیت‌الله هاشمی، خواستار برخورد مقامات امنیتی و قضایی با عوامل و مسببان این قضیه شدند.

رسول منتخب‌نیا قائم‌مقام حزب اعتماد ملی، توهین به هاشمی رفسنجانی را توهین به انقلاب و نظام توصیف کرد و گفت: «اگر باب حرمت‌شکنی گشوده شود، توسعه می‌یابد و اگر امروز حرمت هاشمی رفسنجانی و خاتمی شکسته شود قطعاً این حرمت‌شکنی در قبال همه مقامات صورت خواهد گرفت.» آیت‌الله صانعی نیز با ابراز انزجار از این واقعه گفت: «در زمانی که کشور دچار مشکلات شدید و عدیده اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است؛ اخلال و اغتشاش در سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که از معدود چهره‌های ارزشمند انقلاب و نظام است، کار انسان‌های سبک‌مغزی است که حتی راه و رسم مبارزه و مخالفت را هم بلد نیستند».

تقابل دولت با هاشـمی در آستانه انتخابات خبرگان رهبری ـ تلاش دولت برای تصاحب دانشـگاه آزاد

با نزدیک شدن به زمان انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری تیم رسانه‌ای و نزدیکان دولت نهم موجی از انتقادات علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به راه انداخته و سعی در القای خارج شدن هاشمی از ریل انقلاب داشتند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این انتخابات که جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را حامی خود می‌دید، توانست با کسب یک میلیون و پانصد و شصت‌وچهار هزار و صد و هشتادوهفت رأی به‌عنوان نفر اول از تهران به این مجلس خبرگان راه یابد و بدین‌وسیله ترفندهای تیم رسانه‌ای و نزدیکان دولت کارساز نشد.

تقابل دولت با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روزبه‌روز جدی‌تر شده و وارد فضاهای جدیدتری می‌گشت. اقدام بعدی دولت نهم در تقابل با آیت‌الله هاشمی، تلاش برای تغییر اساسنامه دانشگاه آزاد بود. دولت نهم در نظر داشت با تغییر اساسنامه از قدرت و نفوذ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دانشگاهی که خود مؤسس و بنیان‌گذار آن بود، بکاهد.

این اقدام از جایی آغاز گردید که رئیس‌جمهور در پاییز ۸۴ انتقادات خود را علیه نحوه مدیریت دانشگاه آزاد اعلام کرد. همچنین ایشان در سال ۱۳۸۵ در جمع مردم

پیشوای ورامین اعلام داشت: «اگر دانشگاه آزاد شهریه‌ها را کاهش ندهد درباره این دانشگاه تصمیم انقلابی خواهیم گرفت».

اگرچه رئیس دولت دهم برای دستیابی به اهداف سیاسی خود، موجه و غیرسیاسی نشان دادن این عمل و همچنین همراهی اذهان عمومی با انجام آن، بار دیگر از واژه انقلابی‌گری استفاده کرد، اما همگان می‌دانستند که این مسئله به ادامه سیاستهای احمدی‌نژاد نسبت به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ارتباط دارد. دو هفته پس از اشاره به تصمیم انقلابی، احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پنج‌تن از اعضای این شورا برای ارائه طرح ترمیم هیئت مؤسس و اساسنامه دانشگاه آزاد مأموریت داد.

پس از این اقدام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آذر ۸۵ با اعتراض به این رفتار گفت: «امیدواریم شرارت‌هایی که می‌شود تا دانشگاه آزاد را به‌عنوان واحد ملی و جهانی تضعیف کند، شرش را از سر دانشگاه کوتاه کنیم. مطمئن باشید برخی موذیگری‌ها نسبت به حرکت اساسی دانشگاه آزاد شکست خواهد خورد.» ایشان همچنین با دفاع از عملکرد مدیریت دانشگاه آزاد، شروع کار این دانشگاه را یک جهاد توصیف کرد و گفت: «تشکیل این دانشگاه در دهه اول انقلاب بر اساس تشخیص نیاز ما بوده است.»

بروز ناکارآمدی دولت ـ شعارگرایی حربه‌ای برای انحراف اذهان عمومی

در دی‌ماه ۱۳۸۵ اقدامات ناموفق دولت در حوزه سیاست خارجی باعث گردید تا کشور بیش‌ازپیش خطر جنگ را احساس کند. به کار بردن الفاظ خارج از عرف دیپلماتیک و سخنان تهدیدآمیز ایشان باعث گردیده بود تا آمریکا و رژیم صهیونیستی پروژه ایران هراسی در جهان را به راه بیندازند.

در میان درگیرها و تهدیدهای لفظی دو طرف نسبت به هم، ناگهان محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگوی ویژه خبری با انتقاد از برخی اقدامات دولت در حوزه سیاست خارجی اعلام کرد آمریکا ظرف یک ماه آینده به ایران حمله خواهد کرد.

روشنگری‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و انتقاد از وضعیت کشور که به‌واسطه ضعف مدیریت و علاقه وافر دولت نهم به شعارگرایی و استفاده ابزاری از واژه‌هایی چون انقلابی‌گری، عدالت گستری و شایسته‌سالاری، باعث گردیده بود تا دولت نهم دست به تقابل رودررو با نزدیکان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بزند تا به‌واسطه آن و جنجال رسانه‌ای، اذهان عمومی را نسبت به ضعف عملکرد خود منحرف سازد.

در همین راستا در اردیبهشت سال ۱۳۸۶ حسین موسویان عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای و معاون دکتر حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی به اتهام انتقال اطلاعات محرمانه به خارج از کشور و جاسوسی بازداشت شد.

تیم رسانه‌ای دولت خوراک مناسبی پیدا کرده بود تا به‌واسطه آن و هنوز درحالی‌که هیچ اتهامی ثابت نشده بود موج جدیدی از اتهامات از قبیل وابستگی به بیگانگان و خیانت به وطن را علیه هاشمی رفسنجانی و نزدیکانش به راه بیندازند. واکنش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد اتهامات به نزدیکانش سکوت و تنها ذکر جمله: «به‌زودی حقیقت معلوم می‌شود.» بسنده کرد.

دیری نپایید که سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که موسویان از اتهام‌های جاسوسی و نگهداری اسناد محرمانه تبرئه شده است. چندی بعد نیز، قاضی پرونده اعلام کرد: «اتهام جاسوسی موسویان احراز نشده است». با مشخص شدن حقایق و اهداف پشت پرده تیم رسانه‌ای دولت، احمدی‌نژاد بیکار ننشسته و در یکی از سخنرانی‌هایش اعلام

کرد: «کار را به‌جایی رساندند که جاسوس فرستادند و اطلاعات درون سیستم را به‌طور منظم به آنها گزارش می‌دادند. البته اگر این جاسوس به دادگاه هم برود به قاضی فشار می‌آورند تا او را تبرئه کنند».

در این سال و پس از فوت آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در رقابت با آیت‌الله جنتی توانست به‌عنوان رئیس مجلس خبرگان انتخاب گردد.

عملکرد نامناسب دولت نهم در حوزه سیاست خارجی و شعارگرایی دولت در تحقق عدالت اجتماعی، انجام سفرهای پرهزینه استانی رئیس‌جمهور وقت و تصویب صد طرح بدون کارشناسی در جلسات چندساعته هیئت دولت در هر سفر استانی، باعث به وجود آمدن نارضایتی کارشناسان مسائل اقتصادی گردیده بود. کارشناسان اقتصادی تصویب این‌گونه طرح‌ها را عوام‌فریبی تلقی کرده و از آن به‌عنوان یک دام خطرناک برای آینده اقتصاد کشور نام بردند.

هرچه به پایان دولت نهم و انتخابات ریاست جمهوری دولت دهم نزدیک‌تر می‌شدیم، موج وعده‌ها و شعارهای تبلیغاتی دولت نهم بیشتر می‌شد. دولت نهم عملاً خود را در تحقق شعارهای انتخاباتی‌اش ناتوان‌تر می‌دید سعی در انحراف اذهان عمومی از مسائل و مشکلات بوجود آمده به واسطه بی‌تدبیری و عملکرد نامناسب خود داشت.

ادامه جریان‌سازی‌های جعلی علیه خانواده هاشمی این بار با پدیده‌ای به نام پالیزدار

دولت نهم که از روشنگری‌ها و اخطارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نسبت به انحراف از اصول انقلاب و اعتراض به شعارگرایی دولت به ستوه آمده بود، طرح جدیدی برای اتهام زنی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پیش گرفت.

بر این اساس در اردیبهشت ۸۷ عباس پالیزدار با انجام سخنرانی در دانشگاه بوعلی سینای همدان خبرساز شد. در این سخنرانی که در یک اقدام هماهنگ شده با انتشار سی‌دی‌های سخنرانی به‌سرعت در کشور پخش گردید، پالیزدار اتهاماتی به فرزندان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وارد کرده و آنها را متهم به فساد اقتصادی و اخلاقی کرد. در این سخنرانی علاوه بر آیت‌الله هاشمی، تعداد دیگری از مراجع تقلید و

شخصیت‌های برجسته نظام مورد اتهام قرار گرفتند.

پس از شکایت بعضی از مراجع، نامبرده دادگاهی و به زندان محکوم گردید. اظهارات عباس پالیزدار بعدها دستمایه‌ای برای ظهور ادبیات معروف به بگم، بگم رئیس‌جمهور نهم گشت. اگرچه بعدها در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم عباس پالیزدار راجع به سوءاستفاده جریان انحرافی، از خود پرده برداشت و اعلام داشت: «جریان انحرافی به دنبال زدن ریشه و اصل اسلام است، من جریان انحرافی را بسیار خطرناک‌تر از همه مشکلات و مصائب دیگر نظام می‌دانم».

وی همچنین اظهار داشت: «هدف جریان موسوم به انحرافی سندسازی علیه جریان اصلاح‌طلبی و شخص هاشمی رفسنجانی، جهت استفاده تبلیغاتی در انتخابات پیش رو بود».

جواد ترابی یکی از همکاران عباس پالیزدار در پروژه موسوم به تحقیق و تفحّص مجلس از قوه قضائیه درباره سوءاستفاده جریان انحرافی از عباس پالیزدار می‌گوید: «برای پالیزدار دام پهن کرده بودند. پالیزدار کاندیدای شورای شهر تهران شد، آن زمان لیستی به نام رایحه‌ی خوش خدمت و لیست ستادهای مردمی حامیان دکتر احمدی‌نژاد بود که پالیزدار هم در این لیست‌ها قرار گرفت ولی رأی نیاورد. در همین حین به او پیشنهاد می‌شود که اگر می‌خواهی در آینده رأی بیاوری باید چهره شوی و برای چهره شدن باید در دانشگاه‌ها سخنرانی کنید». ترابی در مورد اطلاعات افشاشده توسط پالیزدار می‌گوید: «ایشان اطلاعات نه‌چندان درستی که با یک‌بار مطالعه گزارش صد و هشتاد صفحه‌ای به دست آورده بود را افشا کرد و روند تحقیق و تفحص را تغییر داد.»

اگرچه بعدها پالیزدار از زندان نامه‌ای به آیت الله هاشمی رفسنجانی نوشته و با ابراز ندامت از اظهارات جعلی خود گفت: «اینجانب بدون هیچ مستنداتی و به اتکا شنیده‌های غیرمستند از نزدیکان احمدی‌نژاد مطالبی گفتم و در سخنرانی‌هایم گفته‌ام که هیچ پرونده‌ای راجع به حضرت عالی و خانواده شما ندیده‌ام. پیشاپیش از صبر و بردباری شما که در طول این یکسال هیچ شکایتی از اینجانب ننموده‌اید تشکر می‌کنم، علیرغم اینکه تنها کسی که محق بر شکایت بود شما بودید.»

القای وجود اختلاف میان مقام معظم رهبری و هاشمی توسط حامیان دولت

انتقادهای آیت‌الله هاشمی، نسبت به عملکرد دولت نهم و تصویب طرح‌هایی چون نظارت مجمع تشخیص مصلح نظام بر قوای سه‌گانه، باعث شد که در طول دولت نهم روابط بین مجمع تشخیص مصلحت نظام و دولت به یکی از بحرانی‌ترین زمان‌های خود تبدیل گردد تا بدان جا که رئیس دولت نهم تصمیم به عدم شرکت در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام گرفتند.

در مرداد ۱۳۸۷ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از پایان مدارای مجمع تشخیص مصلحت نظام با دولت نهم در زمینه نظارت بر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی خبر داد و گفت: «مقام معظم رهبری در ابتدای فعالیت دولت نهم از ما خواستند مدتی با این دولت مدارا کنیم. اکنون زمان مدارا به پایان رسیده است». در این زمان رسانه‌های پرشمار نزدیک به دولت سعی در القای وجود اختلاف بین مقام معظم رهبری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشتند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به شبهات موجود و القای اختلاف بین ایشان و مقام معظم رهبری و چگونگی حل اختلاف می‌گویند: «البته که اختلافاتی داریم، مگر می‌شود دو تا انسان با یکدیگر هیچ‌گونه اختلافی نداشته باشند. احتمالاً آن چیزی که موجب پرسش شماست، اختلاف در امور مهم و سیاست‌های کلان کشور در داخل و خارج است. من و رهبری در موارد اختلافی، با یکدیگر بحث می‌کنیم تا یکی از دو نفر مجاب شود. اگر من قانع شدم که تکلیف روشن است، اگر مقام معظم رهبری ادله و توجیهات مرا پذیرفتند، خوب مطابق تکلیف خود عمل می‌کند؛ اما اگر هیچ‌کدام از ما نظرات دیگری را نپذیرفتند و از براهین و توضیحات ارائه‌شده متقاعد نشدند، چه باید کرد؟ این موضوع را با آقا به مباحثه گذاشتیم و سرانجام با دلیلی که می‌گویم، بنده خود را مکلف دیده و می‌بینم که از نظرات و اوامر ولی امر، تمکین و تبعیت کنم و آن دلیل این است که ایشان در فرض عدم قناعت، حجت شرعی در پذیرفتن نظرات مرا ندارند، ولیکن من جهت عمل به نظرات و تصمیمات اخذشده از سوی ایشان به‌عنوان رهبری، عندالله حجت شرعی و قانونی دارم».

در این فصل می‌خوانیم:

- دعوت هاشمی به حضور حداکثری مردم پای صندوق‌های رأی
- آغاز ثبت نام کاندیداها -انصراف خاتمی از حضور در انتخابات
- بیانیه استادان دانشگاه شریف و انتقاد از عملکرد دولت نهم
- اعتراض به تلاش دولت برای بهره‌برداری سیاسی از افتتاح پروژه‌ها
- مناظرات جنجالی کاندیداها
- ایراد اتهامات بی‌اساس رئیس دولت به بزرگان نظام از رسانه ملّی
- حرمت شکنی حامیان دولت در حرم امام
- واکنش مقام معظم رهبری به اظهارات سخیف رئیس دولت در مناظرات
- عدم توجه صدا و سیما به درخواست هاشمی
- نامه هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب
- جنجال حامیان دولت علیه هاشمی
- دیدار مقام معظم رهبری با هاشمی
- عذرخواهی پالیزدار از آیت الله هاشمی رفسنجانی
- برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم
- دعوت هاشمی به حضور مردم در صحنه انتخابات
- پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات
- اعتراض کاندیداها با نتایج
- دیدار میرحسین موسوی با مقام معظم رهبری
- تاکید رهبری به حفظ آرامش و حرکت در سایه قانون
- بالا گرفتن اعتراضات پس از توهین احمدی‌نژاد به طرفداران رقیب
- اولین نماز جمعه پس از انتخابات به امامت مقام معظم رهبری
- آخرین نماز جمعه آیت الله هاشمی - همه آماده بودند
- ارائه راهکار برای برون رفت از بن‌بست
- تبلیغات منفی جریان انحرافی علیه هاشمی
- خاطره ناطق نوری از ولایتمداری هاشمی
- مراسم تنقید رئیس جمهور – غیبت چهره‌های شاخص
- بیم تندروها از حضور مجدد هاشمی در نماز جمعه – وداع هاشمی با تریبون نماز جمعه
- دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات
- اعتراض مقام معظم رهبری به پخش اعتراضات متهمان

فصل هشتم
هاشمی و انتخابات ۸۸

- بازتاب اعتراضات متهمین حوادث پس از انتخابات در رسانه‌های بیگانه
- هشدار هاشمی به هزینه کردن رهبری توسط رئیس جمهور
- موج اتهام زنی به چهره‌های خدوم انقلاب – نوبت به یادگار امام رسید
- هشدار هاشمی به معترضین به یادگار امام
- هشدار هاشمی نسبت به خطر حذف روحانیت توسط جریان انحرافی
- تاکید بر حفظ جایگاه رهبری
- دعوت هاشمی به رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط
- اعتراض هاشمی به توهین به تمثال حضرت امام در روز دانشجو
- اتهامات واهی به پسر برای تخریب وجهه پدر
- تیزهوشی هاشمی در مسئله انتخابات خبرگان رهبری – تیر جریان انحرافی به سنگ خورد
- تقدیر رهبری از عملکرد هاشمی در خنثی کردن نقشه دشمن
- تحقق پیش بینی هاشمی در مورد دولت دهم
- یازده روز خانه‌نشینی رئیس جمهور در اعتراض به تصمیم رهبری
- افتادن نقاب ولایتمداری از چهره مدعیان
- اشاره هاشمی به چالش‌های پیش روی دولت آینده
- ارائه راهکار به رئیس جمهور آینده برای برون رفت از مشکلات

دعوت هاشمی به حضور حداکثری مردم پای صندوق‌های رأی

سال ۱۳۸۸ یکی از حساس‌ترین سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران بود. دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در این سال برگزار شد. با توجه به انتخابات پیش رو، گمانه‌زنی‌ها و فعالیت‌های جناح‌های مختلف سیاسی بسیار شدید شده بود. دولت نهم و حامیانش سعی در القای حمایت رهبری از خود در انتخابات پیش رو نزد اذهان عمومی داشتند. این مسئله با صحبت‌های هوشمندانه مقام معظم رهبری در جمع زائران حرم امام رضا (ع) در نوروز ۸۸ بی‌اثر شد.

مقام معظم رهبری در پاسخ به شایعات حمایت ایشان از کاندیدای خاص فرمودند: «درباره موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم و آن را در صندوق رأی می‌اندازم. به یک نفر رأی خواهم داد و به هیچ‌کس دیگر هم نخواهم گفت به چه کسی رأی بدهید و به چه کسی رأی ندهید. این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت و دفاع می‌کنم. بعضی افراد سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم، این مربوط به اعلام موضع انتخابی نیست».

پس از اعلام صریح مقام معظم رهبری نسبت به مواضع خود، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در اولین خطبه نماز جمعه در این سال با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری، اعلام کردند: «نکته‌ای که در سخنان ایشان مهم بود و به شایعات زیادی پایان داد، این بود که فرمودند: «من از هیچ‌کس در انتخابات قانونی که باید انجام شود، حمایت نمی‌کنم. یک رأی دارم و این رأی را به هرکسی که ترجیح بدهم اصلح‌تر است به او می‌دهم»؛ بنابراین به‌حساب ایشان نباید گذاشته شود که از کسی حمایت می‌کنند یا حمایت نمی‌کنند. این قانون است، قانون اگر صلاحیت افراد را تأیید کرد وارد رقابت می‌شوند و حقی هم دارند. این حق را باید مجریان و ناظران فراهم کنند. این صراحتی که رهبری داشتند جای نگرانی نیست».

هاشمی همچنین درباره‌ی علت حمایت مکرر رهبر از دولت نهم و انتقادات خویش از دولت گفت: «من این‌جوری خودم را راضی و قانع می‌کنم که رهبر معظم انقلاب اسلامی، تحلیلی را از اوضاع دارند و تشخیصشان این است که اگر از دولت

دفاع و پشتیبانی نکنند، ممکن است دولت برای ادامه‌ی کار با مشکل مواجه شوند. در شرایط فعلی این به صلاح نیست. موضع من در حق دولت نهم همان سکوت من است و فکر نمی‌کنم که رهبر انقلاب در این زمینه چیز بیشتری از من بخواهد، زیرا ایرادات و انتقادات مرا به این دولت در ابعاد گوناگون مستحضر می‌باشند».

در همین ایام هاشمی در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه همشهری مبنی بر هشدارهای مکرر ایشان در مورد سلامت انتخابات که حاکی از وجود یک نگرانی در ایشان که عقبه آن به حوادث انتخابات نهم ریاست جمهوری برمی‌گردد، گفت: «حوادث سال ۱۳۸۴ در هشدارهای من بی‌تأثیر نیست. دیدم کسانی که خود را قیّم مردم می‌دانند، در انتخابات دخالت کردند و من هم به خاطر مصالح انقلاب به خداوند واگذار کردم و در بیانیه‌ام گفتم که خدا می‌داند چگونه عمل کند که آسیبی به مردم نرسد؛ و مقصران آن آسیب ببینند؛ اما هشدارهای اخیر من دلایل مختلف دارد. در طول این سی سال همیشه در آستانه‌ی هر انتخابی این حرف‌ها را می‌زنم. می‌توانید به آرشیو سخنان من مراجعه کنید و ببینید. حتی پس از پایان دوره‌ی دوم ریاست جمهوری خودم در سال ۱۳۷۶ یک سخنرانی معروف در نماز جمعه کردم که مؤید این حرف من است. در آن سخنرانی از هیچ‌کس طرفداری نکردم. آن روز وقتی برای نماز جمعه به مصلا می‌رفتم در اتاق استقرار قبل از خطبه‌ها، نمایندگان هر دو جریان انتخابات آمده بودند و ابراز نگرانی می‌کردند.

می‌گفتند: «اطلاعات زیادی داریم؛ که وزیر کشور هم منسوب به یکی از جناح‌ها بوده است.»

من وقتی آن حرف‌ها را شنیدم همان‌جا در نماز جمعه به مردم گفتم: «به‌عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و مسئول برگزاری انتخابات نمی‌گذارم تقلب شود و جلوی هرکسی که بخواهد تقلب کند می‌ایستم.» واقعاً هم ایستادم و برایم مهم نبود که چه کسی و از کدام جناح باشد. چون حفظ مصالح نظام و اقتدار جمهوری اسلامی برایم مهم بود. هنوز هم‌چنین است، همه می‌دانستند که من به حرفی که زدم عمل می‌کنم. این حرف‌ها مربوط به زمانی بود که به‌عنوان رئیس‌جمهور مسئول برگزاری انتخابات بودم؛ بنابراین حرف‌های من مربوط به دولت خاصی نیست. یک نمونه دیگر از سال‌های اول پیروزی انقلاب بگویم. من به‌عنوان سرپرست وزارت کشور در زمان دولت موقت، مسئول برگزاری انتخابات بودم. وقتی به وزارت کشور رسیدم

گروهی از کارشناسان برگزاری انتخابات که در وزارت کشور از زمان رژیم پهلوی مانده بودند، به من گفتند: «ما تجربه داریم که چگونه کسانی را انتخاب کنیم شما بفرمایید شما به چه کسانی و جریانی نظر دارید تا همان صندوق‌ها بیرون بیاید.» من با آنها برخورد کردم و گفتم: «در این صورت چه فرقی بین نظام اسلامی و رژیم پهلوی است؟»

الان احساس می‌کنم که متأسفانه کسانی پیدا شدند که روزی مؤلفه‌القلوب بودند و الان متولی شدند و این افراد خود را قیّم می‌دانند. به خبرنگاران توصیه می‌کنم به آرشیو سخنان من در ماه‌های قبل از برگزاری هر انتخاباتی در طول این سی سال مراجعه کنید و ببینید که چه هشدارهایی را به‌عنوان وظیفه‌ی انسانی ملی، اسلامی و مسئولیتی خود می‌دادم. چون می‌دانم که اگر قرار این است که نظام اسلامی بماند، باید رأی مردم محترم باشد. حکومت بدون رضایت مردم اسلامی نیست و هیچ لذتی هم ندارد و مثل لشکرکشی کشورگشایی است».

در این سال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به دو موضوع حضور حداکثری مردم در انتخابات و لزوم صیانت از آرای آنها تأکید ویژه داشتند. ایشان در خطبه‌های نماز جمعه تاریخ ۸۸/۲/۴ با اشاره به نقش مردم در تعیین سرنوشت خود فرمودند: «افکار عمومی بهترین پایگاه مقاوم انقلاب است. ما باید پاسدار سلامت افکار عمومی باشیم، مردم را باید برای تصمیم درست آماده کنیم. نقطه درست این است که از مردم توقع داریم توقع ملی دینی و انقلابی ما از مردم این است که می‌توانیم بیش از چهل میلیون رأی در صندوق بریزیم. اگر کمتر بریزیم نشان بی‌تفاوتی است. بی‌تفاوتی مردم ضرر دارد. هم برای کشور هم برای انقلاب و هم برای خودشان. مردم سرنوشت خود و فرزندانشان را نمی‌توانند نادیده بگیرند. قهر کردن از صندوق رأی جز ضرر برای خود مردم ندارد. اگر مردم نروند پای صندوق‌های رأی بالاخره از صندوق کسی بیرون می‌آید. وقتی توده‌ی مردم نیایند اقلیتی رأی می‌دهند و یکی درمی‌آید. این به نفع هیچ‌کس نیست. اعتبار نظام هم مخدوش می‌شود. مردم احساس وظیفه می‌کنند رأی بدهند. الان فضای انتخابات رقابتی است. من فکر می‌کنم با تأکیدی که شد نظام و کشورمان را بیمه کرده‌ایم».

آغـاز ثبت نـام کاندیداها _ انصـراف خاتمی از حضور در انتخابات

با آغاز ثبت‌نام کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری، افراد شاخص ثبت‌نام کردند. پس از بررسی شورای نگهبان دکتر محسن رضایی، مهندس سید حسین موسوی، حجت‌الاسلام مهدی کروبی و دکتر محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان کاندیدای نهایی معرفی شدند.

درحالی‌که سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق ایران در روز ۸۷/۱۱/۲۰ رسماً اعلام کرده بود که به‌عنوان نامزد دهمین دوره ریاست جمهوری ثبت‌نام خواهد کرد، پس از اعلام نامزدی میرحسین موسوی برای حضور در انتخابات، ایشان در بیانیه‌ای که در ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ منتشر شد، رسماً از شرکت در انتخابات انصراف داد.

در فاصله چهل روز مانده به برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس هشتم با عدم تصویب دو فوریت لایحه ارائه‌شده از طرف دولت نهم برای کاهش سن رأی‌دهندگان از ۱۸ سال به ۱۵ سال، عملاً قانون قبلی را برای انتخابات ریاست جمهوری تثبیت کرده و مانع بروز حاشیه در آستانه انتخابات شدند. دولت نهم در لایحه ارائه‌شده عنوان داشت که با تصویب این قانون چهار میلیون از جوانان امکان مشارکت در انتخابات را به دست خواهند آورد. طرح دیگر دولت که با واکنش منتقدان دولت همراه بوده و آن را تلاش برای اثرگذاری بر روند انتخابات و تبلیغ به نفع دکتر احمدی‌نژاد می‌دانستند، طرح دولت برای حذف رایانه‌های سوخت و انرژی و توزیع بخشی از آن به‌صورت نقدی میان برخی طبقات جامعه بود که در دولت و کمیسیون تلفیق تصویب شد. در جریان تصویب لایحه بودجه این طرح با مخالفت نمایندگان مواجه گردید.

با اعلام برخی از احزاب کشور برای تحریم انتخابات، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تأثیر حضور و رأی مردم در انتخابات را غیرقابل‌انکار دانسته و با دعوت از مردم برای حضور پرشور در انتخابات گفت: «کسانی که فکر می‌کنند با قهر کردن با انتخابات مسئله‌ای حل می‌شود سخت در اشتباه‌اند چراکه در این صورت حق تعیین سرنوشت خود را از دست می‌دهند».

در این ایام میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو نامزد اصلاح‌طلب ضمن ابراز

نگرانی از صحت انتخابات، «کمیته صیانت از آرا» را تشکیل دادند.

در همین زمینه مقام معظم رهبری نیز پیش‌تر فرمودند: «انتخابات در یک کشور حرکت نمایشی نیست. پایه‌ی نظام ما همین انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود. مردم‌سالاری دینی با مشارکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد. این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. بنده همواره سعی‌ام در درجه‌ی اول انتخابات این است که به مردم عرض کنم حضور شما در انتخابات مهم است. مسئله یک مسئله سیاسی و فکری و اخلاقی محض نیست، یک مسئله همه‌جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سروکار دارد بخصوص انتخاب ریاست جمهوری که سپردن قوه اجرائیه کشور به دست یک نفر و یک مجموعه است که کشور را برای چند سال اداره کنند. آن‌قدر این انتخابات اهمیت دارد».

در همین زمینه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران ضمن اشاره به سخنان مقام معظم رهبری گفت: «در این دو ماه آینده باید کار بسیار بزرگی بکنیم. من باز تأکید می‌کنم روی صحبت‌های مقام معظم رهبری که حقیقتاً آرامش خاطری داد به توده‌ی مردم و نخبگان که در این انتخابات دو، سه نکته هست که باید مراعات شود. چیزی که مربوط به مسئولان است سلامت انتخابات است، سلامت انتخابات باید برای مردم مشخص شود. مردم با خیال راحت باید پای صندوق‌های رأی بروند. الان فضای انتخابات رقابتی است. من فکر می‌کنم با تأکیدی که شد مسئله‌ی سلامت انتخابات تضمین است. اگر بتوانیم انتخابات نیرومندی برگزار کنیم برای چند سال آینده نظام کشورمان را بیمه کرده‌ایم».

بیانیه استادان دانشگاه شریف _ انتقاد از عملکرد دولت نهم

درحالی‌که سفرهای تبلیغاتی کاندیداها آغاز شده بود، صدوبیست و پنج نفر از استادان دانشگاه صنعتی شریف طی بیانیه‌ای خواستار تبلور عقلانیت در مدیریت کشور و مشارکت فعال اساتید و متخصصان، در برنامه‌ریزی‌های کشور بودند و

ایرادات اساسی و تأثیرگذار دولت که مهم‌ترین آنها شامل: «خارج کردن تدریجی متخصصان باتجربه از دایره‌ی تصمیم‌گیری، عدم ثبات مدیریتی، گسترش واردات کالاهای مصرفی به بهای ضربه به تولیدات داخلی، به رکود کشاندن اقتصاد برای جبران اسراف‌کاری‌ها و بی‌برنامگی‌های گذشته، عدم بهبود شاخص‌های رشد و بیکاری و تورم باوجود درآمدهای کلان نفتی، انتقاد از پیشرفت شاخص‌های خط فقر و نابرابری اقتصادی و گریختن از حسابرسی و قوانین مصوب، انتقاد از تنزل گفتمان اجتماعی صرفاً به دادوستدهای پولی باوجود ادعاهای ارزش‌مدارانه، تکیه‌بر شعارهای عوام‌پسند نظیر مبارزه با مافیا و مظلوم‌نمایی باوجود در اختیار داشتن تمام ابزار قدرت، تحقیر مردم و سعی در تطمیع آنان به نام عدالت‌طلبی از خزانه‌ی ملی، شکستن حرمت بزرگان و اندیشمندان و همچنین سوءاستفاده از احساسات پاک دینی و عدالت‌طلبانه‌ی مردم در جهت فعال کردن شکاف‌های فرهنگی و طبقاتی با ایجاد تضاد و تفرقه در سطح ملی.» بود را یادآور شدند.

این بیانیه پس‌ازآن توسط استادان دانشگاه صنعتی شریف امضاء شد.

اعتـراض به تـلاش دولت برای بهره برداری سیاسـی از افتتـاح پروژه‌ها

دولت نهم در آستانه‌ی انتخابات دست به اقداماتی زد که با اعتراض کاندیداهای دیگر مواجه شد. اقداماتی از قبیل توزیع سهام عدالت، افتتاح پیش از موعد راه‌آهن اصفهان-شیراز و کرمان-زاهدان که منجر به بروز حادثه و تعطیلی آن سه روز پس از افتتاح شد. بهره‌برداری از آزادراه پردیس-تهران که یک روز پس از افتتاح به دلیل تکمیل نبودن، مجدداً بسته شد، عدم ارائه آمارهای اقتصادی سال ۸۷ که به گفته منتقدان مانع انتشار کارنامه دولت شد، آزمایش و پرتاب موشک بالستیک، توزیع سیب‌زمینی رایگان همزمان با سفر استانی رئیس‌جمهور به سمنان، اقداماتی بود که منتقدان دولت آنها را به‌عنوان تلاش دولت برای بهره‌برداری سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری می‌دانستند.

مناظـرات جنجالـی کاندیداهـا _ ایـراد اتهامـات بی‌اسـاس رئیـس دولـت نهـم بـه بـزرگان نظـام از رسـانه ملّـی

سرانجام با اعلام رسمی کاندیداهای حائز شرایط، زمان تبلیغات برای انتخابات آغاز گردید. یکی از موارد در نظر گرفته‌شده در این انتخابات مناظرات تلویزیونی بین کاندیداها از تاریخ ۸۸/۳/۱۲ تا ۸۸/۳/۱۷ بود. در این مناظرات کاندیداهای ریاست جمهوری به‌صورت مستقیم رودرروی یکدیگر قرارگرفته و با تشریح برنامه‌های خود، نسبت به برنامه‌های یکدیگر صحبت و تبادل‌نظر کردند. یکی از مهم‌ترین مناظرات، مناظره بین دو کاندیدایی که در نظرسنجی‌ها دارای بالاترین بخت تصدی پست ریاست جمهوری بودند یعنی مهندس میرحسین موسوی و دکتر محمود احمدی‌نژاد بود که در تاریخ ۸۸/۳/۱۳ برگزار گردید.

این مناظره طبق پیش‌بینی کارشناسان بسیار جنجالی و دارای حواشی فراوان بود.

در خلال برگزاری مناظره بین میرحسین موسوی و محمود احمدی‌نژاد از رسانه ملی و در یک اقدام کم‌سابقه، محمود احمدی‌نژاد اتهاماتی را از رسانه ملی علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خانواده ایشان مطرح کرد که با شگفتی کارشناسان مسائل سیاسی همراه شد.

این شگفتی بیشتر بابت آن بود که رئیس‌جمهور وقت در این مناظره بجای بیان دیدگاه‌های خود، در یک اقدام روبه‌جلو و با ایراد اتهام به آیت‌الله هاشمی، مسیر مناظره را تغییر داده و به اظهار کارشناسان، مانع نقد و بررسی عملکرد نه‌چندان مطلوب دولتش توسط میرحسین موسوی شد.

البته محمود احمدی‌نژاد اتهاماتی را علیه دیگر یار دلسوز امام و رهبری یعنی آقای ناطق نوری نیز وارد کرد. رئیس‌جمهور در این مناظره به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و فرزندانش، علی‌اکبر ناطق نوری و فرزندش، غلام‌حسین کرباسچی و همسرش، محسن صفایی فراهانی از نمایندگان متحصن دوره ششم مجلس شورای اسلامی اتهاماتی وارد ساخت. همچنین در اواخر این مناظره، احمدی‌نژاد پرونده زهرا رهنورد همسر میرحسین موسوی را روبروی دوربین قرار داد و ادعا کرد که او به‌صورت غیرقانونی دو مدرک فوق‌لیسانس گرفته، بدون کنکور مدرک دکترا گرفته

و حتی رئیس دانشگاه شده است.

این اقدام احمدی‌نژاد با اعتراض میرحسین موسوی مواجه شد و با اعتراض به رئیس‌جمهور وقت گفت: «آقایان هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری چه ارتباطی با من دارند؟» در ادامه احمدی‌نژاد اعلام کرد: «قبلاً هم وعده کرده بودم که بگویم باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست، تنها آقای موسوی نیست. بلکه سه دولت پی‌درپی در برابر بنده قرارگرفته‌اند. هم آقای موسوی، هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که این سه در گذشته باهم بودند. در دوره گذشته آقای موسوی هم از آقای خاتمی و هم از آقای هاشمی حمایت کرد؛ و هم آقای خاتمی از آقای هاشمی حمایت کرد. درواقع اینها همه باهم بودند. از روز اولی که این دولت تشکیل شد هجوم‌ها بود برای ضربه زدن، البته مردم اینها را می‌دانند اما باید جوان‌ها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم، در برابر یک مجموعه‌ای هستم؛ که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کرده‌اند».

حرمت شکنی حامیان دولت در حرم امام ـ واکنش مقام معظم رهبری به اظهارات سخیف رئیس دولت در مناظرات

البته اتهامات احمدی‌نژاد به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اینجا ختم نشد و در رسانه ملی مدعی تلاش هاشمی رفسنجانی با حمایت کشورهای عربی برای ساقط کردن دولت در پی شکست در انتخابات قبل شد. وی گفت: «آنها در انتخابات قبل صف‌آرایی کردند؛ اما ملت بر آنها غلبه کرد. در طول این چهار سال تلاش کردند که دولت را ناموفق جلوه دهند و بشکنند اما خدای متعال عنایت کرد و با حمایت مردم تا اینجا آمدیم. در انتخابات قبل از داخل و خارج کشور رقیب من پشتیبانی و کمک شد. در همان اوایل این دولت، آقای هاشمی پیغامی برای یکی از این پادشاهان حاشیه خلیج‌فارس فرستاد که شما نگران نباشید ظرف شش ماه این دولت ساقط می‌شود».

روز ۱۴ خرداد ۱۳۸۸ در مراسمی که به مناسبت سالگرد امام راحل در حرم مطهر ایشان برگزارشده بود، سران نظام ازجمله احمدی‌نژاد، موسوی، هاشمی و ناطق نوری در کنار یکدیگر قرار گرفتند. صحبت‌های خصوصی سرپایی هاشمی و احمدی‌نژاد از

حاشیه‌های جالب این مراسم بود.

بعدها آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد سخنان ردوبدل شده بین ایشان و احمدی‌نژاد می‌گوید: «در سالگرد رحلت امام در مرقد به ایشان گفتم: "حرف‌های ناقص گفته‌اند. ترجیح می‌دهم خودشان اصلاح کنند وگرنه ناچارم توضیح بدهم"».

همچنین آیت‌الله مهدوی کنی یکی از مهم‌ترین حامیان احمدی‌نژاد بود، در گفتگوی کوتاهی که با او داشت، از اظهاراتش ابراز نگرانی شدید کرد.

در این مراسم علیرغم سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در راستای حفظ آرامش و ایجاد جو سالم انتخاباتی، حامیان محمود احمدی‌نژاد در حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به فحاشی و شعار دادن علیه وی پرداختند.

در این مراسم مقام معظم رهبری با اشاره به مناظره نسبت به اظهارات احمدی‌نژاد واکنش نشان داد. ایشان در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به مناظره فرمودند: «صحیح و موردپسند نیست که یک نامزد در سخنرانی در جمع مردم یا نطق‌های تلویزیونی، برای اثبات خود، به نفی نامزد دیگر متوسل شود. بنده با مناظره و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم، ولی همه سعی کنند که در چارچوب‌های درست شرعی و دینی انجام شود».

درحالی‌که رهبری در سخنان خود به روند تخریب و اتهام زنی در مناظرات انتخاباتی اعتراض کرده بودند ولی رئیس‌جمهور دولت نهم بی‌توجه به تذکر رهبری به سخنان پیشین خود تأکید ورزیده و در برنامه گفتگوی ویژه خبری گفت: «یک سؤال جدی دارم. مگر ما پیرو آن امامی نیستیم که وقتی ناظر بر بازار اهواز دچار انحراف مالی شد نامه نوشت به حاکم اهواز که به‌محض دریافت این نامه باید آن فرد را برکنار کنی و آبرویش را بریزی و مبادا در مجازات او غفلت کنی که نزد خدا خوار می‌شوی؟ و امام می‌فرماید: «اگر این کار را نکنی من تو را به زشت‌ترین شکلي برکنار خواهم کرد.»

بعضی‌ها به من گفتند: «چرا اسم‌ها را اعلام کردی؟» مشکل ما در حلقه مدیریت این بود که مردم و انقلاب و منافع ملی را فدای یک عده‌ای کردیم! یعنی یک عده آن‌قدر مقدس شدند و آن‌قدر بالا رفتند که حریم آنها شد حریم ممنوعه! درحالی‌که در مشی انقلاب و اسلام، در مشی امیرالمؤمنین، در مشی مردم، در مشی امام راحل و در مشی ولایت و رهبری همیشه منافع ملی بر منافع افراد ترجیح دارد؛ یعنی هر جا تضاد پیدا شود، افراد را باید قربانی کنیم. حتی به دستور امام علی (ع) باید

انگ ننگ را بر پیشانی‌شان بچسبانیم. اینها را ببریم توی بازارها تا همه بفهمند که دست‌اندازی به بیت‌المال، ویژه خواری و امتیازخواهی یک ننگ ابدی است تا به ضد ارزش تبدیل شود».

عـدم توجـه صدا و سـیما به درخواسـت هاشـمی - نامـه هاشـمی رفسـنجانی به رهبـر انقلاب

در حین مناظرات با عدم موافقت درخواست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از صداوسیما جهت حضور در برنامه‌ای جهت پاسخگویی به اظهارات احمدی‌نژاد و موکول کردن آن به بعد از انتخابات، دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از نوشتن نامه‌ای توسط ایشان به مقام معظم رهبری خبر داد که به‌سرعت در رأس اخبار خبرگزاری‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفت.

دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «به دنبال خلاف‌گویی‌ها و تهمت‌های دکتر محمود احمدی‌نژاد درباره بسیاری از بزرگان این کشور، ازجمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مبارز نستوه انقلاب از سال ۴۲ تا ۵۷، عضو کمیته حل مشکلات سوخت مردم در زمستان ۵۷ برای مذاکره با اعتصابیون شرکت نفت آبادان، عضو هیئت حل مشکلات کردستان در سال ۵۸، عضو شورای انقلاب، سرپرست وزارت کشور در دولت موقت، رئیس مجلس شورای اسلامی از سال ۶۰ تا ۶۸، فرمانده هشت سال دفاع مقدس، رئیس‌جمهور ایران از سال ۶۸ تا ۷۶، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس خبرگان رهبری، بسیاری از مردم شریف ایران در سراسر کشور به عناوین مختلف خواستار پاسخ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اتهامات و دفاع از دستاوردهای ارزشمند نظام اسلامی شدند و دفتر ایشان نیز در اولین فرصت از صداوسیما خواستار تعیین وقتی برای پاسخگویی شد، اما صداوسیما انجام این مهم را به بعد از برگزاری انتخابات موکول کرد که عملاً تأثیری نخواهد داشت.

ازآنجایی‌که طی روزهای اخیر موج اعتراض‌های مردمی از اقصی نقاط کشور برای علت عدم پاسخ به این دروغ‌سازی‌ها افزایش‌یافته و به خاطر اینکه موج‌سواران بیش از این با احساسات پاک و صادقانه مردم بازی نکنند، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تصمیم گرفته‌اند پاسخ به اتهامات رئیس‌جمهور را به مقام معظم رهبری و از طریق معظم له به مردم شریف ایران بدهند تا حداقل تاریخ انقلاب اسلامی در آینده‌های دور این

تجربه تاریخی را در اختیار نسل‌های متمادی ایران عزیز قرار دهد که نگذارند پدیده زشت دروغ، افترا و تهمت در این کشور نهادینه شود.»

«بسم‌الله الرحمن الرحیم»

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای زیده عزّه

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانه آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعدازآن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک‌های ضدانقلاب در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت زدن‌ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم و لجن پراکنی‌های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم‌شده را به نمایش گذاشت و ازآنجاکه بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح‌شده، ادعای اینکه مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته‌شده و فاقد برنامه‌ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست. گویا برای تحت‌الشعاع قرار دادن گزارش‌های مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه‌ها می‌باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند.

ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلاف‌گویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود.

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم‌قرن گذشته با مجاهدت‌های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام (ره) در قامت مجاهد پیشتاز، رئیس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام، نقش و مسئولیت‌های ممتازی به عهده داشته‌اید.

نقطه قابل‌توجه در این تهمت‌ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب‌عالی که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرار داده‌اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی،

شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب‌عالی و این‌جانب که در شعارهای مردمی به‌عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و بخصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل دردآشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه گران و درنهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضدانقلاب طراحی کرده بودند.

البته این‌جانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم یا سرنوشتی شبیه آن دولت برای این دولت هم بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.

این‌جانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام (ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، ازجمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیر سؤال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرید که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرارگرفته‌اند، نباشید.

از صداوسیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف‌های ذی‌حق بر اساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ‌داده‌شده و رئیس قوه قضائیه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری این‌جانب در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزه بودن خانواده رئیس‌جمهور و حتی کم شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد.

مع‌الأسف این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته‌نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوتشان دیدند و بی‌شک جامعه و بخصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که بااعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدی دارد و اگر محدود

به‌حق چند نفر بود، اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌کردم.

معتقدم جناب‌عالی به‌خوبی می‌دانید که این‌جانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب‌عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در چندین مقطع موردتهاجم افراد لاابالی و ضدانقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت‌ها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم. در دور جدید تهمت‌ها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و به خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم. ازاین‌جهت هم مورد گلایه بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم. مهم این است که این بار این تهمت‌ها توسط رئیس‌جمهور و در رسانه ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق‌کشی‌های ناگفته انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی‌مان کمتر تحت تأثیر خلاف‌گوئی‌ها قرار می‌گیرند و دلیل آن آراء افتخارآمیز مردم به این‌جانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است. خوب می‌دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسئولیت‌های رسمی‌ام در رسانه‌ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریان‌های درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌ها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته‌ام برنامه شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه‌ها بااطلاع ازنظر و سیاست این‌جانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از این‌جانب درخواست حمایت نکرده‌اند. اگر هم در جلساتی به هم رسیده باشیم چیزی جز همان کلیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند. اگر حزب یا گروهی در مورد جهت‌گیری در انتخابات نظر خواسته‌اند گفته‌ام بر اساس آیین‌نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم خودشان و همکارانش درصحنه‌اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست‌نشانده بودن آنان ستم و بی‌حرمتی غیرقابل‌توجیه است.

بجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت ازنظر این‌جانب مطلع‌اند که من ادامه وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جناب‌عالی هم ازنظر این‌جانب مطلعید و دلایل آن را هم می‌دانید. ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده‌ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگنمایی کرده‌اند که هدف بزرگنمایی در آن مناظره روشن شد.

بااین‌همه برفرض اینکه این‌جانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریان‌ها این وضع را پیش‌ازاین برنمی‌تابند و آتش‌فشان‌هایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌هایی از آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح‌شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به‌عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب؛ اکنون‌که امام راحل (ره) آن پیر فرزانه و حلال مشکلات و ملجأ همه و یار صبور و دیرینه هردوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از هم‌سنگران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند یا به دیار باقی شتافتند در بین ما حضور ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم. از جناب‌عالی با توجه به مقام و مسئولیت و شخصیتتان انتظار است برای این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم‌اکنون دودش در فضا قابل‌مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس‌ازآن شوید.

لذا در فرصت باقی‌مانده ضروری به نظر می‌رسد خواسته حق حضرت‌عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پر ابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه‌گران نتوانند با حدس و گمان نص پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش افروخته بریزند.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

دوست، همراه و هم‌سنگر دیروز، امروز و فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی

جنجال حامیان دولت علیه هاشمی ـ دیدار مقام معظم رهبری با هاشمی

انتشار این نامه موجی از اعتراضات توسط جناح اصول‌گرا و حامیان دولت نهم و دهم را علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به راه انداخت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تشریح چرایی نگارش این نامه برای مقام معظم رهبری می‌گوید: «در سالگرد رحلت امام در مرقد به ایشان گفتم حرف‌های ناقص گفته‌اند. ترجیح می‌دهم خودشان اصلاح کنند وگرنه ناچارم توضیح بدهم. چند روز هم صبر کردم و جوابی ندادم. پس‌ازآن نامه‌ای تهیه کردم. چون می‌بایست جواب آن حرف‌ها داده می‌شد.

می‌گویند چرا قبل از انتخابات نامه را دادم. این سؤال دیگر سفسطه است چون مگر ایشان هدفی غیر از انتخابات در طرح آن مباحث خلاف واقع داشت؟ نامه را تهیه کردم و در آخرین فرصت قبل از انتخابات که عصر سه‌شنبه بود برای رهبری فرستادم. چون اگر سه‌شنبه می‌دادم روزنامه‌ها چهارشنبه می‌نوشتند و اگر چهارشنبه می‌دادم، پنج‌شنبه کسی حق نداشت بنویسد. چون فرصت تبلیغات تمام می‌شد. می‌خواستم جواب آن حرف‌ها را بدهم. در کنار آن کارها، در رفت‌وآمد و اخبار موثق شور و اشتیاق

مردم را می‌دیدم. از برنامه‌های محافل مجریان انتخابات هم خبر داشتم. به‌هرحال در همان فرصت باقی‌مانده برای رهبری معظم فرستادم و متأسفانه در آن فاصله دوساعته باقی‌مانده نامه را به ایشان نداده بودند. چون جوابی به من نرسیده بود. در آخرین لحظاتی که می‌خواستم خدمت ایشان بروم منتشر کردم». ایشان با یادآوری ملاقات خود با مقام معظم رهبری پس از انتشار نامه و عکس‌العمل مقام معظم رهبری می‌گوید: «وقتی رفتم، ایشان فرمودند: داشتم نامه شما را از روی کامپیوتر می‌خواندم»؛ یعنی پس‌ازاینکه پخش شده بود هم هنوز متن اصلی را به ایشان نداده بودند!

پرسیدم ازنظر شما چگونه بود؟

فرمودند: ازلحاظ محتوا هیچ ملاحظه‌ای ندارم و فقط یک نکته دارم که آقای احمدی‌نژاد شخص شما را به فساد متهم نکرد و درباره بچه‌های شما گفت.

گفتم: فضا به‌گونه‌ای بود که اگرچه از من اسم نبرد، اما همه‌چیز متوجه من شد.

ایشان فرمودند: واقعاً هیچ ملاحظه‌ای روی نامه ندارم. ولی اگر جای شما بودم بعد از انتخابات منتشر می‌کردم.

گفتم: خواست خدا بود که شما تا قبل از انتشار نبینید، چون اگر می‌خواندید و به من می‌گفتید، منتشر نکن، منتشر نمی‌کردم و این مناسب نبود و اگر بعد از انتخابات منتشر می‌کردم دو حالت داشت: اگر آقای احمدی‌نژاد شکست بخورد که درست نیست با ایشان درگیر شوم. چون اخلاقاً کار درستی نیست. اگر هم پیروز شود که اصلاً درست نیست با منتخب مردم درگیر شوم و جشن انتخابات را در کام مردم تلخ کنم. ولی الان حق من است که جواب بدهم و دادم. ایشان هم در مقابل این منطق من اعتراض نکرد».

عذرخواهی پالیزدار از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

پس از نامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رهبر و اعتراض به اظهارات رئیس‌جمهور که آن را برگرفته از اظهارات باند پالیزدار می‌دانستند، ناگهان از جانب عباس پالیزدار برای آقای هاشمی نامه‌ای نوشته شد که در آن ضمن عذرخواهی طلب حلالیت از رئیس مجلس خبرگان کرده بود. این نامه حکایت از تلاش‌های دولت نهم جهت ضربه زدن به جایگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و روحانیت داشت.

در این نامه که از زندان نوشته شده بود آمده است:

حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دام عزه ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلح نظام

با سلام، با توجه به تعبیر آن بزرگوار در نامه به رهبری به «باند پالیزدار» احتراماً موارد ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- این‌جانب یک بسیجی جانباز معتقد به انقلاب اسلامی و ولایت‌فقیه می‌باشم هیچ باندی ندارم و فقط به وظیفه خود در تحقیق و تفحص مجلس عمل کرده‌ام.

۲- در صدوبیست و چهار پرونده موردبررسی تحقیق و تفحص مجلس هیچ پرونده‌ای از حضرت‌عالی و فرزندان شما نبود و در گزارش تحقیق و تفحص هم مدعی وجود پرونده علیه شما نشده‌ام.

۳- متأسفانه در پایان سخنرانی در دانشگاه همدان، دانشجویی از خانواده شما سؤال کرد و این‌جانب بدون هیچ مستنداتی به اتکای شنیده‌های غیر مستند از نزدیکان آقای احمدی‌نژاد مطالبی گفتم و در سخنرانی‌ها هم گفته‌ام که هیچ پرونده‌ای راجع به حضرت‌عالی و خانواده شما ندیده‌ام. لذا بدین‌وسیله از محضر حضرت‌عالی عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم این مختصر را به‌عنوان جبران بپذیرید تا باری بر دوش من در صحرای محشر نباشد.

۴- پیشاپیش از صبر و بزرگواری شما در طول این یک سال که هیچ شکایتی از این‌جانب ننموده‌اید تشکر می‌کنم، علی‌رغم اینکه تنها کسی که محقق بر شکایت بود شما بودید».

بعدها پالیزدار با پایان یافتن دوران محکومیتش اعلام کرد که از سوی جریان انحرافی مورد سوءاستفاده قرارگرفته و این جریان تا جایی از او حمایت کرده که به هدف‌های تبلیغاتی خود برسد.

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم ـ دعوت هاشمی به حضور مردم در صحنه انتخابات

سرانجام انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۲ برگزار شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در روز انتخابات پس از انداختن رأی خود به صندوق، این انتخابات را یکی از سرنوشت‌سازترین انتخابات تاریخ جمهوری اسلامی خواند.

ایشان با تشریح شرایط منطقه و پرونده‌سازی‌هایی که علیه کشور در شورای امنیت صورت گرفته، حضور مردم در پای صندوق‌های رأی را باعث تأثیرگذاری ایران در معادلات جهانی دانست. ایشان رسیدن ایران به جایگاه اصل و شایسته را آرزوی خود توصیف کرده و گفت: «بسیار مهم است که این انتخابات به‌گونه‌ای برگزار شود که هیچ‌کس نتواند شبهه افکنی کند و همه بپذیرند آنچه از صندوق بیرون می‌آید همان باشد که مردم رأی دادند؛ زیرا هیچ امانتی بالاتر از رأی مردم نیست و مسئولین اجرائی و نظارتی توجه کنند که هیچ امانتی بالاتر از آن نیست، چون سرنوشت ایران، انقلاب و حتی جهان اسلام به این انتخابات وابسته است».

پیروزی احمدی نژاد در انتخابات ـ اعتراض کاندیداها به نتایج

پس از اعلام نتایج انتخابات که حاکی از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد و انتخاب ایشان به‌عنوان رئیس‌جمهور دهم داشت، سه کاندیدای دیگر با صدور بیانیه‌ای به نتیجه انتخابات اعتراض کرده و خواستار انتشار نتایج شمارش آراء به تفکیک در شعب اخذ رأی و حوزه‌های انتخابیه شدند.

همچنین در پی اعلام نتایج آراء و به‌ویژه ابهامی که در اطلاع‌رسانی از شبکه خبر وجود داشت اعتراضات مردمی نسبت به نتیجه آراء شهرهای مختلف کشور را در برگرفت.

دیدار میرحسین موسوی با مقام معظم رهبری ـ تاکید رهبری بر حفظ آرامش و حرکت در سایه قانون

در همین حین در روز ۱۳۸۸/۳/۲۵ میرحسین موسوی یکی از معترضین به نتایج انتخابات به دیدار مقام معظم رهبری رفت. در این دیدار مهندس موسوی ضمن ارائه گزارش دیدگاه خود را درباره‌ی روند انتخابات بیان کرد.

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت و تأکید بر پیگیری مسائل از طریق مراجع قانونی تأکید کردند و فرمودند: «در دوره‌های قبلی انتخابات

نیز برخی افراد و نامزدها مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به‌عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی پی گیری کردند. طبعاً در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود».

رهبر انقلاب با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحی‌های پشت‌صحنه برای به آشوب کشاندن در خیابان‌ها، خطاب به آقای موسوی افزودند: «جنس شما با این‌گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پی گیری کنید».

در همین هنگام سید محمد خاتمی نیز در بیانیه‌ای خطاب به هواداران میرحسین موسوی اعلام کرد: «حضور شاداب و پرنشاط شما با روش‌های مسالمت‌آمیز حق شماست که آن را رعایت کرده‌اید و توصیه می‌کنم که همچنان رعایت کنید و از چهارچوب قانون خارج نشوید و آرامش و متانت خود را حفظ کنید».

بالا گرفتن اعتراضات پس از توهین احمدی نژاد به طرفداران رقیب

دیدار مهندس موسوی با مقام معظم رهبری در حالی صورت گرفت که اعتراضات مردمی به‌واسطه اظهارات شگفت‌انگیز محمود احمدی‌نژاد در جریان برگزاری جشنی به مناسبت پیروزی ایشان در انتخابات، گسترش یافته بود. محمود احمدی‌نژاد در این مراسم با اهانتی آشکارا به طرفداران کاندیدای رقیب گفته بود: «ملت ایران یکپارچه است، در یک مسابقه فوتبال که پنجاه یا هفتاد هزار تماشاچی می‌روند آن‌کسی که تیمش باخته است عصبانی است و به هر دری می‌زند. در ایران و در انتخابات چهل میلیون نفر خودشان تعیین‌کننده‌ی اصلی بودند، حالا چهارتا خس و خاشاک در این گوشه‌ها یه کاری می‌کنند، بدانید که این رودخانه زلال ملت جایی برای خودنمایی آن‌ها باقی نخواهد گذاشت».

اولین نماز جمعه پس از انتخابات به امامت مقام معظم رهبری

با گسترش اعتراضات خیابانی همگان منتظر برگزاری اولین نماز جمعه پس از انتخابات به امامت مقام معظم رهبری بودند. مقام معظم رهبری در این نماز جمعه

ضمن دفاع از یار دیرین خود در برابر اتهامات بی‌اساس جریان انحرافی، به اختلاف‌نظر خود با آیت‌الله هاشمی اشاره کردند و آن را، به امری طبیعی که دیگران نباید از آن دچار توهم شوند و چیزی دیگر فکر کنند، تعبیر کردند. ایشان در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۹ خرداد ۸۸ با انتقاد از مطالب مطرح شده توسط رئیس جمهور در مناظرات تلویزیونی که در آن اتهامات بی‌اساس و اثبات نشده‌ای را به یاران دیرین انقلاب مطرح کرد، فرمودند:

«اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظام‌اند. اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به‌طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی و از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده، حالا در مورد بستگان هرکسی هر ادعایی دارد بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات شود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد.

اگر چیزی اثبات شود فرقی بین آحاد جامعه نیست اما اثبات نشده را نمی‌توان مطرح کرد و قاطعانه ادعا کرد. وقتی این‌جور حرف‌ها مطرح می‌شود تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید. جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند.

آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت‌های بعد از انقلاب نیست. من از سال ۱۳۳۶ یعنی ۵۲ سال قبل ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود. از مبارزین جدی و پی گیر قبل از انقلاب بود. بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار مردم بود. بعد از رحلت امام هم کنار رهبری بود تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته و قبل از انقلاب اموال خودشان را صرف انقلاب می‌کرد.

بعد از انقلاب ایشان مسئولیت‌های زیادی داشت. در طول این مدت هیچ مورد را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها حقایقی است که باید دانست. در حساس‌ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده. من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف‌نظر داریم که طبیعی هم هست ولی مردم نباید دچار توهم بشوند و چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و

بین آقای رئیس‌جمهور (احمدی‌نژاد) از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف‌نظر بود، الان هم هست. هم در زمینه مسائل خارجی اختلاف‌نظر دارند، هم در زمینه نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف‌نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف‌نظر دارند و نظر آقای رئیس‌جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است ... ».

پس از صحبت‌های صریح مقام معظم رهبری و حمایت از یار دیرینش و درخواست ایشان از طرفین برای رعایت قانون و پیگیری مطالبات خویش از طریق مجاری قانونی، انتظار می‌رفت که گروه‌های معترض با فصل خطاب قرار دادن فرمایشات ایشان به‌سوی رعایت قانون بروند.

ولی متأسفانه تحریک معترضان از جانب طرف‌های درگیر باعث به وجود آمدن صحنه‌های تلخی گردید که قطعاً دل هر عاشق انقلاب و کشور از بیان آن به درد می‌آید. اعتراضات خیابانی از حالت عادی خود خارج‌شده و اظهارات نسنجیده برخی از طرفداران نزدیک به دولت با عکس‌العمل میرحسین موسوی و مهدی کروبی همراه بود و این بر آتش اختلافات می‌افزود.

درحالی‌که اعتراضات خیابانی و ایجاد ناامنی و رعب و وحشت زندگی عادی شهروندان تهران را مختل کرده بود، طرفین درگیری به نصایح بزرگان نظام گوش نکرده و به ادامه اعتراضات تا تحقق اهداف خود تأکید داشتند. دراین‌بین رسانه‌های بیگانه با پوشش قرار دادن اعتراضات خیابانی، بخش اعظمی از برنامه‌های خود را به تفسیر مسائل انتخاباتی و تحریک معترضین در داخل کشور اختصاص داده بودند.

آخرین نماز جمعه آیت الله هاشمی رفسنجانی ـ همه آمده بودند ـ ارائه راهکار برای برون رفت از بن‌بست

در این بین پس از یک ماه اعتراضات خیابانی به نتیجه انتخابات، نماز جمعه ۲۶ تیرماه ۱۳۸۸ به امامت آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از مهم‌ترین اتفاقات سال بود.

در این نماز جمعه که با حضور کاندیداهای معترض و طرفدارانشان برگزار گردیده بود، ایشان در ابتدای بحث اعلام داشتند: «قبل از اینکه بحث خطبه نماز جمعه را آغاز کنم لازم می‌دانم که به نمازگزارانی که امروز در دانشگاه تهران و اطراف دانشگاه در

خیابان‌ها حضور دارند یک تذکر اساسی بدهم و آن این است که مواظب باشید جایگاه نماز جمعه و قداست نماز جمعه با اظهارات و شعارهایی که جنبه عمومی و اصولی ندارد آلوده نشود.»

ایشان با اشاره به شباهت‌های نماز جمعه اول که با حضور آیت‌الله طالقانی برگزار گردیده بود با نماز جمعه امروز فرمودند: «نماز جمعه امروز بی‌شباهت نیست به نماز جمعه‌های اول انقلاب که آیت‌الله طالقانی اقامه می‌کردند و جمع زیادی از همه سلیقه‌ها در آن نماز شرکت می‌کردند. ان‌شاءالله ما بتوانیم از اجتماع امروز برای آینده بهتر کشورمان و حل مشکلاتمان و ایجاد وحدت و همدلی و همراهی و حرکت در جهت اهداف انقلاب اسلامی است که همان حرکت در جهت راهی است که پیغمبر اکرم از طریق آسمان برای ما آورده‌اند حرکت کنیم. ان‌شاءالله با صبر و تحمل و هوشیاری این نتیجه به دست آید».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سخنان خود را به سه بخش تقسیم کردند. بخش اول سخنان ایشان به مسئله بعثت پیامبر اختصاص داشت. در بخش دوم ایشان به غائله کشتار مسلمانان در چین پرداختند. در سومین خطبه که همگان از آن به‌عنوان تاریخی‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین خطبه‌های نماز جمعه تاریخ جمهوری اسلامی یاد می‌کنند، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با بررسی مسائل کشور، پیشنهاداتی جهت حفظ وحدت ملی و جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان قسم‌خورده نظام داشتند.

این خطبه‌ها اگرچه بعدها بهانه‌ای برای سوءاستفاده جریان انحرافی و حامیان دولت نهم گردید؛ که از هر فرصتی برای ضربه زدن به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی استفاده می‌کردند و سعی در القای بروز اختلاف بین ایشان و مقام معظم رهبری و خارج شدن ایشان از مسیر انقلاب داشتند.

تندروها با استفاده ابزاری از بعضی فرازهای خطبه ایشان، سعی در القای حمایت هاشمی از معترضین انتخابات داشتند. برای روشن شدن این مسئله تمام خطبه ایشان را در زیر آورده‌ایم تا با بررسی آن به تبلیغات شوم جریان انحرافی در این زمینه پی ببرید. ایشان در خطبه سوم نماز جمعه تاریخی ۲۶ دی گفتند:

«این انتخاباتی که ما انجام دادیم اگر مشکلاتی در آن پیش نمی‌آمد ما در سی‌سالگی انقلابمان بهترین گام بزرگمان را در جهت تحقق اسلامی برمی‌داشتیم. من الان نمی‌خواهم بگویم برنداشتیم، می‌خواهم بگویم چرا این‌طور شد.

آنچه من می‌فهمم و راه‌حل از درونش می‌خواهم دربیاورم این است که در اواخر

دوران تبلیغات ما دچار تردید شدیم؛ یعنی افرادی پیدا شدند، تردید کردند و بذر تردید را در اذهان مردم بکارند. حالا به هر دلیل، تبلیغات نادرست یا عمل نادرست صدا و سیما یا چیزهای دیگر، باعث بوجود آمدن تردید در ذهن مردم شد. ما تردید را بدترین مصیبت می‌دانیم. این تردید مثل خوره افتاد به جان ملت ما. البته دو جریان هستند، یک عده که تردید ندارند، قاطع‌اند، ایستاده‌اند و کار خودشان را می‌کنند. یک عده هم هستند که آنها هم کم نیستند. بخش زیادی از مردم فهیم کشور و عالم کشور ما هستند می‌گویند، ما تردید داریم و برای رفع تردید اینها باید کار کنیم.

امروز شرایطی که بعد از اعلام انتخابات و نتیجه پیش آمد دوران تلخی است. من فکر می‌کنم هیچ‌کس از هر جناحی دلش نمی‌خواست این‌طور بشود. الان همه ضرر کردیم، همه ضرر کردیم چرا این‌طور باید بشود؟ ما امروز بیشتر از همیشه نیاز به وحدت داریم. کشورمان باید متحد در مقابل این‌همه خطری که ما را تهدید می‌کند و امروز باج‌خواهی‌شان بیشتر شده و دارند جلو می‌آیند که این زحمت طولانی ما را در به دست آوردن هایتک‌ها و به‌خصوص هسته‌ای، اینها را از دست ما بگیرند. البته خداوند به اینها مهلت نمی‌دهد ولی آنها به هوس افتاده‌اند.

من فکر می‌کنم برادران من، خواهران من، همه جریان‌ها! بنده را شما اولاً می‌شناسید. من هیچ‌وقت از این تریبون نخواسته‌ام جناحی استفاده کنم. همیشه فراجناحی حرف می‌زنم. الان هم همین‌طور می‌گویم. من الان نظر به هیچ طرف ندارم. نظرم این است که همه‌ی ماها باید فکر کنیم، راهی پیدا کنیم که متحد، همه کشورمان را به‌پیش ببریم. هم از این آثار بد خطرناکی که کینه‌هایی دارد بروز می‌کند، از این نجات پیدا کنیم. هم دشمنانمان را مأیوس می‌کنیم که چشم طمع به ما نبندند. چه‌کار باید بکنیم تا این اتفاق بیفتد؟

من چند تا پیشنهاد به ذهنم رسید. البته این پیشنهاد را در جمعی از خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که به فکرشان اعتماد دارم مطرح کردم و به اینجا رسیدیم. من اینها را به‌عنوان راه‌حل عرض می‌کنم. شاید دیگران هم بپذیرند و عمل کنند و ان‌شاءالله که با اخلاص. مسئله مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد، امروز یک مقدار مخدوش شده ما این اعتماد را برگردانیم. این هدف مقدس ما باید باشد.

این اعتماد باید برگردد این‌که چگونه برگردانیم را حالا عرض می‌کنم. این چیزها را

لطفاً یادداشت کنید. یک: ما باید همه‌مان چه نظام، حکومت، دولت و مجلس، نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی و مردم یعنی به‌اصطلاح معترضان، همه باید در چهارچوب قانون حرکت کنیم. ما اگر از قانون تجاوز بکنیم، دیگر هیچ مرزی ندارد. باید با قانون مسائلمان را مطرح کنیم. با قانون حل کنیم و همه قانع باشیم. قانون همه هرچه شد. با این قانون حالا اگر کسانی از بعضی قوانین دل‌خوشی ندارند، باید بعداً سعی کنند این قوانین اصلاح شود و هر وقت که لازم است این اشکالاتی که حالا دیده‌شده یک روزی حل می‌شود. ولی بیاییم چهارچوب را قانون قرار دهیم و همه قانون را بپذیرند. دوم: این است که به‌گونه‌ای عمل کنیم که آن اعتماد را بازسازی کنیم. البته یک روز و یک شب نمی‌شود. این جریان نسبتاً طولانی است. باید انجام بدهیم. بالاخره باید یک فضایی به وجود آوریم که همه‌ی افراد بتوانند بیایند آنجا حرفشان را بزنند و هر یک منطقی، بدون دعوا، بدون مشاجره، منطق حاکم باشد. البته عمده‌ی این کار مال صداوسیماست که باید انجام بدهد که مستمعین زیادتری دارد و سایر رسانه‌ها هم باید این کار را بکنند. بحث‌ها هم باید منطقی باشد. برادرانه، خواهرانه بنشینند باهم حرف بزنند این دلیلش را بگوید و آن‌هم دلیلش را بگوید. بالاخره مردم دراین‌بین خودشان می‌فهمند. آخرش هم می‌شود از مردم پرسید. یک‌طوری باشد که ما این اعتماد را برگردانیم.

متأسفانه از این فرصتی که رهبری انقلاب به شورای نگهبان دادند پنج روز وقت اضافه دادند و گفتند که بروید عقلا و موجهین را بیاورید. بررسی کنند و اعتماد مردم را جلب بکنیم – استفاده‌ی خوبی نشد. من هم الان نمی‌خواهم بگویم تقصیر کی بود که نشد ولی به‌هرحال نشد دیگر، آن گذشت، از آن مرحله گذشتیم. الان مرحله دیگری است. من فکر می‌کنم برای آینده برای اتحاد، برای جلوگیری از به خطر افتادن نظام و برای حفظ این ارزش‌هایی که انقلاب خلق کرد، برای این بنای باشکوهی که امام راحل و خون شهدا و مجاهدات مردمی که در این راه تلاش کردند و رزمندگان ما برای ما مانده. برای نسل سوم و چهارم و نسل‌های بعد بماند.

در این مقطع ما می‌توانیم این حرکات را بکنیم. خوب اگر این دو کار را بپذیریم که قانونی باشد و راه برای مناظره و مذاکره و مباحثه و استدلال باز باشد، شاید در مدت کوتاهی به قناعت برسیم. در این فاصله باید یک کارهای دیگری بکنیم. لازم نیست در این شرایط ما افرادی را با این نامی که الان هست در زندان داشته باشیم. اجازه بدهیم اینها بیایند به خانواده‌هایشان برسند. نگذاریم که به خاطر زندانی بودن یک

عده، دشمنان ما را سرزنش کنند. شماتت کنند و به ما بخندند. برای ما نقشه بکشند ما این‌قدر خودمان باید رشادت علم و صبر داشته باشیم که همدیگر را تحمل‌کنیم.

مسئله‌ی بعدی ما این است که با آسیب دیدگان این حوادثی که اتفاق افتاد باید هم دردی و دلجویی شود. آنهایی که عزادارند هم به آنها تسلیت بدهیم و هم دل آنها را دوباره با نظام نزدیک کنیم و این کار شدنی است. کسانی که وفادار به انقلاب باشند و ببینند که نظام به سراغشان می‌رود آنها زود می‌توانند با دل‌وجانشان با ما همراهی کنند. این کار را باید انجام دهیم.

با سعه‌ی صدر از اینها دلجویی بکنیم. دیگر لازم نیست ما در اینجا خودمان را گرفتار کنیم. بگذاریم رسانه‌هایمان آزادانه فعالیت خودشان را در این زمینه انجام دهند، بالاخره این رسانه‌ها اگر با معیارهای قانونی اجازه گرفته‌اند محدودشان نکنیم، در حد قانون فعالیت کنند. من عرض کردم ملاک قانون است چهارچوب قانون است. نه رسانه‌ها انتظار داشته باشند بیشتر از اجازه‌ی قانونی عمل کنند نه نظام از آنها توقع بکند که حق قانونی‌شان را نادیده بگیرند.

همه باهم بگذاریم یک فضای آرام آزاد انتقادی یا تائیدی - هردویش - به وجود بیاید. من فکر می‌کنم همه عضو یک خانواده هستیم، همه آسیب‌دیده‌ی درراه انقلاب هستیم. همه جزو کسانی هستیم که در این جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کردیم. همه‌مان شهید در گلزارهای شهدا داریم. همه‌مان جانباز در منزل داریم. چرا باید یک‌جوری باشد که دیگران از راه‌های دور بیایند و برای ما نسخه بپیچند؟ ما خودمان هستیم، ما این‌قدر عاقل نیستیم؟ ما این مبانی را نداریم؟ ما تجربه سی سال اداره‌ی کشور را نداریم؟ ما علما را نداریم؟

مراجع ما که همیشه پشتیبان و حقیقتاً بدون توقع در حوزه‌های علمیه در خدمت بوده‌اند چرا باید بعضی‌شان برنجند؟ باید آنها را کنار خودمان حفظ کنیم. باید آنها پشتیبانمان باشند. باید همه‌مان به آنها متکی باشیم، این یکپارچگی را اگر ان‌شاءالله بتوانیم فراهم کنیم.

من امیدوارم این خطبه‌ی نماز جمعه شروع یک تحولی در آینده باشد و بتوانیم از این مشکلی که متأسفانه می‌شود اسم بحران رویش گذاشت به‌خوبی عبور کنیم و دوباره شاهد هم‌دلی و هم‌رزمی و همراهی و رقابت سالم باشیم. هرکسی را که مردم خواستند آن‌طور باشد.»

تبلیغات منفی جریان انحرافی علیه هاشمی ـ خاطره ناطق نوری از ولایتمداری هاشمی

همان‌گونه که در خطبه‌های فوق مشاهده شد ایشان ضمن دعوت طرفین و معترضین به حفظ آرامش و رعایت قانون و لزوم همبستگی و اتحاد ملی در جهت حفظ انقلاب مطالبی را در جهت ایجاد وفاق ملی عنوان نمودند. بدون شک این خطبه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جزء ماندگارترین و سیاسی‌ترین و هوشمندانه‌ترین خطبه‌های نماز جمعه بوده است.

جریان انحرافی و حامیان نزدیک دولت بسیار کوشیدند تا با وارونه نشان دادن مسائل بر تبلیغات سوء خود مبنی بر همراهی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با معترضین و ایجاد شکاف بین ایشان و مقام معظم رهبری دامن زده و به اهداف موردنظر خود در زمینه حذف روحانیت بکوشند. در حالی‌که جریان انحرافی و حامیان دولت با انتخاب بخش‌هایی از سخنرانی ایشان سعی در القای اختلاف شدید و عمیق ایشان با رهبری معظم داشتند. ذکر خاطره‌ای از حجت‌الاسلام ناطق نوری در این میان بسیار شنیدنی می‌باشد. آقای ناطق نوری با اشاره به یکی از ملاقات‌های خود با آقای هاشمی رفسنجانی در زمان اتفاقات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌گوید: «چند وقت پیش دیدم آقای هاشمی یک سری قرص از توی جیبش درآورد، آب هم خواست و خورد. گفتم شما که اهل قرص خوردن نیستید. می‌دانید که بنیه هاشمی خیلی قوی است با اینکه پنج سال از آقا سنش بالاتر است تا حالا عینک نزده است و گوشش هیچ‌گونه مشکلی ندارد.»

آقای ناطق می‌گفت، پرسیدم: «که آقای هاشمی شما قرص می‌خورید؟»

گفت: «بله»

گفتم: «شما که اهل قرص نبودید؟»

گفت: «دچار سرگیجه می‌شوم گاهی وقت‌ها هم که از خواب بلند می‌شوم زمین می‌خورم. رفتم دکتر این قرص‌ها را تجویز کرد.»

ناطق نوری هم چنین خاطر نشان می‌کند که آقای هاشمی به ایشان گفته بود: «من هر وقت از خواب بیدار می‌شوم یاد این نکته می‌افتم که اگر یک‌وقت خدای‌ناکرده آقای خامنه‌ای را از دست بدهیم می‌بینم که هیچ‌کس نیست و همین

فکر است که من را زمین می‌زند و قرص‌ها را هم برای همین است که می‌خورم.»

آقای هاشمی می‌گفت: «که به زنم و به بچه‌هایم هم صریح گفته‌ام که خانم‌ها و آقایان، من روی دو تا چیز باکسی معامله نمی‌کنم یکی روی جمهوری اسلامی ایران و یکی هم در مورد آقای خامنه‌ای. سر این دو تا معامله نمی‌کنم و محکم پایش می‌ایستم.»

در حالی‌که جریانی انحرافی و حامیان دولت با مستمسک قرار دادن خطبه‌های آیت الله هاشمی رفسنجانی، ایشان را آماج حملات رسانه‌ای خود که از تریبون‌های مختلف پخش می‌گردید قرار داد و سعی در القای حمایت ایشان از معترضین و تظاهرکنندگان داشتند، آیت‌الله هاشمی در دیدار با جمعی از فعالان دانشجویی به دفاع از اظهارات خود پرداختند و فرمودند: «در آن خطبه هیچ نظری درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ندادم و همین الان در بین شما هم قضاوت نمی‌کنم چون تحمل نمی‌کنند. در آن خطبه نگفتم که انتخابات درست بود یا باطل بود گفتم به هر دلیل برای بخش مهمی از جامعه تردید پیدا شد. این حالت که منکر ندارد. بعضی‌ها گفتند: «چرا در خطبه سخن از بذر تردید کردید؟» مطمئناً چند میلیون جمعیت که به خیابان‌ها می‌آمدند و تظاهرات می‌کردند یقین داشتند و من سخن از تردید کرده بودم. گفتم گروهی از مردم با تردیدی که پیدا کردند، معترض شدند. راه درست این بود که تردید مردم را برطرف کنیم و جواب قانع‌کننده بدهیم. راه آن‌هم روشن است که چگونه می‌توان عمل کرد».

ذکر این خاطرات به‌خوبی نشانگر علاقه قلبی و شدید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری است.

در جریان حوادث پس از انقلاب و با بالا گرفتن درگیری‌ها و اعتراضات خیابانی که در بسیاری از موارد با سوءاستفاده عناصر فرصت‌طلب از احساسات مردمی، به اغتشاش و درگیری با نیروهای انتظامی و تخریب اموال عمومی کشیده می‌شد، تعداد قریب به چهار هزار نفر از معترضین به نتایج انتخابات و فعالان سیاسی، دستگیر و روانه زندان شدند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که قبلاً نیز خواستار آزادی زندانیان سیاسی برای جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان نظام گردیده بود، بار دیگر در دیدار خود با جمعی از اساتید دانشگاه با نقل خاطره‌ای از رهبر معظم انقلاب گفت: «امید من به رهبری

است که با توجه به افکار و تجربه خودشان برای حل مشکلات جاری اقدام کنند و نظر خود من برای حل کوتاه‌مدت همان پیشنهادهایی است که در نماز جمعه مطرح کردم. این‌جانب بارها از زبان رهبری معظم شنیده‌ام که فرمودند: "اینها که به‌آسانی مردم را به زندان می‌برند اگر مثل من و تو طعم زندان را چشیده بودند چنین نمی‌کردند."».

این خاطره به‌خوبی مؤید این نکته است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز از برخی تندروی‌ها و مسائل به وجود آمده که منجر به زندانی شدن عده‌ای از معترضین شده ناراحت بوده و مخالف هستند.

مراسم تنفیذ رئیس جمهور ـ غیبت چهره‌های شاخص

سرانجام در تاریخ ۸۸/۵/۱۲ مراسم تنفیذ ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد در حضور مقام معظم رهبری برگزار شد. در این مراسم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به همراه سیدحسن خمینی، ناطق نوری، میرحسین موسوی، سید محمد خاتمی و مهدی کروبی غائب بودند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی نیز غائب بودند. این دو مسئله باعث به راه انداختن موج جدید حملات از جانب حامیان دولت به ایشان گردید. حامیان دولت با استفاده از تیم رسانه‌ای فراوان خود سعی در القای ادعای همیشگی خود مبنی بر اختلاف هاشمی با رهبر معظم انقلاب و همراهی ایشان با سران معترضین و خروج ایشان از قطار انقلاب گردید.

بیم تندروها از حضور مجدد هاشمی در نماز جمعه ـ وداع هاشمی با تربیون نماز جمعه

یکی از مهم‌ترین اتفاقات این دوره عدم حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه می‌باشد. با توجه به خطبه‌های سیاسی ایشان در تاریخ ۸۸/۴/۲۶ که منجر به سوءاستفاده جریان انحرافی و حامیان دولت از آن، جهت ضربه زدن به آیت‌الله

هاشمی رفسنجانی گردیده بود، گمانه‌زنی‌های بسیاری برای حضور مجدد ایشان در نماز جمعه در سطح جامعه صورت می‌گرفت. مخالفین از بیم تکرار اتفاقات و حواشی پس از آخرین نماز جمعه ایشان، مصلحت نمی‌دانستند که در شرایط فعلی کشور بار دیگر به نماز جمعه برگردد. با بالا گرفتن گمانه‌زنی‌ها دفتر هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۸۸/۵/۱۹ در غالب انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «با توجه به تماس‌های بی‌شمار مردمی مبنی بر صحت‌وسقم اقامه نماز جمعه این هفته به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اطلاع می‌رساند رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس مجلس تشخیص مصلحت نظام به خاطر جلوگیری از درگیری‌های احتمالی در مراسم سیاسی عبادی نماز جمعه اقامه نماز شرکت نخواهد داشت».

دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات _ اعتراض مقام معظم رهبری به پخش اعترافات متهمان

یکی از مسائل مهم آن ایام برگزاری دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری بود. در این دادگاه که از تلویزیون نیز پخش می‌شد، تعدادی از متهمان در دادگاه با خواندن متن‌هایی، به اعتراف علیه خود و برخی از سران اصلاحات پرداختند. پخش این اعترافات از صداوسیما باعث به وجود آمدن اعتراضات و واکنش‌های گسترده‌ای در سطح مسئولان نظام و مردم گردید. این قضیه حتی با اعتراض مقام معظم رهبری نیز مواجه شد.

درحالی‌که پخش این اعترافات و انتصاب برخی مسائل به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جهت همراهی با سران معترضین برای انتقام‌گیری از احمدی‌نژاد بسیار موردتوجه رسانه‌های حامی دولت قرارگرفته و با استفاده از این اعترافات موج جدیدی جهت تخریب وجهه آیت‌الله هاشمی، برای دست یافتن به اهداف موردنظر خود به راه انداخته بودند.

مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر به این‌گونه اقدامات اعتراض کرده و این‌گونه اعترافات را فاقد ارزش دانستند. ایشان در بخشی از فرمایشات خود فرمودند: «من هیچ موافق نیستم از این‌که فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادت را از خودمان باید دور کنیم. متأسفانه باب شده که

روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی که امروز روزبه‌روز بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، روشی را پیش‌گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر. این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک می‌کند. فضای زندگی ما را ظلمانی می‌کند، هیچ منافات ندارد که گناهکار تاوان گناه خود را ببیند؛ اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد. تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات به خیالات. همین‌جا من این را هم بگویم این‌که در دادگاه‌ها که در تلویزیون پخش می‌شود از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این شرعاً حجتیت ندارد. حجت نسبت این حرف مهملی است، حرف بی‌ارزش است؛ نه هر حرفی، هر اعتراضی کند؛ نه ممنوع نیست نباید با تهمت و گمان سوء پر کرد؛ اما مجازات مجرم که از طرف قانون جرم او ثابت‌شده غیرازاین است که به گمان، به خیال تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام‌کنیم توی جامعه دهن به دهن بگردانیم این‌که نمی‌شود.

این فضا فضای درستی نیست یا دیگران، خارجی‌ها، بیگانه‌ها، تلویزیون‌های مغرض علیه کسانی که حرف بزنند ادعا کنند که اینها فلان جا خیانت کردند، فلان جا خطا کردند، ما هم عین همان را پخش می‌کنیم. این ظلم است این مورد قبول نیست.

رسانه‌های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواستار حقایق بوده‌اند؟ در این مورد همه روشن باشند، حرف‌هایی که می‌زنند ادعاهایی که می‌کنند، نباید گفت. اینها شفافیت نیست. این کدر کردن فضاست. شفافیت معنایش این است که مسئولی در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد. این معنای شفافیت است. باید هم بکنند.

اما این‌که ما بیایم این‌وآن را بدون اینکه جرمشان اثبات‌شده باشد بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی‌که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم. این آن را متهم می‌کند و آن این را متهم کند. از رسانه‌های بیگانه (رسانه‌های مغرض انگلیس) شاهد برایش بیاوریم. بعد هم یک نفر از آن‌طرف پیدا شود و کل نظام را به اموری که شایسته‌ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می‌دهند، متهم بکند. این اشکال بر آنها هم بیشتر وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است. تهمت زدن به یک نظام اسلامی (به یک مجموعه) گناه بسیار بزرگی است. پروردگارا با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن».

بازتاب اعترافات متهمین حوادث پس از انتخابات در رسانه‌های بیگانه ـ هشدار هاشمی به هزینه کردن رهبری توسط رئیس جمهور

پخش اعترافات متّهمان حوادث پس از انقلاب، بازتاب فراوانی در رسانه‌های ضدانقلاب و بیگانه داشت. این رسانه‌ها که در طول تاریخ جمهوری اسلامی بارها دشمنی خود را با انقلاب و نظام بروز داده بودند، در این ایام نیز با اختصاص برنامه‌های فراوان سعی در ایجاد ارتباط با معترضین داخل کشور و خط دادن به آنها جهت رسیدن به اهداف خود بودند.

در این ایام و در هنگام سفر رئیس‌جمهور به نیویورک، ایشان در مصاحبه با شبکه رادیویی NPR در پاسخ به سؤال خبرنگار مبنی بر وجود زندانیان سیاسی پس از انتخابات به دلیل مخالفت با شما، گفتند: «من شخصاً از اینکه کسی در زندان باشد ناراحت و متأسف هستم. ولی در جمهوری اسلامی ایران، کسی بی‌دلیل به زندان نمی‌رود. هیچ‌کس به دلیل مخالفت با من به زندان نرفته است».

مصاحبه رئیس‌جمهور با واکنش‌های بسیاری مواجه گردید. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این مطلب را هزینه کردن حامیان دولت از جایگاه ولایت و شخص مقام معظم رهبری در اشتباهات و خطاهای شخصی و گروهی خود دانسته و گفتند: «مشکل دیگری که من غصه می‌خورم این است که آنچه امروز دولت و بعضی از نیروهای امنیتی می‌کنند و بعضی از مبلغین خام حرف‌های نابجایی می‌زنند همه راه به‌حساب رهبری می‌گذارند. الان کار به‌جایی رسیده که رئیس دولت آن‌هم در خارج از کشور و به خبرنگاران خارجی می‌گوید: «هیچ‌کس در ایران به خاطر من زندانی نیست.» سپاه که می‌گوید: «ما که از خود ایده‌ای نداریم، فقط فرمان می‌بریم.» پس این وسط چه کسی است؟ زندانی برای چه کسی در زندان است؟ دولت که می‌گوید من نیستم، حتّی می‌گوید: «من نامه می‌نویسم زندانیان را آزاد کنید.» سپاه که می‌گوید: «ما فقط فرمان می‌بریم.»، راست هم می‌گویند، چون نظامی‌های ما فرمان‌برند. منتها فرمان را به‌گونه‌ای که خودشان می‌خواهند، می‌برند و نه آن‌گونه که رهبری و فرمانده می‌خواهند. فکر می‌کنم یکی از ضررهای عمده‌ای که در شرایط فعلی می‌کنیم، این است که بسیاری از مسائلی که رهبری از آنها بیزار است به اسم ایشان نوشته می‌شود».

موج اتهام زنی به چهره‌های خدوم انقلاب _ نوبت به یادگار امام رسید _ هشدار هاشمی به معترضین به یادگار امام

موج اتهام زنی به چهره‌های خدوم انقلاب، بالا گرفته بود. یکی از افرادی که به دلیل همراهی و حمایت از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بسیار مورد هجمه طرفداران دولت قرار گرفت؛ آیت‌الله سید حسن خمینی، یادگار امام بود. به دلیل حمایت همیشگی آیت‌الله سید حسن خمینی از یار دیرین امام و رهبری ایشان یعنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، جریان انحرافی بر آن شد تا با سبیل قرار دادن ایشان، خط فکری ایشان را از امام و رهبری جدا دانسته تا بدین‌وسیله یاران و مریدان واقعی امام راحل را از ایشان دور کنند.

جریان انحرافی برای این امر و در تمثیل‌های خویش، پسر نوح با بدان بنشست را حجت و تأیید انحراف آیت‌الله سید حسن خمینی دانسته و از هیچ‌گونه بی‌احترامی نسبت به ایشان کوتاهی نمی‌کرد. با بالا گرفتن بی‌احترامی‌ها و تعرض به ساحت بیت امام (ره) و یادگار ایشان، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعتراض شدید خود را نسبت به این امر بیان فرمودند.

ایشان در بخشی از سخنان خویش در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی، با اشاره به اهانت‌ها و توهین‌های مکرر به بیت امام گفت: «امروز به بیت امام (ره) و به شخص امام - که اینها نباید از انقلاب جدا شوند - حمله می‌شود. اگر روزی کسانی به خود اجازه بدهند که این بیت و این آثار امام و یادگار امام را از انقلاب جدا کنند و بین انقلاب و آنها فاصله بیندازند، بزرگ‌ترین خیانت را مرتکب می‌شوند».

هشدار هاشمی نسبت به خطر حذف روحانیت توسط جریان انحرافی _ تاکید بر حفظ جایگاه رهبری

آیت الله هاشمی رفسنجانی حذف روحانیت را، از برنامه‌های جریان انحرافی دانسته و نسبت به این خطر هشدار داده است. ایشان در دیدار جمعی از روحانیون و وعاظ با اشاره به خطر حذف روحانیت گفتند: «منافقین از ابتدای انقلاب تلاش

می‌کردند هر شخصیت روحانی که در انحرافات عقیدتی آنها، همراهی‌شان نمی‌کنند را حذف فیزیکی و شخصیتی نمایند و امروز نیز در پوشش‌های دیگر در حال فعالیت هستند».

ایشان بارها و بارها با درک صحیح از مسائل سیاسی و پشت پرده مطالبات جریان انحرافی و با احساس خطر از اقدامات افراطیون جریان انحرافی در جهت ضربه زدن به اسلام، انقلاب و روحانیت را هشدار می‌دادند. ایشان در دیدار جمعی از اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه فرمودند: «پس از پیروزی انقلاب افراطیون هرگاه زمینه‌ی حضور و فعالیت پیداکرده‌اند، نتایج خوبی را شاهد نبوده‌ایم و اقدامات این‌گونه افراد برای ضدانقلاب و جهت ضربه زدن به اسلام، نظام و رهبری فضا ایجاد می‌کرده است».

ایشان همچنین در نطق افتتاحیه هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان با انتقاد از اعمال و عملکرد عده‌ای از افراد تندرو گفتند: «نباید کاری کنیم تیرهایی که نباید سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت برود. برای ما مهم است که این مجموعه را درصحنه نگهداریم و کاری نکنیم که رهبری سبیل شود. من بیش از همه می‌دانم که رهبری می‌خواهند صحنه داغ نشود و کسی آسیب نبیند. همان‌طور که بعد از حادثه کهریزک ایشان بیانیه زدند و درخواست دلجویی کردند و دستور مجازات عاملان را دادند. نباید به خود اجازه بدهیم که در مسائل جزئی از این سرمایه مهم سوءاستفاده شود».

ایشان همچنین در مراسم تجدید بیعت اعضای مجلس خبرگان با امام و شهدا گفت: «خوشبختانه کسی مانند رهبری را در رأس کشور داریم که تفسیر امام را بیشتر از همه می‌داند و آن را بیان می‌کند؛ اما متأسفانه افراد ناآگاه به‌جای این‌که مسئولیت کارهای خودشان را بپذیرند به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که همه‌ی مسئولیت‌ها را به عهده‌ی آقا می‌اندازند و با جاخالی دادن و حرف‌های نامربوط باعث می‌شوند ترکش کارهایی را که مردم از آنها قبول نمی‌کنند به‌طرف رهبری برود».

در این ایام تیم تبلیغاتی و رسانه‌ای جریان انحرافی با آگاهی از برملا شدن نقشه‌های شوم خود توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تبلیغات بسیار وسیعی را در رسانه‌های خود علیه ایشان به راه انداختند. جریان انحرافی بدون واهمه با طرح مسائلی دروغین و اتهاماتی بی‌اساس نسبت به ایشان مدعی اختلاف شدید رهبری با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده و همیشه دم از ولایت مداری خویش می‌زدند.

در حالی‌که اهتمام جریان انحرافی به این امر روزبه‌روز بیشتر می‌شد و تقریباً روزی نبود که از این مسائل غافل شوند؛ صحبت‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم تجدید میثاق نمایندگان خبرگان رهبری با آرمان‌های امام و تحلیل ایشان از شرایط روز، برگی دیگر از روشنگری ایشان نسبت به خطر انحراف انقلاب به‌واسطه اقدامات جریان انحرافی بود. ایشان در این زمینه اظهار داشتند: «به نظر می‌رسد کسانی از روز اول با این انقلاب سر سازگاری نداشتند و راه امام را نمی‌پسندیدند و مخالف بودند و همچنین قدرت‌های استعماری که فهمیده بودند که چه عامل بزرگی وارد تاریخ شده است، فرصت پیدا کردند تا دستاوردهای ملت ایران را مخدوش کنند. ما باید این راه "راه امام (ره)" را ادامه بدهیم و این نظامی که شدیداً موردتهاجم همه‌ی گروه‌های استکباری و ضدانقلاب قرارگرفته، حفاظت کرده و به نسل‌های بعدی منتقل کنیم».

ایشان همچنین با تأکید بر حفظ انقلاب اسلامی با عنوان هدیه الهی و تأکید بر اصل اصیل ولایت، بار دیگر تبعیت خود را از رهبری را اعلام داشته و فرمودند: «نسل انقلاب آن‌قدر واقف هست که خودش را گم نکند؛ اما می‌بینیم که این‌قدر تهاجم زیاد شده که به اصل اصیل ولایت که دستاورد اساسی انقلاب است حمله ناجوانمردانه می‌شود».

ایشان بارها بر مسئله حفظ جایگاه رهبری و اصل ولایت‌فقیه تأکید داشته و دارند و این مسئله بارها در سخنرانی‌های ایشان تکرار گردیده است. ایشان در جمع وعاظ و روحانیون نیز با اشاره به اهمیت این مطلب فرمودند: «حفظ اصل ولایت‌فقیه و جایگاه رهبری از ضروریات است و همگان باید در این مسیر حرکت کنند و با شناختی که از رهبری دارم با تدبیر ایشان به‌شرط همکاری دیگران، مشکلات سیاسی و اقتصادی قابل‌حل است و باید فعالان عرصه‌ی سیاسی کشور به‌دوراز هرگونه تندروی ایشان را در این مسیر یاری دهند».

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید علی‌رغم جنجال تیم رسانه‌ای جریان انحرافی، سخنان اندیشمندانه مقام معظم رهبری در حمایت از یار دیرین خود، در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، تمامی برنامه‌های جریان انحرافی را در این زمینه بر باد داد. ایشان در قسمتی از سخنان خود به نظرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌عنوان یکی از افراد خبره، آگاه و فهیم که با مسائل کشور و یا مسائل جهانی آشناست اشاره‌کرده و فرمودند: «این بلواهای بعد از انتخابات به نظر آدم‌های خبره و آگاه، برنامه‌ریزی‌شده بود. دیروز من به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همین را عرض کردم. گفتم اینها همه

برنامه‌ریزی‌شده بود. ایشان گفتند: «قطعاً» یعنی همه این را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی‌شده بود و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم یک‌چیزی پیش‌آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه این‌کار برنامه‌ریزی‌شده بود. از یک مرکزی هدایت می‌شد».

دعوت هاشمی به رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط- اعتراض هاشمی به توهین به تمثال حضرت امام در روز دانشجو

با نزدیک شدن روز دانشجو رسانه‌های بیگانه تدارک وسیعی برای دعوت مردم به برپایی تظاهرات خیابانی کردند. متأسفانه برخی از شخصیت‌ها این ایام سکوت اختیار کردند. در این میان آیت‌الله هاشمی؛ با هدف دفاع از انقلاب و نظام اسلامی بارها از دشمنان نظام برائت کرد و به گروه‌ها و جریانات داخل کشور تذکر داده و آنها را به خویشتن‌داری و در پیش گرفتن مسیر قانون دعوت کرد. اگرچه جریان انحرافی و حتی حامیان دولت بارها ایشان را متهم به ساکت نشستن در جریان اعتراضات پس از انتخابات کردند، لیکن نگاهی به مواضع و سخنرانی‌های ایشان به‌خوبی مؤید بی‌اساس بودن اتهامات جریان انحرافی علیه ایشان است.

همان‌گونه که اعلام شد در آستانه روز دانشجو ایشان در دیدار جمعی از فعالان دانشجویی با اعلام نگرانی از کشیده شدن دامنه اعتراضات به برخی اقشار و صنوف در صورت عدم برخورد منطقی با معترضان گفت: «باید درگیری‌های میدانی در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها را تمام کنیم. این روزها می‌بینیم که هر وقت مسئولی وارد دانشگاه می‌شود، دانشجویان این‌طرف و آن‌طرف نمی‌گذارند آن مسئول صحبت کند و حرفش را بزند. باهم دعوا می‌کنند و علیه هم شعار می‌دهند. این حالت که مسئله را حل نمی‌کند. چند شعار علیه همدیگر می‌دهند که کینه‌ها را بیشتر و دل‌ها را از هم دور می‌کند. در این شرایط مسئله به‌هیچ‌وجه حل نمی‌شود. یا در خیابان‌ها جمع شوند و این‌طرفی‌ها شعار بدهند و آن‌طرفی‌ها را بزنند و به همدیگر اهانت کنند. واقعاً چگونه و کی این مشکل حل می‌شود؟» ایشان راه‌حل خروج کشور از این شرایط را حفظ خونسردی و رعایت قانون توسط طرفین دانسته و اعلام داشتند: «تنها راهکاری که

به منطق برسیم، این است که درگیری‌های خیابانی و زدوخوردهای داخل دانشگاه‌ها را کم کنیم. می‌ترسم به‌تدریج این مسائل به نوجوانان ما در مدارس یا به کارگران در کارخانه و واحدهای تولیدی برسد. واقعاً الان نمی‌توان جامعه را با سرکوب اداره کرد».

ایشان هم‌چنین راه‌کار برون‌رفت کشور از وضعیت نامطلوب را رعایت اعتدال، نفی افراط‌وتفریط، دوری از فضای هیجان مداری و ایجاد فضای عقلانیت دانسته و گفتند: «باید بگوییم که موضع من از اول انقلاب و حتی پیش از انقلاب و در مبارزه روشن بود. همیشه با افراط‌وتفریط مخالف بودم. راه عقلانی، معتدل و عرفی را راه درست تشخیص می‌دادم که مستند به آیات قرآن و ادله بود. در تمام این دوران هم در هر شرایطی نوعی از افراط در مقابل من بود. البته انسان نمی‌تواند توقع داشته باشد که همه سلیقه‌ها در همه‌جا او را بپذیرند. فکر می‌کنم اگر اعتدال در جامعه و کشور ما حاکم باشد بسیاری از مسائل قابل‌حل است. همیشه یک جریان افراطی گاهی در جناح راست و گاهی در جناح چپ بوده است و هنوز هم این‌گونه است. الان تندروی‌هایی را از دو طرف می‌بینیم که متکی به تندروهاست که یا افراطی یا تفریطی و یا هر دو است. امروز نیز شاید مصلحت آنان است که اشاره‌ای به من بکنند. تندروهای این‌طرف که به‌اصطلاح اصولگرا و محافظه‌کار امروز هستند، هم هیچ‌وقت با فکر اعتدال موافق نبودند و هرگونه که دلشان می‌خواست عمل می‌کردند. ولی اکثریت جامعه و به‌خصوص تحصیل‌کرده‌های اصیل اعتدال را می‌خواهند».

متأسفانه علی‌رغم هشدارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دیگر مسئولان نظام مبنی بر رعایت قانون و پیگیری مطالبات از مسیر قانون و دعوت طرفین به خویشتن‌داری و پرهیز از خشونت در جریان مراسم روز دانشجو و در درگیری به وجود آمده میان طرفین که به خشونت انجامید و فضای دانشگاه ملتهب گردید. در این میان عده‌ای فرصت‌طلب نیز با سوءاستفاده از احساسات پاک دانشجویان اقدام به پاره کردن و به آتش کشیدن تصاویر حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری کرده و اهانت‌هایی به آنها روا داشتند.

پخش تصاویر این اهانت از صداوسیما باعث گردید که در ظرف مدت کوتاهی اکثر شبکه‌های بین‌المللی اقدام به پخش این تصاویر کنند. این مسئله با اعتراض موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به صداوسیما مواجه گردید. این اقدام و هنجارشکنی باعث گردید تا دو طرف درگیر این مسئله را به یکدیگر ربط داده و

طرفداران خود را مبرا از این اقدام بدانند.

همزمان راهپیمایی‌های گسترده‌ای در سراسر کشور نسبت به این اهانت شکل گرفت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز با صدور اطلاعیه‌ای اهانت به تمثال امام خمینی و رهبر انقلاب را از سوی هرکسی و با هر هدفی محکوم کرده و اظهار داشتند: «اهانت به تمثال مبارک امام راحل و مقام معظم رهبری از سوی هرکسی و با هر هدفی که انجام‌یافته، عملی ناروا و زیان‌بخش و سزاوار تقبیح است. هوشیاری و نشان دادن حساسیت از سوی اقشار ملت و به‌خصوص سلسله جلیله‌ی روحانیت، درسی تاریخی به نمایش گذاشت که امید می‌رود ازاین‌پس کسی جرئت این‌گونه هتاکی‌ها را به خود راه ندهد. این‌جانب به نمایندگی از سوی اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از هوشیاری مردم عزیزمان تشکر می‌کنم و امیدوارم بروز این احساسات پاک درس عبرتی به بدخواهان باشد».

درحالی‌که عده‌ای در داخل کشور می‌کوشیدند با موجه جلوه دادن رفتار و عملکرد خود و انتساب آن به برخی از دستگاه‌های مهم دولتی هرروز بیش‌ازپیش به تحریک مردم پرداخته و با اقدامات خودسرانه خود هزینه‌هایی برای نظام به وجود بیاورند. هاشمی رفسنجانی بارها با گوشزد کردن نقش مردم در انقلاب به رفتار و عملکرد نیروهای خودسر اعتراض می‌کرد.

در یکی از اظهارات شجاعانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با انتقاد به مواضع رئیس‌جمهور منتخب اتفاقات کشور را متوجه عملکرد گروهی خواند که با ادعای حمایت از اسلام انقلاب و دفاع در حال توطئه بر ضد جمهوری اسلامی هستند. ایشان اعتماد مردم را سرمایه نظام دانسته و در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های قم اظهار داشتند: «ساختار نظام اسلامی متکی بر اسلام و سرمایه اعتماد مردم است و هرگونه انحراف از آن می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. اسلامیت و جمهوریت در قانون اساسی جداشدنی نیستند».

همچنین در این ایام هاشمی رفسنجانی برهه حساس کنونی کشور را آزمایش بزرگی برای همه دلسوزان نظام دانست و گفت: «در برهه حساس کنونی همه دلسوزان نظام در معرض آزمایش بزرگی هستند و باید نهایت تلاش خود را به کار ببندیم که از آن سربلند بیرون بیاییم».

وی با تأکید بر این‌که در حال حاضر جز حفظ نظام و منافع کشور و مردم و

همچنین دفاع از اسلام به‌عنوان اداره‌کننده‌ی کشور آرزویی نداریم، تصریح کرد: «بزرگ‌ترین آرزوی من این است که اهدافی که پیشتازان انقلاب در بدترین شرایط به دنبال آن بودند، پی گیری شود».

اتهامات واهی به پسر برای تخریب وجهه پدر

با بالا گرفتن اختلافات بین جریان انحرافی با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این جریان مهدی هاشمی فرزند ایشان را نشانه گرفته و اتهاماتی علیه ایشان مطرح کرد. یکی از موضوعات چالش‌برانگیز سال ۸۸ مسافرت مهدی هاشمی جهت ادامه تحصیل و بازدید و رسیدگی دفاتر و شعبات خارج از کشور دانشگاه آزاد بود. با خروج مهدی هاشمی اتهامات متعددی علیه ایشان مطرح شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سخنانی صراحتاً هدف خروج فرزندش از کشور را انجام مأموریت کاری محوله از سوی هیئت‌امنای دانشگاه آزاد و همچنین ادامه تحصیل عنوان کرده و در مورد شبهات مطرح‌شده درباره‌ی پرونده ایشان اعلام داشت: «خیال مهدی از پرونده‌هایش راحت است. بارها در این مسائل به مراکز مسئول جواب داد. در جریان استات اویل مجلس وارد شد و پس از تحقیق و تفحص اعلام کرد که ایشان مبرا است. وزارت اطلاعات دو سال کار کرد و گزارش داد که مبرا است. وزارت نفت یک تیم را مشخص کرد و من از رهبری خواهش کردم برادر ایشان هم عضو آن تیم باشد تا همه‌ی شرایط را به ایشان بگوید که آن تیم گزارش داد، ما دلیلی برای این اتهام ندیدم. من مطمئنم مهدی در این انتخابات در هیچ بخشی جز در مسئله کمیته صیانت از آراء دخالت نداشت».

در حالی‌که جنجال تبلیغاتی طرفداران دولت دهم همچنان ادامه داشته و تقریباً روزی نبود که در رسانه‌های مختلف و متعدد حامی دولت، اتهاماتی تازه علیه ایشان مطرح نشود. پس از انتصاب ریاست جدید قوه قضائیه، مهدی هاشمی به همراه اعضای خانواده در نامه‌ای به آیت‌الله آملی لاریجانی خواستار تشکیل مرجعی صلاحیت‌دار برای رسیدگی به همه‌ی شایعات و تهمت‌های مطرح‌شده و اعلام نتایج آن به مردم شدند.

مهدی هاشمی در این نامه با اشاره به گزارش‌های وزارت اطلاعات بازرسی کل کشور و هیئت ویژه‌ی رهبری در مورد پرونده استات اویل اشاره‌کرده و خواستار اعلام نتایج گزارش‌ها جهت تنویر افکار عمومی شد. مهدی هاشمی همچنین اعلام داشت که

علی‌رغم درخواست‌های مکرّر و مصرانه آنها و انتظار افکار عمومی جهت ارجاع موارد به محاکم، این مسئله با طرح شایعات و سناریوهای مختلف پیگیری می‌شود. مهدی هاشمی طرح شایعات را متوجه حامیان دولت و جریان انحرافی دانست و اعلام کرد دولت احمدی‌نژاد همه‌ی اسناد را در اختیار دارد.

سرانجام مهدی هاشمی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲ به کشور بازگشت.

تیزهوشی هاشمی در مسئله انتخاب ریاست خبرگان رهبری ـ تیر جریان انحرافی به سنگ خورد

در سال ۸۹ و هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان موج تبلیغات منفی علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از سوی حامیان دولت دهم جهت عدم انتخاب مجدد ایشان به‌عنوان رئیس مجلس خبرگان رهبری انجام گرفت. در این سال تیم رسانه‌ای نزدیک به دولت تمام توان خویش را در جهت تخریب وجهه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به کار گرفت.

بازار تهمت‌ها و اتهامات علیه ایشان روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شد. در این میان گمانه‌زنی‌های بسیاری جهت آینده سرنوشت سیاسی هاشمی رفسنجانی مطرح بود. درحالی‌که هر چه به زمان انتخابات مجلس خبرگان رهبری نزدیک‌تر می‌شدیم، موج حملات به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیشتر گردیده و ایشان توسط حامیان دولت به بی‌بصیرتی متهم و به حمایت از معترضان پس از انقلاب محکوم می‌شد. این تیم رسانه‌ای از هیچ کوششی جهت اشاعه این تفکر و القای التزام خویش به ولایت مداری و محکوم کردن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مخالفت با ولایت‌فقیه فروگذار نمی‌کردند.

سرانجام نهمین اجلاسیه اعضای چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان برای انتخاب هیئت‌رئیسه در تاریخ ۸۹/۱۲/۱۷ برگزار شد. این اجلاسیه با سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آغاز شد. ایشان با اشاره به اتفاقات چند ماه گذشته، فرمودند: «می‌بینید که در چند ماه اخیر چه غوغایی بر سر این مسئله به وجود آمده، من از دو سه ماه پیش احساس کردم که نوعی سازمان‌دهی برای مسئله ریاست خبرگان شده است، البته از راه‌های ناثواب، باید این مسئله را خیلی جدی گرفت. در اجلاس قبلی از آقای

مهدوی کنی خواهش کردم بیاید، قبل از آن با آیت‌الله طبسی مکرّر صحبت کردم. این بزرگواران نپذیرفتند».

ایشان با لزوم فراجناحی عمل کردن این نهاد گفتند: «بیش از هشتاد مجتهد عادل با انتخاب مردم، دارای صلاحیت هستند. این مجموعه، کم سرمایه‌ای نیست. تفرقه را اینجا مضر می‌دانم آن‌هم این نوع تفرقه. دیگر از دست خود افراد روحانی بیرون رفته و دست آدم‌های خاص در خیابان‌ها و کوچه‌ها افتاده است هرچه کردند که هنوز هم دارند انجام می‌دهند».

ایشان به دعوت خود از آیت‌الله مهدوی کنی برای پذیرش ریاست خبرگان خبر داده و گفتند: «واقعاً احساس خطر کردم من یک‌طرف آن هستم و فکر کردم اگر می‌توانم مسئله را حل کنم، چرا حل نکنم. همان موقع به آیت‌الله امامی گفتم از طرف من پیش آیت‌الله مهدوی بروید و بگویید که تشریف بیاورید و نامزد هم بشوید. من هم از شما حمایت می‌کنم، شاید مسئله حل شود. اگر ایشان حاضر شوند مسئولیت را بپذیرند، مطمئناً بنده نامزد نمی‌شوم، برای اینکه رفع اختلاف بشود و از ناحیه اسم من این نهاد مقدّس آسیب نبیند. اگر تشریف نیاورند هر یک از آقایان دیگر که می‌پذیرند همراهی می‌کنند، ان‌شاءالله که این مسئله درست حل شود».

ایشان با اشاره به این مسئله که تاکنون از جانب خود، نامزد هیچ پستی نبوده و تاکنون با تکلیف یا فشار راضی به پذیرش مسئولیت‌ها می‌شده، گفت: «شرایطی را دیدم که نمی‌خواهم مسئله را الان بگویم، چون تجدید اختلاف می‌شود. شرایطی را دیدم که تصمیم گرفتم دیگر در هیچ انتخاباتی به‌عنوان کاندیدا شرکت نکنم؛ اما همیشه مردم را جهت شرکت در انتخابات تشویق می‌کنم. هجمه زیادی در انتخابات خبرگان بر من وارد شده است. در دوره‌ی انتخابات قبلی خبرگان، آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله یزدی بسیار اصرار کردند و نیامدن من را مساوی با خیلی خطرها می‌دیدند و می‌گفتند بیایید. رفتم با رهبری صحبت کردم. رهبری گفتند: متعیّن و واجب است. قبلاً هم از طریق آقای طبسی و آقای روحانی این پیام را به من رسانده بودند. انتخابات به خاطر اینکه امر بود پذیرفتم».

با اصرار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مهدوی کنی کاندیدای ریاست مجلس خبرگان شد و توانست با کسب اکثریت آراء به‌عنوان رئیس مجلس خبرگان انتخاب گردد.

تقدیر رهبری از عملکرد هوشمندانه آیت الله هاشمی رفسنجانی در خنثی کردن نقشه دشمن

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۸۹/۱۲/۱۹ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری با تقدیر از عملکرد هوشمندانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خنثی کردن دسیسه‌های دشمن فرمودند: «از همه‌ی آقایان تشکر می‌کنم به‌خصوص از جناب آقای هاشمی برای اینکه در این اجلاس انتظار خصمانه‌ای که دشمنان داشتند، خنثی کردند. آنها انتظار داشتند که بین خبرگان امت اختلافات بیفتد. رقابت‌ها به رقابت منفی در تصرف مراکز و جایگاه‌ها تبدیل شود که این به حمدالله نشد. خُب از جانب آقای هاشمی انتظار هم همین بود. با توجه به سابقه‌ی عقل و احساس مسئولیتی که در ایشان همیشه ما مشاهده کردیم».

اگرچه مسئله انتخاب ریاست مجلس خبرگان که جریان انحرافی بسیار مصمّم بود از آن به‌عنوان حربه‌ای جدید برای هجمه واردکردن به آقای هاشمی رفسنجانی استفاده کنند، با هوشیاری و سیاست‌مداری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ختم به خیر شد. لیکن یکی از مسائلی که همواره ذهن طرفداران ایشان را مشغول می‌کرد، چرایی عدم پاسخگویی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و سکوت ایشان در برابر تهمت‌ها و انتقادها بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس اسلامی، در پاسخ به سؤال یکی از حاضرین در این زمینه گفت: «سکوت نکرده‌ام و همواره برای کمک به حل مشکلات بدون جنجال خبری تلاش خود را کرده‌ام. راه‌حل‌هایی را به تشخیص خود برای حل مشکلات پیش‌آمده قبلاً بیان کرده‌ام و تکرار مداوم آن را ضروری نمی‌بینم. مضافاً این‌که متأسفانه برخی افراد آلوده به اغراض سیاسی و جناحی دنبال جوسازی و ایجاد جنگ روانی در کشور هستند که ادامه‌ی این روند را به صلاح کشور نمی‌دانم».

تحقق پیش‌بینی هاشمی در مورد دولت دهم ـ یازده روز خانه نشینی رئیس جمهور در اعتراض به تصمیم رهبری ـ افتادن نقاب ولایتمداری از چهره مدعیان

در ابتدای سال ۱۳۹۰ بروز یک اتفاق باعث گردید تا پیش‌بینی‌های هاشمی رفسنجانی در مورد دولت دهم محقق گردد. تا همگان بیش‌ازپیش به شم سیاسی بالای ایشان پی ببرند. ماجرا ازاین‌قرار بود که در پی اختلافات بین وزیر اطلاعات دولت دهم و رئیس‌جمهور، استعفای حیدر مصلحی در تاریخ ۹۰/۱/۲۸ با موافقت رئیس‌جمهور همراه شد. مقام معظم رهبری این برکناری را به مصلحت ندانسته و خواستار بازگشت وزیر اطلاعات به سمت خود شد.

رئیس‌جمهور با بازگشت ایشان مخالفت کرده و به نشانه‌ی اعتراض به تصمیم رهبر به مدت یازده روز خانه‌نشین شد. خانه‌نشینی احمدی‌نژاد باعث لغو تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت در این ایام گردید. در این مدت تلاش‌های بسیاری از جانب نمایندگان مجلس، سیاستمداران و حامیان دولت برای بازگشت ایشان و تبعیت از فرمان رهبری صورت گرفت. آیت‌الله یزدی که یکی از بزرگ‌ترین حامیان دولت بود درباره‌ی دیدار خود با رئیس‌جمهور و تلاش برای بازگشت ایشان می‌گوید: «برای

رئیس‌جمهور توضیح دادم که سیستم حاکمیت ولایت‌فقیه این است که وقتی ولی امر حرفی را زد باید خواند و عمل کرد. نگرانم که ختم این پرونده با رودرروئی و درگیری با رهبری ختم شود».

نهایتاً پس از یازده روز خانه‌نشینی رئیس‌جمهور در دیداری شخصی با مقام معظم رهبری بر سر کار خویش بازگشت. این اتفاق باعث گردید تا تحلیل‌ها و هشدارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد وجود جریان انحرافی پیرامون رئیس‌جمهور که متأسفانه اصل نظام و ریشه‌های آن را نشانه گرفتند محقق شود. رئیس‌جمهور دیگر حتی حامیان خود را نیز از دست داده بود.

موج انتقادها روزبه‌روز نسبت به عملکرد ایشان بیشتر می‌شد. دیگر شعارهای انقلابی و ادعاهای نزدیکان ایشان به ولایت مداری و متهم ساختن رقیبان به عدم تبعیت از ولایت جایگاهی نداشت. چهره‌های مطرح سیاسی حامی احمدی‌نژاد گوئی پس از چند سال از خواب بیدار شده و پی به ماهیت ایشان بردند. یکی از افرادی که در گذشته نه‌چندان دور از حامیان سرسخت احمدی‌نژاد بود، دکتر حداد عادل بود که در دوره‌ی ریاستش در مجلس هفتم، مقارن با دو سال اول ریاست جمهوری نهم، متهم به مدارا با دولت بود. ایشان با انتقاد از رفتارهای احمدی‌نژاد پس از انتخابات ۸۸ گفت: «دولت آقای احمدی‌نژاد در چهار سال دوم خود هزینه‌های بسیار بالایی را به‌نظام تحمیل کرد. همه‌ی این هزینه‌ها و خسارت‌ها به‌پای اصولگرایان نوشته شد».

حداد عادل در مورد نبود شهامت پذیرش اشتباه اصولگرایان در مورد احمدی‌نژاد گفت: «در مقابل احمدی‌نژاد امکان فریاد نداشتیم که مبادا اصلاح‌طلبان امتیاز بگیرند.» ایشان همچنین در مورد دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد گفت: «در سال آخر خاتمی فضای خوبی بین اصولگرایان حاکم بود؛ اما با آمدن احمدی‌نژاد بسیاری از اصولگرایان دچار سردرگمی شدند».

سید مهدی طباطبائی عضو جامعه روحانیت مبارز درباره‌ی حمایت اصولگرایان از احمدی‌نژاد گفته بود: «برخی اصولگرایان در حمایت از احمدی‌نژاد اشتباه کردند اما شهامت و جرأت آن را نداشتند».

فاصله گرفتن اصولگرایان و حامیان دیروز احمدی‌نژاد در سال منتهی به انتخابات ۹۲ شدت بیشتری گرفت. اصولگرایان به دلیل نارضایتی طیف عظیمی از مردم کشور از عملکرد دولت دهم، برای فرار از شکست در انتخابات ۹۲ ناچار به تفکیک

احمدی‌نژاد از خود بودند. شاید یکی از تندترین این تعابیر مربوط به پژمان‌فر از اعضای جبهه پایداری باشد که پس از حضور احمدی‌نژاد در مشهد به مناسبت سالگرد ارتحال امام راحل گفت: «زنده کردن یک‌مرده اشتباه بزرگی است، احمدی‌نژاد تمام شد و رفت».

یا اینکه سید کمال سجادی سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری نیز با تشریح فضای سیاسی پیش روی کشور گفت: «تفکر احمدی‌نژاد جایگاهی در فضای سیاسی آینده کشور ندارد و این تفکر تمام‌شده تلقی می‌شود».

اشاره هاشمی به چالش‌های پیش روی دولت آینده _ ارائه راهکار به رئیس جمهور آینده برای برون رفت از مشکلات

اظهارات اصولگرایان که روزی حامی پر و پا قرص احمدی‌نژاد بودند و حتی ایشان را پدیده هزاره سوم می‌نامیدند، اگرچه رنگ فرافکنی دارد امّا بوی پشیمانی هم از آن به مشام می‌رسد. این اظهارات در حالی توسط حامیان دیروز احمدی‌نژاد مطرح می‌شد که اعتراضات احزاب و شخصیت‌های مخالف عملکرد دولت دهم در طی سال‌های گذشته و به‌ویژه پس از انتخابات ۸۸ نادیده گرفته می‌شد. درحالی‌که دلسوزان نظام و به‌ویژه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بارها نسبت به اقدامات احمدی‌نژاد انتقاد کرده و هشدار داده بودند، امّا این انتقادات نیز به جرم تضعیف دولت از سوی حامیان پر و پا قرص آن تخطئه شد.

در این زمینه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۸ با اشاره به برائت دیرهنگام و بی‌فایده حامیان دیروز احمدی‌نژاد گفت: «سیاست دولت در این هشت سال این بوده است که نیروهای باسابقه را به بهانه روی کار آوردن نسل جدید مدیران از میدان به در کنند. به نظر آنها گذشته زیر سؤال بود ولی از دوره‌ی امام حرف نمی‌زدند. چون آن زمان، رهبری، رئیس‌جمهور بودند. آنها مدیرانی که سابقه درخشان داشتند را خانه‌نشین کردند و حالا نسل جدید مدیران، ارزشی را نمی‌شناسد».

ایشان با اشاره به چالش‌های پیش روی دولت بعدی گفت: «دولت بعدی با بدهی‌های زیادی سروکار دارند. هم‌اکنون دولت به مردم پانصد هزار میلیارد تومان

بدهکار است. همچنین دویست میلیارد تومان به بانک‌ها، پنجاه‌هزار میلیارد تومان بابت اوراق مشارکت و دویست میلیارد تومان هم حقوق عقب‌افتاده بنگاه‌ها و پیمانکاران است».

ایشان وضعیت فعلی کشور را در مرحله خطر ارزیابی کرده و گفتند: «دو سال قبل این حرف را زدم. رسانه‌های معلوم‌الحال از کلمه خطر رنجیدند ولی من برای اثبات حرف‌هایم مدرک دارم».

ایشان با اشاره به پی گیری‌های خود در مجلس خبرگان افزودند: «ما در مجلس خبرگان رهبری کمیسیونی داریم به نام کمیسیون تحقیق که دوازده عضو با رأی خبرگان مسئولیت بررسی نقاط ضعف دستگاه‌های زیرمجموعه رهبری را دارند تا اگر موردی پیدا شد، گزارش کنند.

سال ۸۷ آقایان این کمیسیون به دفتر من آمدند که شما با آقای احمدی‌نژاد مشکل‌دارید و بیایید مشکلات را برطرف کنیم. البته اینها همان آقایانی بودند که از ایشان حمایت می‌کردند. تائید تقدس سازی هم داشتند. به من گفتند: «مشکل شما چیست؟»

من نشستم و به مدت دو ساعت و نیم فهرست مشکلات گذشته و امروز و آینده را بازگو کردم تا جایی که آنها گفتند: «اگر می‌دانستیم نمی‌گذاشتیم وضع این‌طور رقم بخورد».

می‌خواهم بگویم من تمام این جلسات را روی نوار ضبط کرده‌ام و یکی دست دبیرخانه شورای نگهبان و دیگری هم دست خودم است و نمی‌خواهم فاش شود. ولی همه را جزوه کرده‌ام. من اهل وحدت هستم، نه تفرقه‌اندازی».

ایشان با اشاره به تحقق تمامی حرف‌های خویش در مورد پیش‌بینی آینده گفتند: «تمام حرف‌هایی که درباره‌ی آینده گفتم و روی نوار ضبط‌شده، محقق شد. اگر به نظرات بنده عمل می‌شد امروز گرفتار شرارت‌های سال ۸۸ نمی‌شدیم چون برای من این اتفاقات روشن بود. در سیاست خارجی هم خیلی بد عمل شده است. ندای (هَل‌مِن‌مبارز) می‌طلبیدند که بیایید دعوا کنیم بعد می‌گویند قطعنامه‌ها کاغذ پاره است. بروید آب زیرش را بخورید. عهدنامه شورای امنیت برای لغوش باید دوباره اجماع شود. این اجماع برای کشور هزینه زیادی دارد. باید کلی از ما باج بگیرند».

ایشان با ارائه دو راهکار برای موفقیت رئیس‌جمهور آینده گفت: «برای برون‌رفت

از وضعیت فعلی کشور دو راهکار داریم. هر شخصی که رئیس‌جمهور شود اگر این دو راه‌کار را عمل کند قطعاً موفق خواهد شد. اولین راه‌کار این است که باید بداند حکومت برای مردم است این نمی‌شود که هر کس هر کاری دلش خواست انجام دهد و به مردم اجازه ندهد اعتراض کنند؛ مردم صاحب حکومت هستند. خدا هم حق حکومت را تنها به دوازده امام معصوم داد و بعدازآن هر فردی که مسئول حکومت شد به رأی مردم آمد. اگر دولت بر مردم تحمیل شود مردم در شرایط خطر همکاری نمی‌کنند و هیچ دولت دیکتاتوری نمی‌تواند در دنیا موفق شود. راه‌کار دوم موضوع ترمیم سیاست خارجی است».

ایشان با بیان انتظار خود از انتخابات پیش رو عنوان داشت: «انتظار داریم کسانی که صلاحیت‌دارند بی‌جهت رد نشوند. چراکه مردم خودشان اصل را می‌شناسند و نمی‌گذارند کشور خراب شود. من در کابینه‌ام از همه طیف‌های سیاسی استفاده کردم که این مدل الان هم قابل پیاده کردن است».

در این فصل می‌خوانیم:

- سیل تقاضاهای احزاب و مردم از هاشمی برای حضور در عرصه انتخابات
- همه هاشمی را ناجی کشور می‌دانند
- هاشمی به دعوت مردم لبیک گفت
- شور و هیجان شگفت انگیز مردم از حضور هاشمی
- رد صلاحیت یار دیرین امام و رهبری از سوی شورای نگهبان
- رد پای حلقه نزدیک دولت در رد صلاحیت هاشمی
- تدبیر هاشمی
- تاکید هاشمی بر اهمیت نقش پر رنگ مردم در تصمیم حضور ایشان در عرصه انتخابات
- تدبیر هاشمی زمینه ساز شکست اصولگرایان
- پیام تشکر هاشمی به مردم بابت خلق حماسه‌ای تاریخی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم
- آغاز عصر تدبیر در مدیریت کشور
- توافق تاریخی ایران و ۵+۱ در مورد مسئله هسته‌ای
- پیچ تاریخی در زندگی آیت الله هاشمی رفسنجانی

تا ابد استوار

فصل نهم
پیروزی گفتمان هاشمی بر افراطیون

- ثبت نام کاندیداهای مجلس و خبرگان رهبری
- رد صلاحیت گسترده اصلاح طلبان
- اعتراض هاشمی به رد صلاحیت یادگار امام
- تکرار اتهامات واهی به هاشمی در آستانه انتخابات
- انگلیسی خواندن لیست امید توسط افراطیون
- تاکید هاشمی به حضور مردم در انتخابات جهت پایان دادن به تندروی‌ها
- پیروزی یاران هاشمی در انتخابات سرنوشت‌ساز
- رفتار معقولانه اصولگرایان و پذیرش شکست در انتخابات
- تاکید جناح پیروز در انتخابات بر همدلی و هم‌زبانی آحاد ملت
- اصلاح طلبان مسرور از پیروزی
- تاکید عارف به نقش سرنوشت ساز آیت الله هاشمی در ثبت پیروزی تاریخی
- پیام نوروزی آیت الله هاشمی رفسنجانی

سیل تقاضای احزاب و مردم از هاشمی برای حضور در عرصه انتخابات _ همه هاشمی را ناجی کشور می‌دانند

در ماه‌های پایانی سال ۹۱ و با نزدیک شدن به زمان انتخابات ریاست جمهوری دولت یازدهم، بازار گمانه‌زنی‌ها در مورد رئیس‌جمهور آینده رونق گرفته بود. در این ایام فشارها بر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای شرکت در انتخابات از جانب مردم و محافل سیاسی بسیار بالا گرفت. اتفاقات هشت سال ریاست جمهوری دولت نهم و دهم باعث انتقادات بسیاری از روند اداره کشور در سطح جامعه گردید.

برای نخستین بار پس از پایان جنگ تحمیلی ایران و عراق، رشد اقتصادی ایران در دو سال پیاپی منفی بوده و صادرات نفت ایران به‌موجب تحریم‌های ناجوانمردانه غرب علیه کشور بسیار کاهش یافته بود. این مسئله باعث شتاب فزاینده تورم در کشور و متعاقب آن ورشکست شدن صنایع داخلی گردیده بود. در اثر این اتفاقات میزان نارضایتی از عملکرد دولت بسیار بالا گرفته بود و حتی این اعتراضات به حامیان دولت نیز سرایت کرده بود.

مجموع این اتفاقات باعث شده بود تا کارشناسان و تحلیل‌گران این نابسامانی‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی دولت یازدهم بداند. در همین زمینه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی با انتقاد از عملکرد دولت دهم، این دولت را مسبب ایجاد مشکلات متعدد در کشور معرفی کرده و اعلام داشت: «مشکلات پیچیده‌ای توسط دولت دهم به وجود آمده که حل کردن آنها توسط دولت یازدهم کار سختی است. تاکنون دولتی در ایران بر سر کار نیامده که در ابتدای فعالیت خود با چنین مشکلاتی روبرو شده باشد».

به‌این‌ترتیب کارشناسان دولت یازدهم را با میزان بدهی دویست و پنجاه‌هزار میلیارد تومان که عمده این بدهی‌ها مربوط به پیمانکاران طرح‌های عمرانی است، بدهکارترین دولت پس از پیروزی انقلاب دانسته و این مسئله را به‌عنوان میراثی خطرناک از دولت دهم برای دولت یازدهم می‌دانستند. همان‌گونه که اعلام شد با نزدیک شدن به زمان ثبت‌نام کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با موج گسترده تقاضاهای جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مردمی جهت

حضور در انتخابات مواجه گردید.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در طول هشت سال دولت نهم و دهم بسیار مورد هجمه و تخریب رسانه‌های حامی دولت قرار گرفته بود به‌هیچ‌وجه قصد ورود مجدّد به عرصه اجرائی کشور را نداشت. در دولت نهم و دهم رادیکال‌ترین حملات علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صورت گرفته بود. حامیان دولت روزبه‌روز بر شدت حملات تخریب گرایانه خود می‌افزودند چنانکه در دوران اصلاحات نیز چنین هجمه‌ای علیه ایشان صورت نگرفته بود. از طرفی رسانه‌های داخلی با گمانه‌زنی درباره حضور هاشمی در انتخابات گوی سبقت را از یکدیگر ربوده و کارشناسان اقتصادی حضور هاشمی را به معنای ثبات اقتصاد کشور و تنها راه‌حل قطعی مسائل اقتصادی می‌دانستند.

کارشناسان سیاسی نیز با توجه به مقبولیت بالای هاشمی رفسنجانی در بین سران منطقه و کارکُشتگی ایشان در مسائل بین‌المللی، از ایشان به‌عنوان بازکننده قفل مسئله هسته‌ای و بهبود سیاست خارجی یاد می‌کردند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که تا آخرین لحظه‌های ثبت‌نام در مقابل درخواست‌های متعدد رجال سیاسی و آحاد مردم مقاومت کرده بود، در پاسخ به درخواست‌های متعدد که ایشان را به‌عنوان تنها ناجی کشور در آن شرایط می‌دانستند؛ اعلام داشت: «این‌که میگویید در کشور تنها من هستم که می‌توانم مشکلات را برطرف کنم برای من شرمندگی است. اگر حرف‌های شما را بپذیرم یعنی اینکه در کشور، دیگر مردی توانمند نیست و ما نتوانسته‌ایم در این سی‌وچهار سال افرادی را برای مدیریت کشور تربیت کنیم. من نمی‌گویم که نمی‌آیم ولی می‌گویم که دولت بعدی با بدهی‌های زیادی سروکار دارد. من در کابینه‌ام از همه طیف‌های سیاسی استفاده کردم که این الان هم قابل پیاده کردن است. نیاز نیست من بیایم. البته من نمی‌گویم که نمی‌آیم ولی می‌گویم ضرورت نیست پیرمرد هشتادساله بیاید».

هاشمی به دعوت مردم لبیک گفت _ شور و هیجان شگفت انگیز مردم از حضور هاشمی

در واپسین روزهای منتهی به پایان مهلت ثبت‌نام انتخابات ریاست جمهوری؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حضور خود درصحنه را منوط به موافقت مقام معظم رهبری اعلام کرد. آقای غلامعلی رجائی مشاور ارشد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این زمینه بیان می‌کند: «ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه آخرین روز ثبت‌نام، سه نفر از مشاوران

هاشمی به دفترش آمدند و در ملاقات با وی اظهار کردند شب گذشته درخواستی به دفتر رهبری داده‌اند و هنوز منتظر جواب از جانب آنها هستند. ساعت ۱۷:۳۰ ایشان (هاشمی) از دفتر بیرون آمدند و اعلام کردند به سمت وزارت کشور حرکت می‌کنیم. درست پنج دقیقه به پایان مهلت ثبت‌نام مانده بود که به وزارت کشور وارد شدیم و چون از فرط عجله عکس از ایشان با خود نداشتیم، قرار شد همان شب عکس‌ها را برای وزارت کشور بفرستیم که این‌گونه شد».

سرانجام در دقایق پایانی ثبت‌نام از نامزدها آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با حضور در وزارت کشور برای شرکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ثبت‌نام کرد.

ثبت‌نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با موج باورنکردنی و اقبال شگفت‌آور مردم روبرو شد. مردم پس از هشت سال ریاست جمهوری دولت احمدی‌نژاد؛ با قاطعیت تصمیم خود را برای بازگشت از افراط و تندروی و گام نهادن در مسیر اعتدال برای ترسیم آینده‌ای بهتر برای کشور گرفتند.

با اعلام خبر ثبت‌نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی موج امید و شادی در میان مردم شکل گرفت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از ثبت‌نام طی مصاحبه کوتاهی هدف خود از شرکت در انتخابات و حضور در صحنه را خدمت به مردم اعلام داشته و تأکید کردند: «این مردم هستند که حق‌دارند مرا انتخاب کنند یا نه».

رد صلاحیت یار دیرین امام و رهبری از سوی شورای نگهبان ـ رد پای حلقه نزدیک دولت در رد صلاحیت هاشمی

حضور و ثبت‌نام ایشان در انتخابات ریاست جمهوری و اینکه تأکید داشتند که یک‌بار دیگر خود را به آزمون آرای مردم می‌گذارند، بسیاری از مخالفین ایشان را شوکه کرد. سرانجام پس از اعلام نتایج رسیدگی به صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان خبری در رأس اخبار تمامی رسانه‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفت که موجب تعجب بسیاری قرار گرفت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یار دیرین انقلاب، امین امام راحل، هم‌سنگر و یار نزدیک مقام معظم رهبری، رد صلاحیت شد.

خبر رد صلاحیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با توجه به شورونشاطی که در هنگام ثبت‌نام ایشان به فضای انتخاباتی و عمومی جامعه داده بود، بسیار شگفت‌آور و پرسروصدا بود. ایشان پس از شنیدن خبر رد صلاحیت خویش طی بیانیه‌ای خطاب به مردم تأکید کرد: «اگر اعتلای کشور و عزت و رفاه ملت در سایه نظام اسلامی هدف اعلا و آرزوی همه ماست رواست در این راه، مشکلات و تلخی‌ها ما را از ادامه این راه مقدس بازندارد».

ایشان در بخش دیگری از بیانیه خود خطاب به مردم گفتند: «اینک خاضعانه از تمامی شما مردم عزیز ایران اسلامی و همه شخصیت‌ها و بزرگان دینی و علمی و دوستانی که چه قبل از ثبت‌نام و چه در مدت کوتاه پس‌ازآن، این‌جانب را مورد لطف و محبت صمیمانه خود قراردادند، به‌ویژه کسانی که در سراسر کشور با برپایی ستادهای خودجوش مردمی، زحماتی را متحمل و متقبل شده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و توصیه می‌نمایم که فرصت تقویت وحدت و همدلی را که در ستادها، میان نیروهای معتدل اصلاح‌طلب و اصولگرا ایجاد شد، به‌عنوان حسن آغازی برای تداوم این حرکت حفظ کنند».

ایشان بعد از عدم احراز صلاحیت خود از سوی شورای نگهبان و در دیدار با اعضای ستاد انتخاباتی خود گفت: «با توجه به شرایط موجود کشور، دولت آینده میراث دار سوء مدیریت‌های سال‌های اخیر و تحریم‌های ظالمانه، مشکلات و معضلات بسیاری در همه عرصه‌ها به‌ویژه اقتصادی و سیاسی خواهد بود. هر کس بتواند شانه خود را زیر بار سنگین مسئولیت‌ها و حل مشکلات داده و رسالت آن را قبول کند، باید قدردان بود و به وی کمک کرد».

وی تأکید کرد: «جامعه امروز، نیاز به وحدت و آرامش برای عبور از شرایط دشوار کنونی را دارد و باید ضمن پرهیز از ناامیدی با روحیه امید و آرامش و اتخاذ تصمیمات جهادی و عقلایی برای حل تدریجی مشکلات کشور چاره‌اندیشی کرد. تلاش کنیم تا حماسه سیاسی مدنظر رهبری ایجاد شود تا بتواند مقدمه‌ای برای حماسه اقتصادی کشور باشد».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بعدها پرده از نقش حلقه نزدیک دولت در رد صلاحیت خود برداشته و گفت: «آقای مصلحی وزیر وقت اطلاعات و معاونانش، برخلاف آئین‌نامه شورای نگهبانی که حضور افراد خارج از شورا در بحث‌های انتخاباتی

را ممنوع می‌کند، به آنجا رفتند. با حضور مصلحی مخالفت شده بود که نباید او باشد. خیلی اصرار کردند تا توانستند موافقت اعضای شورای نگهبان را به دست آورند. پس از اصرار فراوان، اعضای شورای نگهبان با حضور مصلحی موافقت کردند، ولی گفتند که معاونان ایشان نباید باشند. یکی از اعضای خبرگان به من خبر داد که مصلحی در جلسه به آنها گفته بود که ما صبح و ظهر و شب، به‌طور مرتب آرای آقای هاشمی را رصد می‌کنیم که ساعت‌به‌ساعت بالا می‌رود و الان به هفتاد درصد رسیده است؛ در این چند روز تا انتخابات اگر همین‌طور بالا برود آرای ایشان از نود درصد بالاتر می‌رود و ما مصلحت نمی‌دانیم، چون اگر ایشان بیاید تمام رشته‌های ما را پنبه می‌کند».

بعدها عباسعلی کدخدایی سخنگوی سابق شورای نگهبان نیز گفت: «این شورا از طریق دکتر علی لاریجانی و دکتر حسن روحانی به آقای هاشمی رفسنجانی پیغام داد که رد صلاحیت شده و بهتر است انصراف دهد؛ اما ایشان این توصیه را نپذیرفت.»

تدبیرهاشمی

در زمانی که عدم احراز صلاحیت هاشمی رفسنجانی از سوی شورای نگهبان شوک عجیبی به مردم و نخبگان کشور وارد کرده بود، ایشان با ذکاوتی فوق‌العاده و به سبک سیاستمداران مشهور تاریخ که هیچ‌گاه ناامید نمی‌شوند با این موضوع برخورد کرد و اجازه نداد موضوع عدم احراز صلاحیتش مانعی برای کم شدن اعتدال خواهی مردم ایجاد کند.

در حالی‌که اکثر کارشناسان سیاسی داخلی و بین‌المللی، هاشمی رفسنجانی را تنها گزینه نجات کشور، برای برون‌رفت از مشکلات ناشی از عدم مدیریت صحیح در دولت گذشته می‌دانستند، هاشمی توانست به‌خوبی وحدت و انسجام بی‌سابقه‌ای بین اصولگرایان معتدل و اصلاح‌طلبان برقرار کرده و سپس با نهایت درایت آن را به‌سوی دکتر روحانی هدایت کند.

ایشان با توجه به تجربه بالای سیاسی خود، تمامی ستادهای انتخاباتی خود در سراسر کشور را به نفع دکتر حسن روحانی کاندیدای معتدل و یار دیرین خود بسیج کرد. این درایت باعث گردید تا ایشان با تشخیص ضرورت یک کاندیدای واحد، زمینه انصراف دکتر محمدرضا عارف نامزد اصلاح‌طلب را به نفع دکتر حسن روحانی هدایت کند تا اصلاح‌طلبان با کاندیدای واحد و اتفاق‌نظر بر روی آن بتوانند زمینه پیروزی

تاریخی خود را بر رقیب فراهم آورند.

این‌گونه بود که اصولگرایان در نهایت ناباوری شاهد اجماع اصلاح‌طلبان بر گفتمان اعتدال دکتر روحانی بودند. با توجه به اینکه دکتر روحانی به‌عنوان شخصیت سیاسی بسیار نزدیک به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شناخته می‌شد، این موضوع در میان مردم با شعار «رأی به روحانی، رأی به هاشمی است.» زمینه‌ساز پیروزی تاریخی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم گردید.

سرانجام در تاریخ ۹۲/۳/۲۴ انتخابات ریاست جمهوری یازدهم برگزار گردید. در این انتخابات آقای دکتر حسن روحانی توانست بر پنج رقیب اصولگرای خود فائق گردیده و به‌عنوان هفتمین رئیس‌جمهوری کشور انتخاب گردند. آقای هاشمی در این انتخابات با هوشمندی فضا را به‌گونه‌ای مدیریت کرد که درنهایت رد صلاحیتش را تبدیل به یک فرصت استثنایی کرده و زمینه پیروزی کاندید موردنظرش را فراهم آورد.

دکتر روحانی پس از اعلام پیروزی وی در انتخابات صراحتاً از حمایت‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تشکر کرد و در اولین اظهارنظر رسمی خود اعلام کرد: «بی‌شک نقش امیدآفرین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که از چهره‌های درخشان این نظام در این خیزش خروش بودند شایسته قدرشناسی است».

احمدی‌نژاد اگرچه در سال ۱۳۹۲ سیاست را موقتاً ترک کرد اما آثار عملکرد ایشان و اتفاقاتی که در هشت سال ریاست جمهوری ایشان افتاد تا سال‌ها بعد حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر خود قرار داد. در زمینه شکست اصولگرایان در انتخابات ۱۳۹۲ کارشناسان مسائل سیاسی اعتقاددارند که حمایت اصولگرایان از آقای احمدی‌نژاد به برند اصولگرایی آسیب بسیاری وارد کرده است که اثرات آن تا سال‌ها از ذهن مردم پاک نخواهد شد. در واقع اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم تاوان حمایت هشت‌ساله خود را از احمدی‌نژاد می‌دهند.

تاکید هاشمی بر اهمیت نقش پر رنگ مردم در تصمیم حضور ایشان در عرصه انتخابات

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره حضور خود در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با یادآوری فشارهای وارده از سوی افراد و جناح‌های سیاسی گفتند: «در هر

انتخاباتی بر اساس تقاضاهای مردم و نخبگان وارد صحنه شدم. در انتخابات سال ۹۲ از شش ماه قبل از انتخابات بر من فشار وارد می‌کردند که بیایم ولی من مقاومت می‌کردم. در زمان مجلس ششم هم تندروی‌ها را پیش‌بینی می‌کردم و دیدید که چگونه شد. در ایام ثبت‌نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، در جلسه‌ای و پس از اصرار حاضران برای حضور من درصحنه انتخابات که با مخالفت این‌جانب مواجه شد. پدر یکی از شهدا به حالت بغض گفت: «ما فرزندان خود را برای این انقلاب دادیم و شما از ترس سختی‌های پس از انقلاب می‌خواهید راحت‌طلبی کنید.» به ایشان گفتم من مسائلی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. گفت: "یعنی از کشته شدن فرزندان ما هم سخت‌تر است؟"».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره تأثیر خواست مردم برای مجاب شدن خود جهت حضور در انتخابات می‌گویند: «باور کنید در هر انتخاباتی اگر اصرار مردم و نخبگان و حتی مراجع و علمای قم و نجف نبود؛ نمی‌آمدم و اگر می‌دیدم نامزدها می‌توانند اهداف انقلاب را پیش ببرند در همین مجمع با تدوین سیاست‌های کلی و حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان خدمت می‌کردم».

ایشان همچنین در مورد دلایل شرکت خود در هر انتخابات نیز می‌گویند: «در هر انتخابات به دلایلی شرکت کردم، در قبل و بعد از هر انتخابات وقتی‌که می‌دیدم که بعضی‌ها به اسم اسلام دارند کارهایی می‌کنند که به ضرر انقلاب، ایران و مردم است، خون‌دل می‌خوردم. ما که از اول مبارزه، پیروزی و تثبیت نظام بودیم می‌دانستیم و می‌دانیم که آرمان‌های امام، مبارزین و شهدا چه بوده است، وقتی‌که احساس می‌کردیم جریان‌هایی دارند مسیر انقلاب را از آرمان‌ها منحرف می‌کنند ناراحت می‌شدیم».

ایشان همچنین به بررسی علل حضور خود در دو مقطع انتخابات‌های دوره نهم و یازدهم پرداخته و گفتند: «در هر دو مقطع انتخابات‌های ۸۴ و ۹۲ خیلی فکر کردم و درمجموع به این نتیجه رسیدم که باید بیایم. احساس وظیفه می‌کردم که باید بیایم تا بعدها در تاریخ شرمنده نباشم که اگر کاری از دست من برمی‌آمد، چرا برای انقلاب و مردم انجام ندادم؟ اتفاقاً اگر نمی‌آمدم و شرایط هشت سال گذشته را می‌دیدم، خودم را سرزنش می‌کردم. ولی دیگر برای این موضوع پیش خداوند و مردم شرمنده نیستم».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مورد تأثیر و اهمیت مردم در تصمیم‌گیری‌های خویش می‌گوید: «از امام آموختم که هرگز به خواست مردم پشت نکنم. در انتخابات

۸۴ شرایط به‌گونه‌ای بود که مردم و شخصیت‌ها صراحتاً می‌گفتند اگر شما بیایید روند سازندگی ادامه پیدا می‌کند. ولی برای این انتخابات شرایط به‌گونه‌ای بود که مردم دیگر برای ادامه سازندگی درخواست حضور نداشتند بلکه تأکید می‌کردند که باید بیایید تا کشور نجات پیدا کند. دولت سابق با همه امکاناتی که داشت و حمایت‌هایی که می‌شد تجربه خوبی برای مردم بود و مطمئناً زمینه برای تجربه جدیدی در تاریخ انقلاب پیدا شد».

تدبیر هاشمی زمینه‌ساز شکست اصولگرایان ـ پیام تشکر هاشمی به مردم بابت خلق حماسه تاریخی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم

همان‌طور که اعلام شد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با توجه به تحلیل درستی که از شرایط سیاسی و اجتماعی کشور داشتند توانستند آرای مردم را به سمت آقای دکتر روحانی سوق دهند. درحالی‌که جریان اصولگرا با اشتباه محاسباتی خود در رفتارشناسی آقای هاشمی پس از رد صلاحیت معتقد به قهر ایشان و ترک صحنه سیاسی کشور بودند. برای اولین بار در طول سال‌های پس از انقلاب آقای هاشمی رفسنجانی پس از رد صلاحیت، با مهندسی فوق‌العاده خود مسیر را برای پیروزی گفتمان اعتدال خواهی در کشور فراهم کرد. ایشان با درک صحیح از عوامل شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات گذشته که عمده‌ترین آن وجود چند کاندیدای اصلاح‌طلب در صحنه انتخاباتی بود، این بار به‌خوبی این نقیصه را برطرف کرده و با اجماع تمامی جریان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرایی معتدل بر روی دکتر روحانی توانست مقدمات پیروزی ایشان را فراهم نماید.

انتخابات سال ۹۲ به‌خوبی نشان داد که آقای هاشمی رفسنجانی مرد تحول و تغییر برای منافع ملی است و ناملایمات باعث دست کشیدن ایشان از تحقق آرمان‌های امام راحل و انقلاب نمی‌شود. آقای هاشمی رفسنجانی همواره نقش‌آفرینی صادق و مصلحی هوشمند است که در عرصه سیاست می‌کوشد تا با دفاع از ارزش‌ها در جهت حفظ منافع ملی گام بردارد.

در پی حماسه‌آفرینی ملّت ایران در انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲، آیت‌الله هاشمی

رفسنجانی با صدور بیانیه‌ای ضمن تشکر خاضعانه و دست‌مریزاد به آحاد مختلف مردم در اقصی نقاط کشور تأکید کرد: «انتخابات ۲۴ خرداد فقط یک رویداد سیاسی نبود، بلکه یک اتفاق فرهنگی، یک هشدار اقتصادی و یک همراهی اجتماعی برای اعلام انزجار از کله‌شقی، قانون‌گریزی، فرازوفرودهای افراط‌وتفریط و برگشت به راه اعتدال و عقلانیت است که جانْ‌مایه رسالت نبوی و اساس تعالیم ائمه هداست.» در این بیانیه که توسط دفتر ایشان منتشر گردید آمده است:

هاتف آن روز به من مژده‌ی این دولت داد
که در آن جور و جفا، صبر و ثباتم دادند

مردم بزرگوار و شریف ایران اسلامی؛

آنچه روز جمعه؛ ۲۴ خرداد با قدم‌ها و قلم‌های شما در صحیفه‌ی تاریخ این سرزمین رقم خورد؛ اوج شور و شعور ملّی و اسلامی و بهترین تعبیر برای اجتهاد سیاسی بود که خاتمیت اسلام را در توجه به شرایط زمان و مکان؛ در دنیا جاودان کرد. حضوری که اگرچه در امتداد انقلاب اسلامی؛ بر دوام بود؛ امّا زمزمه‌های شومی به گوش می‌رسید تا بر این آیینه‌ی همدلی؛ همراهی و همکاری، غبار یأس و ناامیدی بنشانند.

این‌جانب خاضعانه از همه شما؛ مردان و زنان، دختران و پسران و پیر و جوان از همه‌ی قشرها و صنوف در شهرها و روستاها که «حماسه سیاسی» در تعبیر رهبری را عینیت بخشیدید؛ تشکّر و قدردانی می‌نمایم و خود را در شادمانی سیاسی و شیرینی تحقق وعده‌های اللهی با شما مردم زمان‌شناس و فهیم، سهیم می‌دانم و به منتخب مردم؛ حجت‌الاسلام‌والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی تبریک می‌گویم و امیدوارم با سرمایه ارزشمند اعتماد و اطمینان مردم و حرکت در مسیر تحقق وعده‌های انتخاباتی و برنامه‌های ارائه‌شده؛ نور امید را با تدبیر دولت خویش هرروز در جامعه مشعشع‌تر نماید.

این انتخابات و نتایج معنادار آن درس‌های فراوانی در ابعاد سیاست داخلی و خارجی داشت که واکاوی و یادآوری آن از ضرورت‌های تحلیل‌های منطبق بر واقعیت‌هاست. به جهانیان و مدعیان سردمداری ملل درس داد که مردم ایران را نمی‌توانید پشت دیوارهای تحریم محصور نمایید و شعار تعامل با ملت‌ها، بدون حضور صاحبان متمدن‌ترین و بافرهنگ‌ترین آنها، یعنی ایرانیان، مانند بهار بدون سرسبزی است و خزانی بیش نیست.

به همسایگان مرزهای جغرافیایی این کشور درس داد که باید قدر هم‌جواری با مهربان‌ترین و با درایت‌ترین ملت منطقه را بدانند و بیهوده بر طبل اختلاف نکوبند و صلاح مملکت خویش را در همکاری با ایران بجویند. به بزرگان اندیشه‌ساز در داخل کشور، درس داد که تحجّر، دگم‌اندیشی، بداخلاقی‌ها، حذف‌ها، طردها و انحصارطلبی‌ها، متاعی بی‌بها و مقطعی است و جایی در طاقچه‌ی ذهن و زبان مردم این سرزمین ندارد و مهربانی، تعامل و اعتدال، بهترین زبان برای گفتگوی با مردم است و به‌ویژه جوان ایرانی خوب می‌داند که چگونه در برگه‌های آرای خویش به سفیران عطوفت سلام دهد.

به تحریف‌کنندگان تاریخ درس داد که مردم پازل‌های بریده‌شده از قیچی تحریف و سانسور را در واقعیت‌های جامعه پیدا می‌کنند و نمی‌گذارند تحریف در تاریخ نهادینه شود و زمانِ شادمانیِ مقبولیتِ دروغ‌پراکنی‌ها تا اولین فرصت ممکن برای اعلام بیزاری عمومی است و آنچه در دین مبین اسلام ناپسند است، برای همه عقول با همه اختلافات سلیقه‌ای و جناحی، ناپسندتر است.

به کینه‌جوسازان و دشمن تراشان درس داد که مردم، به هنگام نیاز «أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ» را با «رُحَمَاء بَيْنَهُمْ» در یک آیه تلاوت می‌نمایند و برای تبیین تعامل با جهانیان، به این کلام نورانی قرآن پایبندند که «وَ لا تَسُبُّوا الَّذينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّواْ الله عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»

انتخابات ۲۴ خرداد فقط یک رویداد سیاسی نبود، بلکه یک اتفاق فرهنگی، یک هشدار اقتصادی و یک همراهی اجتماعی برای اعلام انزجار از کله‌شقی، قانون‌گریزی و فراز و فرودهای افراط و تفریط و برگشت به راه اعتدال و عقلانیت است که جانْمایه رسالت نبوی و اساس تعالیم ائمه هداست.

به منتخب محترم مردم که الحمدالله از السابقون عقلای قوم و از آشنایان با رمز و راز دفاع منطقی از جمهوریت، اسلامیت و تمامیت ارضی ایران و از فرزندان فهیم حوزه و دانشگاه است، مشفقانه و برادرانه توصیه می‌نمایم که فرصت‌ها و امتحان الهی چون ابرها می‌گذرند و باران نیز، اگر طریق افراط بپیماید، سیلاب می‌شود و اگر معتدل ببارد، هم چشم‌انداز و هم واقعیتِ طبیعت را عوض می‌نماید.

ایشان خوب می‌دانند که صدف‌های اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی و مستقل‌های سیاسی، در این سرزمین پُر از مرواریدهای درخشان است که دلشان برای سربلندی ایران می‌تپد

و رویگردانی مردم از تنگ‌نظری در استفاده از ظرفیت‌های انسانی و خانه‌نشین کردن سرمایه‌های ملی و دینی است.

این‌جانب یک‌بار دیگر به آحاد مردم عزیز ایران «دست‌مریزاد» می‌گویم و از دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات که از ماه‌ها پیش‌زمینه‌های خلق این حماسه سیاسی را فراهم کردند، تشکر می‌نمایم و امیدوارم جناب آقای دکتر روحانی، در پایان رقابت‌ها و آغاز فصل رفاقت‌ها، درراه رسیدن به «حماسه اقتصادی» که وعده‌اش را در تبلیغات انتخاباتی داده بودند، از ظرفیت‌های مدیریتی و کارشناسی استفاده نمایند.

والسلام

آغاز عصر تدبیر در مدیریت کشور ـ آغاز مذاکرات بین‌المللی جهت رفه مسئله هسته‌ای ـ حمایت رهبری از تیم مذاکره کننده ایران با غرب

این‌چنین بود که آیت‌الله رفسنجانی همچون یک شطرنج‌باز قهّار با برداشتن مهره‌های درست و اتخاذ تصمیم‌های هوشمندانه توانست قلعه مخالفین خویش را به‌خوبی تحت تسخیر خویش درآورده و بر هشت سال عداوت ورزی و ستیزه‌جویی آنها پایان دهد.

شروع دوره ریاست جمهوری دکتر حسن روحانی با دهمین سال مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای غربی مصادف شد. مذاکراتی که با مسئولیت دکتر حسن روحانی به‌عنوان دبیر شورای امنیت ملی کشور در سال ۸۲ آغاز گردیده بود. درحالی‌که کارشناسان تحقق وعده‌های اقتصادی دولت دکتر حسن روحانی را درگرو لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، به‌واسطه به ثمر نشستن مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای غربی می‌دانستند؛ که در طول سال‌های گذشته عملاً دستاورد قابل‌توجهی در مذاکرات هسته‌ای به عمل نیامده بود.

اولین دور مذاکرات هسته‌ای ایران در خلال سفر هیئت ایرانی در حاشیه شرکت در کنفرانس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل بود که برای اولین بار پس از انقلاب دو وزیر خارجه ایران و آمریکا با یکدیگر ملاقات کرده و در خصوص حل مسئله هسته‌ای ایران صحبت کردند. پس‌ازاین مذاکرات، دولت دکتر روحانی تمامی تلاش خود را برای

به سرانجام رساندن مذاکرات هسته‌ای انجام داد.

در این میان اختلاف‌نظر در داخل کشور بابت نحوه دستیابی به یک توافق جامع و حفظ عزت و دفاع از منافع ملی وجود داشت که با حمایت‌های هوشمندانه و مؤثر مقام معظم رهبری، تیم هسته‌ای به سرپرستی دکتر محمدجواد ظریف توانست، این مذاکرات را به سرانجام برساند. قطعاً نقش تاریخی مقام معظم رهبری و تدابیر هوشمندانه ایشان در شرایط دشوار بسیار به کمک دولت و تیم مذاکره‌کننده آمد.

در حالی‌که کشورهای غربی برای التزام ایران به پایبندی به فعالیت‌های هسته‌ای در زمینه علمی و عدم ساخت بمب‌های هسته‌ای تأکید داشته‌اند فتوای مقام معظم رهبری در ممنوعیت تولید سلاح هسته‌ای موردقبول کشورهای طرف مذاکره قرارگرفته و مسیر دستیابی به توافق را هموار کرد. اگرچه دولت دکتر روحانی در حالی ریاست جمهوری را تحویل گرفت که کشور در شرایط بسیار حساس قرار داشت و دولت آمریکا در دو سال منتهی به دولت یازدهم شدیدترین تحریم‌ها را علیه کشورمان بکار گرفته بود ولی سیاست‌های مؤثر خارجی دولتی دکتر روحانی که ضمن توجه به حقوق مردم و پاسداشت همه حقوق ملت تلاش می‌کرد با منطق و استدلال و تعامل سازنده با دنیا شرایطی را به وجود آورد که سایه تحریم‌های ناجوانمردانه را از سر کشور دور کند. دکتر روحانی در همان ایام می‌گوید: «حتماً حق هسته‌ای حق مسلّم مردم ماست. کما اینکه صدها حق دیگر حق مسلّم مردم ما هست. توسعه کشور، بهبود زندگی مردم، ایستادگی در برابر تحریم‌ها و رفع تحریم‌ها هم حق مسلّم مردم ما است. رابطه خوب با دنیا، عزت و سربلندی کشور ما هم حق مسلّم مردم ما است. به حقوق مسلّم کشور باید توجه کنیم و احترام بگذاریم. ازجمله حق هسته‌ای که آن‌هم حق مسلّم ما است».

ایشان هم‌چنین می‌گوید: «خیلی قشنگ است که سانتریفیوژ بچرخد ولی به‌شرط اینکه امور کشور هم بچرخد؛ اما اگر سانتریفیوژ بچرخد و کل کشور بخوابد چه فایده‌ای دارد؟»

توافق تاریخی ایران و ۵+۱ در مسئله هسته‌ای

سرانجام پس از بیست‌ودو ماه مذاکره تیم ایرانی به سرپرستی دکتر محمدجواد ظریف با گروه موسوم به ۵+۱ در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ توافق جامع و نهایی بر سر آینده برنامه هسته‌ای ایران انجام گرفت و خانم موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه

اروپا و دکتر محمدجواد ظریف، در یک کنفرانس خبری، در وین پایتخت اتریش با خواندن بیانیه‌ای توافق نهایی در برنامه هسته‌ای ایران را اعلام کردند. این توافق پایانی بر دوازده سال مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی بر سر مسئله هسته‌ای بود.

بی‌شک یکی از حامیان دولت دکتر روحانی در زمان انجام مذاکرات هسته‌ای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. ایشان که در ابتدای دولت از لزوم تجدیدنظر در سیاست خارجی کشور و لزوم بهبود روابط با کشورهای دنیا سخن گفته و به دولت پیشنهاد کرده بود برای زدودن آثار و تبعات منفی ناشی از تحریم‌ها به‌سوی تعامل سازنده با دنیا جهت حل مسئله هسته‌ای و رفع تحریم‌ها گام بردارد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره تأثیر توافق هسته‌ای بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور می‌گوید: «این توافق باعث می‌شود که وضع کشور به حالت عادی بازگردد و کشور در حالت عادی مشکلی ندارد زیرا منابع زیادی در کشور هست که در ارتباط با همکاری‌های خارجی می‌توانیم هم بهتر نقد کنیم و هم بهتر بفروشیم و تکنولوژی‌های جدیدی لازم داریم که می‌توانیم آن را بیاوریم. روابط تجاری‌مان تقویت می‌شود، درنتیجه تولید کشور بالا رفته و ارتباط جهانی‌مان تقویت‌شده و به‌یک‌باره تجارت‌مان چند برابر تقویت می‌شود. البته ممکن است ازلحاظ اقتصادی زود و فوری نتیجه ندهد ولی ازلحاظ روانی مثبت است».

ایشان با اشاره به ظرفیت سرمایه‌گذاری در کشور گفت: «هم‌اینک خیلی از کشورها آماده سرمایه‌گذاری در کشور ما هستند، به‌خصوص ایرانیان مقیم خارج از کشور مایل هستند که به ایران بیایند و از این ظرفیت‌ها استفاده کنند. ظرفیت سرمایه‌گذاری در کشور بسیار بالا است به‌خصوص در زمینه نفت و پتروشیمی این توان وجود دارد که کشور به یکی از قطب‌های دنیا تبدیل شود».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مناسبت آغاز توافقات برجام و رفع تحریم‌ها با ابراز خوشحالی از شادمانی مردم پیامی صادر کردند. متن کامل پیام رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دراین‌باره به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اگر انتخاب دولت یازدهم را برخاسته از اراده مردم فهیم ایران برای برداشتن سیم‌خاردارهای سیاسی گرد ایران اسلامی، آغاز تعاملات سازنده و همچنین متلاشی

کردن صخره‌های صمّای کوه بی‌اعتمادی بین جمهوری اسلامی ایران و جهان بدانیم که چنین بود، مطمئناً اصل و اساس برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت تدبیر و امید در بعد سیاست‌های خارجی، برداشتن تدریجی سنگ‌های دیوار تحریم‌های ظالمانه و قطع ارتباط‌های سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای مهم جهان بود که خدا را شکر، با انتخاب یکی از زبده‌ترین تیم‌های دیپلماسی در تاریخ ایران که سوابق و تجربیات مذاکرات عاقلانه و فشرده برای احقاق حقوق ایران در ماجرای قطعنامه ۵۹۸ را در پرونده کاری خویش داشتند، این مهم، پس از دو سال و اندی جهاد سخت، فشرده و صبورانه دیپلماسی به نتیجه رسید و مانند صدام، دیکتاتور حزب بعث که پس‌ازآن همه جنایات در حق دو ملت ایران و عراق، در یکی از آخرین تبادل نامه‌ها قبل از آزادی آزادگان سرافراز به خود من، صراحتاً اعلام کرده بود که تمام شرایط و خواسته‌های شما را پذیرفتیم. در موضوع برجام هم همه‌ی کشورهای جهان به پیش‌قراولی ۵+۱، پس از سیزده سال تبلیغات غیرواقعی و القائات مسموم درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین اعمال تحریم‌های ظالمانه، از زبان دبیر کل سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای و در حضور وزرای خارجه‌ی کشورهای قدرتمند جهانی، جلوی دوربین‌های خبرنگاران اقصی نقاط جهان، رسماً اعلام کردند که تمام فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی صلح‌آمیز است.

این اعتراف بین‌المللی و لغو تمام تحریم‌ها، مخصوصاً لغو یکجای شش قطعنامه ظالمانه را که در دولت نهم در حق ملت ایران اتفاق افتاد، به ملت عزیز و صبور ایران، تیم زحمت‌کش، صادق و صبور دیپلماسی، دولت برخاسته از اراده مردم، رهبری بزرگوار که در همه مراحل با حمایت‌های خویش جلوی تندروهای را می‌گرفتند و ملت‌های جهان سوم و دنیای اسلام و همسایگان که دل درگرو انقلاب اسلامی داشته و دارند، تبریک می‌گویم و امیدوارم تمام جناح‌ها و جریان‌های سیاسی مخصوصاً در آستانه انتخابات سرنوشت‌ساز اسفندماه، برای دو مجلس خبرگان رهبری و شورای اسلامی، با اتخاذ شیوه‌های اخلاقی و عاقلانه، آن‌گونه که در شأن و جایگاه یک کشور متمدن اسلامی است، میدان را برای حضور پرشور همه آحاد مردم مهیا کنند و بگذارند حماسه‌ی سیاسی دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی رقم بخورد تا ان‌شاءالله سال ۱۳۹۵ در کنار اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و آغاز تعاملات جهانی، سال حماسه‌ی اقتصادی در کشور باشد که آرزوی همه‌ی دلسوزان نظام، مردم عزیز،

خانواده‌های گرامی و جوانان پرشور است.

این‌جانب با تبریک مجدد این پیروزی سیاسی که می‌تواند مقدمه‌ی پیروزی‌های بیشتر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، بر این نکته تأکید می‌کنم که عقلانیت، شرط اساسی برای اجرای تصمیمات دیپلماتیک و مهم‌تر از آن اجرای کامل توافقات به‌ویژه پایبندی کامل طرف مقابل به همه تعهدات و قوانین است؛ و دولت یازدهم در این سال‌ها نشان داده است که علاوه بر حفظ عزت و اقتدار، احساسات سیاسی را هم بر اساس منافع ملی و عقل اجتماعی بروز می‌دهد و نمی‌گذارد کشور دچار افراط روزمرگی و برنامه‌های انتزاعی شود.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیچ تاریخی در زندگی آیت الله هاشمی

یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین ایام در دوران فعالیت سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را باید سال ۱۳۹۴ دانست. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که پس از انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری با نقش‌آفرینی بسیار مؤثر خود باعث پیروزی نزدیکترین یار خود یعنی دکتر حسن روحانی گردیده بود در این سال در پی تثبیت موقعیت سیاسی خویش و پیروزی در دو انتخابات سرنوشت‌ساز پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری و دهمین دوره مجلس شورای اسلامی بود.

جناح رقیب هنوز در شوک ثبت‌نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات ۹۲ و تدابیر ارزشمند ایشان پس از رد صلاحیت که منجر به پیروزی گفتمان اعتدال و انتخاب یکی از نزدیک‌ترین یاران آیت‌الله هاشمی به عنوان رئیس جمهور به سر می‌برد؛ طبق پیش‌بینی‌ها از شش ماه قبل از انتخابات استراتژی تخریب ایشان را در دستور کار خود قرار دادند. استراتژی مخالفان هاشمی، ناکارآمد جلوه دادن رئیس سابق قوای مقننه، مجریه، مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از همان روزهای ابتدایی انقلاب از معدود سیاستمدارانی بود که وابستگی سیاسی به هیچ‌کدام از جریان‌های مرسوم نداشت

و جناح‌های مختلف سیاسی مشکلات خود را با محوریت ایشان حل می‌کردند. این مسئله و قدرت نقش‌آفرینی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چندان به مذاق تندروهای سیاسی خوش نمی‌آمد و آنها ایشان را به‌عنوان سدی در برابر تندروی‌های خود می‌دیدند و به همین دلیل از هیچ مسئله‌ای جهت تخریب وجه ایشان دریغ نمی‌کردند.

با نزدیکی به زمان انتخابات، موج حملات نسبت به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی افزوده می‌شد. در این میان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با به‌کارگیری استراتژی مؤثر خود در جریان انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بار دیگر بر اتحاد بین گروه‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرایان معتدل جهت پیروزی در انتخابات پیش رو تأکید داشت.

استراتژی اصلی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ممانعت از پیشروی تندروهایی بود که به دنبال سنگ‌اندازی در جلوی پای دولت دکتر روحانی و بر هم زدن برجام بودند. تندروها در دو سال گذشته همواره به دنبال ایجاد مانع بر سر راه برنامه‌های دولت بودند. همان‌گونه که اعلام شد انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری از چنان اهمیتی برخوردار بود که می‌توان اسفند ۱۳۹۴ را پیچ تاریخی در زندگی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نام نهاد.

مهم‌ترین دلیل اهمیت این انتخابات تأثیر فضای جدید سیاسی کشور پس از انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بود. با توجه به اینکه این انتخابات اولین آزمون مردمی پس از توافق هسته‌ای بود، برای دولت یازدهم و جناح رقیب به معنای تأیید، یا عدم تأکید سیاست‌های دولت تلقی می‌شد.

همزمانی دو انتخابات سرنوشت‌ساز و آرایش سیاسی احزاب کشور که برای اولین بار باعث تشکیل جبهه واحد در دو جناح رقیب گردیده بود، اهمیت این مقطع را دوچندان کرده بود.

در این میان تمامی چشم‌ها یک‌بار دیگر منتظر تماشای نقش‌آفرینی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این انتخابات بود. حضور ایشان در انتخابات خبرگان، اگرچه یک فرصت طلایی برای اصلاح‌طلبان بود، ولی بدون تردید آرایش سیاسی کشور را نیز به هم خواهد ریخت.

ثبت نام کاندیداهای مجلس و خبرگان رهبری ـ رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان ـ اعتراض هاشمی به رد صلاحیت یادگار امام

سرانجام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۹۴/۸/۳۰ با حضور در ستاد انتخابات کشور در پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری ثبت‌نام کرد. همزمان ثبت‌نام نامزدهای انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز از تاریخ ۹۴/۸/۲۸ لغایت ۹۴/۱۰/۴ برگزار گردید.

پس از اعلام نتایج بررسی تأیید صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری در مجلس شورای اسلامی افراد سرشناسی، رد صلاحیت شدند که مهم‌ترین آنان آیت‌الله سید حسن خمینی، نوه امام خمینی بود. پس از رد صلاحیت آیت‌الله سید حسن خمینی که از جانب مراجع بانفوذ حوزه علمیه قم، اجتهاد ایشان مورد تأیید قرار گرفت ولی به دلیل عدم شرکت در آزمون سنجش علمی خبرگان رهبری از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت گردید. این رد صلاحیت با اعتراض آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مواجه گردید. ایشان در سخنانی با انتقاد شدید نسبت به رد صلاحیت آیت‌الله سید حسن خمینی اعلام کرد: «ما هر آنچه داریم از امام داریم. همه باید به امام و بیت ایشان خودمان را بدهکار حساب کنیم. بدهکارها هدیه خوبی در مقدمه انتخابات به امام ندادند. صلاحیت شخصیتی که اشبه به جدش امام خمینی راحل است را قبول نمی‌کنند».

پس از اعلام اسامی تأییدشدگان و اعلام رد صلاحیت آیت‌الله سید حسن خمینی که با تعجب بسیاری از علاقه‌مندان به ایشان همراه بود، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همان‌گونه که در سال ۹۲ با هوشمندی فضای جامعه پس از رد صلاحیتش را به‌گونه‌ای مدیریت کرد که کاندیدای مورد حمایتش به پیروزی برسد، فضای پس از رد صلاحیت اصلاح‌طلبان و آیت‌الله سید حسن خمینی را نیز به‌گونه‌ای بسیار دقیق به‌خوبی مدیریت کرد که منجر به پیروزی لیست موردنظرش در هفت اسفند شد. پس از اعلام اسامی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر حسن روحانی و اصلاح‌طلبان، در یک اقدام هماهنگ و بسیار بااهمیت و تاریخی به یک لیست مشترک دست یافتند.

درایت و ذکاوت بالای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این وحدت و اتحاد بسیار مؤثر بود. با نزدیکی انتخابات، موج حملات به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیشتر و

هدفمندتر می‌شد. در جبهه‌ی اصولگرایان لیست موسوم به ائتلاف بزرگ اصولگرایان مطرح بود. در مجلس خبرگان رهبری با سر لیستی آیت‌الله محمد یزدی و در مجلس شورای اسلامی با سر لیستی دکتر غلامعلی حداد عادل پا به عرصه انتخابات گذاشتند. البته نام برخی از اصولگرایان تندرو در این فهرست قرار نگرفت. اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان و حامیان دولت با توجه به تجربه ناموفق انتخابات سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ که منجر به عدم موفقیت آنها گردیده بود و از طرفی با الگو گرفتن از رویکرد مثبت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات سال ۹۲ که منجر به پیروزی آنها گردیده بود، این بار نیز از انتخابات اخیر به‌خوبی جهت اعتمادسازی و رفع کدورت‌ها استفاده کردند.

حضور آیت‌الله هاشمی در انتخابات خبرگان رهبری با توجه به درایت و هوش بالا و توان مدیریت و نقش‌آفرینی در تعیین سرنوشت آینده کشور بسیار تأثیرگذار و بااهمیت و تاریخی خواهد بود.

تکرار اتهامات واهی به هاشمی در آستانه انتخابات ـ انگلیسی خواندن لیست امید توسط افراطیون ـ تاکید هاشمی به حضور مردم در انتخابات جهت پایان دادن به تندروی‌ها

همان‌گونه که عنوان شد در هنگام تبلیغات انتخاباتی، فضای تبلیغاتی بسیار شدیدی علیه ایشان شکل گرفت. ولی ایشان بازهم بنا بر سیاست پیشین خود، هیچ‌گاه در مقام اعتراض و پاسخگویی برنیامده و با زیرکی هرچه‌تمام‌تر، برنامه‌های مدنظر خویش را به‌پیش می‌برد. در جریان تبلیغات انتخابات، رسانه‌های بیگانه که هیچ‌گاه دوست واقعی ملت ایران نبوده‌اند با تبلیغات فراوان سعی در تفرقه‌افکنی و ایجاد شکاف بین مسئولان نظام داشتند.

یکی از حربه‌های رسانه‌های بیگانه حمایت از لیست موردنظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود که این امر باعث گردید تا جبهه رقیب با تب‌وتابی فراوان سعی در القای حمایت بیگانگان از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کرده و اتهاماتی را از طریق رسانه‌های بی‌شمار خود به ایشان روا دارند. البته سیاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این

زمینه نیز دعوت از مردم برای شرکت در پای صندوق‌های رأی بود تا با ایجاد همدلی بیشتر توطئه‌های رسانه‌های بیگانه را نقش بر آب سازند.

به همین منظور در فاصله کمتر از یک هفته به زمان انتخابات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با صدور بیانیه‌ای مردم را به حضور در انتخابات فراخواند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بیانیه انتخاباتی خویش، انتخابات هفتم اسفند را، یکی از فرصت‌های بسیار گران‌قدر برای جلوگیری از نهادینه شدن تندروی‌های سیاسی و افراط‌گری‌های دینی در جامعه دانست و از مردم برای مشارکت در تعیین سرنوشت خود دعوت کرد. متن کامل این بیانیه به شرح ذیل است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مردم عزیز و بزرگوار ایران

برادران و خواهران بزرگوار در استان تهران

با توکل بر خدای لایزال، اعتقاد به مبانی اسلام، تأکید بر اصول اسلامی، تعالیم اهل‌بیت(ع) و با اعتماد کامل به صداقت انتخاب افکار عمومی، پس از سال‌ها مسئولیت‌های انتخابی و انتصابی، یک‌بار دیگر و شاید برای آخرین بار خود را در معرض آرای شما مردم بزرگوار می‌گذارم تا هم‌وزن عملکرد و هم میزان درستی و نادرستی مواضع خود را در ترازوی اندیشه‌های عام بسنجم و هم اگر رأی لازم و قانونی را برای ورود به مجلس خبرگان رهبری به دست آوردم، بر اساس تکالیفی که قانون اساسی به‌صراحت از نمایندگان این مجلس خواسته، انجام‌وظیفه نمایم.

شاید برای شما مردم بزرگوار، تکراری باشد که اندیشه‌های اعتدالی بر اساس مکتب اسلام، مذهب تشیع و تعالیم درسی، دینی و سیاسی امام راحل در وجودم ایجاد و بعدها در هفده سال مبارزه و سی‌وهفت سال مسئولیت‌های متعدد تقویت شد و خوشحالم که در شرایط کنونی، مردم فهیم و هوشیار، به‌ویژه بانوان و جوانان تحصیل‌کرده و بالنده‌ی جامعه هم پس از زخم‌های عمیق از تجاهل و تغافل افراط‌وتفریط، اعتدال اسلامی را گمشده خویش می‌دانند و با نشانی‌هایی که در گفتار، رفتار، کردار و افکار مسئولان می‌بینند، بر تقویت این اصل اسلامی در جامعه می‌کوشند.

بی‌شک انتخابات هفتم اسفند، یکی از فرصت‌های بسیار گران‌قدر برای جلوگیری از نهادینه شدن تندروی‌های سیاسی و افراط‌کاری‌های دینی در جامعه است.

کاش فرصت حضور همه‌ی صاحبان اندیشه و سلایق در هر دو انتخابات اسفندماه، به‌طور کامل فراهم می‌شد، اما آنچه اکنون به‌عنوان اندیشه‌های سیاسی نامزدها مطرح می‌شود، خواسته‌های بخشی از جامعه را فراهم می‌نماید و این امر می‌تواند زمینه‌ساز حماسه‌ای بزرگ در تاریخ انقلاب اسلامی و تا حدّی مصداق انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ باشد که علی‌رغم تبلیغات تخریبی علیه فرهنگ اعتدال، مردم با نهایت هوشیاری، مسیری را انتخاب و راه را باز کردند که تنها یکی از دستاوردهای بزرگ آن، ایجاد باور صلح‌جویی، قدرت استدلال، منطق و اندیشه‌ی مردم متمدن ایران در مراکز بین‌المللی و قدرت‌های جهانی بود و دیدیم چگونه کسانی که بر طبل جنگ، تهدید و تحریم می‌کوبیدند، به‌پای میز مذاکره برگشتند و حقانیت ایران اسلامی را در استفاده صلح‌آمیز از مواهب انرژی هسته‌ای، قانونی و رسمی پذیرفتند و بر ناتوانی خود در مقابل قدرت دیپلماسی فعال و مذاکرات منطقی ملت ایران اذعان کردند.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و از همه مردم عزیز در سراسر کشور، به‌ویژه در حوزه انتخابیه استان تهران می‌خواهم که جمعه، هفتم اسفند، اولاً فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی، به وحدت ملی و انسجام اسلامی بیاندیشند و با حضور پرشور، احساسی و عاقلانه خویش در پای صندوق‌های رأی، یک روز تاریخی را در تقویم انقلاب اسلامی رقم بزنند که زیبنده‌ی تمدن دیرپای ایران و فرهنگ انسانی و اسلامی آن است و ثانیاً، به دنیا ثابت کنیم که تندروی‌ها، اعمال سلیقه‌های شخصی، تفسیر به رأی‌ها و افراطی‌گری‌ها، مربوط به یک عده‌ی محدود است و آنچه حقیقت اسلام و برگرفته از آموزه‌های قرآنی است، پرهیز از جنگ و خونریزی و تأکید بر مهربانی، صلح، صفا و برادری است.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیروزی یاران هاشمی در انتخابات سرنوشت‌ساز

سرانجام در روز ۹۴/۱۲/۷ مردم کشور با لبیک به دعوت بزرگان خویش به‌پای صندوق‌های رأی آمده و بار دیگر جهانیان را مبهوت خویش ساختند. انتخابات که با حضور بیش از سی‌ودو میلیون نفری مردم برگزار گردید، با پیروزی لیست امید در شهر تهران همراه شد.

مردم تهران بارأی بالای خود به لیست امید، مانع حضور مخالفین دولت در مجلس شورای اسلامی گردیدند. در انتخابات خبرگان رهبری نیز، آقای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با کسب دو میلیون و سیصد و یک هزار و نود و دو رأی، در صدر منتخبان مردم تهران برای پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری قرار گرفت. بر این اساس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بالاترین میزان رأی مردم تهران در سی سال گذشته را به خود اختصاص داد.

از لیست موردحمایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای مجلس خبرگان رهبری در حوزه تهران نیز پانزده نفر از شانزده نفر سهمیه تهران را به خود اختصاص داد. ایشان انتخابات هفتم اسفند را پدیده‌ای ارزشمند در تاریخ ایران اسلامی خواند و گفت: «حضور ستایش برانگیزانه مردم در انتخابات تأکیدی در تداوم نقش آنان برای تقویت پایه‌های نظام بود؛ و باید از این سرمایه ارزشمند درراه ساختن ایران اسلامی بهتر و بیشتر استفاده کنیم».

پس از اعلام نتایج انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ارسال پیام تشکر خویش به مردم ایران اسلامی گفت: «رقابت‌های انتخاباتی باید تبدیل به رفاقت‌ها و در جهت ساختن ایران و تحکیم پایه‌های نظام باشد».

متن کامل پیام به شرح ذیل است:

واصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلاَّ بِاللّهِ وَلاَ تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلاَ تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ِانَّ اللّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَواْ وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ.

و صبر کن و صبر تو جز به توفیق خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و ازآنچه نیرنگ می‌کنند، دل‌تنگ مدار، در حقیقت خدا باکسانی است که پروا داشته‌اند و باکسانی است که نیکوکارند. (سوره مبارکه نحل، آیات شریفه ۱۲۷ و ۱۲۸)

مردم عزیز و بزرگوار ایران

برادران و خواهران بزرگوار در استان تهران

در اولین بیانیه انتخاباتی نوشته بودم: «پس از سال‌ها مسئولیت‌های انتخابی و انتصابی، یک‌بار دیگر خود را در معرض آرای شما مردم بزرگوار می‌گذارم تا هم‌وزن عملکرد و هم میزان درستی و نادرستی مواضع خود را در ترازوی اندیشه‌های عام بسنجم».

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که آنچه به‌عنوان یکی از سربازان ایران اسلامی در تمام این سال‌ها در گفتار و رفتار داشته‌ام، موردپسند شما مردم بزرگوار قرار گرفت و مطمئنم موجبات رضایت خداوند متعال را نیز فراهم می‌نماید که: **عبادت به‌جز خدمت به خلق نیست.**

اگرچه از مدت‌ها قبل بخشی از امپریالیسم خبری با همه‌ی بنگاه‌های تبلیغاتی خارج نشین درحرکتی هماهنگ با غول رسانه‌ای داخلی، به انواع و اقسام تهمت‌ها، توهین‌ها و دروغ‌گویی‌ها متوسل شدند و با تعابیری زشت، مردم را از حضور در انتخابات می‌ترساندند؛ اما آنچه زن و مرد و پیر و جوان ایرانی در هفتم اسفند انجام دادند، اوج بلوغ سیاسی آنان و هوشیاری ملی و دینی در مقابل دسیسه‌ها و توطئه‌ها بود که با تواضع تمام به خاطر عظمت این حضور در سراسر کشور و در استان تهران در مقابل عزیزانی که به این حقیر اعتماد کرده و رأی دادند و چه عزیزانی که به دیگر نامزدهای محترم رأی داده‌اند، سر تعظیم و احترام فرود می‌آورم و به همه مردم در همه‌ی شهرها و روستاهای این کشور بزرگ، دست‌مریزاد می‌گویم.

نگاهی از سر تأمل به بداخلاقی‌ها و خط تخریبی که متأسفانه به‌ویژه در این دوره از انتخابات دنبال و تشدید می‌شد، نشان می‌داد که به خاطر ارادت و علاقه‌ی دوسویه مردم و روحانیت، بدخواهان داخلی از سر استیصال، دست به دامان انگلیسی‌ها، داعش و حتی وهابی‌های سَلفی شده بودند تا با احساسات پاک مردم عزیز بازی کنند که اگرچه تا حدودی کردند و بسیاری از مردم را به وحشت انداختند، اما اکثریت مردم ایران آن وحشت را به جان خودشان انداختند و نشان دادند که کلام خداوندی در «وجَعَلناکُم أُمَّه وَسَطًا»، هشدار نبوی در «علیکم بالقصد، بر شما باد میانه‌روی» و توصیه‌های امام مهربانی، علی (ع) در «العاقل من وضع الاشیاء مواضعها، عاقل کسی است که هر کاری را به‌وقت و در جای خود انجام می‌دهد»، هنوز ـ و ان‌شاءالله تا همیشه در جامعه ایران اسلامی جریان دارد و ملت عزیز با امید به آینده‌ی بهتر، از روح مردم‌سالاری دینی نظام اسلامی حمایت خواهد کرد. خلق حماسه‌ی بی‌نظیر هفتم اسفند یکی از اتفاقات عبرت‌آموز و ماندگار در تاریخ خواهد بود.

این‌جانب با شکر به درگاه ایزدی، از شما مردم عزیز ایران اسلامی، به‌ویژه جوانان پرشور و بانوان گرامی که با تشکیل گروه‌های متعدد حمایتی در فضاهای

مجازی و گرم کردن تنور تبلیغات در جهت تشویق و ترغیب مردم برای حضور بیشتر در انتخابات، زحمت کشیدند، تشکر و قدردانی می‌نمایم که هم انقلاب و نظام اسلامی را با این حضور خویش بیمه و هم به من به‌عنوان خادم خویش، مجدداً اعتماد کردید.

مطمئن باشید بر اساس آنچه از روز ازل با خدای خود عهد بستم و بعدها با رهبری‌های امام (ره) وارد مبارزات شدم و در حدّ توانایی‌ها در پیروزی و تثبیت انقلاب و همه‌ی مقاطع آن نقش داشتم، اکنون نیز با شما آن عهد دیرین را تجدید می‌نمایم که درراه آبادانی ایران عزیز، زدودن خرافات از دین اسلام و مکتب اهل‌بیت (ع)، حمایت از آرمان‌های امام (ره) و شهدا، تقویت پایه‌های میانه‌روی دینی در جامعه و نهادینه کردن خط اعتدال و اعتماد متقابل میان مردم و نظام، خواهم کوشید و از همه‌ی مسئولان نظام به‌ویژه رهبری بزرگوار، دولت محترم، دستگاه‌های نظارتی و اجرایی، نهادهای امنیتی و همه‌ی کسانی که در خلق این حماسه‌ی بی‌نظیر نقش داشته‌اند، تشکر می‌نمایم؛ و امیدوارم آنچه به‌عنوان نتیجه این انتخابات به‌دست‌آمده، در راستای بهتر شدن وضع مردم در زندگی فردی و اجتماعی باشد.

در پایان به همه نامزدها و حامیان آنها، چه کسانی که رأی آوردند و چه کسانی که رأی نیاوردند، یادآوری می‌نمایم که رقابت‌های انتخاباتی باید تبدیل به رفاقت‌ها و در جهت ساختن ایران و تحکیم پایه‌های نظام باشد و باید قدر سرمایه‌ی ارزشمند اعتماد مردم را بدانیم که یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ امنیت در داخل است.

اوضاع منطقه را می‌بینیم و از تلاش دشمنان ایران و تشیّع، برای ایجاد اختلاف و بروز ناامنی‌ها خبرداریم و باید بکوشیم تا امنیت کشور را که مرهون حضور مردم است، به‌عنوان نعمت خداوندی حفظ و تقویت شود که این مهم جزء با وحدت و همدلی، حمایت از برنامه‌های دولت، همراهی با رهبری نظام و خدمت صادقانه و بی‌منت به مردم میسر نخواهد شد.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

رفتار معقولانه اصولگرایان و پذیرش شکست در انتخابات

بعد از مشخص شدن نتایج انتخابات در تهران که با شکست اصولگرایان به پایان رسید، اصولگرایان شاخص با پذیرش شکست و رفتار معقولانه به جناح پیروز در انتخابات تبریک گفتند. در این میان دکتر حداد عادل رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس نهم که در این انتخابات در جایگاه سی و یکم قرار گرفته بود با پذیرش نتیجه انتخابات گفت: «همان‌طور که در یک شهرآورد ورزشی همیشه یک تیم برنده نیست در سیاست هم یک جناح نمی‌تواند همیشه پیروز باشد».

آیت‌الله محمد یزدی رئیس مجلس خبرگان رهبری که به‌عنوان سر لیست اصولگرایان در انتخابات خبرگان رهبری بود نیز با ابراز خوشحالی از رأی نیاوردنش و تبریک به همه‌کسانی که رأی آورده‌اند گفت: «خوشبختانه برای دوره پنجم خبرگان من رأی نیاوردم و در آینده در خدمتتان نیستم. از این اتفاق و از این‌که این بار از دوش من برداشته شد، خوشحالم».

محمد خوش‌چهره یکی دیگر از کاندیداهای اصولگرای مجلس غرور و خودشیفتگی بیش‌ازحد نسبت به انتخابات را ویژگی بارز لیست ائتلاف اصولگرایان دانست که این ویژگی باعث شد آنان آمادگی لازم و مطابق با حقایق را در انتخابات نداشته باشند.

امیر محبیان، تحلیل‌گر اصولگرا نیز در تبیین چرایی شکست اصولگرایان در تهران معتقد است: «اصولگرایان به جامعه این پیام را فرستادند که همه آنها مثل جبهه پایداری فکر می‌کنند، ارسال این پیام نامحسوس کافی بود تا مردم تهران رأی خود را به نام کسانی بنویسند که در مقابل جبهه پایداری ایستاده‌اند».

علیرضا زاکانی نماینده مجلس نهم از لیست اصولگرایان نیز با تصریح بر رعایت اخلاق انتخاباتی در تمکین از قانون و ارج نهادن به رأی مردم و تکلیف به کمک منتخبان مردم جهت خدمت شایسته بر اساس منافع ملی گفت: «از همه‌کسانی که رأی داده‌اند "چه کسانی که به ما رأی داده‌اند یا عزیزانی که به رقبای ما رأی داده‌اند" تشکر می‌کنم و اذعان دارم که رأی مردم ارزشمند بوده و مجاری قانونی فصل‌الخطاب خواهد بود».

احمد توکلی نیز در این زمینه گفت: «اکنون‌که اکثریت شما رأی‌دهندگان و

موکلان گرامی و بزرگوارم برای ایفای وظایف نمایندگی خود به چهره‌های جدیدی رأی داده‌اید و این خادم را از بار سنگین وکالت رهایی بخشیده‌اید، با ادب و احترام و خلوص باطن سپاسگزارتان هستم و برایتان بهترین‌ها را آرزو کرده و از سر تکریم قانون و اعتقاد قلبی به مردم‌سالاری دینی، صمیمانه به منتخبان محترم شادباش می‌گویم و خود و تمام منتخبان محترم را به اخلاق، گفتگو، تفاهم و وحدت دعوت می‌کنم».

تاکید جناح پیروز در انتخابات بر همدلی و همزبانی آحاد ملت

دکتر حسن روحانی نیز با انتشار پیامی اعلام کرد: «با اتمام انتخابات، وقت آن است که با همدلی و همزبانی ملت و دولت، راهی تازه گشوده شود و با اتکا به توان داخلی و استفاده از فرصت‌های خارجی، فصلی نو در رشد و شکوفایی اقتصاد ملی گشوده شود».

رئیس‌جمهور در این پیام ضمن تشکر از حضور باشکوه ملت ایران در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری افزود: «نتیجه انتخابات هرچه باشد، جمهوری اسلامی ایران بلندآوازه‌تر شده است؛ نظام و رهبری و ملت پیروز شده‌اند و این مردم ایران هستند که بار دیگر اراده و قدرت انتخاب خود را به نمایش گذاشتند تا عموم خدمتگزاران و به‌ویژه دولت برگزیده ملت، اعتبار و توان بیشتری یابند».

متن کامل پیام رئیس‌جمهور خطاب به ملت ایران به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هفتم اسفند ۱۳۹۴ در تاریخ ایران عزیز، سرنوشتی پرافتخار و ماندگار یافت. انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری و دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، فرصتی شد تا اقتدار ایران اسلامی دوباره رخ نماید و سیمای باعظمت این ملت وفادار، بار دیگر چون خورشیدی تابان در منظر جهانیان بدرخشد.

آفرین بر همت و عزم بلندتان، غیرت و پایمردی‌تان و بر عشق و احساسات پاک همه شما ایرانیان که با حضور آگاهانه و همدلی، همواره وطن عزیز خود را در آغوش وفا و اعتماد گرفته‌اید.

حضور پویا و پرمهرتان را سپاس می‌گویم و در مقابل عظمت روح و بلندی همتتان سر تعظیم فرود می‌آورم. امروز همه مسرور و شادمانیم که دعوت به حضور گسترده و رهنمودهای رهبری معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با حماسه‌آفرینی شما ملت بزرگ تحقق یافت.

این نظام برخاسته از اندیشه هدایتگر و الهی حضرت امام خمینی (ره)، آرمان‌های ملتی مؤمن و آزاده و جهاد و فداکاری شهدا و ایثارگران گران‌قدر است. اینک قدم‌ها و قلم‌های شما در هفتم اسفند، در امتداد همان نهضت شورانگیز، امیدی دوباره و عظمتی مضاعف آفرید و به همه خدمتگزاران انگیزه خدمت بیشتر بخشید.

نتیجه انتخابات هرچه باشد، جمهوری اسلامی ایران بلندآوازه‌تر شده است؛ نظام و رهبری و ملت پیروز شده‌اند و این مردم ایران هستند که بار دیگر اراده و قدرت انتخاب خود را به نمایش گذاشتند تا عموم خدمتگزاران و به‌ویژه دولت برگزیده ملت، اعتبار و توان بیشتری یابند.

رقابت پایان یافت؛ حال وقت آن است که با همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت، راهی تازه بگشاییم؛ و به اتکا توان داخلی و استفاده از فرصت‌های خارجی، فصلی نو در رشد و شکوفایی اقتصاد ملی بگشاییم.

از همه گروه‌ها، سلیقه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و همچنین نامزدهای محترم انتخابات که با حضور قانونمند و اخلاقی، شورآفرین رقابت شدند؛ و همچنین شورای محترم نگهبان و وزارت محترم کشور، هیئت‌های اجرایی و نظارت، دستگاه‌ها و نهادها، رسانه‌ها و فعالان عرصه اطلاع‌رسانی و نیروهای پرتلاش نظامی و انتظامی که در تحقق این حماسه و افتخار نقشی ارزنده ایفا نمودند؛ تقدیر می‌نمایم.

دولت تدبیر و امید با هر فرد منتخبی که نام او از صندوق آراء بیرون آید، پیمان می‌بندد تا با همکاری یکدیگر آینده‌ای پرامید و باعزت را برای ایرانیان عزیز رقم بزنند.

به شکرانه این نعمت بزرگ در پیشگاه الهی سجده شکر به‌جا می‌آوریم و در برابر ملت بزرگ ایران به احترام می‌ایستیم و به شما مردم که افتخار تاریخ ایران‌زمین هستید، درود می‌فرستیم.»

اصلاح طلبان مسرور از پیروزی ـ تاکید عارف بر نقش سرنوست ساز آیت الله هاشمی در ثبت پیروزی تاریخی

در این میان اصلاح‌طلبان و حامیان دولت با پیروزی تاریخی خود در انتخابات، علیرغم تمامی کاستی‌ها به ابراز شادمانی پرداختند.

دکتر محمدرضا عارف سر لیست اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس با صدور پیامی با قدردانی پرشور مردم در دهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی از همراهان خود در لیست امید خواست تا رفتار در چارچوب قانون و اخلاق، گفتار برمدار صداقت و تصمیم برمبنای عقلانیت را سرلوحه تمام تصمیمات و اقدامات خود قرار دهند.

متن این پیام به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

یا محول الحول و الاحوال

ملت بزرگ ایران اسلامی، روز دیگری از تقویم را تبدیل به حماسه کردند. از ۷ اسفند ۱۳۹۴ در تاریخ سیاسی این سرزمین به نام حماسه حضور و "بلوغ سیاسی" ملت یاد خواهد شد. حماسه شور و شعور مردم و تبلور مجدد اقتدار و عظمت جمهوری اسلامی ایران.

پیروز این حماسه، تمامی مردمان ایران‌زمین هستند، همه مردم آگاه، غیرتمند و وفادار به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب که با درک شرایط حساس داخلی و بین‌المللی، با تمام وجود دل درگرو عزت و سربلندی ایران سرافراز دارند.

به روح بلند رهبر فقید انقلاب و شهدای سربلند میهن درود می‌فرستم و لازم می‌دانم از تمام کسانی که زمینه‌ساز این حضور حماسه‌ساز و چشمگیر شدند قدردانی کنم. از مقام معظم رهبری که با رهنمودهای حکیمانه خود، بخصوص دعوت از تمامی سلایق و تضمین سلامت انتخابات با "حق‌الناس" خواندن رأی مردم، باعث دلگرمی تمام بازیگران صحنه انتخابات شدند. همچنین از کلیه نهادهای برگزارکننده انتخابات به‌ویژه دولت محترم و شورای محترم نگهبان کمال قدردانی را دارم. همچنین به‌طور ویژه از تمامی بزرگان و عزیزانی که با نگاه به آینده روشن و پر امید، اقدام به تشویق مردم و جوانان به‌خصوص اعلام حمایت از "لیست امید" کردند، تشکر می‌کنم.

از جوانان عزیز که همچون سایر صحنه‌های حساس انقلاب به‌ویژه انتخابات خرداد ۹۲، نقش اصلی را در ایجاد این شور و شعور و خلق حماسه بر دوش کشیدند، به‌طور خاص قدردانم که در ایام فاطمیه با حفظ حرمت ایام سوگواری بانوی بزرگ جهان اسلام، نشان دادند که خود پاسدار ارزش‌ها و حرمت‌ها هستند و ثابت کردند که نسل سوم و چهارم انقلاب ظرفیت بالای اعتماد نسل اول را دارند و هر قدم اعتماد و اعتقاد به توانمندی و تعهد ایشان، ده‌ها قدم از همدلی و همراهی و وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی را به دنبال دارد.

از رسانه‌های گروهی و اصحاب رسانه که در حماسه هفتم اسفند بسیار تأثیرگذار بودند و باعث شور انتخاباتی شدند تشکر و قدردانی می‌کنم.

مطمئناً رأی شما مردم بزرگوار به اعضای "لیست امید" مسئولیت خطیری را متوجه ما می‌کند که باید در برابر این وظیفه مهم و حساس به‌خوبی انجام‌وظیفه نماییم. در این مقطع زمانی باید به رقابت‌های انتخاباتی پایان داد و ضمن تمکین به قانون، تمام سعی و تلاش خود را به سرانجام رساندن وعده‌های داده‌شده به ملت بزرگوار معطوف کرد.

این‌جانب و همراهانم در "لیست امید" قدردان و وام‌دار همه مردم و جوانان عزیز هستیم و فراموش نخواهیم کرد که این شما بودید که با درک شرایط حساس و به‌خصوص با تحمل و گذشت از مشکلات، یکی از حساس‌ترین و پرشورترین انتخابات تاریخ کشور را با حفظ آرامش و خویشتن‌داری برگزار گردید.

ضمن آرزوی توفیق برای تمامی منتخبین مردم در مجلس شورای اسلامی از درگاه ایزد متعال، از ایشان تقاضا دارم، رفتار در چارچوب قانون و اخلاق، گفتار بر مدار صداقت و تصمیم بر مبنای عقلانیت را سرلوحه تمام تصمیمات و اقدامات خود قرار دهند تا با همدلی و هم‌زبانی همه کارگزاران نظام و با اتکا به توانمندی‌های موجود، تحقق برنامه‌های پیشرفت و توسعه به‌ویژه رونق اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی تسهیل و تسریع شود و مسیر تحقق چشم‌انداز ایرانی آباد و پیشرفته هموارتر گردد.

با امید و توکل به خداوند متعال

محمدرضا عارف

دکتر محمدرضا عارف همچنین در مورد نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات هفتم اسفند می‌گوید: «ایشان یک مهندس واقعی است؛ که هم مهندسی سیاسی را می‌فهمد، هم درک دقیقی از عدد و رقم دارد».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز انتخابات هفتم اسفند را نشان از آگاهی، هوشمندی و بلوغ سیاسی مردم دانسته و گفتند: «رقابت‌ها تمام شد و دوران وحدت و همکاری فرارسیده است. احتیاج به هماهنگی مثال‌زدنی داریم که این انتخابات طلیعه و مقدمه آن بود. هرچه بود و هرچه شد تمام شد و نباید به مباحث اختلاف‌برانگیز دامن زده شود چراکه دوران پس از انقلاب، دوران تلاش برای ساختن کشور است».

آخرین پیام سال ۱۳۹۴

در آخرین روزهای سال ۹۴ و در آستانه سال جدید آیت الله هاشمی رفسنجانی دلنوشته‌ای سراسر احساسی خطاب به مردم کشور نوشتند و در آن نوید آینده‌ای بهتر برای مردم در سایه‌ی اعتدال و پایان دوران افراطی گری و تندروی در کشور دادند.

متن کامل دلنوشته‌ی ایشان که در پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی رفسنجانی منتشر شد بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (سوره الاعراف، آیه ۱۹۹)

گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب

مردم عزیز ایران، سلام!. سال نو بر شما مبارک. سال۹۴، سال شما بود. سال شما که به حق امّت وسط هستید. سال شما که به همه درس اعتدال دادید. سال ۹۴، سال شما بود. که هم با برجام، به دنیا گفتید در پی تعامل هستید و از جنگ گریزانید و هم با رأی خود، نشان دادید که "روحانیت، بی مردم" حتی توان حفظ خود را هم نمی‌یابد!

مردم عزیزم! اکنون شما در جایگاه استادی نشسته‌اید و همچون خمینی کبیر، که مردم را رهبر خود می‌دانست ما نیز در سال ۹۴ در کلاس درس شما نشستیم و به قلب خود فهمیدیم گذشت شما را، از خطاهای گذشته و حمایتهای ناصواب. و به گوش خود شنیدیم و فریاد شما را در پذیرش «اعتدال» و برجام. و به چشم خود دیدیم روی برگرداندن معنادارتان را از عده-ای در انتخابات ۹۴.

پارسال برایتان نوشتم، چه من باشم یا نباشم ، فردا از آن شماست! و امروز در نوروز پیش رو قلبم عین دریا روشن است و گواهی می‌دهد که: سال ۹۵ هم، سال شماست. تا روز به روز در سایه حضورتان دایره تنگ افراطی‌ها تنگ‌تر و گشایش پنجره اعتدال فراخ‌تر گردد. همچون شاگردی در مقابل استاد همت و آگاهی شما را می‌ستایم و تعظیمش می‌کنم و همچون گذشته می‌گویم اگر آبرویی دارم از شماست و همیشه آماده‌ام در طبق اخلاص پیشکش مرام و معرفت شما کنم. انشاءالله باشم و روزهای پررونق‌تان را ببینم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۲۶ اسفندماه

پیام نوروزی آیت الله هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در پیام نوروزی خود، نوروز را به همه‌کسانی که در گستره وسیع جغرافیای فرهنگی ایران، بهار را نقطه آغاز سال می‌دانند، تبریک گفت و با اشاره به نقش مردم در پیروزی انتخابات هفتم اسفند حضور چشمگیر، مؤثر، هدفمند و همراهی معنادار زنان و جوانان این سرزمین با قاطبه مردم را مکمّل راهی دانست که از خرداد ۹۲ شروع کرده بودند.

متن کامل پیام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به این شرح است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم»

نوروز، آغاز هم اعتدالی اجزای زمین و آب‌وهواست که نه سرمایش جان‌فرسا و نه گرمایش طاقت سوز است و جالب است که در الهام از همین سرمشق اعتدال، در بسیاری از برهه‌های زندگی اجتماعی و تاریخی ایرانیان، تبلور اراده و خواست مردم آگاه می‌شود.

حضور چشمگیر، مؤثر، هدفمند و همراهی معنادار زنان و جوانان این سرزمین با قاطبه مردم در آخرین ماه سالی که گذشت و حضور حماسی آنان در روز تاریخی هفتم اسفند، برای انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، مکمّل راهی است که از خرداد ۹۲ شروع کرده بودند که نشانه و سندی متقن، بر عمق و پیشینه روح حقیقت‌جوی ایرانیان است.

مردمی که «استقلال و آزادی» را شعار محوری «جمهوری اسلامی» برگزیده‌اند و با همان صلابتی که دوران دفاع مقدس را در تاریخ این سرزمین جاودانه کرده‌اند و از فردای پس از هشت سال جنگ تحمیلی، بازسازی، سازندگی و آبادانی خرابه‌های جنگ و عقب‌ماندگی‌های تاریخی را با اشاره و عنایت امام (ره) برنامه توسعه همه‌جانبه کشور قرار داده‌اند، پس از یک وقفه کوتاه، صلح، دوستی و آشتی طلبی خویش را نیز، با انتخاب مسئولان و نمایندگان به رخ جهانیان کشیده‌اند و همگان را به تحسین واداشته‌اند که منطق و استدلال، اساس تفکرات آنان در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست.

و اینک در نوروز باستانی، یک‌بار دیگر، باهم میثاق می‌بندیم که به یمن قدوم این عید تحول‌آفرین که «احسن الحال» دعای قلبی همه ما در کنار سفره‌های هفت‌سین است، حقیقت، صداقت، صلح‌جویی و احترام به خرد جمعی را جایگزین ناراستی، دروغ، جنگ‌طلبی و خودمحوری می‌سازیم.

با تبریک نوروز به همه ایرانیان در اقصی نقاط کشور و همه‌کسانی که در گستره وسیع جغرافیای فرهنگی ایران، بهار را نقطه آغاز سال می‌دانند، دعا می‌کنیم که در سال جدید، مسلمانان و ایرانیان در هرکجا که هستند، از ظلم و جنایت زیاده خواهان و کسانی که باعث بدنامی دین عزیز اسلام و مکتب تشیّع شده‌اند، نجات یابند و دنیا با استفاده از فرهنگ اصیل اسلام و آموزه‌های اخلاقی انسان، آرامش را به مردمانش هدیه کند.

فصل دهـــم
صفحه آخر زندگی آیت اللهِ مردم ...

در این فصل می‌خوانیم:

- آغاز هجمه رسانه‌ای جریان شکست خورده انتخابات به آیت الله، به بهانه سفر به کیش
- دنیای گفتمان‌ها، بهانه‌ای برای تلافی عقده‌های شکست
- انصراف آیت الله از نامزدی ریاست مجلس خبرگان
- تاکید بر حفظ و رعایت حقوق شهروندی
- تکرار سناریوری نخ نمای شکست خوردگان انتخابات
- انتقاد آیت الله از برخوردهای سلبی با منتقدان
- آخرین دیدار آیت الله با اصحاب رسانه، تاکید مجدد بر رعایت اعتدال و پرهیز از تندروی
- واکنش آیت الله به اسناد جدید ویکی‌لیکس درباره انقلاب ایران
- آخرین دیدار آیت الله با دانشجویان در روز دانشجو
- اشک‌های سردار سازندگی در سوگ امیرکبیر
- آخرین سفر آیت الله به بوشهر، تاکید بر تکیه به اقیانوس مردم ...
- آیت الله در اربعین یار دیرین
- لحظه تلخ پرواز، پرواز آن پرنده غمگین

آغاز هجمه رسانه‌ای جریان شکست خورده انتخابات به آیت الله، به بهانه سفر به کیش

سال ۱۳۹۵ همانگونه که انتظار می‌رفت، سال تسویه حساب جریان تندرو و افراطی و تلافی شکست انتخابات مجلس دهم و خبرگان رهبری پنجم با آیت الله هاشمی، به عنوان متهم ردیف اول این اتفاق بود. بر این اساس استارت هجمه به آیت الله هاشمی از همان روز آغازین سال ۱۳۹۵ و در جریان سفر نوروزی به جزیره کیش زده شد.

معمولاً هر سال آیت الله هاشمی رفسنجانی در ایام نوروز به همراه خانواده به کیش سفر می‌کرد. سال ۱۳۹۵ نیز در روز اول فروردین وارد جزیره کیش شدند و مورد استقبال مسئولان محلی و مردم قرار گرفتند.

آغازین روزهای حضور ایشان در جزیره کیش، مصادف شد با سفر دکتر حسن روحانی رئیس جمهور کشورمان به این جزیره برای افتتاح طرح‌های عمرانی. دکتر حسن روحانی با اطلاع از حضور آیت الله هاشمی در جزیره کیش، به منظور بازدید نوروزی در محل اقامت ایشان حضور می‌یابد. این دیدار مقدمه‌ای می‌شود برای جریان سازی رسانه‌ای و رواج شایعات بی‌پایه و اساس جریان تندرو علیه این دو بزرگوار. به زعم شکست خوردگان انتخابات که هنوز زخم این شکست تاریخی را بر تن داشته و نقش آیت الله هاشمی را در این شکست پررنگ می‌دیدند، این میدان را محل مناسبی برای تسویه حساب و مرهم گذاشتن بر جراحت‌های خود می‌دیدند.

جریان رسانه‌ای و بنگاه‌های شایعه پراکن جریان شکست خورده انتخابات ۱۳۹۴، به دروغ و جعل اخبار سعی در القای مقدمه چینی دکتر روحانی و آیت الله هاشمی، برای کودتا در کشور دادند و حتی پا را فراتر نهاده و مدعی دیدار این دو بزرگوار با شخصیت‌های غربی و عربی جهت نیل به مقصود خود شدند.

با بالا گرفتن شایعات دفتر رئیس تشخیص مصلحت نظام در اطلاعیه‌ای اخبار منتشر شده در سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به کیش را تکذیب کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «گویا قصه پردازان خیالی دست از کارهای خویش برنمی‌دارند و برانند تا شکست سیاسی خود در انتخابات سال گذشته را با انتشار اخبار غیرواقعی توجیه نمایند. تازه‌ترین اقدام آنان، حاشیه‌سازی از سفر نوروزی آیت الله هاشمی رفسنجانی و دکتر حسن روحانی به جزیره کیش است که امسال کینه‌جویانه‌تر از

گذشته دست به قلم برده-اند تا یک سفر کاملاً معمولی و مانند سال پیش را امنیتی جلوه دهند. به خاطر تماس‌های مکرر مردم عزیز ایران از سراسر کشور و ابراز نگرانی آنها به خاطر خبرهایی که یک گروه شناخته شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی انتشار داده‌اند، دفتر آیت الله هاشمی رفسنجانی به اطلاع هموطنان عزیز می‌رساند که اخبار مربوط به حاشیه‌های سیاسی و امنیتی سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی کذب محض است و شدیداً تکذیب می‌شود.»

دنیـای گفتمان‌هـا، بهانه‌ای بـرای تلافـی عقده‌های شکست

هنوز جنجال تیم رسانه‌ای جریان شکست خورده انتخابات پیرامون سفر نوروزی آیت الله هاشمی رفسنجانی به کیش و دیدار دکتر روحانی با ایشان پایان نیافته بود که انتشار توئیتی در صفحه توئیتر منتسب به آیت الله هاشمی رفسنجانی بهانه‌ای شد برای آغاز موج جدید حملات به ایشان. این توئیت که در آن آمده است: «دنیای فردا، دنیای گفتمان هاست، نه موشک‌ها ...»

با انتشار این توئیت جریان تندرو و افراطی و شکست خوردگان انتخابات ۱۳۹۴ در اقدامی هماهنگ و به بهانه نگرانی برای آینده انقلاب تخریب وجهه آیت الله هاشمی رفسنجانی را در دستور کار خود قرار دادند.

جریان شکست خورده که فضا را برای تسویه حساب مناسب دیدند با تحلیل اینکه آیت الله هاشمی رفسنجانی صنایع دفاعی کشور را نشانه گرفته و کمر به حذف آن بسته است تا می‌توانستند به این بهانه عقده گشایی کردند.

در آن سوی میدان امّا آیت الله هاشمی رفسنجانی در دیدار نوروزی خود با مدیران مجمع تشخیص مصلحت نظام به صراحت از این توئیت تبری جستند و انتساب آن را به خود تکذیب کردند. آیت الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار گفت: «مسایل مربوط به موشک که به اینجانب نسبت داده شده است از مصادیق بی‌اخلاقی است. جمله‌ای را به من نسبت داده‌اند که از اساس خلاف واقع است و اصلاً بیان نشده است. در حالی که همه می‌دانند ایجاد و توسعه صنایع موشکی از ابتدا توسط چه کسانی پایه‌ریزی شد و رشد نمود.»

ایشان هم چنین اختلافات داخلی را برای کشور و انقلاب سم دانسته و گفتند:

«متاسفانه بعضی‌ها انتقادات سیاسی و نقد منصفانه را با بد اخلاقی و تهمت و افترا اشتباه گرفته‌اند و به خود اجازه می‌دهند که مخالفان سیاسی خود را با بدترین تعابیر تخریب کنند که نه اسلامی است و نه انقلابی». ایشان هم چنین با تاکید بر لزوم حفظ و توسعه این ابزار مهم گفتند: «ما زمان جنگ حتی یک موشک هم نداشتیم، اما بعداً به لحاظ علمی به جایی رسیدیم که می‌توانستیم موشک قاره پیما هم بسازیم.»

انصراف آیت الله از نامزدی ریاست مجلس خبرگان، تندروها بار دیگر در برابر شطرنج باز قهار عالم سیاست کیش و مات شدند...

با نزدیک شدن به زمان افتتاح مجلس خبرگان رهبری دوره پنجم، بازار گمانه زنی‌ها میان مردم و جریانات سیاسی کشور مبنی بر انتخاب رئیس مجلس خبرگان داغ بود. رسانه‌های دو جریان سیاسی کشور با تحلیل‌های خود و مصاحبه‌های گوناگون با فعالان سیاسی سعی در تبلیغات برای انتخاب فرد موردنظر جریان سیاسی خود برای این جایگاه مهم داشتند.

در حالیکه جریان تندرو و افراطی و شکست خوردگان انتخابات ۱۳۹۴ در بوق و کرنا می‌دمیدند که: «هاشمی دورخیز کرده تا بنایی برای ۵ سال آینده بچیند و در سن پیری به فکر معرکه گیری افتاده است و کمر همت بسته تا بار دیگر پس از وقفه‌ای چند ساله ریاست مجلی خبرگان را بازپس گیرد» باز هم تدبیر آیت الله هاشمی چاره کار گشت و تیر تندروهای افراطی به سنگ خورد.

تندروها که تصمیم داشتند با اعلام آمادگی ایشان برای نامزد شدن جهت ریاست خبرگان موج جدیدی از حملات و بی‌اخلاقی‌های رسانه‌ای را علیه ایشان راه بیاندازند و از مدتها قبل با بسیج تمام امکانات خود مهیای هجمه‌ای شدید علیه ایشان شده بودند با اعلام ایشان مبنی بر اینکه: «بنا ندارم خود را برای ریاست مطرح کنم»، تمام نقشه‌های خود را نقش بر آب دیده و با زیرکی ذاتی آیت الله هاشمی رفسنجانی فرصتی مناسب جهت تسویه حساب با ایشان را از دست رفته می‌دیدند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی که در طول سال‌های عمر با برکت خویش همواره نشان داد که مصالح انقلاب را ارجح بر مصالح فردی خود می‌بیند، این بار نیز با پیش‌بینی نقشه شکست خوردگان انتخابات و رد صلاحیت شدگان توسط مردم از رفتن جامعه به سمت

دوقطبی خطرناک باب میل تندروها جلوگیری کرد.

با اعلام صریح آیت الله هاشمی مبنی بر عدم علاقه برای نامزدی ریاست خبرگان رهبری بازار تحلیل‌ها در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور داغ گردید و جریان شکست خورده این بار با طرح «پشت کردن هاشمی به رای مردم» در صدد وارد کردن هجمه‌ای جدید به ایشان شدند.

اما در میان تحلیل‌های مختلف، بهترین تحلیل در این قضیه را دکتر صادق زیبا کلام داشتند. ایشان با بیان اینکه آیت الله هاشمی هیچ‌گاه از مبارزه نمی‌ترسد، گفتن: «عدم تمایل هاشمی به ریاست به خاطر آن است که او تا حدی می‌خواهد اصول‌گرایان تندرو را آرام کند و با انصراف خود به اصول‌گرایان تندرو پیام داد که: من برای ریاست نمی‌آیم، پس اینقدر برای رئیس نشدن من فعالیت-های غیرمتعارف از خود نشان ندهید» وی هم چنین با رد مسئله پشت کردن آیت الله هاشمی به مردم گفت: «اگر در کشور پیرامون ریاست خبرگان رفراندوم شود مطمئناً هاشمی رفسنجانی با اختلاف بالایی از رقیبش رای خواهد آورد. امّا ما در دنیای ایده‌آل نیستیم و هاشمی در سن ۸۰ سالگی به فکر آرمانگرایی نیست. او هم چنان دندان روی جگر می‌گذارد و با توجه به واقعیات عمل می‌کند.»

سرانجام در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۹۵ نشست افتتاحیه دور پنجم مجلس خبرگان رهبری با قرائت پیام رهبر انقلاب توسط رئیس دفتر ایشان آغاز گردید و آیت الله احمد جنتی با کسب ۵۱ رای از مجموع ۸۶ رای، به مدت دو سال به عنوان رئیس مجلس خبرگان رهبری انتخاب گردید.

بدین ترتیب ذکاوت آیت الله هاشمی در این ماجرا باعث گردید که بار دیگر تندروها به بیهودگی کاری که انجام می‌دهند پی‌برده و با یک حرکت ساده در برابر شطرنج باز قهار عالم سیاست کیش و مات شوند.

تاکید بر حفظ و رعایت حقوق شهروندی

پس از انتخابات ریاست مجلس خبرگان و انصراف آیت الله هاشمی از نامزدی ریاست مجلس تا مدت کوتاهی بازار حمله و هجمه به آیت الله هاشمی کساد شده و از رونق افتاد. تندروهای افراطی که عدم انتخاب آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس خبرگان را به منزله پیروزی خود تلقی کرده و آن را به عنوان مرهمی

بر جراحت‌های برجای مانده از شکست انتخابات گذشته می‌دانستند تا مدت کوتاهی مسرور از این اتفاق بودند ولی کماکان مترصد فرصتی جهت ضربه زدن و آغاز حمله مجدد به ایشان بودند.

اما در این ایام آیت الله هاشمی رفسنجانی به ملاقات‌های خود با مردم و گروه‌های مشتاق ملاقات با ایشان می‌پرداختند. حجم درخواست ملاقات با ایشان بسیار روند رو به رشدی در پیش گرفته بود و روزی نبود که درخواست چندین ملاقات مسئولان داخلی و خارجی و مردم و گروه‌های مختلف سیاسی به دفتر ایشان ارسال نشود.

یکی از این ملاقات‌ها، دیدار ایشان با اعضای هیات رئیسه کنگره بین المللی حقوق شهروندی بود.

ایشان در این دیدار آگاهی مردم از حقوق شهروندی را باعث حفظ کلیت نظام و جلوگیری از سوء استفاده کسانی که به نام نظام و قانون اساسی به مردم ظلم می‌کنند دانسته و گفتند: «"لا اکراه فی الدین" اصلی اساسی در دین اسلام و قرآن است و روح قانون اساسی در همه ابعاد است. در قانون اساسی آمده است که هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد و مهم‌تر از همه اینکه بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

ایشان هم چنین با تاکید بر روشن بودن اصول مربوط به مسائل حقوقی و قضایی در قانون اساسی گفت: «درباره دستگیری افراد، تفهیم اتهام، مراجع صالحه قضایی، دادخواهی هر فرد، انتخاب وکیل اصول بسیار مهم با تاکید بر حقوق شهروندی داریم که تاکید دارند که اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد و هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خویش به نکات مهمی درباره حقوق

شهروندی اشاره نمودند و نگرانی عمیق خود را از تفسیر سلیقه‌ای قانون و سوء استفاده عده‌ای تندرو و افراطی به اسم نظام و قانون اعلام داشتند و آن را خطر و تهدیدی جدی برای حفظ کلیت نظام دانستند.

تکرار سناریوری نخ نمای شکست خوردگان انتخابات، دستاویز قرار دادن سخنان آیت الله در مورد بودجه نظامی کشور

مطابق انتظار و همانگونه که پیش بینی می شد آتش بس جریان شکست خورده انتخابات و هجمه به آیت الله هاشمی موقتی و بسیار کوتاه مدت بود و عدم تمایل و انصراف ایشان از نامزدی ریاست مجلس خبرگان هم هرچند کوتاه مدت نتوانسته بود عمق کینه تندروها و شکست خوردگان انتخابات را نسبت به آیت الله هاشمی از بین ببرد و طبق پیش بینی ها یک اظهار نظر یا مصاحبه برایشان کافی بود که با تحریف یا سانسور آن و تفسیر دل بخواهی از آن موج جدیدی از تهمت و توهین ها را علیه شناسنامه انقلاب گسیل دارند.

اینگونه بود که مدت کوتاهی بعد از توئیت جنجالی منتسب به آیت الله هاشمی رفسنجانی درباره اینکه « دنیای فردا ، دنیای گفتمان هاست نه موشک ها» علیرغم تکذیب رسمی انتساب این مطلب توسط رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام به ایشان و تاکید بر تقویت قدرت موشکی کشور و تاکید بر این مطلب که متن اصلی صحبت هایش بدین صورت بوده است که:« فردا دنیای گفتمان هایی نظیر انقلاب اسلامی است و نه موشک های قاره پیما و بمب هسته ای»،این بار سخنان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در اجلاس مدیران و روسای آموزش و پرورش حاشیه ساز شد و تندروهای افراطی طبق روال و تاکتیک همیشگی خود و با تقطیع سخنان ایشان، بهانه لازم را برای ایجاد جنگ روانی جدید علیه استوانه نظام به دست آوردند.

آیت الله هاشمی در این دیدار با اشاره به لزوم تعدیل نیروهای نظامی در کشور گفت:«اگر می بینید آلمان و ژاپن این روز ها محکم ترین اقتصاد دنیا را دارند؛ اینها بعد از جنگ جهانی دوم از اینکه نیروی نظامی داشته باشند، محروم شدند. نیرو های نظامی بیشترین خرج کشور های در حال جنگ را می بردند و از این رو با این اقدام پول هایشان آزاد شد و به دنبال کار های علمی و تولیدی رفته و اقتصاد دانش بنیان

برای خود درست کردند لذا دیگر آسیب پذیر هم نیستند ، این راه در ایران باز شده است و مدیران و دلسوزان و معلمان باید وارد این فضا شوند؛ مطمئنم دوره دوم دولت روحانی میتواند ما را به آنجا برساند».

بعد از این اظهار نظر آیت الله هاشمی رفسنجانی بود که رسانه های اصول گرا بشدت ایشان را مورد انتقاد قرار داده و به تضعیف موضع حکومت و پرخاشگری متهم کردند.

در همین زمینه حسین شریعتمداری مدیر مسئول کیهان که در طول سالیان گذشته معمولاً خود را به عنوان بزرگترین منتقد آیت الله هاشمی رفسنجانی نشان داده است در یادداشتی با عنوان برای داعش کارت دعوت نفرستید نوشت:« این جملات از هاشمی اوایل انقلاب دور از انتظار و از هاشمی بعد از ۸۸ بعید نبود».

این روزنامه همچنین مدعی شد که اظهارات آیت ا... هاشمی نسخه ای برای بازگشت به زمان ظلم و ستم و فقر و عقب ماندگی و برای برده و مطیع ساختن ایران در مقابل آمریکا بوده است!

عبد ا... گنجی مدیر مسئول روزنامه جوان دیگر روزنامه نزدیک به اصول گرایان ضمن بیان این نکته که گفته های هاشمی تلاشی برای عادی سازی رابطه با آمریکاست با یک تیتر عجیب نوشت :« بنیه دفاعی کشور بی دفاع در مقابل حملات آیت ا... هاشمی ! »

اما حملات به آیت الله هاشمی رفسنجانی تنها محدود به برخی رسانه ها نشد و سردار امیر علی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه نیز در سخنانی با قیاس مع الفارق همراه با لحنی تند و کنایه آمیز که شگفتی همگان را به همراه داشت ،خطاب به ایشان گفت: «اول جرات رفت و آمد بدون محافظ را برای چند روز داشته باشید، بعد ادعا کنید که کشور به نیروی نظامی نیاز ندارد».

این حملات در شرایطی به ایشان صورت پذیرفت که در واقع هدف و نظر آیت الله هاشمی رفسنجانی مبنی بر تضعیف نیروهای نظامی نبود بلکه ایشان معتقد بودند در کنار توجه به نیروهای نظامی نباید از پیشرفت علمی و تکنولوژی کشور و همچنین گفتمان و مذاکرات برای ارتباط با جهانیان غافل شد.

از طرفی دیگر افزایش بودجه نظامی کشور در سال ۹۵ به یکباره از ۲۷ هزار میلیارد تومان به ۳۴ هزار میلیارد تومان و علاوه بر این تصویب این موضوع از سوی

نمایندگان مجلس که هر سال حداقل پنج درصد از بودجه عمومی کشور به بودجه دفاعی اضافه شود، همچنین مصوبه ای دیگر مجلس که بانک مرکزی را موظف کرده بود تا تمام وجه ارزی مسترد شده ناشی از طرح دعاوی در مراجع بین المللی و کشور های خارجی مربوط به قرار داد های نظامی قبل و بعد از انقلاب را تا سقف پنج هزار میلیارد تومان به ردیف های مرتبط با بودجه نظامی ایران واریز کند و از سوی دیگر کم شدن بودجه های عمرانی و آموزشی کشور از جمله دلایل نگرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی بود. دلایلی که به خوبی میتواند عمق نگرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی نسبت به آینده علمی و آبادانی کشور را تصدیق نماید.

انتقاد آیت الله از برخوردهای سلبی با منتقدان

در شانزدهم شهریور ماه آیت الله هاشمی رفسنجانی به منظور زیارت بارگاه امام هشتم شیعیان، امام رضا (ع) وارد مشهد مقدس شد. این دیدار که به رسم سنت هر ساله ایشان برگزار می شد با دیدارهای گذشته ایشان یک تفاوت آشکار داشت و آن هم اینکه برای اولین بار بود که آیت الله به مشهد مقدس سفر می کرد و یار دیرین و صمیمی خود یعنی آیت الله واعظ طبسی را در کنار خود نمی دید، هم او که در فراقش ایشان را «دوست صدیق،برادر و همسنگر سال های مبارزه» خوانده بود.

پس از وفات آیت الله واعظ طبسی فضای سیاسی مشهد مقدس به تک قطبی تبدیل شده بود که از قضا طیف سیاسی جریان مخالف تفکرات آیت الله هاشمی رفسنجانی بود ، به همین دلیل این سفر از جهات بسیاری دارای اهمیت بود.

مردم منتظر بودند که جریان شکست خورده انتخابات با کمترین بهانه بار دیگر هجمه هایی را علیه آیت الله به راه بیاندازند. یکی از جلساتی که زمینه ساز حمله مجدد تندروهای افراطی و جریان شکست خورده انتخابات به آیت الله هاشمی رفسنجانی شد، دیدار ایشان با اعضای تشکل های خراسان رضوی بود.

در این دیدار آیت الله هاشمی رفسنجانی با انتقاد از کسانی که در انقلابی گری جلوتر از رهبری حرکت می کنند گفت: «رهبرمعظم انقلاب سعه صدر زیادی برای شنیدن حرفهای منتقدان دارند اما متأسفانه در جامعه کسانی هستند که اگر حرفهای هر منتقدی ولو دلسوز، مخالف جریانات فکری و سیاسی آنان باشد برخوردهای سلبی می کنند که این کار با روح انقلاب سازگار نیست.»

ایشان با یادآوری سیر تدریجی تدوین و تصویب قانون اساسی و با تأکید بر ضرورت رعایت فصول و بند بند آن، به فصل حقوق شهروندی اشاره کرد و افزود:« متأسفانه بعضی ها به بهانه دفاع از اسلام و نظام، قانون اساسی را دور می زنند و حقوق شهروندی مردم را ندیده می گیرند. اعلام عدم التزام به اسلام و انقلاب اسلامی، آن هم برای ۵۰۰ عالم و فاضل حوزه های علمیه در انتخابات گذشته زیبنده نظام جمهوری اسلامی نیست و هر یک از این آقایانی که انتخابات گذشته رد صلاحیت شدند، در حوزه های علمیه شاگردان زیاد و در اقصی نقاط جامعه منبر دارند و حتی بعضی ائمه جمعه و جماعات هستند.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی با اشاره به نتایج انتخابات هفتم اسفند ۱۳۹۴ که در آن همه بزرگان یک جناح از طرف مردم کنار گذاشته شدند و همه افراد لیست دوم و سوم جناحی دیگر یک جا انتخاب شدند گفت:« وجه تمایز این دو لیست، شعار اعتدالی بود و رأی مردم به لیست منتسب به گروه اعتدال، نشان از توجه مردم جامعه به این اصل اسلامی و شیعی است که باید به عنوان پیام انتخابات، مورد توجه مسئولان قرار گیرد. اعتدال محور و اصل اعتقادات و مبانی اسلام است. حتی در سیره نبوی هم هست که ایشان به کسانی که در انفاق اموال خویش افراط می کنند، انتقاد می‌کردند. توصیه من به جوانان دانشجو، پرهیز از تندرویهای سیاسی و تنازعات اختلاف برانگیز در مباحث و تأکید بر استدلال است که منطق اسلام و بزرگان دینی بود، هست و خواهد بود.».

آیت الله هاشمی رفسنجانی، دستور رهبری برای شکل گیری کرسی‌های آزاداندیشی را اقدامی در راستای تقویت اطلاع رسانی و آگاهی و همچنین احترام به افکار عمومی، به ویژه تفکرات قشر فرهیخته حوزه و دانشگاه دانست و با ابراز تأسف از سطحی نگری بعضی‌ها نسبت به منویات رهبری گفت: «سخنان رهبری براساس عقاید اسلامی و شیعی، محور حرکتهای جامعه است اما می‌بینیم که مدعیان ولایتمداری در این مسأله مهم، به برگزاری چند همایش و پخش چند پوستر بسنده کردند، در حالی که آن دستور می‌توانست محوری برای آغاز یک حرکت گسترده در جهت تقویت پایه های دینی باشد.»

آخرین دیدار آیت الله با اصحاب رسانه، تاکید مجدد بر رعایت اعتدال و پرهیز از تندروی

آیت الله هاشمی رفسنجانی صبح یکشنبه دوم آبان ۹۵ برای آخرین بار در طول حیات خود در جلسه‌ای با اصحاب رسانه، به پرسش‌های آنها پاسخ داد. ایشان که در طول سالیان متمادی مسئولیت‌های اجرایی خود همواره نشان داد که رابطه بسیار خوبی با اصحاب قلم و رسانه دارد و همواره میان این قشر از جامعه به عنوان مدافع سرسخت آزادی بیان و آزادی قلم شناخته می‌شود این بار نیز با روی خوش، گوش شنوای مشکلات‌شان شد و سوال‌های آنان را پاسخگو شد.

به عنوان یک خبرنگار که افتخار آن را داشتم تا بارها در محضر ایشان حضور یابم، هر گاه از من پرسیده می‌شود که: «چرا هاشمی؟» می‌گویم: «زیرا هاشمی رفسنجانی تنها مسئول در نظام جمهوری اسلامی ایران بود که خیلی راحت می‌شد با او نشست و ارتباط برقرار کرد و از دلتنگی‌ها و غصه‌ها، از مشکلات و سختی‌های شغل‌مان گفت و پاسخ گرفت. هاشمی کسی بود که دگم نبود و بی هیچ معذوریتی می‌شد حتی از او گلایه کرد و اگر حق با تو بود هیچ گاه بابت پذیرش اشتباهاتش سرسختی نشان نمی-داد».

در هر صورت در این جلسه آیت الله هاشمی رفسنجانی با ارائه تحلیلی از فضای سیاسی کشور، به سیاست‌های کلی انتخابات و ابلاغ آن از سوی رهبری اشاره کرد و افزود: اگر رقابت‌های انتخاباتی سال آینده جدّی و برپایه قانون باشد، مردم ایران نشان داده‌اند که به خاطر علاقه به کشور و انقلاب، به صحنه می‌آیند. البته نقش و وظیفه رسانه‌ها برای افزایش آگاهی مردم بسیار مهم است.

ایشان همچنین با تاکید بر راهنمایی‌های قرآن و روایات دینی درباره رعایت اعتدال، به بعضی از تندروی‌ها در مقاطع مختلف پس از پیروزی انقلاب، اشاره و تصریح کرد: یکی از بدترین نوع تندروی‌ها، افراط و تفریط‌های انتخاباتی است و متاسفانه کسانی که از دوران مبارزه، انقلاب را قبول نداشتند، در نظامی که همه مسئولیت‌ها را براساس قانون اساسی انتخاباتی کرده بود، تریبون گرفتند و همان طیف و تفکر، رای مردم را زینتی خواندند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی هم چنین با حمایت مجدد از برجام گفت: برجام نیاز

جامعه جهانی، برای باز کردن گره‌ای بود که چند کشور بزرگ دنیا به ناحق در مسیر ملت بزرگ ایران ایجاد کرده بودند و متاسفانه برخی سوء مدیریت‌ها هم در داخل به آن دامن زده بود که با توجه به وجود عقلای فکری و سیاسی در مجموعه تصمیم گیری‌ها و اجرا، برجام مسیر خود را می‌رود، هر چند بعضی‌ها در خارج و داخل از آغاز در مسیر آن مانع تراشی می‌کردند و هنوز هم به تلاش خود برای نا موفق جلوه دادن آن ادامه می‌دهند.

واکنش آیت الله به اسناد جدید ویکی‌لیکس درباره انقلاب ایران

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آستانه نود و پنجمین سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی در دیدار با جمعی از مسئولین مرکز بازشناسی نهضت جنگل، آیه شریفه « لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ» را دلیل برای تکرار تاریخ دانست و گفت: «همیشه در کنار انسان‌های بی‌تفاوت، کسانی بوده و هستند که برای ارتقای کشور خویش تلاش می‌کنند و کسانی هم هستند که منفی و شر به بار می‌آورند.»

ایشان فرصت‌طلبان را از گروه سوم انسان‌های جامعه معرفی کرد و گفت: «هر مقدار که تاریخ را می‌خوانیم، این سه گروه را می‌بینیم.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی به تشریح شرایط ایران در مقطع نهضت جنگل پرداخت و گفت: «میرزا و یارانش در مبارزات مسلحانه خود در شمال، به این نتیجه رسیده بودند که باید سنگی در دریای اتفاقات استعماری و استبدادی بیندازند تا موج ایجاد شده از اقدام آنها، روزی به ساحل برسد و مردم را آگاه نماید.»

ایشان وجود توأمان دو خصلت خوبی و بدی را در انسان‌ها، براساس ذات آفرینش دانست و گفت: «علاوه بر ذات انسان‌ها، جامعه هم با مجموعه‌ای از انسان‌های خوب و بد، شکل می‌گیرد که در مقطع تاریخی نهضت جنگل، خوب‌ها و بدها را به وضوح می‌بینیم.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان اهمیت ثبت و تدوین اسناد تاریخی، بر اهمیت اسناد مربوط به نهضت جنگل تأکید کرد و گفت:« اقدام میرزای جنگلی و یارانش، صفحه پرافتخاری در تاریخ ایران است. زنده شدن اسناد مربوط به مقاطع مهم تاریخی، مانند نهضت جنگلی را برای محققین و پژوهشگران و مردم نویدبخش است. وجود

اسناد ملی ایران در موزه‌های مهم دنیا، نشان می‌دهد که می‌توانیم با تشکیل گروه‌های کارشناسی، نسبت به برگرداندن و تدوین اسناد اقدام کنیم.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با اشاره به اخبار مربوط به افشای اسناد جدید از سوی ویکی‌لیکس که ۵ هزار از اسناد آن مربوط به مقطع پیروزی انقلاب است، گفت: «این اسناد، در صورت صحت می‌تواند خیلی از نکات و نقاط مبهم تاریخ ماه‌های آخر مبارزه و ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی را تبیین کند.»

ایشان ایران را سرزمین خوبی‌ها توصیف کرد و گفت: «در این سرزمین خوبی‌ها، انسان‌ها و شخصیت‌های خوبی در طول تاریخ درخشیدند که تاریکی‌های تاریخ را از بین بردند و امروز وظیفه محققین است که حرکت‌های تاریخی را برای جوانان و نسل‌های آینده، جمع‌آوری و تدوین کنند.»

آخرین دیدار آیت الله با اصحاب رسانه، تاکید مجدد بر رعایت اعتدال و پرهیز از تندروی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در روز دانشجو در دیدار جمعی از دانشجویان، همچون همیشه گوش شنوای درد دل‌ها و دغدغه‌هایشان شد. ایشان که خود موسس و بنیانگذار یکی از بزرگترین دانشگاههای جهان است همواره از نزدیک با مشکلات آنان آشنا بوده و به عبارتی تعصب خاصی روی این قشر از جامعه که از قضا سازندگان آینده کشور خواهند بود، داشتند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با اشاره به برخی انتقاد و گلایه‌های دانشجویان، گفت: «واقعاً مایل بودم که روز دانشجو با دانشجویان گفت‌وگو کنم و خوشحالم که شما را می‌بینم. حتی گلایه‌های دانشجویان هم به شنونده روحیه می‌دهد که چگونه با آینده‌نگری و دلسوزی، مسایل را تحلیل می‌کنند. ایران متعلق به شماست و باید مسلح به علم، دانش و آگاهی شوید.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حضور گسترده خانم‌ها و دختران و ارتقاء علمی آنان را ویژگی ممتاز دیگر جوانان امروز دانست و گفت: «متأسفانه در گذشته، علاوه بر نگرانی خانواده‌ها از اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه، خود جامعه به این باور غلط رسیده بود که زن باید در کنج خانه باشد، اما انقلاب اسلامی که آمد، این تابو را شکست و امروز زنان ایرانی، فراتر از مرز کشور در مسایل علمی، آموزشی و ورزشی و المپیادها

می‌درخشند.»

ایشان در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان که:« اوضاع را چگونه می‌بینید؟»، به تشریح و تحلیل اتفاقات سه چهار سال اخیر پرداخت و گفت:« فضای قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ را به یادآورید که یأس عمومی همه جا را فراگرفته بود، اما ناگهان موج اراده سیاسی مردم از دل اقیانوس مردمی برخاست و دولت تدبیر و امید انتخاب شد. لابی صهیونیسم که از اول برای کارشکنی در آمریکا فعال بود، به دنبال آن است که بین مردم و مسئولین ایران اختلاف بیندازند و الان هوشیاری سیاسی، لازمه کار است».

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با انتقاد از کسانی که بدون آگاهی، نسبت به جهادگران دیپلماسی در دولت یازدهم حرف می‌زنند، گفت: «دوره قبل را به یاد آورید که پس از مذاکره، دو طرف بیانیه‌های تهدیدآمیز می‌دادند و پس از آن تشدید تحریم‌های جهانی و قطعنامه‌های سازمان ملل بود.»

اشک‌های سردار سازندگی در سوگ امیرکبیر

یکی از تاریخی ترین و ماندگارترین جلسات روزهای پایانی زندگی آیت الله هاشمی رفسنجانی دیدار با جمعی از شرکت کنندگان در همایش صد و هفتادمین سالگرد تاسیس مدرسه دارالفنون در آستانه سالروز قتل امیرکبیر بود.

در این دیدار که اینجانب نیز افتخار آن را داشتم که در آن حضور داشته باشم، حال و هوای جلسه با جلسات دیگری که خدمت ایشان رسیده بودم فرق داشت.

شاید بتوان امیرکبیر را یکی از شخصیت‌های مورد علاقه و دوست داشتنی آیت الله هاشمی رفسنجانی دانست. این علاقه تا آنجا بود که در سال‌های پیش از انقلاب و در اوج نهضت امام خمینی، آیت الله هاشمی رفسنجانی اقدام با نوشتن کتابی تحت عنوان «امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار» می‌کند تا با این کار هم دین خود را به شخصیت محبوب خود ادا کند و هم این کتاب بهانه‌ای باشد برای ترغیب انقلابیون و کسانی که دل در گرو آبادانی وطن دارند.

شاید مهم‌ترین تصویری که این جلسه را از دیگر جلسات آیت الله هاشمی رفسنجانی متمایز می‌کرد تصویر گریه‌های پیاپی و بی اختیار آیت الله بود در هنگامی که سرنوشت امیرکبیر و خللی که با مرگ او در پیشرفت ایران به وجود

آمده بود را می‌خواند.

تصاویری که خیلی زود و در میان سانسور خبری و تصویری آیت الله، توسط دوستداران ایشان دست به دست در فضای مجازی می‌چرخید و تبدیل به یکی از پربازدیدترین کلیپ‌های تصویری شد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار با تاکید بر تاسف این نکته که برنامه‌های امیرکبیر برای پیشرفت ایران پیگیری نشد گفت: «اگر زمامداران پیش از امیر و بعد از امیر در کشورهای اسلامی این حقیقت را درک کرده بودند ایران ما با این همه امکانات و مقدورات، امروز در صف پیشرفته‌ترین ممالک دنیا قرار داشت.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در ادامه به نقش، جایگاه و آثار امیرکبیر در تاریخ ایران اشاره کرد و با قرائت بخشی از کتاب خویش با عنوان «امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار» مخصوصاً بخش‌های مربوط به تاسیس دارالفنون اظهار داشت: «در سفری که به ۱۴ کشور آفریقایی داشتم در اکثر قریب به اتفاق این کشورها، علاوه بر حضور استعمارگران برای چپاول منابع و منافع مردم، آنچه دل آدم را به درد می‌آورد، بی سوادی آنها بود و اهمیت کار امیرکبیر آنجا برای ما دوچندان شد که دیدیم ده‌ها سال پیش، کاری کرد که می‌توانست یک درس تاریخی برای ایران و همه‌ی کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای آفریقایی باشد.».

همان طور که پیش‌تر اشاره شد این دیدار را می‌توان یکی از خاطره انگیزترین ملاقات‌های آیت الله هاشمی رفسنجانی دانست، دیداری که هنوز طنین صدای لرزان و هق هق گریه‌های «سردار سازندگی» و «امیرکبیر زمان» آنجا که گوشه‌ای از تاریخ سیاه این سرزمین و خیانت عده‌ای خود فروخته وطن فروش به سمبل وطن پرستی را می‌خواند، در گوشم می‌پیچد و منظره غم انگیز لرزش دستان «آیت الله مردم» و «سمبل وطن پرستی» از خاطرم پاک شدنی نیست.

کسی چه می‌داند، شاید آیت الله به یاد شباهت رفتار «قاجار وطن فروش» با «امیرکبیر عاشق وطن» و رفتاری افتاد که این روزها عده‌ای «تازه وطن پرست شده» با او کردند و می‌کنند؟

آخریـن سـفر آیـت الله به بوشـهر، تاکید بـر تکیه به اقیانوس مـردم ...

آخرین سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به استان بوشهر بود. در این سفر که در ابتدای دی ماه صورت گرفت آیت الله هاشمی رفسنجانی دیدار با نخبگان استان، دیدار با علمای اهل سنت، بازدید از جزیره استراتژیک خارک و بازدید از طرح های عمرانی و دانشگاهی را در برنامه سفر خود گنجانده بود.

ایشان در دیدارهای خود در این سفر با بر شمردن اثرات برجام در از سرگیری روند رو به رشد کشور گفت: «برجام راه نجات کشور را باز کرد ولی برخی‌ها از روی ناآگاهی آن را تقبیح می‌کنند. در زمان حاضر شرایط کشور بتدریج به حالت تعادل بازگشته و وابستگی به خارج از بین رفته است. در این شرایط ایران آمادگی ارائه خدمت به سایر کشورها را دارد و تنها شرط رسیدن به این موفقیت این است که بگذارند با دنیا در تعامل باشیم. در هشت سال دولت‌های نهم و دهم شرایط جوری رقم خورد که وضعیت کشور در مسیر تکامل متوقف شد اما امروز تلاش می‌شود تا جایگاه خود را در دنیا پیدا کنیم. امروز میلیون‌ها نیروی تحصیلکرده در کشور وجود دارد و برخی نیز در خارج از کشور هستند که حاضرند با بهترشدن شرایط با سرمایه‌های خود به کشور بازگردند و خدمت کنند. سرمایه‌های زیادی خارج از کشور منتظر بودند با عادی شدن شرایط کشور با سرمایه‌های خود به ایران بازگردند که امروز راه برای آنان در حال باز شدن است.»

ایشان با تاکید مجدد بر نقش موثر حضور مردم در صحنه، پرهیز از تندروی و لزوم تعامل با دنیا گفت: «باید به اقیانوس مردم تکیه کرد. ایران امروز با پشت سرگذاشتن شیوه‌های تندروی، با روش اعتدال در حال حرکت است و مردم رو به اعتدال روی می-آورند که این بیانگر جهانی شدن مردم کشور است. در عصر ما با اعتدال بدون تعامل نمی‌شود کار جدی انجام داد».

این دیدار حاشیه‌هایی را نیز در پی داشت. در جریان بازدید آیت الله هاشمی رفسنجانی از دهکده گردشگری بوشهر تعداد اندکی از طرفداران جریان شکست خورده انتخابات با برنامه‌ای از پیش تعیین شده و با حمل پلاکاردهای اعتراض آمیز، خشم خود را نسبت به سیاست‌های دولت دکتر روحانی نشان دادند.

این افراد اندک اگر چه شاید در کلام خود را نسبت به سرنوشت آینده کشور نگران می‌دانستند ولیکن محتوای شعارها به گونه‌ای بود که به راحتی می‌شد فهمید که این افراد و اربابانشان یا به عبارتی ساده‌تر کاسبان تحریم، بیشتر نگران به خطر افتادن منافع خود به واسطه توافقنامه برجام بودند.

آیت‌الله در اربعین یار دیرین

یکی از آخرین مراسم رسمی که آیت الله هاشمی رفسنجانی در آن شرکت داشتند به مناسبت برگزاری چهلمین روز درگذشت یکی از یاران دیرین خود و انقلاب، آیت‌الله موسوی اردبیلی در حسینیه جماران بود.

ایشان در این مراسم با بیان این که من، موسوی اردبیلی را به وظیفه‌شناسی می‌شناختم اظهار کرد: «آیت‌الله موسوی اردبیلی را از زمانی که شناختم همیشه به تناسب زمان، وظایف خود را انجام می‌داد. ایشان در کنار آیت‌الله بهشتی همواره تندروی‌ها را کنترل می‌کرد و در حادثه‌ای مانند هفتم تیر که هدف از انجام آن از کار انداختن سه قوه بود، وضعیت به شکلی رقم خورد که بیماران را با برانکارد به مجلس آوردیم تا جلسه به حد نصاب برسد که در آن مقطع نقش آیت‌الله موسوی اردبیلی بسیار مهم بود.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی با تأکید بر اینکه عزیمت آیت‌الله موسوی اردبیلی به قم پس از رحلت امام (ره) برای ما ضرر داشت اظهار کرد: «بعد از رحلت امام ایشان به قم رفتند و ما ضرر کردیم. البته در قم نیز به مثابه یک شاهد تاریخی برای انقلاب بودند و هرکس به قم می‌رفت اطمینان داشت ایشان ستونی برای حفظ انقلاب در حوزه است اما پس از آن تندروی‌هایی رخ داد که نباید اتفاق می‌افتاد.»

وی با انتقاد از رفتار صدا و سیما گفت: «حق آن بود که صداوسیما برنامه جامعی برای ایشان پخش می‌کرد نه اینکه لحظات آخر مشخص شود که چه کسی و کجا بر پیکر ایشان نماز می‌خواند. جوانان باید شخصیت آیت‌الله موسوی اردبیلی را بهتر بشناسند. جوانان ما ارشادات ایشان را به یاد ندارند و این در حالی است که بیان مقاطع مختلف زندگی ایشان برای جوانان بسیار مهم است.»

ایشان همچنین با تأکید بر اینکه هنوز اسم امام و رفتار ایشان سرمایه اصلی انقلاب است گفت: «همه ما در برابر شخصیت امام بسیار کوچک بودیم و هنوز هم اسم امام

و رفتار ایشان سرمایه اصلی انقلاب است. دشمنان این را فهمیده‌اند که تا وقتی امام، عزیز باشد انقلاب آسیب نمی‌بیند. بنابراین به فکر ترور شخصیتی ایشان افتادند که اخیراً بهانه‌ای هم به دست آن‌ها داده شده و کارهایی هم کرده‌اند. امیدواریم شیاطین داخلی نتوانند انقلاب را زخمی کنند.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه سیدحسن خمینی و برادرانش سرمایه‌های انقلاب هستند گفت: «شخصیتی مانند آیت‌الله حاج‌حسن آقا و برادران ایشان بسیار عالم هستند، از مدرسان خوب حوزه‌اند و سرمایه انقلاب به شمار می‌روند. بسیار نیازمند این هستیم که آثار امام، بیت امام و خانواده ایشان را بزرگ نگه داریم.»

لحظه تلخ پرواز، پرواز آن پرنده غمگین

سرانجام لحظه تلخ پرواز رسید، پرواز آن پرنده غمگین. شاید این بهترین واژه ای است که می توان با آن تلخی عروج ملکوتی و آسمانی شدن بزرگمرد سپهر سیاست ایران زمین را معنا کرد. مردی که در طول قریب به شش دهه مبارزه سیاسی خود لحظه ای از همراهی با مردم سرزمینش غافل نشد و در سر آرزویی جز آبادانی واعتلای نام کشور نداشت.

آیت الله هاشمی مظلوم زیست و مظلومانه رخت از این دیار فانی بست. رفتنش آنچنان ناگهانی بود که حتی مخالفینش را هم شوکه کرد. او مردی از تبار باران بود، از جنس مردم.

روز یکشنبه ۱۹ دی ماه سال ۹۵ را اگر «یکشنبه سیاه تاریخ ایران» بنامیم، سخن گزاف نگفته ایم. روزی که مردم ایران زمین «آیت الله» و «پشتوانه قابل اعتماد»خود را ، انقلاب اسلامی ایران، «شناسنامه و ستون مستحکم» خود را و منتقدین دلسوز نظام ،«گوش شنوایشان» را از دست دادند.

شاید علاقمندان به ایشان بسیار مشتاق باشند تا بدانند آخرین صفحه زندگی آیت الله چگونه ورق خورد و یا به عبارتی ساده تر از حال و هوای آخرین روز زندگی ایشان و آخرین دغدغه هایشان مطلع شوند.

یقینا این روز برای خانم عفت مرعشی، یار و همراه روزهای سخت آیت الله، همان که مخالفین آیت الله در وصفش می گویند:«زندگی آیت الله بدون او چیزی کم دارد»، روزی برای سخت و فراموش نشدنی است. خانم مرعشی در تشریح

آخرین دیدار خود با آیت الله هاشمی رفسنجانی می گوید:«صبح روز یکشنبه و سر صبحانه برای بار آخر با ایشان حرف زدم، خیلی بشاش و سر حال بود. درباره وضع مهدی به ایشان گلایه کردم چون همه دغدغه من وضعیت مهدی بود که مظلومانه در زندان بود. آقای هاشمی گفت اخبار خوبی ممکن است برسد و اعاده دادرسی و مطالبی که قضات نوشته‌اند مثبت است. گفت اگر طبق این نظرات عمل شود، امکان آزادی مهدی فراهم می‌شود و بعد بلند شد و با من خداحافظی کرد و رفت. این مدت همیشه صحنه آخر در ذهنم می‌آید».

شاید در آن لحظه هیچگاه به ذهن همسر و یار همیشگی آیت الله خطور نمی کرد که این دیدار، دیدار آخر است. نکته جالب در ذکر این خاطره این است که آیت الله در لحظات آخر زندگی خود نیز امید به آینده بهتر داشته و نکته دیگر اینکه علیرغم اینکه ایشان عزیزدردانه خود را با غرض ورزیهای سیاسی مخالفین خود پشت میله های زندان می دید ولیکن از آنجا که صبری مثال زدنی داشت و بخاطر مصالح انقلاب حتی نزد همسر مکرمه خود نیز لب به انتقاد و گلایه نگشود بلکه از امید به آینده بهتر سخن گفت.

آیت الله هاشمی رفسنجانی مطابق هر روز به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت. دوستان و همکاران ایشان از شادابی ایشان و چهره خندان و شوخی های ایشان با اطرافیان سخن می گویند، گویا آیت الله برای دیدار با لقاء الله از بی تابی می کرد.

آن روز، آیت الله در آخرین جلسه خود در مجمع تشخیص مصلحت نظام ، تحت عنوان «جلسه کمیسیون نظارت مجمع تشخیص بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام» حضور یافت.

دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با یاد آوری خاطره آن جلسه می گوید:«آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آخرین جلسه مجمع بر وحدت و همدلی سه قوا تاکید ویژه‌ای داشت و برای انجام کارهای بزرگ و زیربنایی در کشور اتحاد این سه قوه را ضروری دانست.».

و اما آخرین دیدار آیت الله هاشمی رفسنجانی با وزیر بهداشت بود. دکتر قاضی زاده هاشمی با یادآوری خاطره دیدار آخرین خود با آیت الله هاشمی رفسنجانی می گوید:«روز یکشنبه من پس از جلسه با وزیر ورزش و جوانان در وزارت بهداشت،

در حال رفتن به بیمارستان لقمان برای افتتاح چند پروژه درمانی، از جمله تعدادی تخت ICU بودم که آیت الله هاشمی تماس گرفتند و بنده را برای ناهار دعوت کردند.با توجه به اینکه قبلا برای ناهار از طرف آقای ناطق نوری دعوت شده بودم، جلسه ناهار با آقای ناطق نوری را به زمان دیگری موکول کردم و پس از افتتاح چند پروژه درمانی در بیمارستان لقمان در ساعت یک و نیم بعد از ظهر، ناهار در خدمت آیت الله هاشمی بودم.این اولین بار بود که ناهار را دو نفری با آیت الله هاشمی صرف می‌کردم، سابقه نداشت که ایشان بنده را برای ناهار به صورت خصوصی دعوت کنند، در این دیدار بیش از یک ساعت، دو نفری با هم صحبت‌های زیادی داشتیم که شاید اکنون زمان گفتن همه آن صحبت‌ها نباشد.ایشان نسبت به برخی مسائل جاری و آینده کشور به خصوص مسائل مربوط به رفاه اجتماعی و توجه به فقرا و محرومان صحبت و تاکید کردند که در دور آینده دولت با توجه به اینکه روابط بین‌الملل ایران با کشورهای دنیا بهتر خواهد شد و شرایط اقتصادی دولت هم مناسب‌تر می‌شود، باید آرزوهای بر زمین مانده درباره محرومان و نیازمندان

را حتما محقق کنیم.»

ایشان همچنین از مهم ترین دغدغه آیت الله هاشمی رفسنجانی در آخرین ساعات زندگی سخن گفت و افزود:«یک بخش مهم از فرمایش آیت الله هاشمی این بود که نباید اجازه دهیم شرایط به گذشته برگردد، که اگر برگشت هم ایران و هم انقلاب فرصتی برای بازسازی نخواهد داشت و باید حتما تلاش کرد که همین مسیری که آغاز شده با رفع معایبی که داریم، ادامه پیدا کند.»

باز هم آیت الله و باز هم دغدغه معیشت و رفاه مردم و باز هم دل نگران آینده انقلاب، آنهم تا آخرین لحظات زندگی.

یکی از نزدیکان آیت الله هاشمی می گوید:«آیت الله آن روز بسیار بشاش و خندان بود ولیکن با توجه به اینکه همسر محترمشان کسالت داشتند کمی برای ایشان نگران بود و دلشوره داشت.به همین دلیل آنروز ، آیت الله چند بار با فاطمه خانم تماس گرفت و تاکید داشت که حتما مادرش را به دکتر ببرد.»

یکی از بچه های حفاظت فیزیکی مجمع تشخیص هم با اندوه بسیار می گفت:«آخرین دیدارم با آیت الله را هیچگاه فراموش نمی کنم. روز یکشنبه و هنگام خروج آیت الله از مجمع، جلوی درب خروجی ایستاده بودم و به ایشان ادای احترام نظامی کردم. آیت الله در حالیکه در اتومبیل خود نشسته بود از راننده خواست تا توقف کند. شیشه های اتومبیل را پایین کشید، لبخندی زد و با من دست داد و خسته نباشید گفت و مهربانانه خداحافظی کرد و رفت. و من نمی دانستم که این آخرین دیدار مرید و مراد است» .

و این آخرین دیدار همراهان و یاران آیت الله هاشمی رفسنجانی با ایشان بود و یقینا در آن زمان به ذهن هیچکس خطور نمی کرد که شاید دیگر این «اسوه صبر و استقامت»،«ستون مستحکم نظام و انقلاب»، «یار دیرین امام و رهبری» و «یاور همیشگی مردم » را نمی بینند.

در این فصل می‌خوانیم:

- پس از تحمل سال ها رنج فراق، سرانجام «مرید امام» به مراد خویش پیوست.
- ایجاد شبهات در مورد علت فوت آیت الله
- روایت بستگان از هنگام شنیدن خبر ارتحال آیت الله
- حسینیه جماران، محفلی برای وداع با شناسنامه انقلاب
- پیام تسلیت رهبر انقلاب درسوگ یار دیرین... فقدان همرزم و همگام، سخت و جانکاه است.
- پیام تسلیت دکتر روحانی در فراق فرمانده دوران جنگ... ایران، امیری بزرگ را از دست داد.
- اعلام سه روز عزای عمومی به مناسبت درگذشت یار دیرین انقلاب
- غمنامه یاگار امام در سوگ فرزند معنوی روح الله
- پیام تسلیت رییس مجلس شورای اسلامی
- پیام تسلیت رییس قوه قضاییه
- پیام تسلیت مراجع و علما در سوگ آیت الله
- اشک تلخ و اعتراف دیرهنگام مخالفان آیت الله... «هاشمی» ستون انقلاب و یاور رهبری بود.
- همه جناح ها به هاشمی بد کرند.
- سیل پیام تسلیت مقامات سیاسی جهان... تجلیل از مردی که مظهر اعتدال بود.
- بازتاب گسترده درگذشت «آیت الله هاشمی رفسنجانی» در رسانه های جهان.
- بازتاب خبر درگذشت یار دیرین انقلاب در روزنامه های کشور
- تغییر چند باره محل دفن پیکر آیت الله
- بازهم آیت الله مظهر همبستگی شد.
- قرائت نماز توسط رهبر انقلاب بر پیکر همرزم و همسنگر دیرین

فصل یازدهم
پرواز آن پرنده غمگین...

- سیل خروشان مردم در تشییع آیت الله، همه آمدند برای قدردانی از بزرگمردی که سنگ صبورشان بود.
- اعتراض مردم به رفتار دوگانه صدا و سیما در حاشیه مراسم تشییع آیت الله
- «یار دیرین امام» در کنار امام آرام گرفت
- رسانه های بین المللی شگفت زده از حضور حماسی مردم
- روایت روزنامه های کشور از مراسم تشییع با شکوه یار دیرین انقلاب
- برگزاری مراسم یادبود یار و همرزم و همسنگر دیرین رهبری توسط رهبر انقلاب
- دانشگاه آزاد میزبان مراسم سومین روز ارتحال آیت الله هاشمی رفسنجانی
- پلمپ دفتر آیت الله و مشاورانش در مجمع تشخیص... اعتراض فاطمه هاشمی به سرنوشت مبهم وصیت نامه پدرش
- سخنان تاریخی ناطق نوری در فراق یار دیرینش در مراسم هفتمین روز درگذشت آیت الله
- برگزاری مراسم یادبود آیت الله در شهرهای مختلف ایران و جهان
- اربعین آیت الله در حرم امام... روایت چهل روز تلخ

پس از تحمل سال‌ها رنج فراق، سرانجام «مرید امام» به مراد خویش پیوست.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی علاقه بسیاری به ورزش داشتند و در طول سالیان عمر خویش، علیرغم تمام مسئولیت های اجرایی که داشتند هیچگاه از این امر غافل نمی شدند و به طور مرتب هفته‌ای دو جلسه ورزش می‌کردند. ایشان تا ساعت ۵ عصر در مجمع تشخیص مصلحت حضور داشتند و پس از آن نماز خود را می‌خوانند و طبق روال همیشگی، آن روز نیز برای ورزش به استخر «کوشک» که تحت نظارت حفاظت مجمع تشخیص مصلحت نظام بود رفتند.

بر اساس اظهارات محافظان ایشان، پس از مدتی که ایشان وارد آب می‌شوند گویا عارضه قلبی رخ می‌دهد. اولین افرادی که از این حادثه مطلع می شوند محافظان ایشان بودند. هنگامی که محافظان با پیکر بی جان آیت‌الله در آب مواجه می‌شوند، تلاش می‌کنند ایشان را از آب بیرون بیاورند و عملیات احیا را روی ایشان انجام بدهند که در این زمینه توفیقی به دست نمی‌آورند. سپس پیکر ایشان را به بیمارستان شهدای تجریش منتقل می‌کنند که نزدیکترین بیمارستان به محل حادثه بود. متاسفانه تلاش پزشکان در بیمارستان نیز به نتیجه نمی‌رسد و «مرید امام» به مراد خود و خیل همرزمان شهیدش می پیوندد.

پزشکان علت فوت ایشان را «ایست قلبی» اعلام کردند و این امر میان نزدیکان و دوستداران ایشان شبهاتی ایجاد کرد چرا که همگان ایشان را فردی سالم از لحاظ جسمانی می دیدند و باور این مسئله کمی برایشان سخت بود.

یکی از اولین شبهاتی که میان مردم رواج یافت، خاموش بودن دوربین های مدار بسته استخر و نبود تیم پزشکی همراه ایشان بود.

علیزاده طباطبایی وکیل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نقل از محافظان ایشان می گوید: «آیت‌الله هاشمی اجازه نمی‌دادند که در زمان ورزش ایشان دوربین‌ها روشن باشد و محافظان نیز در اطراف ایشان حضور نداشتند. به همین دلیل هیچ تصویری از این اتفاقات ثبت و ضبط نشده است و هنگامی محافظان ایشان از مساله مطلع می‌شوند که کار از کار گذشته بود. یعنی آیت‌الله هاشمی قبل از این که به بیمارستان برسند، رحلت کرده بودند.»

سرانجام آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی پس از سال ها مجاهدت در راه اعتلای وطن در ساعت ۱۹: ۳۰ روز یکشنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۹۵ و دقیقا همزمان با شب شهادت امیرکبیر، در سن ۸۲سالگی درگذشت و پیکر مطهر ایشان جهت وداع دوستداران و علاقمندان ایشان به حسینیه جماران منتقل شد. بدین سان سپهر سیاست ایران زمین در غم از دست دادن یکی از نام آورترین مردان خود رخت عزا برتن کرد.

ایجاد شبهات در مورد علت فوت آیت‌الله

همانگونه که پیش از این ذکر شد پس از فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شبهاتی در مورد علت مرگ ایشان به وجود آمد و یکی از مهم ترین دلایل دامن زدن به این مسائل در فضای جامعه، اظهارات متناقض برخی مسئولان و همچنین نبود تیم پزشکی در کنار ایشان در هنگام وقوع حادثه بود.

یکی از اظهاراتی که به این شبهات دامن زد، اظهارات وزیر بهداشت لحظاتی پس از اعلام رسمی خبر فوت آیت‌الله هاشمی بود.

دکتر قاضی زاده هاشمی در اظهاراتی که به سرعت تکذیب شد، قصور پزشکی در عملیات احیای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را اعلام کرد که این اظهار نظر بر شبهات به وجود آمده دامن زد.

البته همانگونه که اشاره شد این اظهارات به سرعت تکذیب شد و وزیر بهداشت با اشاره به سابقه قبلی بیماری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و با اشاره به موضوع پیشگیری از مرگ های ناگهانی گفت: «ایشان ۱۶ سال قبل آنژیو کرده بودند و ۳ تا پلاک در رگ های ایشان ایجاد شده بود. همچنین آیت‌الله هاشمی ۲۰ سال دیابت داشتند و اخیرا از انسولین استفاده می کردند که اگر قبل از این پیشگیری می شد مرگ ناگهانی اتفاق نمی افتاد.»

در همین رابطه دکتر محمد آقاجانی در نشستی خبری گفت: «حدود ساعت ۶ روز یکشنبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به طور کاملا ناگهانی دچار ایست کامل قلبی می‌شوند که به دنبال این اتفاق بلافاصله ایشان را به نزدیک‌ترین بیمارستان یعنی بیمارستان شهدای تجریش منتقل می‌کنند. در زمان ورود، ایشان علائم حیاتی نداشتند و دچار وقفه کامل قلبی و تنفسی بودند. بر این اساس بلافاصله اقدامات لازم توسط متخصصان قلب، طب اورژانس، بیهوشی و اورژانس انجام شد و من نیز

بنابر مسوولیتم در بیمارستان حضور یافتم و اقدامات درمانی مختلف شامل عملیات احیا، تنفس مصنوعی، ماساژ قلبی، تزریق انواع داروها و تعبیه دستگاه ضربان‌ساز مصنوعی قلب و همه اقدامات اعم از اکوکاردیوگرافی و... انجام شد تا شانسی به قلب بدهیم. این اقدامات در مدت ۹۰ دقیقه ادامه یافت، اما متاسفانه هیچ‌کدام موثر نبودند و در نهایت تاسف ایشان در ساعت ۱۹: ۳۰ دار فانی را وداع گفتند.»

پس از اظهارات وزیر بهداشت، خانم فاطمه هاشمی رفسنجانی نسبت به این اظهارات اعتراض کرد و آن را خلاف واقع دانست و گفت: «پدرم هیچ مشکلی از نظر سلامت نداشتند. پنجشنبه هفته قبل از فوت، پزشکی ایرانی که مقیم آمریکا هستند با یک دستگاه سونوگرافی مجهز و با اصرار من ایشان را معاینه کردند و به من گفتند پدر شما به قدری سالم است که به راحتی تا ۱۰ سال بدون هیچ مشکلی می‌توانند زندگی کنند؛ تمام بدن ایشان را بررسی کردند، حتی آزمایش دادند که جواب آن‌ها بعد از فوت ایشان آماده شد و همه چیز طبیعی بود؛ ایشان هیچ مشکلی نداشتند.».

ایشان همچنین با انتقاد از برخی اظهاراتی که آنها را منطبق با واقعیت نمی‌داند افزود: «آقای هاشمی وزیر بهداشت، دکتر طباطبایی و دکتر ناظری در مصاحبه‌های خود مطالبی را مطرح کردند که در مواردی دقیق نبوده است. قند پدرم کنترل شده بود و میزان آن روی ۸۵ الی صد بود و هیچ مشکل و ناراحتی قلبی در پدرم وجود نداشت. درباره اینکه برخی می‌گویند عمل آنژیو روی پدرم انجام شده است باید بگویم حقیقیت آن است که این کار به اجبار پزشک‌ها و من انجام شد. جواب آنژیو نیز حاکی از این بود که هیچ گونه مشکلی در قلب ایشان وجود ندارد؛ چرا که آیت‌الله هاشمی کوه نوردی می‌کردند و پله‌های مجمع را با دو طی می‌کردند و هر روز دور حیاط خانه نیز می‌دویدند، ایشان از نظر جسمی خیلی از فرزندانشان قوی‌تر بودند، با اینکه در خانه ایشان آسانسور وجود دارد، اما ایشان به هیچ وجه از آن استفاده نمی‌کرد و از پله بالا و پایین می‌رفتند.

برخی اظهار نظرهای پزشکان و حتی نزدیکان ما دقیق و منطبق با برخی واقعیات نیست. هیچ کس نمی‌داند که علت فوت "آیت‌الله" چه بود.»

روایت بستگان از هنگام شنیدن خبر ارتحال آیت‌الله

«خبر بس تاسف بر انگیز بود و ناگوار. کاش خواب بودیم و در اندیشه دهشتناک بیشتر در محضرش حضور میافتیم. همه گفتند در «نوق» زاده شد اما نمی دانند که ایران زمین مهد و زادگاه بزرگ مردی بود که نابهنگام از بینمان پرگشود. چه بد روز و ماه و سال و ساعتی بود این زمستان سرد اندوهناک که بار دیگر یتیم مان کرد، آن زمان که خبر یافتیم پناه و ملجاء جوانان و آزاد اندیشان و مردمان این سرزمین به ناگاه بار سفر بست و با حلم و صبر و بردباری خویش، دیار مردمان ایران زمین را ترک کرد و چه زیبا و با عزت به مقتدایش در بارگاه باریتعالی پیوست و از آشوب ها و تهمت ها و ناسزاهای نامردمانی کوته فکر رهایی یافت.»

این مطالب بخشی از دل نوشته اینجانب در لحظه شنیدن خبر ناگوار ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. مردی که به شهادت تاریخ و به اقرار سیاستمداران یکی از «ستون های نظام» و به تعبیر مردم، «گوش شنوای مشکلات و سنگ صبور دل نگرانی هایشان» بود. به اذعان مردم، مرگی اینچنین آرام برای یک سیاستمدار محبوب در این منطقه از دنیا که کانون آشوب ها و درگیری های قومی_مذهبی می باشد، پدیده نادری است.

خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، همگان را در بهت فرو برد و باورش آنچنان سخت بود که همه آرزو داشتند که این خبر شایعه ای بیش نباشد ولیکن تقدیر الهی چنین بود که دست سرد زمستان، گرمای لبخند پرمهرش را از مردم برباید.

شاید چگونگی اطلاع یافتن اعضای خانواده از خبر ارتحال ایشان مطلب مهمی باشد که می تواند برای خوانندگان محترم جالب بوده باشد.

مهندس محسن هاشمی فرزند آیت‌الله با یادآوری آن روز غم انگیز می گوید: «من غروب روز ۱۹ دی‌ماه در حال بازگشت از دانشگاه به منزل بودم که محافظان آیت‌الله هاشمی تماس گرفتند و گفتند که حال پدرم نامساعد است و به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شده‌اند. به بیمارستان که رسیدم تیم پزشکی در حال انجام عملیات احیا بودند و به ایشان شوک می‌دادند. زمانی که دکتر قاضی‌زاده هاشمی،

دکتر طباطبایی، دکتر زالی و سایر پزشکانی که حضور داشتند اظهار کردند امیدی نیست، خواستم عملیات احیا متوقف شود تا ایشان بیشتر اذیت نشود و پیکرشان را به بیمارستان جماران که نزدیک حسینیه جماران است، منتقل کردیم و حسینیه جهت مراسم وداع مردم با آیت‌الله هاشمی آماده شد. البته ایشان سابقه بیماری خاصی هم نداشتند و در سلامتی بودند.»

فاطمه هاشمی فرزند آیت‌الله که در فراق پدر بسیار بی تابی می کند نیز با یادآوری خاطرات آن روز تلخ و آخرین مکالماتش با پدر می گوید: «در آن روز من سه مرتبه با ایشان تلفنی صحبت کردم؛ دو بار پدر با من تماس گرفت و یک بار من با او برای گرفتن وقت برای ریاست دانشگاه آزاد در عمان تماس گرفتم. آخرین باری که با پدر صحبت کردم حدود چهار ساعت قبل از فوت او بود. ایشان با من تماس گرفتند و گفتند که مادرت اندکی مشکل دارد و پایش سوزش دارد، او را امروز به فیزیوتراپی ببرد. من نیز گفتم که بعید می‌دانم ایشان امروز با من بیایند اما اگر که پذیرفتند حتماً با ایشان به فیزیوتراپی می‌رویم. پدر همچنین از من خواستند که شب نزد ایشان بروم. حدود ساعت ۶. ۵ بعدازظهر من در دندانپزشکی بودم که محسن تماس گرفت و گفت که کار خیلی فوری دارد اما به دلیل آنکه امکان صحبت کردن در آن لحظه نداشتم نتوانستم با او صحبت کنم. در همان حالات بود که دلهره مرا فرا گرفت اما نذر و نیاز کردم که برای کسی اتفاقی نیفتاده باشد. هیچ گاه فکر نمی‌کردم که برای پدر و مادرم اتفاقی افتاده باشد چرا که هر دوی آنها سالم بودند و هیچ مشکلی نداشتند.

حدود ساعت ۷ که از دندانپزشکی خارج شدم از راننده پرسیدم که محسن با من چه کار داشت اما او نیز گفت که نمی‌دانم از خودش بپرسید. زمانی که قصد داشتم با محسن تماس بگیرم دیدم که تعداد زیادی تماس از دست رفته دارم. همچنین مکرراً تلفن من زنگ می‌خورد. در آن لحظات احساس کردم که برای بابا اتفاقی افتاده است. هنگامی که با محسن صحبت می‌کردم از او پرسیدم که برای بابام اتفاقی افتاده که او گریه کرد. پرسیدم که آیا ایشان فوت کرده‌اند جواب داد نه، در بیمارستان هستند و حالشان بد است. زمانی که من به بیمارستان رسیدم اولین نفری را که دیدم آقای دکتر زالی رئیس نظام پزشکی بود. از او پرسیدم که حال پدرم چطور است که ایشان گفتند تمام کرده است؛ زمانی که من به بیمارستان رسیدم همه

چیز تمام شده بود.»

محمد هاشمی برادر آیت‌الله نیز در مورد نحوه اطلاع از فوت ایشان می گوید: «ساعت از ۴ عصر گذشته بود که آیت‌الله از مجمع حرکت کردند و من هم به مؤسسه درمان سرطان آمدم تا ملاقات‌هایم را انجام دهم. بعد از اینکه کارم تمام شد، در راه منزل بودم و به نزدیکی‌های خانه رسیده بودم که محافظین آیت‌الله زنگ زدند و گفتند حال حاج‌آقا خوب نیست و ایشان را به بیمارستان برده‌ایم و گفتیم که به شما هم اطلاع دهیم. من سوال کردم کجا برده‌اید؟، گفتند در اورژانس بیمارستان شهدای تجریش بستری شده‌اند. من آن موقع با بیمارستان فاصله چندانی نداشتم، در واقع بالای تجریش و اول خیابان دربند بودم که چون این خیابان یک‌طرفه بود، مسیر را ادامه دادم و در نهایت حدود ۶ یا ۷ دقیقه بعد به بیمارستان رسیدم.

وقتی رسیدم، دیدم بیمارستان شلوغ است و پرستاران و پزشکان زیادی مشغول فعالیت هستند و داخل دهان و بینی آیت‌الله لوله اکسیژن قرار داده‌اند و مشغول شوک واردکردن به سینه‌شان هستند و عملیات احیا را انجام می‌دهند. من از یکی از پزشکان پرسیدم آیا آثار حیات در آیت‌الله وجود دارد؟ که او پاسخ داد از وقتی که ایشان را آورده‌اند، نه؛ اما تلاش‌مان این است که عملیات احیا را با موفقیت انجام دهیم. آن‌ها به تلاش خودشان ادامه می‌دادند اما خاطرم هست که بدنشان رنگی معمولی داشت و صورت‌شان هم خیلی معمولی و عادی بود و جای کبودی بر روی آن دیده نمی‌شد. طوری که انگار خوابیده بودند.

یک ربع تا ۲۰ دقیقه گذشته بود که دکتر قاضی‌زاده هاشمی هم آمد و سپس دکتر طباطبایی و دو سه پزشک دیگر نیز بر بالین آقای هاشمی حاضر شدند و به کارشان ادامه می‌دادند. من هم گاهی سوال می کردم که آیا توفیقی داشته‌اند یا نه؟ که پاسخشان منفی بود. حتی بر روی مانیتور هم وقتی حرکت شوک داده می‌شد، علائمی ظاهر می‌شد که به نظر می‌آمد علائم حیات باشد اما وقتی سوال می‌کردیم، می‌گفتند این تاثیر عملیات شوک است و قلب هنوز خودش به کار نیفتاده است. پس از اینکه وزیر بهداشت آمدند و مدتی به تلاش برای احیا ادامه دادند، مشورتی با سایر پزشکان کردند و گفتند ادامه عملیات فایده‌ای ندارد و آن را متوقف کردند. در همین زمان بود که آقای روحانی و آقای جهانگیری هم به بیمارستان آمدند.»

حسینیه جماران، محفلی برای وداع با شناسنامه انقلاب

با اعلام رسمی خبر فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، سراسر کشور در بهت فرو رفت. شنیدن این خبر آنقدر ناگهانی بود که هیچ کس نمی‌توانست یا نمی‌خواست آن را باور کند و بپذیرد. در اولین واکنش به شنیدن این خبر سیل مشتاقان ایشان به سوی بیمارستان شهدای تجریش روانه گشت و در کمترین زمان خیابان‌های منتهی به میدان تجریش و جماران مملو از مردمی شد که ناباورانه آمده بودند تا با یار و همراه همیشگی شان وداع کنند.

مردم قدرشناس ایران در حالی در سوگ پیرمردی ۸۲ ساله اشک می‌ریختند و بر سر و صورت می‌زدند که گویا در فراق نوجوان یا کودک خویش می‌گریند. کسی از مرگ یک پیرمرد شوکه نمی‌شود و لیکن مرگ «آیت‌الله» برای مردم سرزمینش که چشم به اعتدال و حمایت و همراهی همیشگی‌اش داشتند، شوک آور بود. مردم نمی‌خواستند باور کنند که تکیه گاه مستحکم و قابل اعتماد خود را در برابر تندروها از دست داده‌اند.

پیکر مطهر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جهت انجام مراسم مذهبی و تغسیل و همچنین به جهت وداع علاقمندانش به حسینیه جماران منتقل شد. مراسم تغسیل در

حیاط خانه امام راحل و توسط یادگار امام و فرزندان آیت‌الله انجام شد.

مردم، شبانه و از راه های دور و نزدیک به حسینیه جماران آمدند تا وداعی با شکوه با مردی که عمرش را صرف خدمت به آنان کرد داشته باشند.

در مدت دو روزی که پیکر مطهر ایشان در حسینیه جماران حضور داشت، سیل خروشان مردم سوگوار همراه با مسئولین عالیرتبه لشگری و کشوری در این محل گرد هم آمدند تا حضورشان مرهمی بر جراحت های قلب خانواده داغدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی باشد.

در ایامی که پیکر مطهر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حسینیه جماران بود، همه آمدند. جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی فارغ از اختلافات گذشته در این محل حضور یافتند تا ادای احترام کنند به شخصیتی که شاید با او در مسائلی اختلاف نظر داشتند ولیکن بر سر یک موضوع اتفاق نظر داشتند و آن اینکه هاشمی رفسنجانی ستون نظام و یار دیرین امام و رهبری است.

در همین زمینه و به مناسبت رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خانواده ایشان اطلاعیه‌ای خطاب به مردم قدردان کشور صادر کرد.

متن این اطلاعیه بدین شرح است:

«بسم‌الله الرّحمن الرّحیم»

روح بلند بزرگمرد تاریخ معاصر ایران به مرادش خمینی کبیر پیوست.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حالی امشب و در شب شهادت امیرکبیر دار فانی را وداع کرد که طی ۶۰ سال مبارزه و مجاهدت، عمر خود را صرف مردم ایران نمود؛ مردمی که اینک با احساسات پاک خود تسلی خاطر بستگان و علاقه‌مندان ایشان هستند.

خمینی کبیر، مراد هاشمی فرمود: «هاشمی زنده است چون نهضت زنده است» و امروز باید گفت هاشمی زنده است چون خمینی زنده است. امروز اگرچه جسم خسته هاشمی که یادگارهای فراوانی از شکنجه‌های دوران مبارزه در خود دارد آرام گرفته است، اما تفکر هاشمی و نگاه بلند او در میان میلیون‌ها ایرانی سرافراز جریان دارد و کدام حیاتی بالاتر از تداوم بینش این شخصیت بزرگ.

هاشمی در حالی به همرزمانش، بهشتی، مطهری و باهنر پیوست که ماموریت خود را در دفاع از انقلاب و حراست از آینده ایران به بهترین نحو برآورده ساخت و در این

راه چه پیش از انقلاب و چه در طول چهار دهه سپری شده از انقلاب آماج تیرهای زهرآگین بود.

هاشمی برای مردم زیست و برای مردم کوشید و مردم چه زیبا قدر این بزرگمرد را دانستند و با حمایت‌های بی‌دریغ خود عزتی کم‌نظیر را در میان همه بی‌مهری‌ها برایش رقم زدند.

جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب اگرچه یاوری دیرینه و رکنی رکین را از دست داد، اما راه هاشمی ادامه خواهد داشت و جوانان این کشور آینده‌ای درخشان را همان‌گونه که هاشمی آرزوی دیرینه‌اش را داشت رقم خواهند زد.

مراسم تشییع پیکر پاک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روز سه‌شنبه ۲۱ دی‌ماه از ساعت ۱۰ صبح از دانشگاه تهران انجام می شود.

در پایان ضمن تسلیت این ضایعه به ملت شریف ایران و رهبر معظم انقلاب و مراجع تقلید امید دارد روح این بزرگمرد با ارواح طیبه، اولیای الهی، شهدای انقلاب و امام شهدا محشور گردد.

پیام تسلیت رهبر انقلاب در سوگ یار دیرین... فقدان همرزم و همگام، سخت و جانکاه است.

پس از اعلام رسمی خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رهبر انقلاب در پیامی فقدان همرزم و همگام خویش را سخت و جانکاه خواندند و با اشاره به سابقه ۵۹ سال دوستی با ایشان که شروع آن از بین الحرمین بود، فرمودند: «با فقدان هاشمی اینجانب هیچ شخصیت دیگری را نمی شناسم که تجربه ای مشترک و چنین دراز مدت را با او در نشیب و فرازهای این دوران تاریخ ساز به یاد داشته باشم.».

متن این پیام بدین شرح است:

«بسم‌الله الّرحمن الّرحیم»

«انّا لله و انّا الیه راجعون»

با دریغ و تأسف خبر درگذشت ناگهانی رفیق دیرین، و همسنگر و همگام دوران

مبارزات نهضت اسلامی، و همکار نزدیک سالهای متمادی در عهد جمهوری اسلامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی را دریافت کردم.

فقدان همرزم و همگامی که سابقه‌ی همکاری و آغاز همدلی و همکاری با وی به پنجاه و نه سال تمام می‌رسد، سخت و جانکاه است. چه دشواریها و تنگناها که در این دهها سال بر ما گذشت و چه همفکریها و همدلیها که در برهه‌های زیادی ما را با یکدیگر در راهی مشترک به تلاش و تحمل و خطرپذیری کشانید.

هوش وافر و صمیمیت کم‌نظیر او در آن سالها، تکیه‌گاه مطمئنی برای همه‌ی کسانی که با وی همکار بودند به ویژه برای اینجانب به شمار می‌آید. اختلاف نظرها و اجتهادهای متفاوت در برهه‌هائی از این دوران طولانی هرگز نتوانست پیوند رفاقتی را که سرآغاز آن در بین‌الحرمین کربلای معلّی بود به کلی بگسلد و وسوسه‌ی خناسانی که در سال های اخیر با شدت و جدیت در پی بهره برداری از این تفاوت های نظری بودند، نتوانست در محبت شخصی عمیق او نسبت به این حقیر خلل وارد آورد.

او نمونه‌ی کم نظیری از نسل اول مبارزان ضد ستم شاهی و از رنج دیدگان این راه پر خطر و پر افتخار بود. سال ها زندان و تحمل شکنجه های ساواک و مقاومت در برابر این همه و آن گاه مسئولیت های خطیر در دفاع مقدس و ریاست مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و غیره، برگ های درخشان زندگی پر فراز و نشیب این مبارز قدیمی است.

با فقدان هاشمی اینجانب هیچ شخصیت دیگری را نمی شناسم که تجربه ای مشترک و چنین دراز مدت را با او در نشیب و فرازهای این دوران تاریخ ساز به یاد داشته باشم.

اکنون این مبارز کهنسال در محضر محاسبه‌ی الهی با پرونده‌ای مشحون از تلاش و فعالیت گوناگون قرار دارد، و این سرنوشت همه‌ی ما مسئولان جمهوری اسلامی است.

غفران و رحمت و عفو الهی را برای وی از صمیم قلب تمنا می‌کنم و به همسر گرامی و فرزندان و برادران و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

غفرالله لنا وله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۵

پیام تسلیت دکتر روحانی در فراق فرمانده دوران جنگ... ایران، امیری بزرگ را از دست داد.

دکتر روحانی رییس جمهور کشورمان نیز در سوگ یار دیرین و فرمانده خود در دوران دفاع مقدس پیام تسلیتی سراسر حزن انگیز صادر کرد.

متن پیام به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«إنا لله وإنا إلیه راجعون»

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ»

در ایام سوگ فاطمه معصومه(س) و شهادت مظلومانه امیرکبیر، ایران به سوگ سردار شایسته خویش نشست و قهرمان ملی مبارزه با استبداد و استعمار، سر بر آستان حق نهاد.

حضرت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی فرزند ثابت قدم روح الله، همراه و همدل دیرین رهبری، چهره ممتاز و تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی و دلسوز واقعی مردم؛ پس از عمری مجاهدت و صبوری به ملاقات حق شتافت. تاریخ چه تقدیر پر معنایی داشت که آن اسطوره حلم و تحمل و ایمان و اعتدال، در روزی به دیدار خداوند متعال شتافت که نقطه آغاز خیزش و قیام ملت در دفاع از خمینی کبیر، بنیانگذار انقلاب اسلامی بود.

سخن گفتن از هاشمی که سال‌ها در کنار او بودم برای من بسیار دشوار است. وی در طول مبارزات مردم ایران تحت زعامت امام بزرگوار، یک انقلابی تمام‌عیار بود. سال‌ها زندان و شکنجه، او را از راه آن مراد جدا نکرد. او همواره یکی از پیشتازان بنام انقلاب اسلامی بود. او بود که از قم تا نجف و از پاریس تا تهران هرگز امام و مرادش را تنها نگذاشت. هاشمی از معماران برجسته نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، حزب جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و تمام نهادهای انقلاب اسلامی مدیون تدبیر و آینده‌نگری این مرد فرداها است.

امروز اسلام سرمایه‌ای پرارزش، ایران امیری بزرگ، انقلاب اسلامی پرچمداری

شجاع و نظام مُدبری کم‌نظیر را از دست داد.

او محبوب امام بود و خادم مردم؛ هرکجا که او مسئولیت آن را بر عهده داشت، مایه آرامش امام و رهبری و مردم بود. او تحلیل‌گیری توانا بود که جهان را به‌خوبی می‌شناخت. خطبه‌های نمازش در روزهای سخت دفاع مقدس به همه روحیه می‌داد. او در مظلومیت، چون یار دیرینش شهید بهشتی بود و ناسپاسی‌ها را به آسانی تحمل می‌کرد.

هاشمی هیچ‌گاه از جنگ نهراسید ولی همواره صلح را گرامی می‌داشت؛ هم فرمانده شجاع میدان‌های جهاد و شهادت بود و هم قهرمان مذاکره برای پایان جنگ. سخن گفتن از بزرگ‌مردی که به‌حق سنگ زیرین آسیای نظام بود، ساده نیست. محرم امام و یاور بی بدیل مقام معظم رهبری بود. برای ایران و ایرانی، آرزوهای بزرگی داشت و تا جان داشت برای سربلندی میهن اسلامی کوشید. بسیار جفا دید و بسیار وفا کرد. با انحراف از مسیر اعتدال اسلامی سر سازش نداشت و مصلحت نظام را از هر امری بالاتر می‌دانست. مردم فهیم ایران، قدر خادمان خود را به خوبی می‌شناسند و دینشان را به سردار سازندگی ادا خواهند کرد.

نام هاشمی بزرگتر از آن است که احدی بتواند نقش‌آفرینی و حضور موثر او را در برگ برگِ تاریخ نهضت اسلامی، از ابتدای مبارزات در دهه چهل تا پیروزی انقلاب، و از سابقه بی‌بدیل و درخشان او در مدیریت دفاع مقدس تا همه مقاطع حساس تا واپسین دقائق زندگانی ایشان، و حیات همیشگی او در قلب مردم قدرشناس ایران عزیز را انکار کند. که پیر و مراد همه ما خمینی عزیز قدس الله نفسه الزکیه فرمود: «بدخواهان بدانند که هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.»

اینجانب با اعلام سه روز عزای عمومی و یک روز تعطیل رسمی؛ مصیبت بزرگ فقدان این قهرمان ملی، اندیشمند بزرگ اسلامی و سرمایه بی‌بدیل نظام جمهوری اسلامی ایران را محضر حضرت بقیه الله روحی له الفداه، مقام معظم رهبری، مراجع عظام تقلید، علما و فضلا، شخصیت‌های انقلاب و نظام، ملت قدرشناس ایران به‌خصوص مردم شریف استان کرمان و شهر رفسنجان، همه یاران و دوستداران و ارادتمندان ایشان به‌ویژه خانواده گرامی، همسر مکرمه و صبور و همچنین فرزندان و برادران آن مجاهد نستوه صمیمانه تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرد بزرگ علو درجات و همجواری با ائمه اطهار(ع) و مرادش امام خمینی(ره)،

همرزمان و شهدای انقلاب اسلامی، و برای همه بازماندگان صبر و أجر مسألت می‌دارم.

حسن روحانی

رییس جمهوری اسلامی ایران

همچنین هیات دولت در اطلاعیه‌ای علاوه بر سه روز عزای عمومی، روز سه شنبه مصادف با روز تشییع آیت‌الله هاشمی را تعطیل رسمی اعلام کرد.

اعلام سه روز عزای عمومی به مناسبت درگذشت یار دیرین انقلاب

در پی درگذشت یار دیرین مردم، انقلاب، امام و رهبری، هیئت دولت با انتشار بیانیه‌ای سه روز در کشور عزای عمومی و همچنین روز تشییع و خاکسپاری پیکر مطهر ایشان را تعطیل اعلام کرد.

متن این پیام به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انا لله و انا الیه راجعون»

عالم مجاهد، انقلابی نستوه و یار دیرین حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه که عمر پر برکت خود را در شکل گیری انقلاب اسلامی، استقرار نظام جمهوری اسلامی و ایفای مسئولیت های خطیر در اداره کشور و دفاع مقدس سپری کرد به دیدار معبود شتافت. نام، یاد و آموزه‌های آن یار سفر کرده همواره بر تارک ایران و انقلاب اسلامی در درخشش و الگوی وفاداران به آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد بود.

هیات دولت جمهوری اسلامی ایران این ضایعه بزرگ را به حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه، مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی، علما و مراجع بزرگوار تقلید، خانواده گرامی ایشان و ملت شریف ایران تسلیت عرض می‌کند و به مناسبت تجلیل از این یار دیرین امام و رهبری سه روز عزای عمومی و روز سه شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۵ را تعطیل عمومی اعلام می‌کند و ملت قدرشناس ایران را به شرکت باشکوه و تاریخی در مراسم تشیع پیکر پاک ایشان دعوت می‌نماید.

غم‌نامه یاگار امام در سوگ فرزند معنوی روح الله

در پی در گذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، یادگار امام (ره) در پیامی یاد و خاطره سال ها مجاهدت و همراهی ایشان با انقلاب و امام را گرامی داشتند و به بازماندگان ایشان تسلیت گفتند.

متن پیام به این شرح است:

«بسمه تعالی»

«انا لله و انا الیه راجعون»

درگذشت یار بی همانند و فرزند معنوی امام، حضرت آیت الله حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی رضوان الله تعالی علیه و حشره الله مع انبیائه و اولیائه چنان سنگین و ناباورانه بود که تنها لطف الهی می تواند تسلی بخش جان و روح ما باشد. کیست که از انقلاب اسلامی ایران خاطره ای داشته باشد و در آن حضور مؤثر و کم مانند هاشمی را نیابد. همراهی این مجاهد خستگی ناپذیر از قبل از شروع انقلاب با امام خمینی و حضور در هر صحنه ای که امام می فرمود، در لحظه لحظه زندگی ایشان مشهود و متجلی است.

از فرماندهی دفاع مقدس تا مدیریت سازندگی کشور، از شورای انقلاب تا ریاست مجلس، از نقش بی بدیل در تعیین رهبری پس از امام تا ریاست خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، از زندان و رفتن تا پای اعدام تا نمایندگی امام برای حل هر معضله و بحران، از ترور فیزیکی توسط فرقان تا ترور شخصیت توسط دشمنان و نابخردان، همه و همه گواه و رد پای هاشمی در تاریخ این مرز و بوم است.

هاشمی قامت رعنای گفتمان آزادی خواه و معتدل در جامعه افراط زده ماست. فرزند روستای دوردست رفسنجان که هوش سرشار، استعداد ناب، قدرت تحلیل شگرف و شجاعت مثال زدنی را همراه با عشق به پیامبر و اهل بیت ایشان، اسلام، ایران و امام، در جان و روح خویش نهادینه ساخته بود.

فقدان آیت الله هاشمی نه تنها درگذشت استوانه محکم خردورزی بود بلکه فقد خوبی هایی است که از امام برای ما به یادگار مانده بود. ایمان وی به مردم این سرزمین و انتخاب صحیح ایشان و امید به آینده درخشان این سرزمین برای هر آشنای وی ملموس بود وبهترین شاهد برای این مدعا حضور چندین باره وی در عرصه های

مختلف انتخابات و کسب رأی از مردم ایران است.

هاشمی در میان ما زنده است. با ما خواهد ماند. و در جان و روان ایران جریان خواهد داشت. چراکه به فرموده امام هاشمی زنده است چون نهضت زنده است. اینجانب این مصیبت جانکاه را به همه مردم ایران، مقام معظم رهبری و به فرزندان و همسر مقاوم و مجاهدشان و به همه دوستداران ایشان تسلیت گفته، برای ایشان حشر با اولیاء الهی و امام و شهیدان مسئلت دارم.

سید حسن خمینی

پیام تسلیت رییس مجلس شورای اسلامی

دکترعلی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی با ارسال پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یار دیرین امام و رهبری را تسلیت گفت.

متن پیام به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«اناالله و انا الیه راجعون»

مرد بزرگی چشم از این جهان فرو بست که در چهره او شصت سال مبارزه با استبداد و استعمار، تلاش خستگی ناپذیر برای استقرار نظام اسلامی، مجاهدتی کم نظیر برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی، کوششی مداوم برای عمران و آبادی کشور و همتی مستمر برای سامان دادن به امور تقنینی هویدا بود.

روحانی عظیم القدری که از دهه ۳۰ با تبلیغ اسلامی و آگاهی بخش سیاسی سعی وافری در بیداری ملت نمود.

سال‌ها زندان همراه با شکنجه و آزار فراوان او را از پا نینداخت تا نهضت، به رهبری امام خمینی(ره) به ثمر نشست.

به عنوان نزدیک ترین مشاور و یار امام به عضویت شورای انقلاب برگزیده شد و در همان ماه های اول پیروزی، هدف تیر منحرفین قرار گرفت، لیکن از تلاش برای در هم شکستن چهره نفاق و انحراف باز نایستاد.

اداره قوه مقننه، مسئولیت خطیری در آن سال های جنگ و آشوب بود که با صلابت به دوش کشید.

فرماندهی میدان های جنگ در زیر فشار نظامی و تحریم دشمن از کارهای طاقت فرسایی بود که از قهرمانی چون هاشمی ساخته بود.

در تمام این دوران او همراه با حضرت آیت‌الله خامنه ای(مدظله العالی) امام امت را یاری کرد و چون پروانه گرد وجود آن پیر فرزانه گشت.

انتخاب رهبر جدید انقلاب فرصتی بود تا هاشمی عزیز، باور و ایمان خود را نسبت به حضرت آیت‌الله خامنه ای نشان دهد.

به عنوان رئیس جمهور، حداکثر همراهی را با رهبری داشت و رهبر معظم انقلاب همواره از دولت ایشان حمایت کردند.

سپس در جایگاه ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، لحظه ای از خدمت به نظام اسلامی فروگذاری ننمود. علاقه وافر او به حفظ نظام و اعتلای آن و عشق او به رهبری، دشمنان را به کینه ورزی مداوم نسبت به او وامی داشت.

اینجانب ضمن نهایت تأثر و تأسف از این حادثه مؤلمه، مراتب تسلیت خود را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر(عج)، مقام معظم رهبری، خاندان محترم هاشمی، حوزه علمیه مقدسه قم و ملت شریف ایران تقدیم می دارم.

برای آن سفر کرده، آرزوی علو درجات و برای بازماندگان، دوستان و یاران ایشان صبر و شکیبایی از خداوند بزرگ مسئلت دارم.

علی لاریجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۵

پیام تسلیت رییس قوه قضاییه

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه نیز با ارسال پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

در متن پیام ایشان آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انالله و انا الیه راجعون»

خبر ارتحال مرحوم آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت

نظام موجب تأسف اینجانب گردید.

ایشان سالهای متمادی از مبارزان نهضت در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بودند و بعد از انقلاب نیز از موثرترین شخصیتهای نظام در کنار امام (ره) و مقام معظم رهبری در سمتهای مختلف به نظام اسلامی خدمت کردند.

رحلت این یار دیرین امام (ره) و مقام معظم رهبری را به محضر حضرت بقیة الله الاعظم (عج) و رهبرمعظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) و بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن فقید سعید غفران الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل آرزومندم.

صادق آملی لاریجانی_ رئیس قوه قضاییه

پیام تسلیت مراجع و علما در سوگ آیت‌الله

در پی در گذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مراجع تقلید نیز با صدور پیام‌های جداگانه ارتحال ایشان را تسلیت گفتند و بر وفاداری وی تا آخرین لحظات عمر به امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب تأکید کردند.

در همین رابطه، **آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی** مرجع عالی‌قدر شیعیان، با ابراز تاسف از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پیام تسلیتی صادر کرد.

متن پیام بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انا لله و انا الیه راجعون»

دانشمند محترم جناب آقای محمد هاشمی زید عزه

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

خبر درگذشت اخوی مکرم، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی طاب ثراه موجب تالم و تاسف فراوان گردید.

اینجانب فقدان آن بزرگوار را به جنابعالی و دیگر افراد خاندان محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای همه بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل را مسالت دارم.

علی حسینی سیستانی

۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ هجری

آیت‌الله حسین نوری همدانی نیز ضمن برشماری سوابق درخشان و زحمات فراوانی که در راه به ثمر نشستن انقلاب متحمل شد، باصدور پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

متن پیام این مرجع تقلید به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انالله و انا الیه راجعون»

خبر ناگوار ارتحال عالم مجاهد و مبارز نستوه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی موجب تألم شدید اینجانب شد.

سوابق درخشان وی با توجه به زحمات فراوانی که در راه به ثمر نشستن انقلاب و ارتباط بسیار وسیعی که با امام رضوان‌الله علیه داشته و خدمات وی به مردم متعهد ایران در پست‌هایی که به عهده گرفته بودند بر هیچ‌کس مخفی نیست. وفاداری او به انقلاب، امام و مقام معظم رهبری تا آخرین لحظات عمر همچنان دوام داشت.

اینجانب شخصاً در حوزه علمیه قم سابقه ممتدی با ایشان داشتم و از نزدیک شاهد مبارزات ایشان علیه رژیم شاهنشاهی بوده‌ام و امروز که با مشیت الهی آن برادر عزیز به لقاءالله پیوسته، ملت وفادار به امام و مقام معظم رهبری در تجلیل از مقام ایشان در تشییع جنازه و مجالسی که تشکیل خواهد شد شرکت خواهند کرد و یک‌بار دیگر وحدت، اتحاد خود و پشتیبانی از نظامی که با زحمات ملت شریف و امثال ایشان به وجود آمده است را در برابر چشم بدخواهان و تفرقه‌طلبان به نمایش خواهند گذاشت و بار دیگر دشمنان را ناامید خواهند ساخت.

اینجانب درگذشت این فقید سعید را به پیشگاه حضرت ولی‌عصر(عج) و مقام معظم رهبری و حوزه‌های علمیه و بیت معزی و به همه ملت شریف ایران تسلیت عرض می‌کنم.

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هرگز صحنه انقلاب را ترک نکرد، با صدور پیامی درگذشت ایشان را تسلیت گفت.

متن پیام این مرجع تقلید به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

با نهایت تأسف خبر فقدان ناگهانی مجاهد نستوه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی را دریافت داشتم. اینجانب ایشان را از آن زمان که در حوزه درسی ما شرکت داشت به خوبی می‌شناختم. مردی بسیار جدی، باهوش، شجاع و صاحب اراده بود.

سال‌ها در خدمت امام راحل فداکاری کرد و بعد از ایشان نیز دائماً در صحنه انقلاب بود. مشکلات مختلفی را پشت سر گذاشت ولی این مشکلات هرگز سبب نشد که صحنه را ترک کند.

اینجانب درگذشت این یار وفادار انقلاب را به همه هموطنان ایرانی و به ویژه بازماندگان آن فقید سعید تسلیت می‌گویم و غفران الهی را برای او و همه ما از خداوند می‌طلبم.

آیت‌الله جوادی آملی نیز با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صحابی صالح و صادق امام راحل بود، با صدور پیامی ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفت.

در پیام تسلیت آیت‌الله جوادی آملی آمده است: ارتحال استوانه انقلاب اسلامی، صحابی صالح، صابر و صادق امام راحل (قدس سره) و امین امت، حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به محضر مبارک بقیةالله، رهبر ملت بزرگ ایران و خاندان شریف آن رحیل محبوب تسلیت عرض می‌کنیم.

در این پیام تصریح شده است: بهترین ابراز همدردی در این سانحه سنگین ملی و رخداد توان‌فرسا، حفظ نظام اسلامی، تقویت ارکان و حرکت در مدار پیام رهبری است.

در پایان این پیام تاکید شده است: امید آنکه رنج مدبرانه و کوشش خالصانه بیش از نیم قرن آن عزیز، برای احیای مآثر قرآن کریم و آثار دوده طاها و یاسین علیهم افضل صلوات المصلین، ره توشه خوبی برای لقای خدای سبحان باشد.

آیت‌الله سیدمحمد علی علوی گرگانی نیز با تاکید بر این نکته که آیت‌الله هاشمی نقش ماندگاری در سازندگی و آبادی کشور داشتند، پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت ایشان صادر کرد.

در پیام این مرجع تقلید آمده است: خبر درگذشت جناب مستطاب حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی(ره) یار دیرین امام و

رهبری و شخصیت زحمتکش و پرتلاش سال‌های طولانی قبل و بعد از انقلاب موجب تأثر و تألم اینجانب شد.

در ادامه این پیام آمده است: این عالم مجاهد و زحمتکش که در دوران قبل از انقلاب در مبارزات علیه دستگاه سلطنتی شاهنشاهی در کنار مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهیدان بهشتی، مطهری و مفتح (رحمهم الله) و برخی دیگر از انقلابیون وفادار به امام خمینی (ره) سال‌ها رنج زندان را کشیدند، بعد از انقلاب نیز امام خمینی(ره) را تنها نگذاشته و در صحنه‌های مختلف و در رده‌های بالای انقلاب همچون ریاست مجلس شورای اسلامی و جانشین فرمانده کل قوا در زمان جنگ نقش‌آفرین و مؤثر بودند.

ایشان با هوشیاری و زحمات فراوان بعد از رحلت امام خمینی(ره) نیز در سازندگی و آبادی مملکت ایران نقش ماندگار ایفا کردند.

در پایان این پیام آمده است: اینجانب این ضایعه را در درجه اول به امام زمان(عج) و به مقام معظم رهبری، همچنین به خانواده و بازماندگان آن مرحوم تسلیت گفته و امید است که خداوند با فضل و رحمت خود ایشان را مشمول عنایات وافره خود قرار دهد و شفاعت اجداد طاهرین شامل ایشان شود.

همچنین مراجع معظم و علمای محترم از جمله آیات عظام حضرات **آیت‌الله وحید خراسانی، شبیری زنجانی، صافی گلپایگانی، سبحانی، سید محمود هاشمی شاهرودی، یوسف صانعی، ابراهیم امینی، مظاهری، محمد یزدی، موحدی کرمانی، بیات زنجانی، فاضل لنکرانی، سید محمد خاتمی، علی اکبر ناطق نوری،** با ارسال پیام یا تماس تلفنی با خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، درگذشت ایشان را ضایعه‌ای جبران ناپذیر نامیده و به خانواده و علاقمندان ایشان تسلیت گفتند.

اشـک تلخ و اعتراف دیر هنگام مخالفـان آیت‌الله... «هاشـمی» سـتون انقلاب و یاور رهبری بود.

پس از درگذشت ناگهانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مقامات سیاسی و احزاب و تشکل های سیاسی کشور با ارسال پیام های جداگانه درگذشت این یار دیرین انقلاب، امام و رهبری را تسلیت گفتند.

نکته ای که در این میان بیش از همه حائز اهمیت بود ارسال پیام های تسلیت توسط افرادی بود که در طول سالیان گذشته به عنوان منتقد جدی آیت‌الله هاشمی

رفسنجانی محسوب می شدند و گویا اکنون که آیت‌الله، رخت از این دیار فانی بست و به سوی معبود خویش روانه شد، این یاران دیروز و منتقدان امروزی به یکباره به یاد افتادند که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چه خدماتی برای انقلاب و کشور متحمل شده است.

در طول تاریخ ایران کمتر کسی را می توان سراغ داشت که در طول زمان های مختلف در تیررس انتقادات و هجمه های طیف های مختلف گروه های سیاسی کشور قرار گرفته باشد.

فراموش نکرده ایم که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، زمانی مورد انتقاد شدید جناح چپ یا همان اصلاح طلبان قرار داشت و زمانی دیگر توسط جناح راست یا همان اصولگرایان، خارج شده از ریل انقلاب تشخیص داده شد و بی بصیرت و حامی فتنه نام گرفت.

هر چه بود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با صبر مثال زدنی خود در برابر تخریب ها و هجمه‌های ناجوانمردانه سکوت کرد و شاید همین مسئله باعث گردید که در ماتمش کسانیکه بیشتر به او جفا کرده بودند بیشتر ناراحت و اندوهگین باشند.

نمونه ای از پیام های مقامات سیاسی کشور را با هم مرور می کنیم:

دکتر محمد باقر قالیباف شهردار تهران که در طول سالیان گذشته همواره از منتقدین سیاست های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده است و بارها این اختلاف نظرها را در محافل سیاسی و رسانه ای مطرح کرده است در پیامی درگذشت فرمانده جنگ را تسلیت گفت.

پیام تسلیت شهردار تهران به شرح زیر است:

«انا لله و انا الیه راجعون»

«رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و یار دیرین امام و رهبری را به همه آحاد ملت به ویژه محضر رهبر معظم انقلاب، خانواده، بازماندگان و علاقمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. خدمات ارزنده ایشان در طول دوران مبارزه و پس از انقلاب از خاطره‌ها محو نخواهد شد.

ایشان در خط مقدم مبارزه با رژیم ستم‌شاهی طاغوت و یاور بنیانگذار کبیر انقلاب در روزهای دشوار پیروزی انقلاب اسلامی بودند. در دوران دفاع مقدس نیز چنانکه بنده از نزدیک شاهد بودم در جایگاه فرماندهی نقش کلیدی داشتند و پس از آن در

دوران سازندگی که بنده توفیق همراهی در قرارگاه خاتم الانبیاء را داشتم، تلاش مجدانه‌ای برای پیشرفت کشور به خرج دادند. آن مرحوم در سالیان متمادی بعد از انقلاب نیز مشاوری امین برای رهبری و دلسوز نظام بودند. هیچ گانه نقش محوری ایشان در این سی و هفت سال بعد از انقلاب فراموش نخواهد شد. علو درجات آن مرحوم و صبر و اجر برای بازماندگان را از درگاه ایزد منان خواستارم.»

آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز که در طول سالیان گذشته جزو جدی ترین منتقدان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده است و در ماجرای ردصلاحیت ایشان در انتخابات سال ۹۲ نقشی اساسی ایفا کرد و همچنین بارها از تریبون نماز جمعه انتقاداتی را نسبت به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مطرح کرد نیز از جمله افرادی بود که با ارسال پیامی، فقدان یار امام و رهبری را تسلیت گفت.

متن پیام به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انا لله و انا الیه راجعون»

«خبر رحلت آیت‌الله جناب آقای هاشمی رفسنجانی، مجاهد دوران نهضت اسلامی و یار دیرین حضرت امام خمینی (ره)، موجب تالم و تاثر گردید. آن سفر کرده، در دوران رژیم طاغوتی و وابسته پهلوی، رنج و محنت بسیاری را متحمل شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با قبول مسئولیت های مهم همچون ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز مجلس خبرگان رهبری، کوشا بود.

این جانب ضمن قدردانی از زحمات بی شائبه ایشان برای نظام اسلامی، رحلت ایشان را به مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای و بازماندگان، تسلیت گفته و از خداوند متعال رحمت و غفران واسعه الهی را برای ایشان مسالت دارم.»

و اما یکی از افرادی که با ارسال پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، باعث بهت و حیرت مردم شد آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی بود.

ایشان در طول سالیان گذشته همواره جزو افرادی بودند که در هر فرصتی به سیاست های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حمله می کردند و طرفداران ایشان نیز همواره در طول سالیان گذشته سعی بر آن داشتند تا نزد افکار عمومی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را خارج شده از مسیر انقلاب قلمداد کنند.

آیت‌الله مصباح یزدی در همایش "بررسی اخلاقی آثار غفلت در پیدایش فتنه" که در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مشهدمقدس برگزار شد، در ابتدای سخنان خود با اشاره به درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، ضمن تسلیت به مقام معظم رهبری، ملت ایران و خانواده آن مرحوم، تصریح کرد: «در ابتدا باید درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را که یار صدیق برای حضرت امام و همراه مقام معظم رهبری بودند را به مقام معظم رهبری و ملت ایران تسلیت عرض کنم. آقای هاشمی‌رفسنجانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی در خدمت نظام اسلامی بوده و خدمات فراوانی نسبت به نظام اسلامی داشتند که دعا می‌کنیم خداوند ایشان را به اولیای خود، امام راحل و شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی محشور بفرمایند.».

آیت‌الله ابراهیم رئیسی نیز در پی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ضمن عرض تسلیت ارتحال رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار داشت: «سال‌هاست که دشمنان و جریان‌های خناس تلاش دارند در کشور اختلاف افکنی و تفرقه ایجاد کنند و در این میان برای ایجاد زاویه میان آیت‌الله هاشمی و رهبر معظم انقلاب بسیار دسیسه کردند، اما تدابیر رهبری معظم و سپس عشق و علاقه وافر آیت‌الله هاشمی نسبت به جایگاه ولایت، همه آن‌ها را خنثی کرد.»

ایشان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را عالمی بزرگوار و مجاهدی پرتلاش خواند و افزود: «این مجاهد پرتلاش در دوران تنگنا و مبارزات ضد ستمشاهی همراه و در دوران دشوار پس از پیروزی انقلاب در کنار امام خمینی(ره) بود و پس از ارتحال امام عظیم الشان انقلاب نیز اقدام بسیار ارزشمند، بزرگ و تاثیرگذاری را در مجلس خبرگان رهبری برای حفظ روند رشد و تعالی انقلاب با تعیین شایسته رهبری انجام داد.»

محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور سابق نیز که در طول هشت سال ریاست جمهوری خود بیشترین هجمه‌ها و توهین‌ها را نسبت به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روا داشته بود نیز با صدور پیامی درگذشت ایشان را به مقام رهبری، خانواده محترم و علاقمندان به ایشان تسلیت گفت.

متن این پیام به‌شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انا لله و انا الیه راجعون»

«خبر درگذشت ناگهانی جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی از

مبارزین صدر نهضت امام خمینی(ره) و یار دیرین رهبری معظم انقلاب اسلامی و از جمله مؤثرترین چهره‌های سیاسی دهه‌های اخیر کشور که در صحنه‌های گوناگون و حساس انقلاب و در مناصب مختلف نقش آفرینی گسترده‌ای داشته‌اند موجب تأسف و تأثر گردید.

اینجانب درگذشت ایشان را به مقام معظم رهبری، خانواده محترم و علاقه‌مندان به ایشان تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای ایشان غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.»

سرلشکر پاسدار محمّدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در پی ارتحال آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، پیام تسلیتی صادر کرد.

متن این پیام به شرح زیر است:

«بسم الله الرّحمن الرّحیم»

«انّا لله و انّا الیه راجعون»

«ارتحال یار دیرین حضرت امام‌خمینی(رحمه الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای "مد ظلّه العالی"، آیت‌الله حاج شیخ اکبر هاشمی‌رفسنجانی که عمر خود را در مبارزه با نظام ستم شاهی و شکل‌دهی به نظام جمهوری اسلامی ایران و پذیرش مسئولیت‌هایی خطیر در ارتقای موقعیت کشور سپری نمود، به محضر رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی، ملّت شریف و بزرگوار ایران و خانواده آن مرحوم، تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم. از خداوند متعال غفران و رحمت الهی را برای آن فقید سعید مسئلت دارم.»

همچنین در پی ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حجت الاسلام و المسلمین علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز پیام تسلیتی صادر کرد.

متن پیام به شرح زیر است:

«بسم الله الرّحمن الرّحیم»

«انّا لله و انّا الیه راجعون»

«رحلت مجاهد خستگی ناپذیر، روحانی مبارز، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را که در زمره ی حواریّون حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و یاران دیرین رهبر معظّم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مد ظلّه العالی) و از استوانه های انقلاب اسلامی ایران به شمار می رفت و عمر خود را در مجاهدت برای اعتلای اسلام عزیز و پیشبرد آرمان های انقلاب و نظام اسلامی سپری

کرد، موجب تأثّر و تأسف گردید.

بی تردید نقش آفرینی‌های بزرگ آن مبارز کهنسال و خدمات ارزنده وی در طول دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی و سپس در عرصه های مختلف مسئولیتی در نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران به ویژه در جایگاه ریاست جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی ، رئیس مجلس خبرگان رهبری و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ انقلاب و میهن اسلامی ماندگار و یادآوری آن عزم راسخ در صراط مستقیم اسلام، همراهی با ولایت و تلاش در راه انقلاب و خدمت به پیشرفت و آبادانی کشور را مورد تاکید قرار خواهد داد.

این مصیبت سخت و جانکاه را به محضر حضرت ولی عصر (عج)، مقام معظم رهبری (مد ظلّه العالی)، ملت شریف ایران، روحانیت معزّز و خانواده محترم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تسلیت عرض نموده و برای آن فقید سعید رحمت و غفران واسعه الهی و برای بازماندگان ایشان صبر و شکیبایی مسألت دارم.»

سازمان بسیج مستضعفین نیز متن پیام تسلیتی در پی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صادر کرد.

متن این پیام به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انالله و انا الیه راجعون»

محضر نورانی ولی امر مسلمین جهان حضرت امام خامنه ای ادام الله ظله الشریف

خبر درگذشت ناگهانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام و هم سنگر همراهتان جناب حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی موجب تألم و تأسف دلسوزان انقلاب اسلامی گردید. وی که از جمله پیشتازان مبارزات نهضت اسلامی بوده و مسئولیت های گوناگونی را در طول این انقلاب الهی عهده دار گشته است همواره عشق به امام عزیز و رهبری حکیم را مورد توجه قرار داده و علی رغم شیطنت های وسواسانه ی خناسان در مسیر دلسوزی نظام مقدس ایران اسلامی گام نهاد.

سازمان بسیج مستضعفین این ضایعه را به حضرت عالی و به آحاد مردم عزیز و قدر شناس کشورمان تسلیت عرض نموده و در این ایام حزن و مصیبت رحلت جانسوز کریمه ی اهل البیت حضرت فاطمه معصومهعلیها السلام برای ایشان، مغفرت و رحمت الهی را مسئلت می نماید. طول عمر شریف و پر برکت رهبری حکیم انقلاب

اسلامی را از درگاه حضرت سبحان مسئلت می نماییم.

هم چنین در جلسه علنی روز دوشنبه ۲۰دی قوه مقننه، ۲۲۰ نماینده مجلس با انتشار بیانیه ای ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفتند.

در این بیانیه آمده است:

«رحلت مجاهد نستوه، عالم جلیل القدر، مبارز انقلابی، مدافع حقوق، مردم و مرید و همراه بنیان گذار فقید انقلاب اسلامی حضرت امام (ره) و یاور رهبر معظم انقلاب که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرین و با ایفای مسوولیت های حساس در سایه تدبیر و عقلانیت پس از انقلاب اسلامی قوام بخش نظام بود را خدمت ملت شریف ایران، رهبر معظم انقلاب، مراجع عظام تقلید، حوزه های علمیه و همه مسئولان و مدیران نظام و بیت ارجمند آن عالم تسلیت می گوییم.

خداوند روح آن فقید را با اولیا معصومین محشور گرداند و به ملت پرافتخار ایران و بازماندگانش اجر و صبر عطا کند.»

جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) نیز با صدور پیامی ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

متن این پیام به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«انا لله و انا الیه راجعون»

«درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به محضر بقیه الله الاعظم(عج) و مقام معظم رهبری، ملت شریف ایران و بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض می کنیم.

نقش و خدمات مرحوم هاشمی رفسنجانی که از پیشتازان نهضت امام خمینی(ره) و یاران آن امام راحل و مقام معظم رهبری بود، هیچگاه از خاطره ها فراموش نمی شود و از صفحات زرین انقلاب اسلامی ایران زدوده نخواهد شد.

این روحانی انقلابی زندگی خود را مصروف تلاش برای مبارزه سخت و بی امان با رژیم ستمشاهی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و پس از آن استواری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نمود.

برای این مبارز نستوه، غفران و رحمت الهی و برای بازماندگان و دوستداران ایشان صبر و اجر مسئلت می نماییم.»

و اما یکی از مهم ترین مسائلی که در فراق ایشان مطرح شد بحث حمایت ایشان از توانمندی دفاعی کشور بود. هنوز فراموش نکرده ایم که سال ۹۵ با هجمه های تندروهای افراطی علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آغاز شد و امپراطوری رسانه ای جریان شکست خورده انتخابات از هر فرصتی جهت ضربه زدن و وارد کردن هجمه های سنگین به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دریغ نمی کردند.

روزی سخنان ایشان درباره «دنیای گفتمان ها و نه موشک ها» را بهانه قرار دادند و روزی دیگر با تقطیع سخنان ایشان در مورد بودجه نظامی کشور، آنچه می خواستند گفتند و نوشتند تا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را که فرمانده پرافتخار دوران دفاع مقدس و از بنیانگذاران صنایع موشکی در کشور بود را به عنوان تضعیف کننده توان دفاعی کشور به مردم بشناسانند و جالب اینکه کمتر از شش ماه، ابرها از آسمان کنار رفتند و حقیقت ماجرا عیان شد و صد البته افسوس خوردیم که چرا در زمان حیات ایشان و آن هنگام که عده ای ناجوانمردانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را آماج حملات خود قرار داده بودند، این اظهارات بیان نشد.

جریان از این قرار بود که سرلشکر علی باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح در حاشیه مراسم بزرگداشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حسینیه جماران در جمع خبرنگاران گفت: «در دوران دفاع مقدس که آقای هاشمی سمت جانشینی فرمانده کل قوا را برعهده داشت تا پایان دفاع مقدس در خدمت ایشان بودیم و از آن دوران خاطرات بسیاری از ایشان داریم. مرحوم آیت‌الله هاشمی با شجاعت تمام و علیرغم اینکه حضرت امام (ره) ایشان را منع می‌کردند که از اهواز جلوتر بیایند تا خط مقدم جبهه می‌آمدند و با شناسایی تدابیر لازم را جهت پیشبرد عملیات ابلاغ می‌کردند».

سرلشکر باقری با اشاره به خدمات ارزنده مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به انقلاب و کشور خاطر نشان کرد: «ایشان توجه ویژه‌ای به توانمندی دفاعی داشت و نقش سازنده‌ای در تثبیت نظام و سازندگی جامعه ایفا کرد.»

همه جناح ها به هاشمی بد کرند.

یکی از مهم ترین و تلخ ترین و به عبارتی بهتر اگر بخواهیم بگوییم اعترافات دیرهنگام جریان منتقد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را می‌توان در اظهارات دکتر محمدرضا باهنر یافت. ایشان معتقد است که همه جناح‌های سیاسی، چه آن‌هایی که

آیت‌الله هاشمی را عالیجناب سرخپوش می‌دانستد و چه آن‌هایی که او را مقصر پذیرش قطعنامه می‌خواندند، به آیت‌الله هاشمی بد کردند.

باهنر در مراسم گرامیداشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تاکید بر این نکته که جانشینی برای هاشمی سراغ ندارم، اظهار کرد: «این اولین فجری است که عزیز از دست رفته ما در بین ما حضور ندارند. هاشمی تاریخ گویای نهضت حضرت امام خمینی، تاریخ پیروزی انقلاب، تاریخ بعد از انقلاب تا امروز و فرداها بوده و هست.»

وی ادامه داد: «نام هاشمی از فعالیت‌ها و پیشرفت‌ها جدا شدنی نیست و بعد از رحلتش گوشه‌های پنهان شخصیتی اش نمایان شده است. خیلی از محرمانه‌ها و نا شنیده‌ها هست که شاید امروز و فردا مهلت بازگویی‌اش نباشد. و قبل از آن بعضی ها حدس و گمان هم نمی‌بردند که ایشان چنین فردی با چنین زوایای شخصیتی باشند.»

باهنر یادآورد شد: «اگر امام خمینی را فرمانده انقلاب بدانید، هاشمی رئیس ستاد فرماندهی بود. از آغاز نهضت در کنار امام بود و کشور را پیش می‌برد. زمانی به امام خمینی گفتند که سربازان شما کجا هستند و ایشان فرمودند سربازان من در گهواره‌ها هستند، بزرگوارانی مثل شهید باهنر، بهشتی، مفتح و مرحوم برقه‌ای بخش آموزش و پرورش نسل انقلاب را بر عهده گرفتند.»

وی افزود: «دیگرانی مثل آیت‌الله هاشمی و آیت‌الله خامنه‌ای نیز ماموریت افشاگری رژیم ستمگری را بر عهده گرفته و نهضت انقلاب را تبیین می کردند. دیدیم که آیت‌الله هاشمی به نحو احسن شورای انقلاب را اداره کردند.»

این نماینده سابق مجلس تصریح کرد: «بعد از انقلاب هم آیت‌الله هاشمی ماموریت های بسیاری را بر عهده گرفتند و در همه مسئولیت‌هایشان خوش درخشیدند. زمانی که مجلس شورای اسلامی تاسیس و افتتاح شد بزرگانی چون آیت‌الله خامنه‌ای، چمران، باهنر و رجایی به اتفاق نظر رسیدند که هاشمی کسی است که می‌تواند امور مجلس را به خوبی اداره کند. آن‌ها انتخاب دقیق، حساس و درستی انجام دادند.»

باهنر یادآورد شد: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشینی فرمانده کل قوا را پس از عزل جانشین سابق در حالی پذیرفتند که ریاست مجلس را هم در دست داشتند. خدمات ایشان چه در جبهه و چه در امور داخلی کشور غیرقابل انکار است.»

وی با بیان اینکه «آیت‌الله» مورد بی‌مهری و بدعهدی جناح‌های مختلف سیاسی قرار گرفت، گفت: «هاشمی رفسنجانی همواره مورد بی‌مهری‌هایی از سوی جناح های

مختلف سیاسی قرار می‌گرفته است. به تازگی ما داستان پذیرش قطع‌نامه را شنیدیم که ایشان چه ایثار و از خود گذشتگی‌ای کردند و چه پیشنهادی به حضرت امام خمینی دادند اما تا پیش از روشن شدن این موضوع همواره می‌گفتند که او قطع‌نامه را تحمیل کرده و امام را مجبور به نوشیدن جام زهر کرده است. بسیار مسائل از این دست که امروز توان افشا شدن ندارد.»

این نماینده سابق مجلس با اشاره به خطبه‌های هاشمی رفسنجانی در نمازجمعه‌های تهران یادآور شد : «همه دنیا در زمان جنگ بر روی خطبه‌های هاشمی تمرکز می‌کردند تا بتوانند آینده جنگ را پیش‌بینی کنند. زمانی که شرایط ایران در جنگ خوب نبود، هاشمی چنان روحیه‌ای از خود نشان می داد تا دیگران هم روحیه بگیرند. ایشان حدود ۲۰ سال روز قدس، خطیب نماز جمعه بودند و هر سال یک حرفی جدیدی برای گفتن و یک تهدید جدید هم برای صهیونیست‌ها داشتند. تاجاییکه بعد از فوت ایشان یکی از مقام‌های صیهونیست گفت: یکی از دشمن‌ترین دشمن‌های صهیونیست فوت کرده است.»

این نماینده سابق مجلس در بخش دیگری از این سخنرانی تصریح کرد: «پس از دوران جنگ ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت برای ایران اعلام شد. مسئولیت سازندگی کشوری که هزار میلیارد دلار در جنگ خسارت دیده، بر عهده هاشمی قرار گرفت که انصافا هم خوب و خوش درخشید».

وی مجدداً در ارتباط با ناملایماتی که به هاشمی می‌شد، گفت: «نامهربانی هایی درباره ایشان رخ داد. جناح‌های مختلف چه آن‌هایی که هاشمی را عالی‌جناب سرخ‌پوش و مسئول قتل‌های زنجیره‌ای می‌دانستند و چه آن‌هایی که او را مقصر قبول قطعنامه جنگ می‌خواندند، به او بد کردند. خوب است که حالا از قول حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری شنیدیم که هاشمی همان زمان به امام گفته بود: قطعنامه را من می پذیرم چرا که به نفع کشور است و بعدا مرا محاکمه و اعدام کنید.»

باهنر همچنین افزود: «برای انقلاب خیلی‌ها حاضر بودند شهید شوند اما هرکسی حاضر نیست تا به خاطر انقلاب و نظام بدنام شود. هاشمی این روحیه را داشت.»

وی در بخش دیگری از این سخنرانی با اشاره به ارتباط نزدیک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با مقام معظم رهبری اظهار کرد: «خود آقای هاشمی تعریف می‌کردند که در زمان ریاست جمهوری ایشان چند مورد اختلاف نظر با رهبری داشتند. چند جلسه‌ای

هم صحبت کرده بودند و هیچ کدام قانع نشده بودند. ایشان به رهبری گفتند که شما رهبری و من رهرو هستم در نهایت هرچه شما بگویید همان کار را می‌کنیم. در همین رابطه بارها گفته شده بود که هاشمی همواره تاکید می‌کرد نظام جمهوری اسلامی و رهبری آن خطوط قرمز او هستند.»

سیل پیام تسـلیت مقامات سیاسی جهان... تجلیل از مـردی که مظهـر اعتدال بود.

با اعلام خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مقامات و شخصیت‌های سیاسی از سراسر جهان با ارسال پیام-هایی به خانواده ایشان، رهبر انقلاب، رییس جمهور و مردم کشورمان تسلیت گفته و از شخصیت والا و منحصر بفرد ایشان تجلیل کردند.

پیام تسلیت برخی از مقامات و شخصیت های سیاسی جهان بدین شرح است:

ولید جنبلاط، رئیس حزب دروزی سوسیالیست ترقی خواه لبنان ضمن ارسال پیام های تسلیت برای رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهوری و تسلیت به خانواده مرحوم رفسنجانی و ملت ایران، تاکید کرد: «آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی با نقش آفرینی های سیاسی، تاثیر بزرگی بر تحولات داخل و خارج از ایران داشت.»

عباس الکاظم، محقق ارشد روابط بین الملل و رئیس موسسه شیعه شناسی آمریکا در توییتی، ضمن تسلیت ارتحال آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، نوشت: «هاشمی رفسنجانی نماد اصلاح طلبی و آزادی خواهی در ایران بود».

ملک عبدالله دوم پادشاه اردن، پیامی تسلیتی را به مناسبت درگذشت رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران ارسال کرد و به دکتر روحانی تسلیت گفت.

جان کربی سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ جمهوری اسلامی ایران خواند و درگذشت وی را تسلیت گفت.

جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید، در واکنش به خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وی را «یکی از شخصیتهای برجسته ایران» توصیف کرد و گفت: «کاخ سفید درگذشت ایشان را به خانواده وی تسلیت می گوید.»

الحسن واتارا رئیس جمهور ساحل عاج، در پیامی به حسن روحانی رئیس جمهور کشورمان مراتب تسلیت خود و ملتش را به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی

رفسنجانی ابراز کرد.

مرکز اسلامی انگلیس در پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، اعلام کرد: «درگذشت یار دیرین امام خمینی(ره) و همسنگر مبارزات و همگام رهبر معظم انقلاب اسلامی، موجی از تألم و تأثر در دل شیفتگان انقلاب اسلامی و همه علاقمندان به ایران، تشیّع و روحانیت بجای گذاشت.»

حسین افندی کاوازوویچ رئیس العلما و رئیس جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین، با صدور پیامی ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به دولت و مردم ایران اسلامی تسلیت گفت.

نبیه بری رئیس مجلس لبنان، در پیامی به آیت‌الله خامنه ای رهبر انقلاب، رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و یار دیرین امام و رهبری را تسلیت گفت.

دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره اعلام کرد روز سه شنبه همزمان با مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مراسمی برای بزرگداشت ایشان در قاهره برگزار می شود.

الهام علی‌اف رییس جمهور جمهوری آذربایجان، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به رهبر انقلاب و رییس جمهور کشورمان تسلیت گفت.

جیکوب زوما رییس جمهور آفریقای جنوبی، با صدور پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به دولت و ملت ایران تسلیت گفت.

جنبش مقاومت اسلامی حماس با صدور بیانیه‌ای رسمی ضایعه درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام را تعزیت و تسلیت گفت.

شیخ عبدالأمیر قبلان، نایب رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان در لبنان اعلام کرد: «در پی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، صمیمانه ترین تسلیت‌ها را به مراجع عظام، حوزه های علمیه و به خصوص رهبر ایران، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و رئیس‌جمهور، حسن روحانی ابراز و از خداوند رحمت را برای آن مرحوم خواستار است.

بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه، با ارسال دو پیام جداگانه به رهبر انقلاب و رئیس جمهور ایران، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

وی تاکید کرد : «مرحوم هاشمی رفسنجانی به موضع‌گیری‌های شجاعانه و صادقانه و کار خستگی ناپذیر به منظور حفظ کرامت و آزادی ملت ایران، مشهور بود.»

میشل عون رئیس‌جمهور لبنان با ارسال پیام تسلیتی به حسن روحانی رئیس جمهور ایران، درگذشت اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور اسبق و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفت.

عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس‌جمهور الجزایر با ارسال پیامی به «حسن روحانی» همتای ایرانی خود، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را به وی تسلیت گفت.

سلطان قابوس پادشاه عمان، با ارسال پیامی به رئیس‌جمهور ایران، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

لو کانگ سخنگوی وزارت خارجه چین، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفت.

وی هاشمی رفسنجانی را شخصیتی "تاثیرگذار" توصیف کرده و گفت: «چین با دولت و ملت ایران و همچنین خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ابراز همدردی می‌کند.»

سخنگوی وزارت خارجه چین همچنین به کمک‌های فراوان هاشمی رفسنجانی به ارتقای روابط تهران و پکن در دوران ریاست جمهوری وی اشاره کرد.

همچنین سفارت چین در تهران جشن عید بهار چین که قرار بود در کاخ نیاوران برگزار شود را به دلیل همزمانی با فوت آیت‌الله هاشمی به تعویق انداخت.

دانیل اورتگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه، در پیامی خطاب به رهبر انقلاب، درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفت.

مولود چاووش‌اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه، در پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان رئیس امارات متحده عربی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به حسن روحانی رئیس‌جمهور کشورمان تسلیت گفت.

محمد بن راشد آل مکتوم حاکم دبی، با ارسال تلگراف تسلیت به حسن روحانی رئیس جمهور ایران، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

انور قرقاش، وزیر مشاور در امور خارجه امارات متحده عربی در پیام توییتری به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ضمن عرض تسلیت، نام این مرحوم را پیوند خورده با انقلاب ایران نام نهاد.

این ها بخشی از سیل پیام های تسلیتی است که در تجلیل از خدمات مردی که عمر خویش را صرف ترویج فرهنگ اعتدال و ایجاد مناسبات و ارتقاء و بهبود روابط بین المللی و ترمیم وجهه ایران در سطح جهان کرد.

سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، با صدور بیانیه‌ای درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران را تسلیت گفت. دبیر کل حزب الله لبنان با اشاره به جایگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و سابقه مبارزاتی ایشان، تاکید کرد: «مرد بزرگی از بزرگان امت اسلامی را از دست دادیم. ایشان طی ۳۴ سال گذشته برای مقاومت یک حامی، ناظر و پشتیبان بزرگ بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پدری عطوف، مهربان و همچنین مدافعی سخت در تمامی مراحل و شرایط سخت بود.»

وی در ادامه این پیام بیان داشت: «ما هرگز مواضع ایشان در حمایت و همراهی از حزب الله را فراموش نخواهیم کرد. ایشان در شادی ما خوشحال بود و در غم ما ناراحت. هیچ گاه در یاری ما تاخیر نکرد. ایشان به مسأله فلسطین ایمان داشت و در برابر صهیونیست‌ها مقاوم بود.»

عبدالملک بدرالدین الحوثی دبیرکل جنبش انصارالله یمن، درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران، را به رهبر انقلاب و ملت ایران تسلیت گفت.

سید عبدالملک افزود: «هاشمی رفسنجانی یکی از برجسته‌ترین رهبران مجاهد در انقلاب اسلامی ایران و حامی مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان بود.»

وزارت خارجه بحرین نیز در توییتی، درگذشت رئیس جمهور اسبق ایران را تسلیت گفت. بر این اساس، شیخ خالد بن حمد الخلیفه وزیر خارجه بحرین در پیام توییتری درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را که از وی به عنوان رئیس جمهور سابق ایران یاد کرد، تسلیت گفت و برای او طلب آمرزش و رحمت خداوند را کرد.

حمد بن عیسی آل خلیفه امیر بحرین نیز در پیامی به حسن روحانی رئیس جمهور ایران، درگذشت آیت‌الله هاشمی را تسلیت گفت.

همچنین نخست وزیر هند در توییتی اعلام کرد از طرف یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون نفر از هموطنانم عمیق ترین تسلیت‌ها را برای درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به ملت ایران ابراز می‌کنم.

رئیس دفتر جنبش اسلامی فلسطین در تهران نیز درگذشت آیت‌الله هاشمی

رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفت.

همچنین امیر، ولیعهد و نخست وزیر کویت در پیام هایی جداگانه درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران را به دکتر روحانی تسلیت گفتند.

نماینده سازمان ملل متحد در ایران نیز درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را از طرف تمام کارکنان این سازمان تسلیت گفت.

همچنین فواد معصوم رئیس جمهور عراق درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، یار دیرین امام(ره) و رهبری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را به همتای ایرانی اش حسن روحانی تسلیت گفت.

عبدالله گل رئیس‌جمهور سابق ترکیه نیز در پیامی توییتری ضمن اعلام اینکه از شنیدن خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی بسیار ناراحت شده، این ضایعه را به خانواده ایشان و ملت ایران تسلیت گفت و طلب آرامش روح ایشان در جوار حق تعالی را کرد.

عمار حکیم، رئیس ائتلاف ملی عراق نیزدر پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به دولت، ملت و رهبر انقلاب تسلیت گفت.

اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به رهبر انقلاب، دولت و ملت ایران تسلیت گفت.

وی با ابراز تاسف اعلام کرد که با مقام معظم رهبری، دولت، ملت ایران و خانواده آیت‌الله هاشمی ابراز همدردی می‌کند. اشرف غنی اظهار داشت : «آیت‌الله هاشمی فردی محبوب و شخصیتی تاثیرگذار در مسائل منطقه‌ای بود.»

عبدالله عبدالله ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان به مناسبت ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران پیام تسلیتی منتشر کرد.

حامد کرزای، رئیس‌جمهور سابق افغانستان، درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

پیام تسلیت حامد کرزی رئیس جمهور پیشین افغانستان به مناسبت وفات آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی به شرح زیر است:

«با تأسف فراوان اطلاع حاصل نمودم که آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور پیشین جمهوری اسلامی ایران داعی اجل را لبیک و جهان فانی را وداع گفته است.

بدینوسیله می‌خواهم مراتب تسلیت و همدردی خود را به حکومت و مردم کشور دوست و برادر ایران و خانواده متوفی ابراز نموده از بارگاه خداوند لایزال برای متوفی بهشت برین و برای بازماندگان صبر جمیل استدعا دارم.

شادروان آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی از شخصیت های مبارز و آزادیخواه بود که در بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران نقش بارز داشت. کارنامه هایش جاودان و فراموش ناشدنی است. روحش شاد و یادش گرامی باد.»

نوری مالکی دبیرکل حزب دعوت اسلامی و نخست وزیر سابق عراق نیز در پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را به آیت‌الله سید علی خامنه ای، رهبر انقلاب تسلیت گفت.

همچنین شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر با ارسال پیامی به دکتر حسن روحانی رئیس جمهور ایران درگذشت حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت گفت.

نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان، در پیامی از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، اظهار تأسف عمیق کرد.

وی همچنین اظهار داشت: «هاشمی رفسنجانی نه تنها یک چهره تأثیرگذار در ایران بلکه نماد تلاش‌ها برای صلح آشتی‌جویانه در سطح منطقه‌ای بود.»

نخست‌وزیر پاکستان اعلام کرد برنامه‌های اصلاحی هاشمی «به عنوان یک عملگرای عقلانی» برای کشورش رهنمونی بسیار ضروری برای وحدت مسلمانان جهان فراهم کرد.

نواز شریف برای روح آن مرحوم دعا کرده و مراتب تسلیت خود را به نیابت از مردم و دولت پاکستان به ملت برادر ایران اظهار داشت.

امامعلی رحمان رئیس‌جمهور تاجیکستان، با ارسال پیامی برای حسن روحانی رئیس جمهور ایران، درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

محمودجان فیض رحمان‌اف سخنگوی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، با انتشار پیامی در صفحه فیسبوکی خود، درگذشت آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی را از سوی ریاست عالیاین حزب به ملت و دولت ایران و خانوادۀ مرحوم تسلیت گفت.

متن کامل این پیام تسلیت به شرح زیر است:

«انا لله و انا الیه راجعون»

«ریاست عالی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی

رفسنجانی، روحانی، سیاستمدار و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران را به ملت و دولت ایران و خانوادهٔ مرحوم تسلیت می‌گوید.

اکبر هاشمی رفسنجانی شخصیت برجسته و سیاستمدار توانایی بود که با میانه‌روی‌ها و عمق نگرش خود به مسائل جهانی، تأثیر بسزایی در حل بحران‌های منطقه و جهان گذاشت.

مرحوم علاوه بر شخصیت معروف و شناخته بودنش، برای مردم تاجیکستان از آن جهت شناخته شده و سزاوار احترام بود که در آغاز مذاکرات برای حل نزاع تاجیکان در دههٔ ۹۰ میلادی ارتباط و تأثیر مستقیم داشت. از جمله، در زمان ریاست‌جمهوری او، سه دوره از مذاکرات صلح تاجیکان در شهر تهران دایر گردید. علاوه بر این، در زمان ریاست‌جمهوری وی، ایران اولین کشوری بود که سفارت خود را در تاجیکستان افتتاح نمود.

همچنین با ابتکار مرحوم رفسنجانی، در سال ۱۹۹۵ استاد سید عبدالله نوری، رئیس اتحاد نیروهای مخالفین تاجیک و رئیس‌جمهور تاجیکستان در شهر تهران با هم ملاقات نمودند که برای برقراری صلح در کشور و پایان دادن به جنگ شهروندی ۵ ساله گام مهمی محسوب می‌شد. خدمت جسورانه و میانجیگری شایسته‌ای که حزب نهضت اسلامی تاجیکستان و مردم مسلمان تاجیکستان از یاد نخواهند برد. یاد و خاطرهٔ ایشان گرامی و منزل آخرتشان آباد باد!»

الحسن واتارا رئیس جمهور ساحل عاج در پیامی به حسن روحانی رئیس جمهور ایران مراتب تسلیت خود و ملتش را به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعلام کرد.

عبدالعزیز بوتفلیقه رییس جمهور الجزایر نیز با ارسال پیامی به حسن روحانی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفت.

مولاتو تشومه رئیس جمهوری اتیوپی در پیامی به حسن روحانی درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تسلیت و با مردم و دولت ایران ابراز همدردی کرد.

رائول کاسترو رئیس جمهور کوبا نیز در پیامی خطاب به حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، درگذشت اکبر هاشمی رفسنجانی را به وی و خانواده هاشمی رفسنجانی تسلیت گفت.

دولت ونزوئلا با ارسال پیامی تسلیت خود را به مناسبت رحلت رئیس جمهوری

اسبق ایران به دولت و ملت ایران ابلاغ کرد. در این پیام آمده است: «هاشمی نقش کلیدی و برجسته‌ای در حیات سیاسی انقلاب ایران و تشکیل جمهوری اسلامی داشت و در شرایط سخت در برابر زورگویی‌های امپریالیستی آمریکا ایستادگی کرد.»

یوکیا آمانو مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز با حضور در سفارت ایران در وین ضمن ادای احترام و عرض تسلیت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به ملت و دولت ایران، دفتر یادبود وی را امضا کرد.

بازتاب گسترده درگذشت «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» در رسانه‌های جهان.

خبر درگذشت آیت‌الله رفسنجانی، به سرعت در راس اخبار رسانه های بین المللی قرار گرفت و بازتاب گسترده ای در محافل رسانه ای داشته و اکثر رسانه ها این خبر را به سرعت در خروجی وب‌سایت‌های خود قرار دادند.

گاردین، رویترز، آسوشیتد پرس، نیویورک تایمز، بی‌بی‌سی، یواس‌ای تودی، هافینگتون پُست، ای‌بی‌سی نیوز، یورو نیوز، بلومبرگ، ایندیپندنت، واشنگتن پُست، یاهونیوز و گالف نیوز از جمله رسانه‌های معتبر جهان بودند که به خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در قالب خبر فوری پرداختند.

همچنین از میان رسانه‌هایی که به زبانی غیر از انگلیسی خبر درگذشت رییس جمهور سابق و رییس تشخیص مصلحت نظام ایران را منتشر کردند، نیز می‌توان به فرانس ۲۴، فیگارو، ال موندو، لوموند، الوطن، اشپیگل، مترو مونترال، مصر ۲۴ و العربیه اشاره کرد.

در این میان جمعی از رسانه‌های خارجی علاوه بر پوشش خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به بررسی و ارائه تحلیل‌هایی نیز در این باره پرداختند. در میان گزارش های رسانه های خارجی، این رسانه‌ها آیت‌الله رفسنجانی را به عنوان سیاست مداری بزرگ و تاثیرگذار در انقلاب اسلامی و سال‌های پس از آن یاد کردند و با القاب و توصیفاتی همچون: سردار سازندگی ایران، آیینه تمام نمای حیات یک ملت، ستون انقلاب اسلامی، از تاثیر گذارترین رهبران بعد از انقلاب، سیاستمدار پیش رو، مرجع و پناهی در زمان های دشوار، مردی که به ایران خدمت کرد، شخصیت معتدل و شخصیت عملگرای نظام ایران از شخصیت ایشان یاد کردند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: «اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور پیشین ایران که در دوران فعالیت طولانی مدتش در طبقه ممتاز حاکم، راهنمایی‌های زیرکانه وی در انقلاب، جنگ و سیاست‌های این کشور همیشه مورد استقبال بود، روز یکشنبه در اثر ایست قلبی درگذشت. وی که در طول این سالها به حیات سیاسی خود ادامه داد در جریان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ یکی از یاران نزدیک آیت‌الله روح الله خمینی بنیانگذار انقلاب بود. او همچنین به ایجاد برنامه هسته‌ای ایران کمک و از توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ پشتیبانی کرد.»

روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارشی مبسوط به شرح سوابق و فعالیت‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در طول ۳۷ سال گذشته پرداخت و نوشت: «آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی که همواره نقش سرسختانه در میان احزاب و چهره‌های نخبه ایران داشت و در دوران حیات آیت‌الله خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی از حمایت وی برخوردار بود، در سن ۸۲ سالگی در بیمارستانی واقع در شمال تهران درگذشت. آقای رفسنجانی یک سیاستمدار مصلحت‌گرا و میانه رو بود که به لیبرالیسم اقتصادی نیز متمایل بود و در دوران ریاست جمهوری اش اصلاحات زیادی در زمینه اقتصادی انجام داد.»

این روزنامه آمریکایی در ادامه گزارش خود یک بیوگرافی با جزئیات کامل از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ارائه داد و نوشت که وی یکی از چهره های تاثیرگذار در جریان انقلاب اسلامی بوده است.

همچنین شبکه بلومبرگ ضمن انتشار خبر درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارش داد: «ایران به محض اعلام خبر فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از شبکه های تلویزیونی و رسانه های این کشور و پخش تصاویر سخنرانی ها و خطبه های وی وارد سوگواری و اندوه شد. رفسنجانی در سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ برای دو دوره متوالی رئیس‌جمهور ایران بود و در این مدت وضعیت کشور بهبود قابل توجهی یافت. حامیان وی اغلب هاشمی رفسنجانی را به دلیل این تلاش هایش سردار سازندگی می‌نامیدند. وی سیاستمداری مصلحت‌گرا، زیرک و دانا بود که توانست در دوران ریاست جمهوری‌اش روابط خوبی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برقرار کند.»

خبرگزاری رویترز که از اولین رسانه های خارجی بود که خبر درگذشت رئیس‌جمهور اسبق ایران را منتشر کرد، گزارش داد: «اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از بزرگترین

شخصیت های سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی درسن ۸۲ سالگی درگذشت. سیاستمداران معدودی در ایران از زمان وقوع انقلاب در سال ۱۹۷۹ که به سقوط رژیم پهلوی و برکناری شاه منجر شد چنین نفوذی را در این کشور داشته‌اند. می توان گفت که رفسنجانی یک گرداننده با استعداد در پشت صحنه سیاست ایران بود.»

رویترز در ادامه هاشمی رفسنجانی را سیاستمداری زیرک نامید و به سوابق وی در دوران جنگ هشت ساله عراق علیه ایران پرداخت و گزارش داد که وی در جریان پذیرش قطعنامه پایان جنگ با عراق نقش بسزایی در کنار آیت‌الله روح الله خمینی رهبر انقلاب ایران ایفا کرد.

شبکه خبری سی ان ان نیز در گزارشی با انتشار جزئیاتی از زندگی، سوابق و فعالیت های مهم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی نوشت: «هاشمی رفسنجانی طی دوره های فعالیت های سیاسی‌اش به عنوان معبری برای روابط بهتر با غرب شناخته می شد.»

شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ نیز در این زمینه گزارش داد: «در گذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مردم ایران را متاثر کرد و مردم ایران برای ابراز همدردی با خانواده و مقامات در مسجدی واقع در شمال تهران حضور یافتند.»

بازتاب خبر درگذشت یار دیرین انقلاب در روزنامه های کشور

خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بازتاب بسیار وسیعی در رسانه های داخلی و بین المللی داشت و همانگونه که پیش بینی می شد به تیتر نخست روزنامه های روز دوشنبه ۲۰ در ماه تبدیل شد و اکثر روزنامه ها با چاپ عکس ایشان و خلاصه ای از پیام رهبر انقلاب، به نشانه احترام و عزاداری صفحه نخست خود را به رنگ سیاه چاپ کرده بودند.

روزنامه ایران با انتشار عکس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و بخشی از پیام رهبری و رئیس جمهور نوشت: «ایران در سوگ».

- روزنامه اطلاعات نیز با انتشار عکسی مشترک از رهبری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و انتشار پیام تسلیت رهبر انقلاب، تیتر زد: «استوانه انقلاب به ملکوت اعلی پیوست».

- روزنامه جمهوری اسلامی نیز با تیتر: «یار صادق امام به امام پیوست» خبر از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داد.
- روزنامه اعتماد نوشت: «یار روح الله به خدا پیوست».
- همچنین روزنامه سیاست روز با انتشار پیام تسلیت رهبر انقلاب در صفحه نخست خود، تیتر زد: «قلب یار امام و رهبر انقلاب از تپش ایستاد».
- روزنامه وطن امروز در تیتر نخست خود نوشت: «درگذشت ناگهانی آیت‌الله».
- روزنامه جوان هم با انتشار پیام تسلیت رهبر انقلاب، در تیتر نخست خود نوشت: «مرد روزهای سخت مبارزه و یار امام و رهبری به دیدار خدا شتافت».
- روزنامه کار و کارگر نیز تیتر نخست خود را به گوشه ای از پیام رهبر انقلاب اختصاص داد و نوشت: «فقدان همرزم سخت و جانکاه است».
- روزنامه همشهری نیز با انتشار پیام رهبری در صفحه نخست خود، تیتر زد: «رحلت رفیق دیرین رهبری»
- روزنامه جام جم با انتشار متن پیام رهبر انقلاب در صفحه نخست خود، نوشت: «عروج یار دیرین امام و رهبری»
- روزنامه آفتاب نیز در تیتر یک خود نوشت: «ایران در سوگ»
- روزنامه ابتکار نیز در تیتر نخست خود نوشت: «بدرود امیرِ کبیر»
- روزنامه فرصت امروز نیز با انتشار عکس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در صفحه نخست خود، تیتر زد: «مرد عبور از بحران ها درگذشت»
- روزنامه کیهان نیز با انتشار پیام تسلیت رهبر انقلاب، نوشت: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دعوت حق را لبیک گفت»
- روزنامه قانون نیز با انتشار پیام تسلیت رهبر انقلاب، تیتر زد: «هاشمی زنده است، چون نهضت زنده است».
- روزنامه بشارت نو نیز تیتر نخست خود را به خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اختصاص داد و نوشت: «درگذشت امیرکبیر دوران در شب شهادت امیرکبیر ایران»
- روزنامه تماشاگران هم با تیتر «قلب انقلاب شکست» نسبت به درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی واکنش نشان داد.
- روزنامه شرق با انتشار عکس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در صفحه اول خود،

نوشت: «خداحافظ مرد مصلحت»

- روزنامه وقایع اتفاقیه هم با تیتر «عروج سردار در شب امیر»، خبر از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داد.
- روزنامه صبح نو هم در تیتر نخست خود نوشت: «هاشمی زنده است».
- روزنامه فرهیختگان با اعلام خبر درگذشت یار امام و رفیق دیرین رهبر، نوشت: «مرگ کبیر در روز امیر».
- روزنامه ابرار با اذعان به ۶۰ سال مبارزه و مجاهدت و خدمت به اسلام، امام، انقلاب و رهبری نوشت: «قلب سازندگی ایستاد»
- روزنامه هفت صبح هم با انتشار پیام تسلیت رهبر انقلاب و انتشار عکسی از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دوران دفاع مقدس، در تیتر نخست خود نوشت: «بدرود سردار»
- روزنامه شهروند هم در تیتر نخست خود نوشت: «انقلابی مصلح»
- روزنامه همدلی نوشت: «پرواز آخر ققنوس»
- روزنامه آرمان امروز هم با تیتر : «ایران در سوگ امیر کبیر زمان» درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را اعلام کرد.
- روزنامه ۱۹ دی با اعلام خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نوشت: «صدای ملت خاموش شد»
- روزنامه نسل فردا با اعلام خبر ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تیتر زد: «داغ زمستانی»
- روزنامه ستاره صبح نیز در تیتر نخست خود نوشت: «وداع با مرد کلیدی انقلاب».

اینها بخشی از تیترهای نخست روزنامه های سراسری کشور بودند که با تعابیر بسیار زیبا و احساسی در مقام تجلیل از شخصیتی برآمدند که به اذعان دوست و دشمن، خدمات گرانبها و ارزنده ای در جهت به ثمر نشستن نهال انقلاب انجام داده بود و در طول قریب به شش دهه فعالیت سیاسی خود از هیچ کوششی در جهت اعتلای نام ایران دریغ نکرد.

تغییر چند باره محل دفن پیکر آیت‌الله

پس از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در مورد محل تدفین پیکر مطهر ایشان اختلاف نظر به وجود آمد و به همین دلیل چند بار محل دفن ایشان تغییر کرد.

در حالیکه عده ای از مشهد مقدس و عده ای دیگر از حرم حضرت معصومه(س) به عنوان محل دفن پیکر مطهر ایشان نام می بردند، خانواده ایشان از حرم امام (ره) به عنوان محل قطعی تدفین نام بردند.

در رابطه با علت چند باره تغییر محل خاکسپاری، علیزاده طباطبایی وکیل خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می-گوید: «در وصیت‌نامه اشاره‌ای به محل دفن نشده بود و به همین دلیل تصمیمات زیادی در این زمینه اتخاذ شد. بنده از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی شنیدم که عنوان می‌کردند آیت‌الله هاشمی در گذشته دوست داشتند که در مشهد مقدس دفن شوند اما یک ماه پیش و در دیدار با آقای طباطبایی عنوان کرده بودند که تمایل دارند در قم و در جوار حضرت معصومه (س) دفن شوند».

ایشان همچنین در رابطه با علت انتخاب حرم امام به عنوان محل خاکسپاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، علیرغم وصیت ایشان می‌گوید: «در سال ۵۸ که آیت‌الله هاشمی مورد سوء قصد قرار گرفتند واکنش حضرت امام (ره) در این زمینه بسیار جدی و سنگین بود به شکلی که عنوان کردند: «هاشمی زنده است تا نهضت زنده است». پس از این سوءقصد حضرت امام (ره) منزلی را اجاره کردند که کنار منزل آیت‌الله هاشمی بود. به همین دلیل نیز خانواده ایشان تصمیم گرفتند آیت‌الله هاشمی در کنار مراد خود یعنی حضرت امام (ره) دفن شود. البته در این زمینه برخی از دوستان ایشان یک نگرانی داشتند و آن این بود که احتمال می‌دادند اگر آیت‌الله هاشمی در بهشت زهرا (ره) دفن شود، به همان شکل که در دوران حیات خود مورد اهانت برخی افراد قرار گرفتند به آرامگاه ایشان نیز اهانت شود و برخی تلاش کنند مقبره ایشان را خراب کنند. به همین دلیل تصمیم گرفته شد ایشان در حرم حضرت امام (ره) دفن شوند.»

بازهم آیت‌الله مظهر همبستگی شد

پس از اعلام رسمی زمان و مکان مراسم تشییع و خاکسپاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، سیل خروشان مردم به سمت دانشگاه تهران محل اقامه نماز و تشییع پیکر ایشان تا آرامگاه ابدیش به حرکت افتاد. دوستداران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از سراسر کشور به این مراسم آمدند تا صحنه هایی به تصویر کشیده شود که تاریخ ایران کمتر نمونه‌ای همچون آن را به یاد دارد.

صبح روز سه شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۵، پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از وداع همسر و فرزندان در منزل و حسینیه جماران، به میعادگاه مردم در دانشگاه تهران منتقل شد. ازدحام جمعیت و انبوه مردم در مسیرهای منتهی به دانشگاه تهران هر لحظه بیشتر می‌شد و مردم قدرشناس کشورمان، پیر و جوان، زن و مرد، فارغ از هر سلیقه سیاسی از ساعت‌ها قبل و با هر وسیله ممکن خود را به محل برگزاری مراسم می‌رساندند تا در بدرقه یار دیرین انقلاب، یاور امام و رهبری و سنگ صبور مردم به آرامگاه ابدی‌اش شرکت کنند. میزان حضور مردم به قدری زیاد بود که فضای داخل دانشگاه تهران کاملاً پر شده و خیابان های اطراف هم لبریز از جمعیت بود.

همه آمده بودند تا صحنه هایی رقم بزنند که دایره وسیع آن در لنز هیچ دوربینی جمع نمی شد و به تصویر کشیدن همه صحنه های خروشان وداع، برای هیچ کس امکان پذیر نبود. میلیون ها نفر آمدند تا یک بار دیگر نام هاشمی رفسنجانی مظهر همبستگی ملی شود.

حضور همه اقشار، نسل ها، جناح ها، احزاب و مسئولان در مراسم، یادآور صحنه های باشکوه دفاع از آرمانهای انقلاب در مقاطع مختلف بود.

در میان جمعیت خروشان مردمی، کودکانی بودند که دست در دست والدینشان آمده بودند تا همچون آرزویی که آیت‌الله تا لحظه آخر تحقق آن را دنبال می کرد، درس اتحاد و وفاق و وحدت ملی بیاموزند.

در این میان، جوانانی دیده می شدند که هیچ تجربه ای از انقلاب نداشتند، اما از خاطرشان نرفته بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چگونه و در مقاطع مختلف سنگ صبور غصه هایشان بود و مرهمی بر جراحت های روح شان.

مادران و پدران، پیر مردان و پیر زنانی بودند که مجاهدت ها و فداکاری های

آیت‌الله در به ثمر نشستن نهال انقلاب و همدلی وهمراهی همیشگی اش با امام و رهبری را به خاطر می آوردند و اشک می‌ریختند.

همه آمده بودند تا به جهانیان بفهمانند که این وطن چه بزرگمرد فرزانه ای را از دست داده و به آنها نشان دهند که ملت ایران قدردان خدمتگزاران خود است.

همه آمده بودند تا بگویند اگرچه آیت‌الله از میان مردم رفت و آسمانی شد، ولیکن اندیشه های او تا ابد در جامعه ماندگار خواهد بود، اندیشه ای که وحدت ملی و عظمت ایران را در سایه اعتدال و عقلانیت دنبال می‌کرد.

قرائت نماز توسط رهبر انقلاب بر پیکر همرزم و همسنگر دیرین

مراسم رسمی از ساعت ۸: ۴۰ دقیقه با قرائت آیاتی از کلام الله مجید در دانشگاه تهران آغاز شد. مراسمی که در آن مسئولان کشوری و لشگری و همچنین اقشار مختلف مردم حضور داشتند.

رهبر انقلاب با حضور در دانشگاه تهران بر پیکر یار دیرین خود نماز خواند. البته

قرائت این نماز در فضای مجازی با حواشی زیادی همراه بود و کسانی که در طول سالیان گذشته همواره سعی داشتند تا به به جامعه اینطور القا کنند که رهبری و آیت‌الله هاشمی با یکدیگر اختلاف دارند، این بار نیز بیکار ننشسته و نخواندن نماز جمله مستحب «اللهم انّا لا نعلم منه الا خیرا» (خدایا ما جز خوبی از او ندیدیم) را که پیش از این رهبری در نماز میت آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله خوشوقت و همسر امام خمینی سه مرتبه قرائت کرده بود را بهانه کردند. البته رهبر انقلاب در نمازی که بر پیکر مطهر یار دیرین خود قرائت کرد جمله مستحب «اللّهُمَّ إنَّکَ قَبَضتَ رُوحَهُ وَ أنتَ غَنیٌّ عَن عَذابِه وَ هُوَ مُحتاجٌ إلی رَحمَتِک» (خدایا تو او را قبض روح کردی و تو از عذاب او بی‌نیازی و او به رحمت تو نیازمند است) را قرائت نمود و در پایان دعای نماز نُه مرتبه تعبیر «عَفوَکَ» (بگذر) را تکرار نمود.

پس از قرائت نماز، رهبر انقلاب با نشستن کنار تابوت حامل پیکر مطهر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با یار و همسنگر دیرین خود وداع کرد که این وداع دارای صحنه‌هایی احساسی و حزن انگیز بود.

سیل خروشان مردم در تشییع آیت‌الله، همه آمدند برای قدردانی از بزرگمردی که سنگ صبورشان بود.

پس از پایان مراسم نماز، پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یار دیرین انقلاب و از پیشگامان نهضت امام خمینی(ره)، پس از ۵۹ سال خدمت صادقانه به ملت ایران، در میان حزن و اندوه میلیون‌ها ایرانی علاقمند به ایشان از دانشگاه تهران به سمت حرم امام خمینی(ره) تشییع شد. انبوه جمعیت در طول مسیر به حدی بود که آمبولانس حامل پیکر مطهر ایشان به سختی می‌توانست از میان جمعیت به مسیر خود ادامه دهد. مردم در صفوف متراکم که جای نفس کشیدن هم باقی نمی‌گذاشت، مسیر عبوری آمبولانس حامل پیکر ایشان را پوشانده بودند.

انبوه جمعیت در این مراسم که برای ادای احترام به آیت‌الله هاشمی گرد هم آمده بودند برای دوست و دشمن غافلگیر کننده بود. مراسم تشییع گواه این حقیقت بود که مردم قدرشناس ایران با حضور گسترده و با شکوه خود، آمده بودند تا دین خود را به شخصیتی ادا کنند که از سوی امام و رهبر انقلاب، تاریخ ساز و بی بدیل خوانده شده بود. صحنه‌های تشییع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یادآور ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ بود. همان روزی که

بنیانگذار انقلاب اسلامی با بدرقه خروشان مردم رهسپار خانه ابدی شد.

در طول مسیر مردم با سردادن شعارهایی همچون: «هاشمی راهت ادامه دارد»، «روحانی، خاتمی، تسلیت تسلیت»، «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، جمهوری اسلامی، صاحب عزاست امروز»، «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، هاشمی مبارز، پیش خداست امروز»، «بهشتی، مهمان برایت آمده»، «هاشمی قهرمان، خدا نگهدار تو»، «حسین حسین شعار ماست، هاشمی افتخار ماست» پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به سوی خانه ابدی اش بدرقه کردند.

تمام شهر سیاه پوش شده بود و ارگان‌ها و نهادهای مختلف نیز پیام‌های تسلیت خود را در بنرها و پلاکاردهای مختلف نصب و یا به همراه پوسترهایی از رییس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام توزیع می‌کردند.

تشییع کنندگان پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم‌چنین تصاویری از ایشان در کنار رهبری در دست داشتند که از جمله روی یکی از آن‌ها نوشته شده بود؛ «۵۹ سال همدلی و هفکری».

هم‌چنین پلاکاردهایی با مضامین؛ «به خدا می‌سپارمت»، «خداحافظ امیرکبیر زمان»، «هاشمی روحت شاد، روحانی زنده‌باد»، «عالیجناب سیاست»، «هاشمی، راهت ادامه دارد» و «او نظرش همواره به نظر مردم نزدیک تر بود» در دست داشتند.

همچنین تصاویری از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر حسن روحانی در دست تشییع کنندگان دیده می شد که بر روی آن نوشته شده بود: «آیت‌الله هاشمی؛ مظهر استقامت و صبر، مرد فردا».

همچنین پیشاپیش آمبولانس حامل پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پلاکاردی نصب شده بود که جمله معروف امام خمینی(ره) مبنی بر این که «مردان تاریخ تا آخر زنده هستند» و «بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است، چون نهضت زنده است» در آن ذکر شده بود.

مردم همچون موج خروشان پیکر مطهر این فقید فرزانه و یاور همیشگی شان را به سوی خانه ابدی اش بدرقه می کردند. حضور یکپارچه مردم از خیابان های مرکز شهر تا حرم امام خمینی (ره) در جنوبی ترین نقطه تهران ادامه داشت و این مسئله باعث بهت و شگفتی جهانیان شد.

در حالی که استانداری تهران آمار شرکت کنندگان در مراسم تشییع آیت‌الله هاشمی

رفسنجانی را حداقل دو و نیم میلیون نفر اعلام کرد ولیکن طبق اظهار نظر رسانه ها و کارشناسان جمعیتی نزدیک به سه و نیم میلیون نفر در این مراسم حضور داشتند.

بی گمان تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از بی سابقه ترین مراسم تشییع در تاریخ ایران بود و این بار نیز مردم قدرشناس کشور، وفاداری و یکپارچگی خود را به تاریخ ثابت کردند و بار دیگر تاریخ ساز شدند و چه زیباست یاد و خاطر مردی که نه تنها در طول حیاتش وحدت بخش بود، بلکه در مراسم بدرقه به خانه ابدی اش هم سمبل و مظهر وحدت و همدلی شد.

این مراسم بار دیگر تنوع سلائق سیاسی در جامعه ایران را به رخ کشید و نشان داد که می‌توان در عین تفاوت‌های فکری و سیاسی در کنار هم بود و با وحدت زیست. مردم نشان دادند می‌توانند همانند آن چه در مراسم تشییع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گذشت، در عین داشتن دیدگاه‌های مختلف همراه یکدیگر قدم بردارند، همدیگر را بشنوند و با یکدیگر متحد باشند.

در این مراسم باشکوه، مردم نشان دادند که سره را از ناسره می‌شناسند و قدردان خدمتگزاران کشورشان هستند وهر کس برای کشورش کار کند و با مردم باشد، محبوب قلب‌ها خواهد بود؛ چه در حیاتش و چه بعد از زندگی.

اعتراض مردم به رفتار دوگانه صدا و سیما در حاشیه مراسم تشییع آیت‌الله

در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کنار سیل خروشان ملت که صحنه هایی به یادماندنی در تاریخ این سرزمین ثبت کردند، نکته‌ای که بیش از همه حائز اهمیت بود صحنه‌های اعتراض مردم نسبت به صدا و سیما بود.

حافظه تاریخی مردم به یاد می‌آورد که در سال‌های پایانی دوران حیات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ایشان نه تنها همواره مغضوب مدیران این رسانه بود و اخبار مربوط به ایشان سانسور می‌گشت، بلکه سخنان مخالفان ایشان و بعضاً توهین‌هایی که به شخصیت ایشان و خانواده بزرگوارشان می‌شد با آب و تاب فراوان در شبکه‌های مختلف خبری پخش و بازپخش می‌شد، آنچنان که گویی در صدا و سیما هر شخصی بنای تخریب وجهه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را داشته باشد از امکانات فوق العاده از جمله تریبون زنده برخوردار می‌شود.

همچنین مردم فراموش نکرده‌اند که در طول سالیان پایانی حیات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، هرگاه به ایشان در برنامه‌های تلویزیونی اهانت می‌شد و اتهامات واهی جهت تخریب شخصیت ایشان از رسانه ملی مطرح می‌شد، علیرغم وجود قانون در اختیار دادن زمان به فردی که علیه ایشان در رسانه ملی اتهاماتی مطرح شده است، ایشان از این حقوق نیز محروم می‌شد و اجازه دفاع به ایشان داده نمی‌شد، آنچنان که گویا از هاشمی رفسنجانی سلب حقوق شهروندی شده است.

این سانسور از پس از انتخابات سال ۸۸ و آخرین خطبه نماز جمعه ایشان شدت گرفت و از آن تاریخ به بعد به ندرت در تلویزیون مطرح و ظاهر شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آن خطبه تاریخی خود، خواستار رفع نگرانی و ابراز همدردی با خانواده‌های آسیب دیده حوادث پس از انتخابات شده بود و از رسانه ملی درخواست برگزاری مناظره بی طرفانه با رییس دولت وقت کرده بود.

پس از فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، صدا و سیما در ابتدا نمی‌دانست چکار باید بکند و به نوعی در ساعات اولیه رحلت ایشان دچار نوعی سردرگمی بود. در دقایق ابتدایی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، صدا و سیما خود را به بی توجهی زده بود و با درج خبر فوت به صورت زیر نویس به آن می‌پرداخت ولیکن خیلی زود تغییر رویه داد و در روزهای بعد در پوشش مراسم مربوط به وداع، تشییع پیکر مطهر و مراسم خاکسپاری ایشان عملکرد خوبی از خود نشان داد و سنگ تمام گذاشت.

نکته‌ای که تعجب مردم را به همراه داشت این بود که صدا و سیمایی که تا چند روز قبل به گونه‌ای رفتار می‌کرد که انگار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وجود خارجی ندارد، این روزها از ایشان همانند یک اسطوره و قهرمان ملی تجلیل می‌کند و مقام شامخ شخصیتی ایشان را مورد تجلیل قرار می‌دهد.

طنز تلخ این مسئله آنجاست که بسیاری از کودکان و نونهالان نسل جدید، وقتی در ایام رحلت آیت‌الله هاشمی در شبکه‌های مختلف خبری تصاویر و ویژه برنامه‌های مربوط به بررسی ابعاد شخصیتی ایشان را از صفحه تلویزیون دیدند از والدین خود می‌پرسیدند که: «او که بود و چرا تاکنون چهره‌اش را از تلویزیون ندیده‌اند؟»

این رفتار دوگانه صدا و سیما که تا قبل از رحلت، سانسور ایشان را در دستور کار داشت و با واگذاری تریبون به مخالفان عملاً زمینه حرمت شکنی علیه ایشان را فراهم آورده بود و پس از ارتحال ایشان با دعوت از همان مخالفان دیروز از شخصیت انقلابی

و مجاهدت های ایشان تجلیل می‌کرد، باعث تعجب همگان شده و باعث گردید تا فریاد اعتراض مردم بلند شود و به این سیاست یک بام و دو هوا و سیاسی کاری مدیران رسانه‌ای که از قضا عنوان «ملی» را یدک می‌کشد معترض شوند.

«یار دیرین امام» در کنار امام آرام گرفت

سرانجام پس از حماسه بی نظیر مردم در مراسم تشییع و در میان حزن و اندوه مردم، پیکر مطهر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به حرم امام (ره) رسید تا در کنار مراد خویش آرام بگیرد.

در این مراسم که انبوه جمعیت مردم قدرشناس کشور به حدی بود که برگزاری مراسم به کندی صورت می گرفت، شخصیت های سیاسی و مذهبی و همچنین مسئولان و سفرای کشورهای جهان نیز حضور داشتند.

همه آمده بودند تا «امیرکبیر زمان» را تا خانه ابدی اش بدرقه کنند. همه آمده بودند تا به گوش جهانیان برسانند که مردم ایران قدردان خدمتگزاران واقعی خود هستند. صحن حرم امام(ره) مملو از جمعیتی بود که سیاهپوش مرگ«سیاستمدار معتدل » و «حامی همیشگی مردم» بودند. مردم قدرشناس از سراسر ایران در حرم امام (ره) گرد هم آمده بودند تا برای آخرین بار با بزرگمردی که عمر خویش را صرف عزت و آبادانی وطن کرده بود، وداع کنند.

از همه جا طنین دلنشین قرآن به گوش می رسید و صدای شیون و ناله زن و مرد، پیر و جوان که با اندوه بسیار و ناباورانه این مصیبت را به امام زمان (عج) تسلیت می گفتند، شنیده می شد.

در میان ناله های غم انگیز مردم، پیکر مطهر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر دوش مشتاقان و ارادتمندان ایشان وارد حرم امام گردید و پس از آنکه سرود ملی جمهوری اسلامی ایران نواخته شد جهت خاکسپاری وارد ضریح گردید. قرائت زیارت آل یاسین و طنین دلنواز کلام الله مجید همراه با سوز و گدازهای جانگداز مردم صحنه های حزن انگیزی را رقم زده بود که دل هر بیننده ای را اندوهگین می کرد. پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از انجام تشریفات مذهبی در کنار پدر معنوی اش به خاک سپرده شد.

پس از مراسم خاکسپاری، مردم با شعارهای «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز،

هاشمی قهرمان پیش خداست امروز» به ابراز همدردی با خانواده ایشان پرداختند.

مراسم خاکسپاری اگر چه پس از قرائت زیارت عاشورا به طور رسمی پایان یافت ولیکن تا پاسی از شب، مردم قدرشناس در صحن حرم امام خمینی به عزاداری و سوگواری پرداختند.

و اینگونه بود که «مرید روح الله» پس از سال‌ها رنج فراق، پس از سال‌ها شنیدن زخم زبان‌ها و دیدن تندروی-ها، پس از سال‌ها مورد هجمه قرار گرفتن و تهمت شنیدن‌ها، در کنار مراد خویش آرام گرفت و چه زیبا در فراقش نوشتند: «خداحافظ... تمام شد دعوای درندگان مست قدرت بر سر تو... سلام ما را به امام و یاران شهیدت برسان... خداحافظ»

رسانه های بین المللی شگفت زده از حضور حماسی مردم

رسانه های بین المللی با شگفتی از حضور حماسی و پرشور مردم ایران در مراسم اقامه نماز، تشییع و خاکسپاری پیکر «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» سخن گفته و اخبار مربوط به حضور مردم در قدرشناسی از یار دیرین و سنگ صبورشان را پوشش دادند.

بسیاری از خبرگزاری ها و روزنامه های منطقه ای و بین المللی مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی را پوشش داده و اخبار مرتبط با این مراسم را منتشر کردند. برخی از این رسانه ها گزارش لحظه به لحظه از این مراسم را پوشش دادند.

- خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «ده ها هزار نفر از مردم ایران از اوایل صبح امروز در دانشگاه تهران جمع شده اند تا پیکر «آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی» رئیس جمهور پیشین خود را تشییع کنند. مردم به شکل گسترده ای در خیابان های اطراف دانشگاه دیده می شوند. قرار است این شخصیت برجسته که روز یکشنبه در سن ۸۲ سالگی درگذشت، در حرم «امام خمینی» رهبر انقلاب اسلامی ایران به خاک سپرده شود. رهبرانی از همه جناح های سیاسی در مراسم تشییع جنازه شرکت دارند. پوسترهایی از آیت‌الله هاشمی نیز در سراسر پایتخت نصب شده است. از زمان رحلت آیت‌الله هاشمی سیل پیام های تسلیت از داخل و خارج ارسال شده است. حتی کاخ سفید هم در اقدامی بی سابقه پیام تسلیت ارسال کرد. «جاش ارنست» سخنگوی کاخ سفید گفت: رئیس جمهور پیشین ایران یک

شخصیت برجسته در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران بود و آمریکا به خانواده و عزیزان او این فقدان را تسلیت می گوید. وی افزود: او یک چهره مهم در ایران بود. اما تاثیر بالقوه این رویداد بزرگ در سیاست ایران را نمی توان حدس زد.»

- خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: «هزاران نفر از ایرانیان و مقامات دولتی برای تشییع پیکر آیت‌الله رفسنجانی در اطراف دانشگاه تهران تجمع کردند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از یاران نزدیک به «آیت‌الله سید علی خامنه ای» و امام خمینی و از حامیان اصلی «حسن روحانی» رئیس جمهور ایران بود.»
- شبکه تلویزیونی المیادین نیز خبر برگزاری مراسم تشییع پیکر یار امام و رهبری در دانشگاه تهران را منتشر کرد.
- شبکه تلویزیونی العربیه نیز گزارش داد: «ده ها هزار نفر در مراسم تشییع پیکر رئیس جمهور پیشین ایران، شرکت کردند. مراسم تشییع پیکر وی با حضور مقامات، اقشار مختلف مردم و اعضای خانواده ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد.»
- شبکه تلویزیونی سومریه نیوز عراق نیز خبر برگزاری مراسم تشیع پیکر آیت‌الله هاشمی در دانشگاه تهران و اقامه نماز توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی را منتشر کرد.
- شبکه سماء پاکستان نیز گزارش داد صدها هزار نفر در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حضور داشتند.

  این شبکه بر حضور سردار «قاسم سلیمانی» که او را شخصیتی بحث برانگیز در غرب خواند بسیار تاکید کرد.
- شبکه تلویزیونی الجزیره در گزارشی نوشت: «هزاران نفر برای تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به خیابان ها آمدند. این اتفاقی بسیار غم انگیز در جمهوری اسلامی است. این اتفاقی بسیار غیر منتظره بود. بسیاری از ایرانیان می گویند که از این فقدان شوکه و بسیار اندوهگین شده اند. پوسترهایی از آیت‌الله هاشمی در سراسر پایتخت نصب شده و ایرانیان سیاهپوش شده اند.»
- شبکه تلویزیونی المنار نیز گزارش داد : «مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی صبح در دانشگاه تهران و با اقامه نماز توسط رهبر معظم انقلاب بر پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آغاز شد، و با مراسم تشییع و تدفین در حرم امام خمینی (ره) به پایان

می‌رسد. در این مراسم روسای قوای سه گانه، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، ائمه جمعه سراسر کشور، وزیران دولت یازدهم و معاونان رییس جمهوری، استانداران و دیگر مسوولان لشگری و کشوری حضور دارند. همچنین جمعی از سفیران کشورهای خارجی در تهران و سفرای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و برخی مقامات دیگر کشورها در این مراسم شرکت دارند».

این شبکه در ادامه تصریح کرد : «بسیاری از مردم از ساعاتی پیش برای شرکت در این مراسم در دانشگاه تهران و خیابان های اطراف حضور یافتند و مسئولان رسمی ایران و مردم فقدان آیت‌الله هاشمی را ضایعه بزرگی برای این کشور و جهان اسلام می دانند.»

- روزنامه آمریکایی واشنگتن پست حضور مردم در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را ده ها هزار نفری خواند و نوشت: «تمامی معابر اصلی منتهی به دانشگاه تهران مملو از جمعیت بود.»
- راشا تودی نیز اعلام کرد که ده ها هزار نفر در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شرکت کردند.

این شبکه تلویزیونی روسی افزود: «ده ها هزار نفر امروز صبح در دانشگاه تهران و اطراف آن حاضر شدند تا در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی شرکت کنند. در این مراسم شماری زیادی از شخصیت های سیاسی و نظامی از گرایش های مختلف شرکت کردند.»

- روزنامه های انگلیسی گاردین، ایندیپندنت، و دیلی میل نیز با بازتاب حضور گسترده مردمی در این مراسم، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را شخصیتی برجسته و قدرتمند خواندند.
- روزنامه فرامنطقه ای رأی الیوم نیز خبر برگزاری مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی را به نقل از خبرگزاری فرانسه منتشر کرد.
- روزنامه گالف تایمز قطر با انتشار خبر حضور گسترده مردمی در مراسم تشییع و خاکسپاری آیت‌الله هاشمی، او را «پدر اعتدال گرایان و اردوگاه های اصلاح طلب ایران» خطاب کرد و نوشت: «هاشمی فردی بود که مرگ او باعث شد حتی کاخ سفید در اقدام بی سابقه ای پیام تسلیت برای خانواده و عزیزانش ارسال کند.»

- خبرگزاری ترند آذربایجان نیز گزارش داد: «رهبر جمهور اسلامی ایران و خیل عظیمی از نمازگزاران بر پیکر آیت‌الله رفسنجانی نماز خواندند.»
- خبرگزاری آناتولی ترکیه نیز گزارش داد : «مراسم تشییع پیکر آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران تحت تدابیر شدید امنیتی با حضور جمع کثیری از مردم، مقامات سیاسی و نظامی این کشور ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه به وقت محلی مقابل دانشگاه تهران برگزار شد. نماز میت نیز بر پیکر هاشمی به امامت آیت‌الله سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران اقامه شد.»

  این خبرگزاری به شکل لحظه به لحظه این مراسم را پوشش داد.
- روزنامه «آنکارا تایمز» ترکیه نیز در صفحه توییتر خود نوشت: «ایرانیان مراسم تشییع و خاکسپاری باشکوهی برای رئیس جمهور پیشین خود برگزار کردند.»
- روزنامه «الشروق» مصر نیز نوشت : «ده ها هزار نفر از مردم ایران در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رئیس جمهوری پیشین، در تهران شرکت کردند.»
- خبرگزاری رویترز این مراسم را «نمایشی از اتحاد» توصیف کرد. رویترز حضور مردم در محل تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را ده ها هزار نفری خواند و در توصیف اقدامات رفسنجانی در دوره حیاتش، او را فردی خواند که «سیاست های عمل گرایانه اش در زمینه آزادسازی اقتصادی و داشتن روابط بهتر با غرب، شمار حامیانش را افزایش داده بود.»

  این خبرگزاری این مراسم را «نمادی از اتحاد و همبستگی میان دو جناح» خواند. رویترز با طرح این ادعا که درگذشت آیت‌الله هاشمی در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهور این کشور به حسن روحانی رئیس جمهور اعتدال گرا لطمه خواهد زد، آیت‌الله هاشمی را فردی خواند که به روحانی در پیروزی در انتخابات ۲۰۱۳ کمک کرده بود و او نیز توانسته بود به پشتوانه این انتصاب، به توافق هسته ای با غرب دست یابد.
- شبکه یورو نیوز نیز گزارش داد : «تشییع و خاکسپاری پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با حضور چشمگیر مردم و مقامات ایران برگزار شد. پس از اقامه نماز بر پیکر آیت‌الله رفسنجانی رئیس جمهوری پیشین ایران به امامت رهبری جمهوری اسلامی در دانشگاه تهران، پیکر او به آرامگاه «آیت‌الله روح الله خمینی» منتقل

شد و آنجا در جوار بنیانگذار انقلاب اسلامی دفن شد. تعداد شرکت کنندگان در مراسم بیش از یک میلیون نفر تخمین زده می شود. در این مراسم چهره های سیاسی، نظامی و مذهبی ایران شرکت داشتند.»

- روزنامه نشنال امارات نیز نوشت: «هزاران عزادار در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی در تهران شرکت کردند و در کنار مقامات این کشور در غم از دست دادن این شخصیت بزرگ گریستند.»
- روزنامه القدس العربی نیز با عنوان «ده ها هزار نفر در مراسم تشییع هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور پیشین شرکت کردند» به مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پرداخت.
- شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ گزارش داد: «صدها هزار نفر امروز در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تهران گرد هم آمدند. حضرت آیت‌الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بر پیکر آیت‌الله هاشمی نماز اقامه کرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکشنبه در سن ۸۲ سالگی بر اثر عارضه قلبی رحلت کرد.»
- شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا هم گزارش داد: «پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که نقشی حیاتی در انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران داشت و دو دوره ریاست جمهوری را برعهده داشت، تشییع شد. رفسنجانی به عنوان چهره کلیدی اعتدال گرایان در ایران به شمار می رفت.»
- خبرگزاری سانا نیز در گزارشی به برگزاری مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی پرداخت و نوشت: «مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رئیس جمهوری اسبق ایران و رئیس تشخیص مصلحت نظام برگزار شد. آیت‌الله سید علی خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران نماز را بر پیکر آیت‌الله هاشمی در دانشگاه تهران اقامه کرد، سپس پیکر ایشان به مرقد امام خمینی در جنوب تهران منتقل شد. در این مراسم، حسن روحانی، اعضای تشخیص مصلحت نظام، رئیس و اعضای مجلس شورای اسلامی، اعضای مجلس خبرگان رهبری و فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی و نیز ائمه جمعه از سراسر ایران و وزرا و معاونان رئیس جمهوری و مسئولان استان ها شرکت کردند.»

روایت روزنامه‌های کشـور از مراسـم تشییع با شکوه یـار دیرین انقلاب

پس از برگزاری مراسم باشکوه تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حماسه حضور میلیونی مردم که تعجب جهانیان را به همراه داشت، روزنامه‌های کشور نیز با تجلیل از حضور پرشور مردم قدرشناس کشور در این مراسم که روز گذشته از دانشگاه تهران تا حرم امام (ره) برگزار شد، سخن گفته و جملگی جامه سیاه بر تن کردند.

روزنامه‌های کشور با گزارش لحظه به لحظه مراسم با شکوه و با انتشار تصاویر سیل خروشان حضور مردم در مراسم تشییع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و با انتخاب تیترهایی حماسی از شخصیت والای فرزند دیرین انقلاب تجلیل روزنامه کیهان با تیتر نخست «مردم ولایتمدار برای بدرقه رفیق رهبر سنگ تمام گذاشتند» و روتیتر «تشییع باشکوه پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی»، از مراسم میلیونی روز گذشته سخن گفته است.

- همچنین روزنامه اطلاعات نیز با تیتر نخست «تشییع تاریخی بزرگمرد انقلاب بر شانه‌های محزون ملت» و انتشار تصویری که حضور میلیونی مردم را در خیابان انقلاب نشان می‌دهد، مراسم تشییع آیت‌الله هاشمی را روایت می‌کند. این روزنامه همچنین گزارش دیگری با عنوان «تاریخ به احترام تو کلاه از سر برمی‌دارد» منتشر کرده است.
- روزنامه جوان با انتشار تصاویری از مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و تیتر نخست «آرام در جوار امام»، از مراسم روز گذشته سخن گفته است.
- روزنامه وقایع اتفاقیه عکسی از پیکر آیت‌الله رفسنجانی، درحالی که جمعیت زیادی او را بدرقه می‌کنند، با تیتر «شُکوه مردم شدن» و روتیتر «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با بدرقه بزرگ ملت، کنار امام خمینی (ره) آرامید»، مراسم میلیونی تشیع پیکر آیت‌الله رفسنجانی را روایت کرده است.
- روزنامه ابتکار نیز نوشت «حضور میلیونی تشییع‌کنندگان پیکر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یادآور بدرقه بنیانگذار جمهوری اسلامی بود»، با تیتر اول «سنگِ تمام مردم» به آرام گرفتن پیکر آیت‌الله رفسنجانی در کنار امام خمینی (ره) اشاره کرده است.

- روزنامه آرمان که مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را بزرگترین مراسم تشییع پس از ارتحال امام (ره) برشمرده است، با تیتر «رویشی دیگر...» و عکسی از ازدحام جمعیتی که پیکر آیت‌الله را تشییع می‌کردند، از «قدردانی از آیت‌الله هاشمی با بدرقه میلیونی؛ از دانشگاه تهران تا حرم امام» سخن گفته است.
- روزنامه مردم‌سالاری با انتشار تصویری از مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی و با تیتر نخست «ادای احترام ایران به بزرگ‌مرد سیاست» از بدرقه آیت‌الله به خانه ابدی سخن گفته است.
- روزنامه ایران نیز با تیتر «بدرقه تاریخ‌ساز» مراسم میلیونی تشییع پیکر آیت‌الله رفسنجانی را روایت کرده است.
- روزنامه شرق نیز شش روایت از مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منتشر کرده است؛ این روایت‌ها توسط خبرنگارانی نوشته شده که هر کدام با حضور در مراسم، نگاه خودشان را به بدرقه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به خانه ابدی داشته‌اند؛ این روزنامه با انتشار عکسی از این مراسم و تیتر اول «تلافی سیاسی» به حضور همه جناح‌ها در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی اشاره کرده است.
- روزنامه شهروند با انتشار تصویری ازحضور پر شور مردم در بدرقه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با تیتر«وداع با مرد تاریخ‌ساز» از مراسم روز گذشته سخن گفته است.
- روزنامه جمهوری اسلامی نیز با انتشار تصویری از حضور گسترده مردم، با تیتر اصلی «بدرقه یار امام تا جوار روح‌الله در اقیانوس ملت قدرشناس» گزارشی از مراسم روز گذشته منتشر کرده است.
- روزنامه قانون با انتشار تصویری از حضور میلیونی مردم در کنار پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و با تیتر نخست «اَشبه به وداع امام» به بدرقه آیت‌الله هاشمی توسط مردم اشاره کرده است.

روزنامه «قانون» گزارش دیگری با تیتر «مردم مظلومیت هاشمی را جبران کردند»، منتشر کرده است.

- روزنامه اعتماد با عنوان این مطالب که «تشییع وحدت‌آفرین پیکر آیت‌الله هاشمی

بر شانه‌های محزون سه میلیون تن در تاریخ ماندگار شد» و با تیتر اصلی «ملت قیامت کرد» حماسه حضور مردم را روایت کرده است.

برگزاری مراسم یادبود یار و همرزم و همسنگر دیرین رهبری توسط رهبر انقلاب

یک روز پس از برگزاری مراسم باشکوه تشییع و تدفین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که با حضور میلیونی مردم قدرشناس کشور تبدیل به حماسه‌ای تاریخی شد و تحسین و شگفتی جهانیان را از وحدت و قدرشناسی مردم کشور به همراه داشت، مراسم ترحیم یار دیرین انقلاب و هم سنگر و همرزم رهبری، در حسینیه‌ی امام خمینی (ره) با حضور رهبر انقلاب برگزار شد.

در این مراسم که با حضور اعضای خانواده و بستگان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، دکتر روحانی و اعضای هیات دولت، دکتر علی لاریجانی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، آیت‌الله آملی لاریجانی و مقامات ارشد قوه قضائیه، آیت‌الله جنتی و اعضای مجلس خبرگان رهبری، مسئولان کشوری و لشکری و قشرهای مختلف مردم برگزار شد، ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید تلاوت شد و در ادامه ذاکران اهل بیت (علیهم السلام) به مداحی و ذکر مصیبت پرداختند.

در ادامه این مراسم آیت‌الله موحدی‌کرمانی در سخنانی، ایمان به خدا و ایستادگی در راه حق را مهمترین ویژگیِ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دانست و افزود: «ملت قدرشناس ایران هرگز مبارزات آن یار دیرین امام و رهبری در مقابل طاغوت‌های زمان یعنی رژیم پهلوی و جبهه استکبار و همچنین خدمات و مسئولیت‌های او در مقاطع مختلفی مانند دفاع مقدس، مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام را از یاد نخواهند برد.»

دانشگاه آزاد میزبان مراسم سومین روز ارتحال آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

به مناسبت سومین روز درگذشت یار دیرین امام و رهبری، مراسم بزرگداشتی به دعوت مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی در مسجد امام علی (ع) واحد علوم و تحقیقات

و با حضور خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، یادگار امام، مقامات لشکری و کشوری، چهره های سیاسی و فرهنگی و ورزشی کشور و آحاد مردم برگزار شد.

در این مراسم پس از قرائت آیاتی از کلام الله قرآن مجید و نوحه‌خوانی و مدیحه‌سرایی از سوی مداح اهل بیت، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدرضا اکرمی، رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری گفت: «اتفاقی که روز گذشته در خیابان انقلاب و حرم امام (ره) در تشییع و تدفین آیت‌الله هاشمی افتاد بعد از رحلت امام و تشییع ایشان بی‌سابقه بود».

ایشان با تجلیل از حماسه حضور مردم در مراسم تشییع پیکر یار دیرین انقلاب و امام گفت: «مراسم چند میلیون نفری تشییع پیکر روز گذشته را باید مورد تحلیل علمی، سیاسی و قرآنی قرار گیرد. رویدادی که دیروز در دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف آن رخ داد، نشان داد که این تشییع پیکر پس از ارتحال امام و تشییع ایشان تاکنون باشکوه‌ترین بدرقه بوده است».

او افزود: «یکی دیگر از ویژگی‌های این مراسم حضور مردم از همه طبقات، گروه‌ها و اقشار مختلف مردم از سراسر ایران و نه تنها تهران بود. نکته دیگر این مراسم، گذاردن نماز بر پیکر آیت‌الله هاشمی از سوی مقام معظم رهبری بود. پیام ایشان برای ارتحال آیت‌الله هاشمی نیز حاوی نکات بسیاری بود، به طوری که بعد از رحلت امام خمینی(ره) پیام بی‌بدیل و بی‌نظیر رهبر معظم انقلاب برای هیچ شخصیت دیگری اینگونه صادر نشده بود.»

رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری به نکات گنجانده شده در پیام مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: «رهبر معظم انقلاب در این پیام از رفاقت ۵۹ ساله خود با آیت‌الله هاشمی سخن گفتند، ۵۹ سالی که بیش از نیم قرن اخوت و برادری در فراز و نشیب‌های مختلف دوران انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد».

اکرمی به سابقه آشنایی خود با آیت‌الله هاشمی نیز اشاره کرد و گفت: «روزی وارد خانه امام(ره) شدم و دیدم که سربازی مقابل ایشان نشسته است که با لحنی محکم، قوی و مطمئن با امام مباحثه می‌کند، او سوالات خود را می پرسد و امام نیز به طور تفصیل به ایشان پاسخ می‌دهد.»

رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری به شاگردی آیت‌الله هاشمی در محضر استادانی چون علامه طباطبایی، آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی(ره) اشاره کرد و

افزود: «دوران تحصیل ایشان با فراست و کیاست همراه بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین دارای سابقه مبارزاتی درخشانی است به گونه‌ای که در جریان مبارزات انقلاب هفت بار به زندان رفته و تبعید شده بود و با به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های بسیاری از جمله ریاست قوه مقننه، ریاست قوه مجریه، ریاست مجلس خبرگان رهبری و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و... را بر عهده گرفت».

در این مراسم که با حضور همسر و فرزندان آیت‌الله هاشمی برگزار شد، اکرمی به روحیه شجاع آیت‌الله هاشمی در دوران جنگ تحمیلی اشاره کرد و گفت: «آیت‌الله هاشمی در هر صحنه‌ای که وارد شد، با مدیریت و تدبیر خود سرافراز بیرون آمد».

پلمپ دفتر آیت‌الله و مشاورانش در مجمع تشخیص... اعتراض فاطمه هاشمی به سرنوشت مبهم وصیت‌نامه پدرش

پس از ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، همگان منتظر بازگشایی وصیت نامه ایشان بودند. وصیت نامه ای که همه انتظار داشتند در آن به خیلی از اسراری که آیت‌الله تا روز آخر در سینه خود حفظ کرده بود، اشاره شده باشد.

پس از ابهاماتی که در محل دفن پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوجود آمد و منجر به تغییر چند باره محل دفن ایشان شد، سئوالی که ذهن خیلی از مردم کشور را به خود درگیر کرده بود این بود که مگر آیت‌الله وصیت نامه ندارد؟ از آنجا که آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی یکی از معدود سیاستمدارانی است که هر روز خاطرات روزمره خود را نگارش می کرد مردم بیشتر از اینکه ایشان به مسئله ای اینچنین مهم نپرداخته باشد به دیده شک و تردید می نگریستند زیرا مردم ایشان را شخصیتی آینده‌نگر می‌دانستند و در حقیقت این انتظار را خود آیت‌الله در مردم ایجاد کرده بود.

شاید به همین دلیل بود که شنیدن سخنان مهندس محسن هاشمی پسر ارشد آیت‌الله در تلویزیون مبنی بر اینکه «از پدرم وصیتی به جا نمانده است»، بسیار حیرت آور بود و به عبارتی ایشان آب پاکی را روی دست همگان ریخت.

هنوز مردم داغدار رحلت ناگهانی آیت‌الله‌هاشمی بودند که دفتر مشاوران ایشان در مجمع تشخیص مصلحت نظام بدون هیچ توضیحی پلمب شد.

یاسرهاشمی در توضیح این اقدام گفت: «یک کار نسنجیده‌ای در مجمع اتفاق

افتاد و در روز سوم فوت حاج آقا بدون هیچ دلیلی تمامی دفاتر را پلمب کردند و هر وقت هم جویا شدیم که دلیل این مساله چه بوده، اعلام کردند از بالا دستور رسیده است. حتی از دفتر مقام معظم رهبری نیز پیگیری کردیم که آنها هم گفتند ما چنین دستوری نداده‌ایم و آخر هم نفهمیدیم که این «بالا» کجا و چه کسی است! هیچ کس دلیل قانع‌کننده‌ای در این خصوص به ما نداد و با اینکار به مشاوران حاج‌آقا و بنده بی‌احترامی شد. حتی آقای شمخانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی هم به بنده گفتند که این کار بدون مجوز ما بوده و کتبا اعلام کرده‌ایم که پلمب باید باز شود.»

در ادامه این ابهامات در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور، این‌بار فاطمه هاشمی فرزند دیگر آیت‌الله از نگارش وصیت نامه جدید توسط آیت‌الله و خالی شدن گاوصندوق ایشان و بی اطلاعی از سرنوشت دومین وصیت‌نامه پدرش سخن گفت.

او در این رابطه گفت: «هنوز در مورد دلیل این مساله پاسخی به ما داده نشده است، اما برخی‌ها حدس می‌زنند که شاید اطلاعات مهم و محرمانه‌ای از نظام نزد ما وجود داشته و برای همین تعدادی از ما را ممنوع‌الخروج کردند. این در حالی است که نزد خاندان آیت‌الله‌هاشمی هیچ اطلاعات سری و مهم وجود ندارد. همان موقعی که پدرم فوت شدند، آقایان آمدند و هرچه بود و نبود را با خودشان برداشتند و بردند. آیت‌الله‌هاشمی در دفتر کارشان که مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده، مطالب مهمی را در گاوصندوق و چند کشو نگهداری می‌کردند و وقتی من به آنجا رفتم تا وسایل پدرم را به خانه بیاورم، با کشوهای خالی مواجه شدم و هیچ چیزی وجود نداشت. ما به دنبال وصیت‌نامه آیت‌الله هاشمی بودیم و پیش خودمان فکر کردیم که شاید وصیت‌نامه آنجا باشد، برای همین به دفتر کار ایشان رفتیم تا داخل کشو و گاوصندوق را ببینیم اما دیدیم که کشوها و گاوصندوق خالی است.»

ایشان درباره وصیت‌نامه‌ای که در صداو سیما از سوی برادرش قرائت شده می گوید: «وصیت‌نامه‌ای که در رسانه ملی توسط محسن قرائت شد، مربوط به سال ۷۹ است. یعنی آن وصیت‌نامه قدیمی بود و آیت‌الله‌هاشمی در آن نوشته بودند که «وصیت‌نامه بعدی را می‌نویسم»، اما بعد از کلی جست‌وجو، وصیت‌نامه بعدی هیچ وقت پیدا نشد. نه در منزل و نه در دفتر کار پدرم هیچ اثری از آن نبود. دقیقا به خاطر دارم که حدود ۴ یا ۵ سال پیش پدرم به همراه مادرم در حال نوشتن وصیت‌نامه‌ای بودند و حالا خیلی مشتاق هستیم بدانیم که آن وصیتنامه کجاست!»

سخنان تاریخی ناطق نوری در فراق یار دیرینش در مراسم هفتمین روز درگذشت آیت‌الله

مراسم هفتمین روز درگذشت مرحوم آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، یار دیرین امام (ره) و رهبری با حضور رئیس جمهور، رئیس دفتر مقام معظم رهبری، برخی اعضای دولت، بیت امام(ره)، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ائمه جمعه، شخصیت های سیاسی، فرهنگی و ورزشکاران، مقامات عالیرتبه لشکری و کشوری و همچنین جمع کثیری از مردم در حرم بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

همچنین در این مراسم مقام های مذهبی و بزرگان دینی سایر ادیان و مذاهب از جمله ارامنه و زرتشتی و کلیمی و بزرگان اهل سنت نیز حضور داشتند.

این مراسم در حالی برگزار شد که مردم قدردان کشور از اقصی نقاط کشور خود را به این مراسم رسانده بودند تا بار دیگر در سوگ و ماتم از دست دادن شخصیتی فرهیخته که همواره حامی آنان بود به عزاداری بپردازند. از ساعت ها پیش از شروع مراسم، حرم امام خمینی(ره) مملو از جمعیت دوستداران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. انبوه جمعیت به‌حدی بود که حجت الاسلام ناطق نوری، سخنران جلسه به زحمت توانست خود را از میان جمعیت به داخل حرم برساند.

این مراسم با قرائت قرآن کریم آغاز گردید و پس از آن مرثیه سرایی توسط مداحان اهل بیت(ع) انجام شد. ابتدا محسن طاهری از مداحان اهل بیت به ذکر مصیبت پرداخت و پس از وی نیز علی انسانی از دیگر مداحان، از مصائب اهل بیت علیهم‌السلام گفت.

محسن طاهری در سخنان کوتاهی که در بخشی از مداحی داشت، گفت: «هاشمی از آن همه رنج تهمت راحت شد. و ما هنوز نمی‌دانیم چه بلایی بر سرمان آمده است. گویی آیت‌الله هاشمی می‌دانست سفر نزدیک است و باید جان کلام را بگوید، برای همین گفت در تمام دنیا عاشق‌تر از من به رهبری نیست.»

پس از ایشان، حاج علی لسانی مداح اهل بیت که در زمان حیات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز بارها در حضور ایشان مدیحه سرایی می کرد، غزلی از حافظ به یاد آن مرحوم خواند و سپس با اشاره به روضه خوانی خود در حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، یادی از مصائب حضرت زهرا(س) کرد.

سپس حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر ناطق نوری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس دفتر بازرسی ویژه رهبری و یار دیرین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای عزادارن سخنرانی کرد.

ایشان سخنان خود را با این بیت شعر آغاز کرد که: «خوشا آنان که با عزت ز گیتی، بساط خویش برچیدند و رفتند» و در ادامه درگذشت رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام را به محضر امام زمان (عج)، امام خمینی(ره)، رهبر انقلاب، خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و به ویژه همسر ایشان تسلیت گفت و خانم عفت مرعشی، همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را، یار دوران مبارزه و دوران ناملایمات بعد از انقلاب خواند و گفت: «به شما ملت وفادار هوشیار و بیدار ایران نیز تسلیت عرض می کنم و از خداوند بزرگ برای آن شخصیت کم نظیر -اگر نگویم بی نظیر- علو درجات خواستارم.

ناطق نوری گفت: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نزد مردم عزیز است. هاشمی زنده است، چون امام(ره) فرمود: هاشمی زنده است، تا نهضت زنده است. من بیش از ۵۰ سال با این مرد بزرگ تاریخ معاصر بودم و در طول دوران مبارزه در قم، زندان و پیروزی انقلاب هم با ایشان بودم، پس آن صفاتی که درباره ایشان می گویم مشاهدات یقینی من است و می توانم شهادت بدهم کاری به غیر از برای خدا انجام نمی داد.»

وی ادامه داد: «از نمونه های کار برای خدا در نزد هاشمی این است که در سال های مبارزه، امام در نجف از ایشان خواست که به ایران نیاید، اما هاشمی به امام گفت: «نهضت و انقلاب به من احتیاج دارد و من باید به ایران بروم»؛ لذا آمد و دستگیر شد. قبل از انقلاب من برای ملاقات زندانیان رفتم. از یکی از زندانیان پرسیدم حال هاشمی چطور است. او گفت هاشمی را آنقدر شکنجه کرده اند که در بیمارستان است.»

ایشان با یادآوری نقش تاریخی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دوران دفاع مقدس و از خودگذشتگی ایشان در ماجرای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گفت: وقتی جنگ تمام شد و آنهم در زمانی که فرماندهی جنگ در شرایط سخت و بحرانی بود، در رابطه با قطعنامه، امام با هوشمندی بالا تمام زوایا را برای ما مجلسی ها نوشت و حاج احمد آقا در جلسه غیر علنی آن را خواند. امام فرمود که: «فرمانده سپاه آمده و گفته برای ادامه جنگ این مقدار سلاح، تانک و نیرو می خواهیم و از رئیس دولت خواسته شده که بگوید چقدر می تواند اینها را تامین کند که ایشان میگوید خزانه با مشکلات روبروست». امام این شرایط را در آن نامه به ما گفت. در چنین شرایطی هاشمی به

امام می گوید که : «اگر احساس می کنید آسیب می بینید و شرایط کشور، جنگ و منطقه اقتضاء می کند آتش بس را بپذیریم، اگر این کار برای شما مشکل است، من به عنوان فرمانده جنگ اعلام کنم و قطعنامه را بپذیرم و شما به عنوان فرمانده کل قوا دستور دهید مرا دستگیر، محاکمه و اعدام کنند، اما این انقلاب بماند.»

ناطق نوری، در سخنان خود به گریه افتاد و گفت: «کجا مانند هاشمی پیدا خواهیم کرد. از خصوصیات آیت‌الله هاشمی این بود که به شدت از ریا و دورویی بدش می آمد. هاشمی از دو چهره بودن متنفر بود اما متأسفانه امروز برخی‌ها هزار چهره هستند و هر طرف باد بیاید می چرخند و اینها آدم های بدی هستند»

ناطق نوری درس مهم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را صبر و مقاومت خواند و گفت: «من گاهی اوقات در این همه صبر و مقاومت این مرد می‌ماندم. هاشمی صبر را ذله کرده بود.»

ایشان با اشاره به حضور گسترده مردمی در همه مراسم‌های مربوط به درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سراسر کشور، گفت: «او هم با روش، منش و صحبتش آموزه‌هایی به ما می‌دهد و هم با فوتش. این اجتماع امروز، اجتماع مراسم تشییع، اجتماع مراسم ختم در دفتر رهبر انقلاب، اجتماع مردمی در مراسم قم و اجتماعات مراسم استان‌ها این موضوع را نشان نمی دهد؟وقتی قرار شد در این مجلس باشکوه سخنران باشم، فکر می کردم چه آیه ای از قرآن را که مناسب این مجلس و این شخصیت است، انتخاب کنم. به قرآن مراجعه کردم و دیدم چندین آیه آمد که اگر انسان کمترین دقتی هم داشته باشد می تواند بگوید مرحوم هاشمی مصداق این آیات است. آیا هاشمی مصداق آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا» نیست؟آیا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تاریخ درخشان زندگی اش، مصداق السابقون و انصار نیست؟».

وی به ذکر خاطره ای از سردار حاج قاسم سلیمانی پرداخت و گفت: «من وقتی برای مراسم تشییع رفتم نزدیک سردار بزرگمان حاج قاسم سلیمانی نشسته بودم و گوش می دادم که در پاسخ خبرنگاری می گوید: «هاشمی تا پایان همان بود که از اول بود. او تا آخر بر اصول پایبند بود حتی اگر بعضی اوقات تاکتیک ها را تغییر می داد. تاکتیک هاشمی تغییر می کرد اما استراتژی اش همان بود»، من به سردار سلیمانی ارادت داشتم، دارم و خواهم داشت و این پاسخ ارادت و علاقه مرا به

ایشان دو چندان کرد.»

ناطق نوری با اشاره به روزی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات سال ۹۲ رد صلاحیت شد، گفت: «آن روز سفرم را لغو کردم و به نزد ایشان رفتم. گفتم حالتان چطور است و چکار می خواهید بکنید؟ او در پاسخ به من گفت که وقتی برای ثبت نام رفته بودم جمعیت زیادی جمع شده بودند و مردم گریه می کردند. وقتی ثبت نام کردم پیش خودم گفتم که این استقبال مسئولیت سنگینی با این ویرانی کشور خواهم داشت، وقتی صلاحیتم رد شد، امشب آرام ترین شب های زندگی ام بود، چون هم وظیفه ام را انجام دادم و هم بار مسئولیت از دوشم برداشته شد.»

در بخش پایانی مراسم هفتمین روز ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حاج مهدی منصوری مداح اهل بیت به مدیحه سرایی پرداخت.

برگزاری مراسم یادبود آیت‌الله در شهرهای مختلف ایران و جهان

یکی از نکات قابل توجه در ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برجسته شدن بُعد بین المللی شخصیت ایشان است، به گونه ای که همزمان با نیمه افراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی ایران در سفارتخانه ها و نمایندگی های سیاسی ایران در خارج از کشور، سفرا و مقامات دیپلماتیک با حضور در این مراکز و امضای دفتر یادبود، نسبت به شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ادای احترام کردند.

پرچم ایران نیز در سفارتخانه ها و نمایندگی های سیاسی کشورمان در کشورهای مختلف نیمه افراشته شد و بسیاری از سفرا، دیپلمات ها و شخصیت های سیاسی جهان با حضور در سفارتخانه های ایران، دفتر یادبود ایشان را امضا و شخصیت و جایگاه بین المللی ایشان را مورد تمجید قرار دادند.

جمع زیادی از مقامات دیپلماتیک با حضور در سفارتخانه ها و مراکز سیاسی ایران از جمله در وین(اتریش)، بلگراد(صربستان)، سارایوو(بوسنی)، مکزیکو سیتی(مکزیک)، گوآنگجو و شانگهای و پکن(چین)، هانوی(ویتنام)، مادرید(اسپانیا)، آنکارا و استانبول(ترکیه)، باکو (آذربایجان)، کوالالامپور(مالزی)، اسلام آباد (پاکستان)، بیروت (لبنان)، دهلی نو و حیدر آباد و بمبئی (هند)، آکتائو (قزاقستان)، جاکارتا (اندونزی)، توکیو (ژاپن)، دمشق (سوریه)، کابل (افغانستان)، مسکو

(روسیه)، برونئی، زیمبابوه، استرالیا، کره جنوبی، دانمارک و... با ملت و دولت ایران ابراز همدردی کردند.

پس از اعلام رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، اقشار مختلف مردم سراسر کشور در استان ها، شهرستان ها و روستاها و حتی در مناطق عشایری، با برگزاری مراسم و برنامه های متعدد، ارادت خود را به این مبارز انقلابی به نمایش گذاشتند که می توان با اطمینان گفت بیش از بیست میلیون نفر در سراسر کشور در برنامه ها و مراسم متعدد ایشان شرکت داشتند.

مساجد، حسینیه ها، مصلی ها و تکایا و واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور میزبان مجالسی بودند که در تجلیل از مقام شامخ مردی که عمر خویش را در جهت تلاش برای برپایی نظام اسلامی و اعتلای نام وطن و آبادانی کشور و همچنین در جهت رفاه بیشتر مردم سرزمینش صرف کرد.

مراسمی که جلوه گر وحدت ملی، یعنی همان آرزوی دیرینه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شد و اغراق نیست اگر بگوییم ایران یکپارچه سوگوار از دست دادن منادی وحدت آفرین و سردار سازندگی‌اش شد.

اربعین آیت‌الله در حرم امام... روایت چهل روز تلخ

چهل روز از آن غروبی که خبر درگذشت آیت‌الله هاشمی همه را در بهت فرو برده و ایران را سیاه پوش کرده بود، می‌گذشت. اگرچه در ابتدا همه امید داشتند این خبر شایعه ای بیش نباشد و تکذیبش را آرزو می‌کردند، اما با کمال تاسف خبر درست بود و «امیرکبیر زمان» در شب شهادت «امیر کبیر» آسمانی شده بود و افسوس که دیگر«آیت‌الله» در میان ما نبود. «آیت‌الله » در روزهای سرد دی ماه آسمانی شده بود و دست بی رحم زمستان سرد، دلگرمی مان از لبخندهای گرم آیت‌الله را از ما گرفت.

مراسم چهلمین روز درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی(ره) روز پنج شنبه ۲۸ بهمن در کنار آرامگاه ابدی‌اش واقع در حرم امام(ره) برگزار شد.

این بار هم سیل مشتاقان و علاقمندان به ایشان از ساعت‌ها قبل روانه حرم امام شدند و چونان چهل روز گذشته، مردم قدرشناس ایران از سراسر کشور خود را به این مراسم رساندند تا تسلی خاطر بازماندگان آن عزیز سفر کرده باشند.

پس از قرائت کلام الله مجید، حجت‌الاسلام مجید انصاری معاون حقوقی رییس

جمهوری در این مراسم سخنرانی کرد و به بررسی ابعاد شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پرداخت.

انصاری اظهار کرد: «گرچه برپایی امکان گرامی داشت برای شخصیت‌های بزرگ به نشانه ابراز ادب و سپاس از زحمات آن‌ها است، درباره مردانی مانند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برگزاری مراسم‌های بزرگداشت و تکریم نه تنها نشان از ابراز ادب و سپاس از زحمات کسانی است که عمر خود را وقف مردم، اسلام و ایران کرده‌اند بلکه بازخوانی تاریخ انقلاب اسلامی و اهداف و آرمان‌هایی است که این مردان برای تحقق آن‌ها پروانه وار عمر خویش را صرف کرده‌اند.»

وی خاطر نشان کرد: امروز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از میان ما رفته‌اند اما صحیفه بلند و منظومه پرافتخار زندگی او که طی بیش از ۶۰ سال در عرصه‌های مختلف از جمله تعلیم و تهذیب نفس، مبارزه با استکبار و استبداد، خدمت رسانی به مردم و به حمایت و همراهی از امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب و تاسیس نهادهای نظام اداره کشور و اداره جنگ جان فشانی کرده است. هر صفحه از این کتاب مبارک و هر روز از زندگی پر بار و پرثمر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای آیندگان و کسانی که می‌خواهند انسان در تراز اسلام زندگی کند و در تراز انقلابی بودن امام انقلابی وار تا آخر بایستند و همچنین برای همه مدیرانی که می‌خواهند کشور را در بستر رشد آبادانی و عمران بسازند درس‌های فراوانی دارد.»

انصاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را پرورش یافته مکتب امام دانست و گفت: «آیت‌الله هاشمی را باید درخت تناور بنامیم که از سال ۳۷ در بوستان تربیتی امام خمینی (ره) رشد کرد و پرورش یافت و از ارکان اندیشه های امام (ره) و الهامات از مکتب او به قهرمانی ملی تاریخی و یک روحانی تاریخ ساز تبدیل شد.»

ایشان همچنین با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تصریح کرد: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از اخلاص که از مهمترین سرمایه های توفیق و پیروزی است برخوردار بود. زندگی او خودخواهی، خودبینی و خودستایی و هوای نفس نداشت. او برای خدا مبارزه و اقدام می‌کرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نه در هنگامی که در بالای تریبون نماز جمعه در برابر سیل احساسات پاک مردم و شعارهایی که در حمایت از او سرداده می‌شد خود را می‌باخت و نه در زمانی که در معرض تیرهای توهم و تخریب قرار می‌گرفت از مسیر اعتدال، طمانینه و آرامش خارج می‌شد.»

انصاری همچنین به فراز و نشیب های زندگی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اشاره کرد و گفت: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در طول حیات خود همواره با دشواری‌ها و فراز و فرودهای بسیاری مواجه بود که در این مسیر همسری صبور و بردبار ایشان را همراهی می‌کرد.»

وی با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی از هیچ چیز نمی‌هراسید، اظهار کرد: «در شرایطی که جنگ در کشور ما شرایطی بحرانی را به وجود آورده با همت و فداکاری آیت‌الله هاشمی و از خودگذشتگی ایشان بود که این جنگ به پایان رسید. گذشتن از جان سخت است اما سخت تر از آن گذشتن از آبروست. آقای هاشمی برای پایان جنگ آبرویش را در میان گذاشت و زخم زبان‌های بسیاری را برای ادامه راه انقلاب تحمل کرد.»

وی با تاکید بر اینکه معروف بود که در نزد آقای هاشمی نمی‌توان حرف بی‌حساب زد، اظهار کرد: «هرگاه کارشناسی در نزد آیت‌الله هاشمی می‌خواست سخن بگوید دست و پایش را گم می‌کرد چرا که معروف بود در نزد ایشان نمی‌توان حرف بی‌حساب زد و آمار بی‌هدف ارائه داد. ایشان همیشه سوال‌های دقیقی را می‌پرسید و درباره هر موضوعی بسیار فکر می‌کرد و ساعت‌ها در تنهایی‌اش نسبت به آینده کشور و برون رفت از مشکلات تفکر می‌کرد. او اهل گوش دادن به سخنان دیگران بود و من این خصوصیت ایشان را سالها بود که می‌دانستم. ایشان همواره به سخن مشاوران، مدیران و اعضای شوراهای بالادستی گوش فرا می‌داد.»

انصاری افزود: «من ۱۵ سال در مجمع تا روز ۱۹ دی ماه و ساعت ۱۲ ظهر در خدمت ایشان بودم و همه اعضای مجمع اذعان داشتند که آیت‌الله هاشمی با حوصله و با دقت بسیار همه حرف‌های حاضرین را می‌شنید آنقدر که حوصله دیگران از صبر و تحمل ایشان سر می‌رفت. آیت‌الله هاشمی تا زمانی که کسی صحبتی داشت به او اجازه می‌داد حرفش را بگوید و در مقابل کمتر سخن می‌گفت و بیشتر سئوال می‌کرد.»

معاون حقوقی رئیس‌جمهور با اشاره به تاثیرخطبه های آیت‌الله هاشمی در دوران های مختلف انقلاب اظهار کرد: «در دوران دفاع مقدس خطبه های آیت‌الله هاشمی کار چند لشکر را در ایجاد اعتماد به نفس و نیروبخشی به مردم انجام می داد. خطبه های او حکم آب حیات و چاه های زمزم را داشت که تشنگان اهل معرفت و تحلیل های سیاسی را سیراب می کرد.»

وی با اشاره به نقش موثر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بعد از رحلت امام در تعیین و استقرار رهبری اظهار کرد: «نقش آیت‌الله هاشمی بعد از رحلت امام (ره) در استقرار

رهبری و استحکام ولایت فقیه هم سنگ تمام زحمت‌ها و برخی ادعاهایی است که ممکن است عده ای داشته باشند. آقای هاشمی به همراه مرحوم سید احمد خمینی و نیز با همراهی مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی کاری کارستان کردند و کشور را از بروز بحران احتمالی بیرون کشانیده‌اند و آیت‌الله هاشمی نیز پای رهبری ایستاد و مشاوری امین برای او در راس دستگاه مشورتی رهبری که همان مجمع تشخیص است بود و در مجلس خبرگان نیز نقش خود را به خوبی ایفا کرد.»

انصاری با بیان اینکه نقش آیت‌الله هاشمی در دفاع از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم و صیانت از آرای ملت در تاریخ ایران ثبت شده است، گفت: «صبر آیت‌الله هاشمی بی نظیر و حاکی از ایمان و امید او به آینده بود. گاهی به ایشان می‌گفتند آیا این همه تهمت شما را از ادامه مسیر خسته نمی‌کند؟ که ایشان در جواب می‌گفت عزیزان من دل جای خدا و اولیای الهی است و قلب مومن مانند عرش رحمان است که نباید در آن کینه و لجاجت را راه داد. بنابراین شما نیز همه را حلال کنید و اگر کسی به شما بدی کرد برایش طلب استغفار کنید چرا که من همه کسانی را که بدی‌ای به من کرده‌اند را حلال کردم.»

انصاری افزود: «درست است که هاشمی بزرگ همه را حلال کرد اما آثار تخریب‌ها و بدگویی‌ها بر جای می‌ماند و در اعتقاد جوانان تاثیر می‌گذارد چه بسیار کسانی که آقای هاشمی را نمی‌شناختند اما با همین تخریب‌ها ذهنیتشان نسبت به ایشان خراب شد. این در حالی است که امروز چنین شرایطی وجود دارد و عده‌ای از شبکه-های اجتماعی برای نشر اکاذیب و تهمت‌ها استفاده می‌کنند در حالی که باید از ابزار علم در جهت رشد فضایل اخلاقی و زدودن رذایل اخلاقی استفاده کرد و اخلاق و انصاف را جایگزین تهمت‌ها و دروغ‌ها نمود.»

در این مراسم دکتر حسن روحانی، دکتر علی لاریجانی، حجت الاسلام محمدی گلپایگانی رییس دفتر رهبر انقلاب، یادگاران امام، اعضای هیات دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، اعضای شورای نگهبان، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت‌الله موسوی بجنوردی، آیت‌الله ری شهری، محسن رضایی، حجت الاسلام منتظری دادستان کل کشور، مقامات و شخصیت‌های لشگری و کشوری، فرماندهان سپاه و ارتش، چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، هنری، ورزشکاران و جمع کثیری از مردم قدرشناس کشور حضور داشتند.

تا ابد استوار

فصل دوازدهم

جمع بندی

همان‌گونه که در این کتاب مطالعه شد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از سال ۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره آماج هجمه‌های افراطیون قرار داشته است.

این افراطی‌گری‌ها به‌گونه‌ای بود که پس از پایان جنگ و به بهانه اینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی «جام زهر» را به امام خمینی (ره) تحمیل کرد، شدت گرفت و در دولت سازندگی با زیر سؤال بردن و کم جلوه نشان دادن خدمات شایسته ایشان در آباد کردن ویرانی‌های ناشی از جنگ ادامه یافت و در دوران اصلاحات هم با اعطای القابی نابجا «عالی‌جناب سرخ‌پوش»، «عالی‌جناب سیاه‌پوش»، «اکبر گنجی» و مقالات و اتهامات عباس عبدی ادامه یافت تا به دوران هشت سال دولت «بگم بگم» رسید.

نگاهی به‌تمامی این رخدادها بیانگر این موضوع است که استراتژی مخالفان هاشمی در طول این سالیان همواره بر پایه یک اصل بوده است: ناکارآمد نشان دادن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.

دلیل این استراتژی و حملات بی‌شمار رسانه‌ای و گفتاری علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در طول سالیان گذشته نیز مبین این برداشت است که: «جریان افراطی همواره از نفوذ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جامعه و بین مردم وحشت دارند».

ایشان در این زمینه می‌گوید: «آنچه به من در این مسائل کمک می‌کند، مسئله اعتدال است. تقریباً همیشه از نوجوانی و جوانی چه در روستا و چه در قم، در بحث‌ها و سخنرانی‌ها معتدل حرکت می‌کردم. در مبارزه هم این‌گونه بودم. آن‌قدر معتدل بودم که اواخر مبارزه، منافقین و کسانی که می‌خواستند خیلی تند باشند با من درگیر شده بودند. روحیه اعتدال به من کمک می‌کرد مسئولیت اجرایی کشور را که به عهده گرفتم، به این شکل زمینه عمل‌گرایی برایم خیلی آسان شود؛ یعنی طبیعت اصلی من عمل‌گرایی بود. ضمن اینکه به خاطر عقاید و تحصیلاتی که دارم، عقایدم را همیشه اصل قرار می‌دهم. عقایدم هیچ‌وقت مرا تشویق به افراط‌گرایی نمی‌کند. هر دو جناح سیاسی موسوم به راست یا چپ آن موقع با تعبیراتی که بود، با کارهای افراطی‌های آنها سازگار نبودم و نیروهای معتدل و عمل‌گرا می‌توانستند همکار من باشند».

ایشان معتقد است، در سیاست خارجی دوست دائمی و دشمن دائمی وجود ندارد. آنچه دائمی است منافع ملی است. بر همین مبنا ایشان در سال‌های آخر حیات امام خمینی (قدس ره) نامه‌ای را نوشته و به‌صورت محرمانه خدمت حضرت امام برد. در آن نامه هفت موضوع را با امام مطرح کرد و از ایشان تقاضا داشت که بهتر است در

زمان حیات خود آنها را حل کند چراکه در غیر این صورت ممکن است در آینده به معضل سر راه کشور تبدیل شود. گردنه‌هایی که اگر امام از آن عبور نکند ممکن است عبور از آن، بعد از حیات ایشان مشکل باشد.

یکی از این مسائل رابطه با آمریکا بود. در این نامه خدمت حضرت امام نوشتند: «بالاخره سبکی که الان داریم که با آمریکا نه حرف بزنیم و نه رابطه داشته باشیم، قابل‌تداوم نیست. آمریکا قدرت برتر دنیا است. مگر اروپا با آمریکا، چین با آمریکا و روسیه با آمریکا چه تفاوتی از دید ما دارند؟ اگر با آنها مذاکره داریم، چرا با آمریکا مذاکره نکنیم؟ معنای مذاکره هم این نیست که تسلیم آنها شویم. مذاکره می‌کنیم اگر مواضع ما را پذیرفتند یا ما مواضع آنها را پذیرفتیم، تمام است».

این روحیه اعتدال و فرهنگ گفتمان از دیرباز در روحیات هاشمی رفسنجانی وجود داشته و رمز ماندگاری و موفقیت سیاسی ایشان می‌باشد. ایشان در سیاست داخلی نیز معتقد به مشی گفتمان و پرهیز از افراطی‌گری بود.

بدون شک یکی از رموز ماندگاری و پایه هاشمی در عرصه سیاست و محبوبیت روزافزون ایشان در این عرصه ترد افکار عمومی همراهی و هم‌رأیی همیشگی ایشان با مردم و توجه به مطالبات مردم و پی گیری مردم توسط ایشان باید دانست.

بعضاً هزینه‌های سنگینی نیز توسط افراطیون در این زمینه به ایشان وارد شده است. خود ایشان در این زمینه می‌گوید: «باید روی مردم حساب کرد. اگر بخواهیم بدون مردم کار کنیم همه‌چیز در بن‌بست قرار می‌گیرد؛ اما اگر با مردم کار کنیم همه‌چیز باز می‌شود و می‌تواند جلو برود».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای انقلاب از معدود سیاستمدارانی بود که به هیچ جریانی وابستگی سیاسی نداشت و همواره جریان‌های سیاسی سعی می‌کردند مشکلات خود را با محوریت ایشان حل کنند. اگرچه برخی اصلاح‌طلبان دهه ۸۰ و چه برخی از اصولگرایان دهه ۹۰ هاشمی رفسنجانی را به‌عنوان یک سد محکم در برابر اهداف خود می‌دیدند ولی آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز علیرغم تمام تهمت‌ها و هجمه‌های ناجوانمردانه که علیه ایشان صورت می‌گرفت تنها یک راهکار در پیش می‌گرفت: صبر.

اصلی که می‌توان آن را عامل اصلی ماندگاری و محبوبیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دانست.

یکی از مواردی که همواره خشم افراطیون را نسبت به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برافروخته و آن را همچنان در نگاه آنها شعله‌ور داشته و عامل هجمه‌ها به ایشان قرار داده، همراهی و احترام به رأی مردم بوده است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای انقلاب تاکنون صیانت و حفاظت از آرا و نظرات مردم را به‌عنوان یک اصل برای جمهوری اسلامی دانسته و بر آن اصرار و تأکید داشته است.

ایشان مهم‌ترین شرط حکومت بر مردم را رعایت اعتدال در حکمرانی می‌داند و معتقد است که: «افکار عمومی و مردم به علت اینکه در انتخاب خود کمتر اشتباه می‌کنند محق‌ترین جایگاه را در تعیین حاکمان خود دارند و از همین رو در اسلام جایی برای تحمیل رأی بر مردم وجود ندارد و اتکا به قدرت مردم از صدر اسلام تاکنون همواره با موفقیت همراه بوده است و در طول تاریخ پیوستن به اقیانوس مردم نتیجه‌ای جز پیروزی به همراه نداشته است و ما باید مردم را حفظ کنیم.» هرچند بداخلاقی‌ها و تندروی‌های ناشی از بی‌تقوایی و تندرویی‌های سیاسی همواره خط تخریب اندیشه مبتنی بر اعتدال ایشان را در طول سالیان گذشته را به همراه داشته است اما رمز ماندگاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را باید در حقانیت مشی اعتدال دانست.

نگاهی به موضع‌گیری‌ها و بیانات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نگاهی از تعجب را برمی‌انگیزاند چراکه جامعیت کلام ایشان به‌گونه‌ای است که گویا همیشه در آینده گام برمی‌دارد.

ایشان که ازقضا یکی از معدود علمای شیعه مورداحترام اهل سنت هستند در کنفرانس وحدت اسلامی نزدیک به بیست سال قبل به شیعه و سنی هشدار داده بود که «اگر دست از اختلاف و اهانت به چهره‌های موردعلاقه یکدیگر برندارند به‌یقین به برادرکشی می‌رسند.» و امروز با بروز گروه‌هایی چون داعش و وقایع سوریه و یمن و بحرین و عراق، شاهد تحقق پیش‌بینی هوشمندانه ایشان هستیم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تمام سال‌های پس از انقلاب تمام همت خویش را صرف تبین نظام ارزشی و اصلاح ساختار و پرهیز از تندروی و افراط و پیاده کردن فرهنگ گفتمان اعتدال در کشور کرده است. ایشان به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین یاران امام راحل به‌خوبی با مکتب فکری امام آشناست و امروز با نصب‌العین قرار دادن

حقوق اساسی مردم که همواره مورد تأکید امام راحل بود سعی در پاسداری از مکتب فکری امام و جلوگیری از انحراف آن توسط افراطیون داشت. اقدام و رویکردی که باعث شد در طول سال‌های اخیر مورد هجمه توپخانه‌های افراطیون قرار گیرد.

اما صبر و رویکرد اعتدالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در برابر جریان تندرو که هرروز بر فشار و حرمت‌شکنی خویش نسبت به یار دیرین امام و رهبری می‌افزایند، باعث شده است تا نتیجه‌ای معکوس عایدشان شود.

جریان انتخابات سال ۹۲ و پیروزی دکتر روحانی به‌عنوان نزدیک‌ترین یار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری و شکست گفتمان تندروی و افراطی‌گری به‌خوبی نشان از اقبال بالای مردمیِ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و بی‌اثر بودن تبلیغات منفی علیه ایشان توسط افراطیون است.

در روند انتخابات هفتم اسفند ۹۴ نیز مردم و جناح‌های سیاسی با اعتماد بالا به تصمیمات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای اولین بار دست به ائتلاف موردنظر ایشان زدند و با پرهیز از سهم خواهی‌های رایج و در سایه وحدت ملی توانستند پیروزی تاریخی خود را رقم بزنند.

پیروزی که منجر به شکست گفتمان افراطی‌گری در کشور گردید و مجوز نگارش این مطالب را پس از هشت سال سکوت صادر کرد.

بی‌تردید گذشت زمان ابعاد شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بیش از پیش نمایان خواهد ساخت. به گونه‌ای که پس از درگذشت ایشان، اندوه یاران انقلاب و امام (ره) حتی افرادی که عامدانه تا پیش از مرگ از هیچ حربه‌ای برای تهمت و افترا به ایشان دریغ نمی‌کردند نشان داد آیت‌الله هاشمی با درگذشت از دنیای فانی، تمام ناشدنی هستند تا بی نهایتِ تاریخ بر دیوان ایران اسلامی خواهد درخشید و همانگونه که امام خمینی (ره) فرمودند: «نهضت و انقلاب زنده است تا آیت الله هاشمی رفسنجانی زنده است».

در تاریخ انقلاب اسلامی حضور ۴۰ ساله فردی با مسئولیت‌های خطیر و مهم و متعدد و با کارنامه‌ای درخشان در سمت‌های مختلف کم‌نظیر یا حتی بی‌نظیر است که آیت الله هاشمی رفسنجانی به این مهم دست یافته‌اند. پس از درگذشت اندوهبار ایشان بی‌تردید جامعه ایران اسلامی به ویژه جوانان نیازمند شناخت منش، رفتار، کردار و صبر ایشان است. البته شناسایی تمامی زوایای شخصیتی ایشان زمان‌بر و نیازمند

تحقیق و بررسی ابعاد مختلف زندگی آیت الله هاشمی رفسنجانی است که ورود به آن دریچه‌های بیشتری از این وجه‌ها را باز خواهد کرد و تاثیرگذاری شخصیت ایشان بر افراد و نیروها و نهادهای انقلاب اسلامی ایران را نمایان خواهد ساخت.

کمتر شخصیتی را در تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان یافت جاذبه‌ای تمام‌گرایانه و جامع داشته باشد به طوریکه از محبوبیت فراگیر بین اقشار مختلف اعم از جوانان، بانوان، فرهیختگان، صنعتگران، بازاریان، روحانیون و سیاستمداران چه در داخل کشور و چه در جامعه بین‌الملل علی‌الخصوص منطقه برخوردار باشد.

یکی از وجه‌های شخصیتی آیت الله هاشمی رفسنجانی پایبندی بلاتردید و محکم ایشان به انقلاب اسلامی و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی بود به گونه‌ای که باعث شده بود تا نگاه ایشان به حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی، دیدگاهی متفاوت باشد. دیدگاه آیت الله هاشمی رفسنجانی در خصوص کارآمدی حکومت اسلامی مبتنی بر عقل و استدلال بود و بر همین اساس بود که شرایط اداره امور در زمان مدیریت ایشان به گونه‌ای مطلوب بود. بسیاری شخصیت آیت الله هاشمی رفسنجانی را وجهه سیاسی و عملیاتی ایشان در زمان مسئولیت‌های مختلف دنبال می‌کنند و از بُعد علمی و فقهی ایشان غافل می‌شوند. وجهی که به جرات می‌توان آن را از بارزترین وجهه‌های شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دانست. مباحث تفسیر قرآن آیت الله هاشمی رفسنجانی همواره بسیار متفکرانه و عمیق بود. ایشان همواره در کنار تفسیر اعتقادی قرآن به موارد مهمی چون کرامت و حقوق انسان، عدالت اجتماعی و آزادی تاکید داشتند. تفاسیری که از عمق نگاه ایشان به مسائل قرآنی و آموزه‌های دینی خبر می‌دهد. ایشان در سال‌های متمادی نیز به عنوان حامی اصلی آزاداندیشی در جامعه به ویژه در فضای دانشگاهی بودند و به شدت بر این امر تاکید داشتند.

یکی دیگر از ابعاد شخصیتی آیت الله هاشمی رفسنجانی را در شجاعت ایشان می‌توان جستجو کرد. تحمل زندان‌ها و شکنجه‌های سخت در زمان طاغوت، خروج از کشور و همبستگی با نیروهای چریك مسلمان خارج از کشور، حضور مستمر در جبهه‌های جنگ تحمیلی، ایستادگی در برابر اقدامات خصمانه و ترور کورکورانه ایشان و صبوری در برابر تهمت‌ها و افتراها، هرکدام بخشی درخشان از شجاعت و دلاوری ایشان است.

در سال‌های پس از انقلاب آیت الله هاشمی رفسنجانی را می‌توان از ارکان مهم و

اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. ایشان را می‌توان نزدیك‌ترین فرد به امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی دانست که همواره مورد وثوق و امانت رهبری بودند؛ البته این همراهی و همفکری به معنای اطلاعت محض و بی چون و چرا نبود چرا که اگر جایی الزام می‌کرد ایشان در جهت مصلحت انقلاب و نظام، نظری مخالف امام (ره) را با صراحت و احترام به عنوان مشورت ارائه می‌کردند که این خود شکل کاملی از ولایتمداری بود که از سوی آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان الگو ارائه شد.

نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی آنچنان در دوران مبارزه با رژیم ستم¬شاهی پررنگ و اثرگذار بود که می‌توان یکی از بارزترین و آشناترین چهره‌های پس از انقلاب در قالب شورای انقلاب را می‌توان شخص ایشان دانست که نامشان برای بسیاری از مردم آشنا بود و اقدامات متعاقب آن نیز باعث شد تا با استقبال پرشور مردم در پذیرش ایشان و انتخاب در مسئولیت‌های مهم دیگر همچون ریاست مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری همراه شود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی برخلاف آنچه که معاندان ایشان به غرض بیان می‌کنند، همواره ولایتمدار بوده و بر مبنای اصول ولایت حرکت می‌کردند؛ البته منش ایشان همواره این مهم را تاکید داشت که ولایتمداری با ولایت معاشی فرق دارد. نوع ولایتمداری آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز می‌تواند به عنوان الگو و نمونه‌ای در مسیر ولایت بررسی و تفسیر شود و مورد مطالعه قرار گیرد. در طول یك دهه اخیر برخی معاندان به دنبال این بودند تا رابطه میان آیت الله هاشمی رفسنجانی و مقام معظم رهبری را تیره و تار و اختلاف نظرها به عنوان اختلاف جدی نشان دهند که گذر زمان نشان داد ایشان تنها به مانند دوران امام خمینی (ره) نظرات خویش را با صراحت و در کمال احترام در جهت مصلحت انقلاب و مردم و رهبری بیان می‌کنند.

متاسفانه شخصیت و جایگاه آیت الله هاشمی رفسنجانی به گونه‌ای بود که همواره مورد تهمت‌ها و افتراهای دوستان دشمن‌مآب و دشمنان کینه‌توز قرار می‌گرفتند. تهمت‌ها که تنها یك پاسخ را از جانب ایشان به همراه داشت؛ صبر و سکوت. صبر و سکوتی که می‌توان آن را شاخصه مهم و بارز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دانست. یکی از این تهمت‌ها شایعه فرار خانواده ایشان از کشور بود که با گذشت ۴۰ سال و پس از درگذشت ایشان نمایان شد، ناجوانمردان تهمتی ناروا به ایشان و خانواده محترمشان

نسبت داده‌اند. یکی دیگر از تهمت‌هایی که به ایشان نسبت داده می‌شد گریز از قانون به واسطه عدم بررسی پرونده فرزند ایشان بود که این افترا نیز با بررسی پرونده مهدی هاشمی بدون هیچگونه اغماض، نافرجام باقی ماند. یکی دیگر از تهمت‌های ناصواب وارده شده به ایشان را دوری جستن از مردم بود که البته گذر زمان و مطالعه تاریخ سال‌های آخر عمر آیت الله هاشمی رفسنجانی و حضور پرشور مردم در تشییع پیکر مطهر ایشان نشان داد پیوند آیت الله هاشمی رفسنجانی با مردم نه تنها گسسته نشده است بلکه از عمق بیشتر نیز برخوردار گشته است چراکه هدف و رویکرد ایشان همواره رفاه حال مردم و هموطنان ایران اسلامی بوده است و همواره در این مسیر از ذره‌ای تلاش غفلت نکرده‌اند. یکی دیگر از تهمت‌هایی که به آیت الله هاشمی رفسنجانی و خانواده ایشان نسبت داده می‌شد املاك نجومی متعدد بود در حالیکه پس از درگذشت ایشان مشخص شد این سخنان محلی جز افترا ندارد و برعکس، بخش عمده‌ای از دارایی ایشان که قبل از انقلاب نیز در اختیار ایشان بود صرف نهضت و انقلاب اسلامی شد. در سال‌های پایانی عمر آیت‌الله هاشمی نیز موضوعاتی کاملاً ناصواب همچون در اختیار داشتن املاکی در جزیره کیش و یا مخالفت با پیشرفت برنامه موشکی مطرح شد که به تلاش رسانه‌های معاند مخالف ایشان و حجم توان آنان در شبکه‌های اجتماعی به شدت بازنشر یافت و دست به دست چرخید. اتهاماتی که به راحتی می‌توان پاسخ آنها را یافت. شخصی که خود پایه‌گذار توسعه کشور به ویژه ایجاد مناطق آزاد اقتصادی به خصوص توسعه جزیره کیش و شناساندن آن به جهانیان بود چگونه با یك سفر می‌تواند صاحب دارایی آنچنانی در این جزیره باشد. همچنین چگونه ممکن است شخصی که در زمان جنگ از پایه‌گذاران اصلی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران بوده و در زمان ریاست جمهوری نیز با تخصیص به موقع بودجه از حامیان آن به شمار می‌رفته امروز به مخالفت با پیشرفت این برنامه برخیزد.

توجه آیت الله هاشمی رفسنجانی به امور بانوان و جوانان نیز یکی دیگر از ابعاد مهم شخصیتی ایشان در طول دوران زندگی و پذیرش مسئولیت‌های مختلف است. تشکیل سازمان ملی جوانان، پیگیری و پیشبرد امور ورزش بانوان و حضور این قشر در عرصه‌های مختلف اجتماعی بر اساس الگوی ایرانی-اسلامی از اقدامات مثبت و توسعه‌گرایانه آیت الله هاشمی رفسنجانی بود که یادگاری ماندگار از ایشان در توسعه فرهنگی – اجتماعی ایران اسلامی برجای گذاشت.

درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی ضایعه‌ای ناگوار و غیرقابل جبران برای انقلاب اسلامی ایران و ملت بود. ملتی که با حضور پرشور توام با شعور خود در بدرقه ایشان تا جایگاه ابدی، وداعی شکوهمندانه از دیدار آخر با ایشان برجای گذاشتند. تشییع پیکر مطهر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حضور چشمگیر مردم در این مراسم نشان داد توطئه‌های دشمنان و هدف معاندان در پیشبرد پروژه اتهام‌زنی به ایشان ناکام مانده و خداوند شخصی را که بخواهد به عزت می‌رساند و عزت وی نیز با هیچ حربه و نیرنگی پاك شدنی نخواهد بود. حضور مردم در تشییع پیکر آیت الله هاشمی رفسنجانی همچنان نشان داد که مردم شخصیت خدمتگزار و همراه خود را به رغم کارشکنی و افتراهای ناصواب، به درستی می‌شناسند و تفاوت بین خدمتگزار مردمی و مردم فریب شعارگو را به خوبی درك می‌کنند. بی‌تردید فقدان آیت الله هاشمی رفسنجانی خلاء بزرگی است که هیچ‌گاه و با حضور هیچ شخصیت دیگری پُر نخواهد شد. انقلاب اسلامی ایران و ملت بزرگوار ایران اسلامی یکی از بزرگترین حامیان و رهبران واقعی خویش را با درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی از دست داد. دشمنان داخلی و خارجی در فقدان این یار محبوب امام (ره) و رهبری و یاور مردم، تلاش خواهند کرد تا با تمام ابزارها و از طریق تفرقه‌افکنی انقلاب اسلامی و یادگار امام‌خمینی (ره) و آیت الله هاشمی رفسنجانی و شهدا را به بیراهه بکشانند و در این مسیر از هیچ حیله و نیرنگی نیز فروگذار نخواهند کرد؛ اقداماتی که در مقابل آن باید راهکارهایی اساسی در پیش گرفت. شناخت ابعاد شخصیتی آیت الله هاشمی رفسنجانی به ویژه در حفظ وحدت جامعه و مردم و مسئولین را می‌توان پررنگ‌ترین محور در ناکارآمد کردن توطئه‌های دشمنان در دوران پسا هاشمی دانست که حرکت در مسیر آن، آینده‌ای روشن برای فردا انقلاب اسلامی و این مرزوبوم رقم خواهد زد.